



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



مؤتمر بین‌المللی اقتصاد اسلامی و توسعه

عملکرد مجامع بین‌المللی در عرضه جهانی

بررسی ساختار و عملکرد سازمان ملل متحد

مهدی اسماعیلی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عملکرد مجامع بین المللی در عرصه جهانی

نویسنده:

مهدی اسماعیلی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	عملکرد مجامع بین المللی در عرصه جهانی
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۳	دیباجه
۱۶	پیش گفتار
۲۰	بخش اول: کلیات
۲۰	تاریخچه و مشخصات سازمان های بین المللی
۲۷	شخصیت حقوقی بین المللی سازمان ها و طبقه بندی آن ها
۲۷	۱. شخصیت حقوقی سازمان های بین المللی
۳۰	۲. طبقه بندی سازمان های بین المللی
۳۳	بخش دوم: سازمان ملل متحد
۳۳	فصل اول: سازمان ملل متحد در نظریه و عمل
۳۳	گفتار اول: پیدایش سازمان ملل متحد
۳۴	گفتار دوم: اهداف و اصول سازمان ملل متحد
۳۷	گفتار سوم: عملکرد سازمان ملل متحد در مسئله خلع سلاح
۳۷	اشاره
۴۰	۱. خلع سلاح اتمی
۴۰	الف) مسابقه تسلیحات هسته ای
۴۲	ب) معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای
۴۵	۲. خلع سلاح شیمیایی و بیولوژیک
۴۵	الف) قطع نامه ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد و پروتکل ۱۹۲۵ ژنو
۴۶	ب) موارد نقض پروتکل
۴۹	فصل دوم: ارکان اصلی سازمان ملل متحد و عملکرد آن ها در سطح بین الملل

۴۹ اشاره
۵۰ گفتار اول: شورای امنیت
۵۰ اشاره
۵۰ ۱. ساختار شورای امنیت
۵۱ ۲. وظایف و حدود صلاحیت شورای امنیت
۵۴ ۳. شورای امنیت و حقوق بشر
۵۷ ۴. بررسی اقدامات شورای امنیت درباره مسایل ایران
۵۸ ۵. مداخله بشر دوستانه شورای امنیت و تحلیل آن از منظر حقوق بین الملل
۵۸ اشاره
۵۹ نگاه اول _ کاربرد گسترده سلاح های شیمیایی
۶۴ نگاه دوم _ حمله به مناطق مسکونی
۶۵ نگاه سوم _ تهدید امنیت هوانوردی غیر نظامی
۶۷ نگاه چهارم _ انهدام آثار تاریخی و فرهنگی و بدرفتاری با اسیران جنگی
۶۷ مورد اول _ کردستان عراق
۷۱ مورد دوم _ هاییتی (بحران هاییتی و به خطر افتادن دموکراسی)
۷۴ مورد سوم _ سومالی
۷۴ اشاره
۷۴ الف) نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل در سومالی (UNOSOMI)
۷۶ ب) نیروهای مسلح به فرماندهی امریکا
۷۸ ج) نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد در سومالی (UnosomII)
۷۹ مورد چهارم _ رواندا
۸۱ مورد پنجم _ بوسنی و هرزه گوین
۸۳ مورد ششم _ عراق
۸۳ اشاره
۸۳ الف) نقض حقوق بشر به دست دولت حاکم بر عراق
۸۴ ب) نقض حقوق بشر به دست امریکا

۸۴	مورد هفتم _ فلسطین
۸۷	مورد هشتم _ افغانستان
۸۷	اشاره
۸۷	نگاه نخست _ نقض حقوق بشر در جنگ های داخلی
۸۸	نگاه دوم _ نقض حقوق بشر به وسیله طالبان
۹۰	نگاه سوم _ نقض حقوق بشر در حمله امریکا به افغانستان
۹۶	۶ . حق وتو
۹۶	اشاره
۹۷	الف) فلسفه واگذاری حق وتو
۹۷	ب) دلایل موافقان و مخالفان حق وتو
۱۰۰	گفتار دوم: مجمع عمومی (General Assembly)
۱۰۰	۱. اعضا و اختیارات مجمع عمومی
۱۰۳	۲. آثار حقوقی قطع نامه های مجمع عمومی
۱۰۵	۳. بررسی عملکرد مجمع عمومی
۱۰۵	اشاره
۱۰۶	الف) ایجاد ارکان فرعی
۱۰۶	ب) تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین الملل
۱۰۷	ج) انتخاب دبیر کل سازمان ملل متحد
۱۰۹	گفتار سوم: دیوان بین المللی دادگستری (International Court Of Justice)
۱۰۹	۱. ساختار و تشکیلات دیوان بین المللی دادگستری
۱۱۱	۲. صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری و ضمانت اجرای احکام آن
۱۱۱	اشاره
۱۱۲	الف) صلاحیت ترافیعی
۱۱۵	ب) صلاحیت مشورتی
۱۱۷	۳. ایران و دیوان بین المللی دادگستری
۱۱۷	اشاره

۱۱۹	الف) جریان رسیدگی
۱۱۹	ب) سیر رسیدگی ماهوی قضیه گروگان گیری
۱۲۲	ج) رأی دیوان
۱۲۷	گفتار چهارم: دبیرخانه
۱۲۷	اشاره
۱۲۹	۱. تریگو لی،
۱۳۱	۲. داگ هامر شولد،
۱۳۲	۳. اوتانت،
۱۳۴	۴. کورت والداهایم،
۱۳۶	۵. خاویر پرز دوکوئیبار،
۱۳۹	۶. پتروس غالی،
۱۴۱	۷. کوفی عنان،
۱۴۲	گفتار پنجم: شورای اقتصادی و اجتماعی (Council Economic And Social)
۱۴۲	۱. ساختار و صلاحیت شورای اقتصادی و اجتماعی
۱۴۴	۲. وظایف شورای اقتصادی و اجتماعی
۱۴۴	اشاره
۱۴۵	الف) همکاری با سازمان های تخصصی
۱۴۶	ب) تشکیل کنفرانس های بین المللی
۱۴۶	گفتار ششم: شورای قیمومت
۱۴۶	اشاره
۱۴۷	الف) نظام قیمومت
۱۴۹	ب) شورای قیمومت
۱۵۲	فصل سوم: ارکان فرعی سازمان ملل متحد
۱۵۲	اشاره
۱۵۳	۱. ارکان فرعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد
۱۵۳	اشاره

- ۱۵۴ ----- فعالیت های کمیسیون
- ۱۵۸ ----- رابطه ایران با یونیسف
- ۱۶۰ ----- ۲. ارکان فرعی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد
- ۱۶۳ ----- ۳. ارکان فرعی شورای امنیت سازمان ملل متحد
- ۱۶۳ ----- اشاره
- ۱۶۴ ----- الف) عملیات حفظ صلح ملل متحد
- ۱۶۸ ----- ب) کمیته ستاد نظامی
- ۱۷۱ ----- فصل چهارم: مؤسسه های تخصصی
- ۱۷۱ ----- اشاره
- ۱۷۶ ----- ۱. مؤسسه های فرهنگی، اجتماعی و بهداشتی
- ۱۷۶ ----- اشاره
- ۱۷۶ ----- الف) سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو)
- ۱۷۶ ----- اشاره
- ۱۸۵ ----- اول _ کنفرانس عمومی
- ۱۸۶ ----- دوم _ شورای اجرایی
- ۱۸۷ ----- سوم _ دبیرخانه
- ۱۸۸ ----- ب) سازمان بهداشت جهانی
- ۱۹۴ ----- ج) سازمان بین المللی کار
- ۲۰۹ ----- ۲. مؤسسه های پولی و بانکی
- ۲۰۹ ----- الف) گروه بانک جهانی
- ۲۱۷ ----- ب) صندوق بین المللی پول
- ۲۲۵ ----- ۳. مؤسسه های ارتباطی و خدماتی
- ۲۲۵ ----- الف) سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری (ایکاتو)
- ۲۳۰ ----- ب) سازمان جهانی مالکیت آثار فکری (وای پو)
- ۲۳۶ ----- فصل پنجم: مؤسس ه های مستقل و مرتبط با سازمان ملل متحد
- ۲۳۶ ----- اشاره

- ۲۳۶ ۱. سازمان تجارت جهانی
- ۲۳۹ ۲. آژانس بین المللی انرژی اتمی
- ۲۴۹ بخش سوم: همراه با برنامه سازان
- ۲۴۹ اشاره
- ۲۵۱ پرسش های مردمی
- ۲۵۴ پرسش های کارشناسی
- ۲۵۸ معرفی پایگاه های اینترنتی
- ۲۶۲ کتاب نامه
- ۲۷۱ درباره مرکز

سرشناسه: اسماعیلی، مهدی، ۱۳۵۹ -، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: عملکرد مجامع بین المللی در عرصه جهانی: بررسی ساختار و عملکرد سازمان ملل متحد/ [گردآوری] مهدی اسماعیلی؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری: [۲]، ۲۳۱ ص.: جدول.

فروست: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۷۷۲.

شابک: ۱۴۰۰ ریال: ۹۶۴-۸۶۰۶-۰۶-۴

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۲۷] - ۲۳۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: سازمان ملل متحد

موضوع: سازمان های بین المللی

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره: JZ۴۹۳۴/الف ۸۴۵ ۱۳۸۳

رده بندی دیویی: ۳۴۱/۲۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۵۰۲۹۲۷

ص: ۱

عملکرد مجامع بین المللی در عرصه جهانی

کد: ۷۷۲

گردآوری: مهدی اسماعیلی

ناشر و تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

لیتوگرافی: سروش مهر

چاپ و صحافی: نگارش

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۳

شمارگان: ۱۵۰۰

بها: ۱۴۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پست الکترونیکی: [Email: IRC@IRIB.COM](mailto:IRC@IRIB.COM)

تلفن: ۲۹۳۵۸۰۳ و ۲۹۱۰۶۰۲ و ۲۹۳۳۸۹۲ نماپر:

شابک: - - ۹۶۴-۷۸۰۸-۷۸۰۸-۹۶۴-۹۶۴ -

ص: ۲

قرن بیستم که از یک سو، شاهد بروز دو جنگ خانمان سوز به نیمه نخست آن و از سوی، شاهد گسترش روزافزون ارتباطات بین المللی در عرصه های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی بوده است. این دو پدیده به ایجاد سازمان ها و نهادهای بین المللی برای برقراری صلح و امنیت جهانی از یک سو و همکاری های منطقه ای و فرا منطقه ای از سوی دیگر انجامیده است.

سازمان ملل متحد در میان سازمان ها، مؤسسه و نهادهای بین المللی، مهم ترین و گسترده ترین آن ها به شماره می رود. این نهاد بین المللی در پی ضعف های بنیادین در ساختار «جامعه ملل» ناتوانی آن در جلوگیری از رخ دادن جنگ جهانی دوم پا به عرصه وجود نهاد.

سازمان ملل متحد از ارکان اصلی و فرعی و مؤسسه ها و سازمان های تخصصی و مستقل ولی مرتبط با آن تشکیل شده است و اهداف متعددی را در دستور کار خود دارد. مهم ترین هدف آن نیز حفظ صلح و برقراری امنیت

جهانی است که بر دوش مهم ترین رکن این نهاد؛ یعنی شورای امنیت نهاده شده است. بررسی اجمالی دخالت های شورای امنیت در بحران های مناطق گوناگون جهان، ما را به این نکته مهم رهنمون می سازد که سازمان ملل متحد و شورای امنیت تا چه میزان توانسته است به هدف پیش گفته شده دست یابند.

این نوشتار، تحلیلی است در مورد ساختار تشکیلاتی، وظایف و اختیارات و هم چنین شیوه تصمیم گیری در سازمان ملل متحد و سازمان های تخصصی وابسته و ارتباط میان این سازمان ها با دولت جمهوری اسلامی ایران.

این پژوهش در سه بخش و پنج فصل تدوین یافته است. در بخش نخست، تاریخچه سازمان های بین المللی، شخصیت حقوقی و انواع طبقه بندی آن ها مورد بررسی قرار گرفته و بخش دوم در چهار فصل به این ترتیب سازمان یافته است. در فصل نخست، نویسندگان در سه گفتار، پیدایش سازمان ملل و اهداف و عملکرد آن را بررسی می کند. فصل دوم، به بررسی ارکان اصلی سازمان ملل، اهداف، وظایف و عملکرد آن ها اختصاص یافته و آشنایی با شورای امنیت به عنوان ضامن صلح و امنیت جهانی، در این فصل از اهمیت بیش تری برخوردار است.

آشنایی با ارکان فرعی مجمع عمومی، شورای اقتصادی و اجتماعی و شورای امنیت در سازمان ملل نیز فصل سوم را به خود اختصاص داده است. بررسی عملکرد مؤسسه ها و سازمان های تخصصی وابسته به سازمان ملل در عرصه های فرهنگی، اجتماعی بهداشت، ارتباطات و رابطه آن ها با دولت جمهوری اسلامی ایران، مباحث فصل چهارم را تشکیل می دهد.

سرانجام، عملکرد سازمان تجارت جهانی و آژانس بین المللی انرژی اتمی از جمله مؤسسه های مستقل و مرتبط با سازمان ملل در فصل پنجم مورد بررسی قرار گرفته است.

این اثر حاصل تلاش پژوهشگر محترم جناب آقای _مهدی اسماعیلی_ است که با رجوع به منابع متعدد و گردآوری اطلاعات و تدوین آن ها، کوشیده است مخاطبان را با ساختار، اهداف و عملکرد سازمان ملل متحد آشنا سازد. امید است که مورد توجه برنامه سازان ارجمند صدا و سیما قرار گیرد.

انّه ولیّ التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۵

تعامل بین المللی دولت‌ها در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، فرهنگی و سیاسی و گره خوردن منافع دولت‌ها به عملکرد یکدیگر به صورت محسوسی در پیدایش سازمان‌های بین‌المللی و روند رو به رشد آن‌ها تأثیر داشته است.

پیوند تنگاتنگ منافع کشورها، دولت‌ها را مجبور می‌سازد که در نهادهای بین‌المللی با یکدیگر و در کنار هم برای دستیابی به مقاصد مشترک فعالیت کنند. این ارتباط به قدری اهمیت حیاتی یافته است که دولت‌ها بدون عضویت در نهادهای بین‌المللی نمی‌توانند به حیات سیاسی و اقتصادی خود در عرصه بین‌المللی ادامه دهند؛ چرا که فعالیت یک دولت چه در مسایل اقتصادی و چه در زمینه‌های سیاسی به طور مستقیم یا غیر مستقیم بر دولت‌ها و منافع آن‌ها تأثیر خواهد گذاشت، چنان که نمونه عینی آن، وضعیت کشورهای خاور میانه است که ناآرامی در آن‌ها، بر همه دنیا اثر می‌گذارد.

گفتنی است افزون بر اهمیت موارد یاد شده، استمرار توسعه کشورها به حفظ صلح و آرامش بین‌المللی بستگی دارد. درک این اهمیت و تجربه دو جنگ وحشتناک جهانی کشورها را بر آن داشت تا سازمان را ایجاد کنند که

به طور فعال و دایم، صلح و امنیت جهانی را تضمین کند. سازمان ملل متحد که پس از شکست جامعه ملل شکل گرفت، با دارا بودن ارکان اصلی و فرعی و آژانس های فنی گوناگون، اهداف متعددی را دنبال می کند که مهم ترین آن ها، برقراری صلح و امنیت جهانی است و بر عهده شورای امنیت _ یکی از ارکان اصلی این سازمان _ نهاده شده است.

به جز این ها، پیشرفت صنعت و تکنولوژی و پیدایش علوم جدیدی چون فن آوری هسته ای سبب شد تا نهادی به طور تخصصی مسایل مربوط به این فن آوری را دنبال کند؛ زیرا قدرت بازدارندگی این انرژی خواه ناخواه بر مسایل بین المللی تأثیر می نهاد و معادله های سیاسی بین المللی را به سود دارندگان آن تغییر می داد.

هم چنین پیشرفت مسایل کار و کارگری، کشاورزی، اهمیت بهداشت و سلامتی، مالکیت معنوی و... سبب گردید تا دولت ها، نهادهای بین المللی را پی گیری این امور در سطح جهانی با نظارت سازمان ملل ایجاد کنند.

فکر ایجاد این سازمان ها در ابتدا از افکار منفعت طلبانه و شخصی صرف به دور بود و در دهه های اول فعالیت این مجامع، کارهای مفید بین المللی مانند گسترش حقوق بین الملل عمومی و قواعد آن شکل گرفت. با این حال، به مرور زمان و با قدرت گرفتن برخی کشورهای کوچک و به اصطلاح جهان سومی در زیر چتر حمایت سازمان ملل و دیگر سازمان های بین المللی، عملکرد آنان در تضاد با منافع و اهداف کشورهای بزرگ و قدرتمند قرار گرفت، به گونه ای که قدرتمندان ناچار شدند با استفاده از اهرم های فشار

سیاسی در این مجامع ظهور یابند و معادله های جهانی را در راستای حفظ منافع خود تنظیم کنند.

پیدایش این اندیشه در میان کشورهای قدرتمند چون امریکا و انگلیس سبب شد تا عملکرد این سازمان ها به ویژه سازمان ملل (با ارکان اصلی و فرعی و مؤسسه های تخصصی وابسته آن) به گونه ای پیش رود که خواست و منافع آن قدرت ها اقتضا دارد. این پدیده تا آن جا ادامه می یابد که هنگام تحلیل عملکرد شورای امنیت _ که بر اساس منشور، عهده دار صلح جهانی است _ تبعیض ناروا و موضع گیری های سیاسی منطبق با خواست صاحبان حق و تو در مسایلی چون: جنگ تحمیلی ایران، جنگ خلیج فارس و فلسطین به چشم می خورد.

استمرار این روند موجب شده است تا در عملکرد آژانس های فنی و کاملاً تخصصی سازمان ملل نیز ملاحظه هایی سیاسی و منافع قدرت های بزرگ منظور شود. مثال برجسته این مسئله، عملکرد آژانس بین المللی انرژی اتمی در برخورد بار پرونده هسته ایران است، این در حالی است که رژیم صهیونیستی بدون پای بندی به هیچ ضابطه ای، آشکارا همه تعهدهای بین المللی خود را در مورد انرژی هسته ای نقض می کند و آژانس انرژی اتمی در برابر آن، سکوت اختیار کرده است.

استفاده از حق و تو در جهت منافع صاحبان آن یکی دیگر از نکته های منفی در عملکرد سازمان ملل به شمار می رود که جامعه جهانی با پی آمدهای زیان بار آن روبه رو است. این در حالی است که فلسفه ایجاد این حق هنگام

تأسیس سازمان ملل، چیزی جدای از تأمین منافع پنج قدرت دارنده حق و تو بود.

با همه این ها، هر چند منکر کارهای سودمند نهادهای جهانی در سطح بین المللی نیستیم، ولی عملکرد این مجامع به ویژه سازمان ملل در سال های اخیر کاملاً منطبق با خواست های سیاسی برخی کشورها به ویژه امریکا است که به یقین، این مسئله مورد پسند جامعه جهانی و وجدان بین المللی نخواهد بود.

در این نوشتار پس از بررسی ساختار و اهداف سازمان ملل متحد و برخی عملکردهای آن در سال های، هماهنگی یا ناهماهنگی آن ها را با منشور ملل متحد و اساس نامه های هر یک از این نهادها یادآور می شوریم.

تاریخچه و مشخصات سازمان های بین المللی

می دانیم که تجارت و ارتباطات روزافزون بین المللی به پیدایش و توسعه سازمان های بین المللی انجامیده است. پیشرفت مکانیسم های ارتباطی و گسترش تجارت بین المللی، نیاز جامعه انسانی را به تأسیس نهادهایی آشکار ساخت که براساس و ضوابط خاصی فعالیت کنند. پیش از قرن نوزدهم، نمونه های نادری از سازمان های بین المللی در تاریخ به چشم می خورد.

تمدن های نخستین در انزوا و جدا از یکدیگر، رشد کردند و از برقراری ارتباط با بیگانگان _ یعنی کسانی که به چشم وحشی به آن ها می نگریستند _ اکراه داشتند. آن ها گاهی به ندرت، اتحادیه های دفاعی تشکیل می دادند. برای نمونه، کشورهای کوچک سرزمین چین در میانه قرن های پنجم و هفتم پیش از میلاد که پادشاهی _ چو_ (۱) آن ها را تهدید می کرد، برای بحث در مورد سازمان نیروهای نظامی شان، مجامعی برپا می کردند. در یونان باستان نیز شکل های معدودی از سازمان های بین المللی را پیدا می کنیم، مانند: _آمفیکتیونی ها_ (۲) و کنفدراسیون های سیاسی. آمفیکتیونی ها، شوراهای داوری میان شهرهایی بودند که از محراب های مقدس یکسان استفاده می کردند. کنفدراسیون های سیاسی نیز دارای شوراهایی بودند که می توانستند با اکثریت آرا تصمیم گیری کنند. (۳)

ص: ۱۰

۱- [۱]. Chu.

۲- [۲]. Amphictyonies.

۳- [۳]. ژرژ ابی صعب، مفهوم سازمان بین المللی، برگردان: ایرج پاد، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، ص

مثال های یاد شده تا حدودی حاشیه ای هستند. با این حال، باید دانست پس از ظهور کشورهای برخوردار از حاکمیت مستقل و برابر، همکاری میان آن ها به طور دو جانبه و سپس چند جانبه در چهارچوب یک حقوق عرفی و آن گاه حقوق قراردادی به تدریج گسترش یافت. این همکاری ها ابتدا در چهارچوب کنفرانس های ادواری و بعدها در قالب سازمان های بین المللی که همکاری های سازمان یافته دایمی میان دولت ها را تحقق می بخشید، نهادینه شدند. (۱)

برای حیات سازمان های بین المللی، سه نسل می توان بر شمرد و آن ها را در حیطه این سه نسل مورد بررسی قرارداد. نخستین تجربه ها در این مورد به سده ۱۹ میلادی برمی گردد که با توسعه ارتباطات، ابتدا در شکل _ کمیسیون بین المللی کشتی رانی _ در رودخانه _راین_ (۱۸۱۵) و سپس در رودخانه _دانوب_ (۱۸۵۶) رابطه دارد. در همین دوره بود که _سازمان های بین المللی فنی_ (۲) در زمینه توسعه و پیشرفت فنی پا به عرصه وجود نهاد. به عنوان مثال، استفاده از تلگراف الکتریکی، در سال ۱۸۶۵ به تأسیس _اتحادیه تلگرافی بین المللی_ (۳) انجامید. استفاده و کشفامواج رادیویی و رواج استفاده از تلگراف بی سیم نیز زمینه های تأسیس _اتحادیه بین المللی تلگراف رادیویی_ (۴) را در سال ۱۹۰۶ فراهم کرد.

ص: ۱۱

-
- ۱- [۱]. دانیل دورموای، حقوق سازمان های بین المللی، برگردان: کمال الدین هریسی نژاد، تهران، نشر دانیال ۱۳۷۹، ص ۱۷.
 - ۲- [۲]. Aganisation internationales techniques.
 - ۳- [۳]. Union Telegraphique Internationale.
 - ۴- [۴]. Union Radio - Telegraphique Internationale.

نسل دوم سازمان های بین المللی در فاصله دو جنگ جهانی پس از ظهور جامعه ملل در پایان جنگ اول و در پیوند با آرمان های عنوان شده در پیام ویلسون به کنگره ایالات متحده امریکا در تاریخ نهم ژانویه ۱۹۱۸ پدیدار شد. میثاق جامعه ملل را کنفرانس صلح در ۲۸ آوریل ۱۹۱۹ به تصویب رساند که در تاریخ دهم ژانویه ۱۹۲۰ هم زمان با معاهده ورسای لازم الاجرا شد. در همان زمان، سازمان های بین المللی دیگری نظیر سازمان بین المللی کار (۱) بر اساس معاهده ورسای، دیوان دائمی دادگستری بین المللی (۲) با تصویب اساس نامه آن به دست مجمع جامعه ملل در دسامبر ۱۹۲۰ و کمیسیون بین المللی هوانوردی (سلف OACI کنونی) به استناد عهدنامه هوانوردی بین المللی در تاریخ ۱۳ اکتبر ۱۹۱۹ به وجود آمدند.

نسل سوم سازمان های بین المللی به دوره پس از جنگ دوم جهانی مربوط می شود. در مرحله اول، باید به تشکیل سازمان ملل متحد (۳) در این دوره اشاره شود که منشور آن در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ در کنفرانس سانفرانسیسکو به تصویب رسیده و از ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ لازم الاجرا شده است. این دوران، دوره ظهور و افزایش سازمان های نوین دیگر در سطح جهانی و منطقه ای است. بر اساس آمار اتحادیه انجمن های بین المللی (۴) تعداد سازمان های بین دولتی از ۳۷ مورد در سال ۱۹۰۹ به ۱۳۲ مورد در سال ۱۹۶۰، ۲۸۰ مورد در سال ۱۹۷۲ و ۳۷۸ مورد در سال ۱۹۸۵ افزایش یافته است. (۵)

ص: ۱۲

۱- [۱] .(Organisation Internationale Du Travail (OIT .

۲- [۲] .(Cour Permanente De Justice Internationale (CPJI .

۳- [۳] .(Organisation Des Nations Unies (ONU .

۴- [۴] .Union Des Association Internationales .

۵- [۵] . حقوق سازمان های بین المللی، صص ۱۸ و ۱۹ .

پس از بررسی تاریخچه سازمان های بین المللی و بیان دوره زندگی سه نسل گوناگون این سازمان ها، اکنون ضرورت یک تعریف جامع و کامل از این سازمان ها نمایان می شود؛ زیرا با توجه به اهمیت این سازمان ها، در عصر کنونی _ که می توانیم آن را _عصر سازمان های بین المللی_ بنامیم _ و گستردگی فعالیت های این سازمان ها در جامعه بین الملل، باید این سازمان ها را بشناسیم و ویژگی های آن ها را برشماریم.

به طور کلی، هیچ تعریف جامع و مورد قبولی از سازمان های بین المللی وجود ندارد و تعریف های موجود گاه برخی ویژگی های این سازمان ها و گاه همه ویژگی های آن ها را دربرمی گیرند. سازمان ها بین المللی باید از پنج ویژگی برخوردار باشند که بدین قرار است:

۱. مبنای میان کشوری: سازمان از اجتماع دولت ها تشکیل شود.

۲. مبنای ارادی: سازمان بین المللی براساس یک «سند تأسیس»^(۱) ایجاد می شود.

۳. برخورداری از یک نظام دایمی دستگاه ها.

۴. اعضای سازمان، اهداف مشترکی را دنبال می کنند.

۵. فعالیت سازمان پیوسته و همیشگی است.

با توجه به این پنج ویژگی اصلی، سازمان بین المللی را می توانیم این گونه تعریف کنیم: یک سازمان بین المللی، مجمع یا تجمعی از کشورهاست که با عقد قرارداد یا همان سند تأسیس ایجاد می شود و با داشتن یک نظام و

ص: ۱۳

مجموعه ای از دستگاه ها، پیوسته به تعقیب هدف های مربوط به مصالح مشترک می پردازد.

اکنون به بررسی و توضیح ویژگی های یاد شده می پردازیم:

۱. اجتماع دولت ها: اصولاً سازمان های بین المللی از اجتماع دولت هایی تشکیل می شوند که سند تأسیس سازمان را تصویب کرده اند. هر یک از دولت های عضو با اعزام نمایندگان به سازمان، از مواضع خود دفاع می کنند.

هر چند اعضای تشکیل دهنده سازمان های بین المللی معمولاً از دولت ها هستند، می توان شاهد پیدایش سازمان هایی با موجودیت های غیردولتی نیز بود. برای نمونه، قضات دیوان بین المللی دادگستری لاهه، نماینده دولت متبوع خود به شمار نمی آیند و با حفظ استقلال رأی، از مواضع حقوقی خود دفاع می کنند حتی اگر بر خلاف مواضع دولت متبوع شان باشد. (۱)

۲. مبنای ارادی: تمام سازمان های بین المللی که در حال حاضر وجود دارند، بر مبنای ارادی بنا شده اند؛ یعنی کشورهای به این سازمان ها تعلق دارند که تمایل خود را به عضو شدن ابراز داشته باشند. در عمل نیز تنها آن کشورهای عضو باقی می مانند که تمایل خود را به ترک سازمان ابراز نکرده باشند. از دیدگاه حقوقی، این ویژگی به واسطه این واقعیت روشن می گردد که هر سازمان بین المللی براساس یک پیمان تشکیل می شود. (۲)

تصویب این پیمان یا سند تأسیس به دوامر می انجامد:

ص: ۱۴

۱- [۱]. رضا موسی زاده، سازمان های بین المللی، تهران، نشر دادگستر و نشر میزان، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۴.

۲- [۲]. مفهوم سازمان بین المللی، ص ۷۲.

الف) اعلام موجودیت سازمان: _تأسیس سازمان های بین المللی ضرورتاً در پی انعقاد معاهده های چند جانبه صورت می گیرد به طوری که می توان گفت «حقوق معاهدات» بخش مهمی از «حقوق سازمان های بین المللی» را تشکیل می دهند. پس تصویب سند تأسیس از ضرورت های اولیه تشکیل سازمان های بین المللی است و بدون تصویب، سند تأسیس لازم الاجرا نخواهد بود.

ب) احراز شخصیت حقوقی و بین المللی: _تصویب اساس نامه به سازمان های بین المللی، شخصیت حقوقی می بخشد و آن را از حقوق و تکلیف ویژه ای برخوردار می کند.

شخصیت حقوقی به سازمان ها، استقلال می دهد و آن ها را از دولت های به وجود آورنده متمایز می سازد. سازمان بین المللی در قبال اعمال و اقدامات خود، مسؤول بوده و از نظر بودجه، اموال، کارکنان و...، مستقل از دولت های عضو عمل می کنند. (۱)

۳. _برخورداری از یک نظام دائمی دستگاہ ها: _این مسئله، یک ویژگی بدیهی است؛ زیرا هیچ سازمانی بدون نظام اداری و ارکان اجرایی نمی تواند اهداف و اصول اولیه سازمان را تحقق بخشد. هر یک از این سازمان ها با توجه به اهداف، اعضا و دیگر موارد، ارکان مختلفی دارند.

۴. _اهداف مشترک: _در راستای تأمین منافع جمعی، دولت ها در چهارچوب سازمان های بین المللی، اهداف مشترکی را دنبال می کنند. در واقع، اهداف

ص: ۱۵

سازمان، قلمرو فعالیت آن را مشخص می کند. (۱) سازمان ها را براساس اهدافی که دنبال می کنند، به دو دسته بزرگ می توان طبقه بندی کرد:

یک _ سازمان های بین المللی با اهداف عام (مثل: سازمان ملل متحد)

دو _ سازمان های بین المللی با اهداف خاص (مثل: یونسکو)

۵_ تداوم و استمرار فعالیت: _تلاش پیوسته و همیشگی یک سازمان، پشتوانه تحقق اهداف آن سازمان است. برخی سازمان ها مانند _سازمان ملل متحد_ که فعالیت شان با مسایل فراگیر جهانی مرتبط است باید فعالیت پیوسته و همیشگی داشته باشند تا به این اهداف که حافظ صلح و امنیت بین المللی است، دست یابند. البته برخی سازمان ها با توجه به اهداف خود، دوره خاصی را برای فعالیت خود اختصاص می دهند مانند _پیمان ورشو_ که پس از برقراری سیستم امنیت دسته جمعی در اروپا، به فعالیت خود پایان داد.

ص: ۱۶

۱- [۱]. همان، ص ۲۷.

۱. شخصیت حقوقی سازمان های بین المللی

پس از جنگ جهانی دوم، در این مورد که آیا سازمان های بین المللی دولتی می توانند دارای شخصیت حقوقی شوند یا نه، مناقشه ای جدی در گرفت. حقوق دانان و سازمان های متعددی از جمله: بانک حل اختلاف بین المللی، کمیسیون جبران خسارات و کمیسیون اروپایی رود دانوب از اعطای چنین شخصیتی به سازمان های بین المللی دفاع می کردند.^(۱) برای بررسی شخصیت حقوقی سازمان های بین المللی، نخست شخصیت بین المللی سازمان، سپس شخصیت داخلی سازمان را مورد بررسی قرار می دهیم.

الف) شخصیت بین المللی: امروزه بیش تر نویسندگان به هواداران این نظریه پیوسته اند که شخصیت حقوقی سازمان های بین المللی یک شخصیت حقوقی اعتباری^(۲) است.

تا آن جا که به شخصیت حقوقی سازمان ملل متحد مربوط می شود، منشور ملل متحد دربردارنده هیچ قاعده ای در مورد آن نیست. به همین دلیل، از

ص: ۱۷

۱- [۱]. همان، ص ۲۸.

۲- [۲]. Personnalite Juridique Subjective.

ابتدای پیدایش سازمان ملل و به دنبال قتل _ کنت برنادوت، (۱) سیاستمدار سوئدی و میانجی سازمان ملل در فلسطین پس از جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به دست یک گروه مسلح، این پرسش مطرح بوده است که آیا سازمان ملل می تواند برای جبران خسارت وارده، علیه حکومت مسؤل، دعوای بین المللی طرح کند؟

دیوان _ بین المللی داد گستری _ هنگام اعلام نظریه مشورتی خود به _ مجمع عمومی سازمان ملل متحد _، در این باره اظهار داشت که سازمان، اهلیت انجام دادن آن را دارد؛ زیرا از شخصیت بین المللی برخوردار است. در قسمتی از نظریه این دیوان (۱۱ آوریل ۱۹۴۹) آمده است: «... اگر از شخصیت بین المللی در حد وسیعی برخوردار نبوده و اهلیت اقامه دعوا بین المللی را نداشته باشد، قادر به تأمین اهداف مؤسسان خود نخواهد بود.» به نظر دیوان، سازمان ملل متحد، عالی ترین نوع سازمان های بین المللی است، ولی با وجود این، یک کشور نیست. بیان این نکته که سازمان بین المللی یک شخص حقوقی بین المللی است، معادل آن نیست که گفته شود سازمان یک کشور است یا این که شخصیت حقوقی و حقوق و تکالیف آن همانند یک دولت است.

اگر اعتبار شخصیت حقوقی یک سازمان بین المللی در برابر همه، براساس یک عرف بین المللی و با چشم پوشی از منشأ قراردادی آن، پذیرفتنی است، پذیرش فکر شخصیت بین المللی برون ذاتی، به استثنای مورد مشخصی که «دیوان» عنوان کرده و در آن، «سازمان»، داعیه جهانی داشته و واقعاً هم شبیه

ص: ۱۸

به جهانی است، شاید دشوار باشد. استدلال موجود درباره این مورد را به همه سازمان های بین المللی نمی توان تعمیم داد. این سازمان ها براساس یک معاهده ایجاد می شوند و همان گونه که ماده ۳۴_عهدنامه وین_(۲۳ مه ۱۹۶۹) درباره معاهده میان دولت ها_یادآوری کرده است، یک معاهده برای کشور ثالث، بدون رضایت وی، تعهدات یا حقوقی ایجاد نمی کند.(۱)

ب) شخصیت داخلی: شخصیت حقوقی داخلی برای اقدامات سازمان در نظم [حقوقی] داخلی کشورها ضرورت دارد. از آن جا که سازمان دارای سرزمین خاصی نیست، در قلمرو یکی از کشورها استقرار می یابد، ولی در قلمرو تمام کشورهای عضو، برای انجام وظایف و تحقق اهداف خود، به اقدام دلخواه دست می زند. در هر حال، ممکن است سازمان به تحصیل یا انتقال اموال منقول و غیرمنقول، انعقاد قراردادهایی برای کار یا تهیه تدارکات و اقامه دعوا در دادگستری نیاز داشته باشد. این اهلیت اقدام در نظم داخلی کشورها، افزون بر شخصیت حقوقی بین المللی، شخصیت حقوقی داخلی را نیز ایجاب می کند.(۲)

ماده ۱۰۴ منشور سازمان ملل در مورد این سازمان این گونه بیان می دارد:

سازمان در خاک هر یک از اعضا از اهلیت حقوقی که برای انجام وظایف و رسیدن به مقاصد آن ضروری است، متمتع می شود.

مفاد منشور درباره مزایا و مصونیت های سازمان که در ماده ۱۰۵ پیش بینی شده است، مفهوم مشابهی را افاده می کند:

سازمان در خاک هر یک از اعضای خود از امتیازها و مصونیت هایی که

ص: ۱۹

۱- [۱]. حقوق سازمان های بین المللی، صص ۵۹ _ ۶۲.

۲- [۲]. همان، ص ۶۵.

برای رسیدن به مقاصد آن ضروری است، برخوردار خواهد بود.

با توجه به بحث های یاد شده، پس از این که سازمان ها شخصیت حقوقی و بین المللی به دست آورند، از آثار حقوقی چندی مانند: استقلال در تصمیم گیری، استقلال مالی، استقلال حقوقی، پیدایش موجودیت جدید تابع حقوق بین الملل برخوردار می شوند که در رسیدن سازمان ها به ویژه سازمان ملل متحد و ارکان آن به اهدافشان بسیار مهم و مؤثر است.

۲. طبقه بندی سازمان های بین المللی

یکی از مشخصات جامعه بین المللی معاصر، وجود شمار زیادی سازمان های بین المللی است. طبقه بندی این سازمان ها که تعداد آن ها در سال ۱۹۹۹ به بیش از ۱۴۰۰ سازمان بین الدولی و ۲۷۰۰۰ سازمان غیردولتی تخمین زده شده است،^(۱) کار چندان ساده ای نیست.

برخی طبقه بندی ها براساس ترکیب جغرافیایی سازمان ها صورت گرفته است. براساس این معیار، سازمان ها به سازمان های جهانی و منطقه ای تقسیم شده اند. این معیار می تواند در برخی موارد مشکل ایجاد کند؛ زیرا «سازمان ها اصولاً بر مبنای ارادی تشکیل می شوند و همواره ممکن است برخی از دولت ها از عضویت در آن ها خودداری کنند.»^(۲) به عنوان مثال در مورد این طبقه بندی، این پرسش مطرح می شود که آیا می توان بانک جهانی را یک سازمان بین المللی به شمار آورد یا خیر؟ به نظر برخی نویسندگان _ مانند ژرژ ابی صعب _ از آن جا که عضویت در بانک جهانی مشروط به پذیرش اصول

ص: ۲۰

۱- [۱]. مفهوم سازمان بین المللی، ص ۳۵.

۲- [۲]. همان، ص ۸۰.

اقتصادی و مالی حاکم بر آن است، دولت‌هایی که آن اصول را مردود می‌شمارند، نمی‌توانند به عضویت آن سازمان درآیند. در این صورت، بانک جهانی جامعیت خود از دست می‌دهد و در نتیجه، در قالب این طبقه بندی قرار نخواهد گرفت.

گروه دیگری از نویسندگان، سازمان‌ها را براساس اهدافشان طبقه بندی می‌کنند که بر این اساس، می‌توان انواع سازمان‌های سیاسی، نظامی، فرهنگی و... داشت. این تقسیم بندی به هیچ وجه یک طبقه بندی واقعی به شمار نمی‌آید؛ چون بیش تر این سازمان‌ها اهداف چندگانه‌ای را دنبال می‌کنند.

برخی دیگر از صاحب نظران، سازمان‌ها را براساس اختیارات آن‌ها طبقه بندی می‌کنند. بر این اساس، سازمان‌های بین‌المللی را می‌توان به _سازمان‌های تصمیم‌گیرنده_ و _سازمان‌های عمل‌کننده (اجرایی)_ یا _سازمان‌های مشورتی_ و _سازمان‌های تعیین‌معیار_ طبقه بندی کرد. این معیار نیز همیشه به یک طبقه بندی درست نمی‌انجامد؛ زیرا برای مثال، _مجمع عمومی_ را نمی‌توان همیشه یک دستگاه مشورتی و _شورای امنیت_ را یک دستگاه اجرایی به شمار آورد. در این میان، طبقه بندی بر مبنای «نوع اعضا» یا «نوع مؤسسان» نسبت به دیگر طبقه بندی‌ها فراگیرتر و دقیق‌تر است؛ زیرا به بازیگران اصلی سازمان‌های بین‌المللی؛ یعنی اعضای تشکیل‌دهنده آن توجه داشته است. در این طبقه بندی، سازمان‌ها به دو گروه _سازمان‌های بین‌الدولی و سازمانهای غیردولتی_ تقسیم

شده اند (۱) و هر یک تقسیم بندی های جداگانه ای دارند که از بحث ما خارج است.

پس از بررسی اجمالی سازمان های بین المللی و آشنایی مختصر با آن ها، ضرورت بحث در مورد عملکرد سازمان ملل متحد _ به عنوان عالی ترین سازمان بین المللی که داعیه جهانی دارد _ و ارکان اصلی و فرعی آن، آشکار می شود. بنابراین، در بخش بعد، به بررسی تحلیلی عملکرد این سازمان در دهه های اخیر پرداخته و در راستای مشخص ساختن نقاط ضعف و قوت این سازمان در عمل به تئوری ها پیش می رویم. بهترین سند، در این زمینه، منشور سازمان ملل است که می کوشیم به دقت به آن پردازیم.

ص: ۲۲

۱- [۱]. سازمان های بین المللی، صص ۵۳ و ۵۴.

ناکامی جامعه ملل (۱) در پیش گیری از آغاز جنگ جهانی دوم، این باور را تقویت کرد که «ایجاد یک سیستم همکاری بین المللی کارآمد می تواند در حفظ جهان در برابر جنگ مؤثر باشد». طرح چنین سازمان بین المللی ابتدا در کنفرانس دومبارتن اوکس در سال ۱۹۴۶ ریخته شد. سپس در کنفرانس یالتا و سرانجام در کنفرانس سانفرانسیسکو هر دو در سال ۱۹۴۵ برگزار شدند که پنجاه و یک کشور پیش نویس منشور ملل متحد را بر اساس پیشنهادهای ارائه شده در کنفرانس دومبارتن اوکس تدوین کرده بودند، سازمان ملل متحد به صورت رسمی پا به عرصه جهانی نهاد. این سازمان بین المللی از اکتبر ۱۹۴۵ کار خود را آغاز کرد. از آن زمان تا کنون، جهان شاهد دگرگونی های

ص: ۲۳

۱- [۱]. این سازمان بین المللی در سال ۱۹۲۰ براساس پیشنهاد ویلسون رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا، برای حفظ صلح، داوری در مورد اختلاف بین کشورها و ترویج همکاری بین المللی تشکیل شد، ولی خود ایالات متحده امریکا عضویت در جامعه ملل را نپذیرفت. جامعه ملل (League Of Nations) در سال ۱۹۴۶ منحل گشت و همه اداره ها و اموال آن به سازمان ملل متحد انتقال یافت. نک: علی آقابخشی و مینو افشاری، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، ۱۳۷۹.

بی سابقه و ژرف سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیکی و حقوقی بوده که بر سازمان ملل متحد نیز اثر نهاده است. شمار اعضای سازمان ملل در دو دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی رو به فزونی نهاد، به گونه ای که شمار اعضای آن در سال ۱۹۸۸ به ۱۵۹ کشور و در ۱۵ سپتامبر ۱۹۹۹ به ۱۸۸ کشور رسید.

سازمان ملل متحد به عنوان نهادی که همکاری های سیاسی و اقتصادی گسترده ای را میان نظام های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی و توسعه اقتصادی _ اجتماعی در ساختار کنونی روابط بین المللی برقرار می سازد، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

سازمان ملل متحد، کانون اصلی گردهم آیی ها و انجام مذاکره و مباحثه در زمینه صلح و امنیت بین المللی است. نقشی که این سازمان بین المللی برای حفظ صلح به عهده دارد، به شکل ممانعت یا محدود کردن درگیری ها و در نهایت، استقرار صلح نمودار گشته است. هم اکنون سازمان ملل متحد، سازمانی جهانی است که در اثر تجربه ها، ابتکارها و گسترش فعالیت هایش به صورت سازمانی متفاوت با آن چه در کنفرانس _ سانفرانسیسکو _ پیش بینی و طراحی شده بود، درآمده است. (۱)

گفتار دوم: اهداف و اصول سازمان ملل متحد

ماده ۱ منشور سازمان ملل متحد، اهداف سازمان را این گونه بیان می دارد:

۱. حفظ صلح و امنیت بین المللی و بدین منظور، به عمل آوردن اقدامات دسته جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و...

ص: ۲۴

۱- [۱]. ناصر ثقفی عامری، سازمان ملل متحد؛ مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰، چ ۱، صص ۱۲ و ۱۳.

با وسایل مسالمت آمیز و براساس اصول عدالت و حقوق بین الملل.

۲. توسعه روابط دوستانه میان ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل و انجام دیگر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی.

۳. حصول همکاری بین المللی در حل مسایل بین المللی که دارای جنبه های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا بشر دوستی است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان و یا مذهب و ...

۴. بودن مرکزی برای هماهنگ کردن اقداماتی که ملل برای حصول به این هدف های مشترک معمول می دارند.

ماده ۲ منشور سازمان ملل دربردارنده اصولی است که این سازمان برای پی گیری اهداف خود در ماده ۱ منشور بر اساس آن ها عمل می کند:

۱. سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت همه اعضای آن قرار دارد.^(۱)

۲. همه اعضا برای تضمین حقوق و مزایای ناشی از عضویت، تعهداتی را که به موجب این منشور بر عهده گرفته اند، با حسن نیت انجام خواهند داد.

۳. اختلاف بین المللی اعضا باید به صورت مسالمت آمیز حل و فصل شود.

۴. همه اعضا در روابط بین المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگر که با اهداف ملل متحد مابین داشته باشد، خودداری خواهند کرد.

۵. همه اعضا در هر اقدامی که سازمان بر اساس این منشور به عمل آورد، به سازمان همه گونه مساعدت خواهند کرد و از کمک به هر دولتی که سازمان ملل متحد علیه آن، اقدام احتیاطی یا قهری به عمل می آورد، خودداری خواهند کرد.

۶. سازمان ملل متحد باید مراقبت کند کشورهایی که عضو سازمان نیستند تا

ص: ۲۵

۱- [۱]. قدرت های دارنده حق و تو با استفاده نادرست از آن در راستای اهداف خود، نقص کننده این اصل هستند.

آن جا که حفظ صلح و امنیت بین المللی ایجاب می کند، بر اساس این اصول رفتار کنند.

۷. سازمان نباید در اموری که اساساً جزو صلاحیت داخلی کشورهاست، دخالت کند. البته این شرط، مانع اقدامات قهری در مورد تهدید به صلح، نقض صلح و اقدام تجاوزکارانه نمی شود.

با توجه به مفاد منشور و این اصول می توان قاعده سلبی منع دولت های عضو از توسل به زور و قوه قهریه برای حل اختلافات بین المللی و قاعده ایجابی الزام دولت های عضو برای در پیش گرفتن شیوه های مسالمت آمیز در مورد اختلافات موجود را نتیجه گیری کرد.^(۱)

در پایان این فصل، یادآوری این نکته ضروری است که اقدامات این سازمان بین المللی در وهله نخست متکی بر اصول منشور است که به امضا و تصویب کشورهای عضو رسیده و از نظر ماهیت، یک معاهده بین المللی حقوقی به شمار می رود. هدف سازمان ملل متحد در این معاهده، حفظ صلح و امنیت بین المللی تعریف شده است. نکته قابل توجه این است که در بند یک از ماده اول منشور و در عرصه هدف های سازمان ملل متحد، جایگاه خاصی به امر حفظ صلح و امنیت بین المللی تفویض شده است. با این حال، در منشور، تعریفی از صلح به عمل نیامده است. پس چنین می توان استنباط کرد که منشور به طور کلی، به حفظ صلح و به عبارتی، به پیش گیری از تجاوز و رفع آن نیز توجه داشته است. به دیگر سخن، منشور به صلح نه تنها

ص: ۲۶

۱- [۱]. سازمان های بین المللی، صص ۸۴ و ۸۵.

به عنوان نبود جنگ در یک دوره کوتاه، بلکه به مثابه ایجاد دنیای مسالمت آمیز براساس ارزش های متعالی انسانی می نگرد. (۱)

گفتنی است متأسفانه در عمل دیده ایم که اقدامات سازمان ملل در برخی موارد در راستای اهداف قدرت های بزرگ و قدرت هایی است که از حق و تو برخوردارند. این مسئله نیز از نظر حقوقی و سیاسی با اهداف والایی که برای سازمان ملل متحد در منشور آن تعریف شده است، مغایرت دارد.

گفتار سوم: عملکرد سازمان ملل متحد در مسئله خلع سلاح

اشاره

خلع سلاح (۲) عمومی، اختراع و ابداع جدیدی در حقوق بین الملل عمومی نیست، ولی کاهش تدریجی سلاح، نقش مهمی را در ساختار حفظ صلح و امنیت بین المللی ایفا می کند و در میثاق جامعه ملل نیز جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده بود؛ زیرا حیات و بقای جامعه بشری به کنترل و کاهش تسلیحات در جهان بستگی کامل دارد. دلیل آن جنگ جهانی دوم است که از سال ۱۹۳۹ آغاز شد و تا سال ۱۹۴۵ ادامه داشت و دست کم ۵۰ میلیون نفر در این مدت کشته شدند. در اواخر سال ۱۹۴۵ سلاح های جنگی در دست شمار معدودی از کشورهای جهان قرار داشت.

بند یک ماده ۱۱ منشور ملل متحد می گوید:

مجمع عمومی می تواند اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین المللی از جمله اصول حاکم بر خلع سلاح و تنظیم تسلیحات را مورد رسیدگی قرار دهد و ممکن است در مورد این اصول به اعضا یا شورای امنیت یا هر دو، توصیه هایی کند.

ص: ۲۷

۱- [۱]. سازمان ملل متحد؛ مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی، ص ۱۴.

۲- [۲]. Le de'sarmement.

براساس ماده ۲۶ منشور ملل متحد، برای کمک به استقرار و حفظ صلح و امنیت بین المللی با به کار بردن تدابیری برای صرف کم ترین منابع انسانی و اقتصادی جهان برای تسلیحات، شورای امنیت مکلف است با کمک ستاد نظامی یاد شده در ماده ۴۷، طرح هایی را برای وضع اصول تنظیم تسلیحات، تهیه و به اعضای سازمان ملل تقدیم کند.

مهم ترین دستاورد گسترش حقوق بین الملل عمومی، تصویب کنوانسیون منع کشتار جمعی (۱) در سال ۱۹۴۸ است که به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. در اجلاس ویژه سال ۱۹۷۸ سازمان ملل متحد در مورد خلع سلاح، از همه کشورهای تولید و عرضه کننده اصلی تسلیحات و خریداران آن خواسته شد که برای تأمین امنیت و استقرار صلح در جهان، انتقال سلاح های معمولی را محدود کنند.

در سال ۱۹۸۲ م در دومین اجلاس مخصوص خلع سلاح و سومین اجلاس مخصوص خلع سلاح که در سال ۱۹۸۷ تشکیل گردید، همه کشورهای جهان بر توصیه های اجلاس اول تأکید کردند و خواستار تحقق امور زیر شدند:

یک - توقف کامل آزمایش سلاح های هسته ای از جمله آزمایش زیرزمینی و تنظیم و امضای قراردادهای منع آزمایش های هسته ای؛

دو - تنظیم و تثبیت سقف سلاح های هسته ای همه کشورهای دارنده سلاح هسته ای به ویژه کشورهای شوروی سابق و امریکا. (۲)

ص: ۲۸

۱- [۱]. Convention Genocide.

۲- [۲]. سید عبدالمجید قایم مقام فراهانی، حقوق بین الملل سازمان های بین المللی، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، صص ۱۰۸ و ۱۰۹.

باید دانست با وجود این که منشور ملل متحد به موضوع خلع سلاح توجه کرده است، ولی اهمیت خاصی برای آن قایل نیست و در این زمینه هیچ نوع محدودیتی برای دولت ها در نظر نگرفته است. تنها شورای امنیت و مجمع عمومی را مأمور می کند طرح هایی را برای تنظیم تسلیحات، تهیه و به اعضای ملل متحد تقدیم کنند.^(۱) دلایل توجه ناکافی منشور به خلع سلاح بدین قرار است:

۱. هنگام تدوین منشور هنوز سلاح های هسته ای اختراع نشده بود. بنابراین، میزان خطری که این گونه سلاح ها برای صلح و امنیت بین المللی دارند، برای طراحان منشور روشن نبود.

۲. در زمان تدوین منشور، این خوش بینی وجود داشت که با ایجاد سیستم امنیت دسته جمعی و تأسیس یک پلیس بین المللی براساس فصل هفتم منشور، صلح و امنیت در جهان برقرار خواهد شد و شورای امنیت خواهد توانست با همکاری کمیته نظامی، راه هایی را برای خلع سلاح، تهیه و تسلیم کند. البته این خوش بینی دیری نپایید.^(۲)

نکته دیگر در مورد خلع سلاح این است که اگرچه مجمع عمومی سازمان ملل متحد از سال ۱۹۵۹ تاکنون این مسئله را در دستور کار خود قرار داده، ولی اختلاف نظر میان دولت هایی که بیش ترین سهم را در روند نظامی شدن جهان دارند، مانع تحقق این هدف انسانی شده است. اختلاف اساسی میان

ص: ۲۹

۱- [۱]. مواد ۱۱ و ۲۶ منشور.

۲- [۲]. سعید میرزایی ینگجه، تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۳.

امریکا و شوروی از همان ابتدای تشکیل سازمان ملل متحد، مانع هرگونه پیشرفت در زمینه خلع سلاح بود.^(۱)

اکنون در دو بخش، به بررسی اجمالی عملکرد سازمان ملل در دو مورد مشهود خلع سلاح؛ یعنی خلع سلاح هسته ای و خلع سلاح شیمیایی می پردازیم.

۱. خلع سلاح اتمی

الف) مسابقه تسلیحات هسته ای

امریکا نخستین کشوری بود که به طور موفقیت آمیز به این سلاح دست یافت و در نتیجه، تنها قدرت هسته ای و به تبع آن از نظر استراتژیکی، برترین قدرت جهان شد. امریکا تا نیمه دهه ۱۹۶۰ هم چنان قدرت اتمی بدون رقیب بود تا این که با دست یابی اتحاد شوروی به سلاح هسته ای، قدرت انحصاری امریکا شکسته شد و دوران جدیدی در روابط و استراتژی سیاسی بین المللی به وجود آمد. پس از این دوران بود که مسابقه تولید و انباشت سلاح مرگبار اتمی شتاب بیش تری یافت.

به اعتقاد نظریه پردازان غرب، در دوران جنگ سرد، توان هسته ای امریکا در مرتبه اول و انگلستان و فرانسه در مرتبه بعدی، تأثیر بازدارنده ای بر دولت های عضو پیمان ورشو داشته است. گفتنی است که با وجود فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، بازدارندگی هسته ای جایگاه خود را در راهبرد نظامی غرب حفظ کرده است.

اهمیت فوق العاده بازدارندگی هسته ای نزد قدرت های هسته ای، آن ها را وادار می دارد تا در مقابل حرکت هایی که در مقام اثبات نامشروع بودن تهدید به

ص: ۳۰

۱- [۱]. سازمان ملل متحد؛ مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی، ص ۵۳.

استفاده یا استفاده از سلاح هسته ای برمی آیند، سرسختانه موضع بگیرند. (۱) به اعتقاد برخی نویسندگان، (۲) زمام داران امریکا چه در گذشته و چه در حال حاضر با صراحت اعلام کرده اند که در صورت لزوم، امریکا اولین کشوری خواهد بود که سلاح های اتمی را به کار خواهد برد. (۳)

این نتیجه را واقعیت های امروزی نیز تأیید می کند. اصرار قدرت های هسته ای به ویژه امریکا بر حفظ و نگهداری ذخایر سلاح های هسته ای و حتی افزایش کارآیی و نوسازی آن ها حکایت از این دارد که آن ها نمی خواهند از اتکای خود به این نیرو چه در روابط خود با دیگران و چه در روابط خود با اعضای باشگاه هسته ای صرف نظر کنند.

توجه به قطع نامه ۳۷/۵۱ مجمع عمومی سازمان ملل متحد (مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۹۶) با عنوان _ممنوعیت توسعه و ساخت انواع سلاح های کشتار جمعی و تعبیه سیستم های جدید برای این سلاح ها_، از این نظر بسیار با اهمیت به نظر می رسد. هر چند اجرای محدود موافقت نامه استارت به وسیله امریکا و روسیه و آغاز برچیدن شماری از کلاهک های اتمی را نمی توان نادیده گرفت، ولی نباید فراموش کرد که این دو کشور، شمار کلاهک های هسته ای خود را از ۱۲ هزار در دهه ۱۹۶۰ به بیش از ۵۰ هزار در پایان دهه ۱۹۸۰ رسانده اند!

ص: ۳۱

۱- [۱]. جمشید ممتاز، حقوق بین الملل سلاح های کشتار جمعی، ترجمه و تحقیق: امیر حسین رنجبریان، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، صص ۳۴ و ۳۵.

۲- [۲]. ایرج صدیقی، «ایالات متحده امریکا و استعمال سلاح های هسته ای»، مجله حقوق بشر نشریه کمیته ایرانی حقوق بشر، ش ۳۱، ص ۱۶ به بعد.

۳- [۳]. استفاده دهشت زای امریکا از این انرژی در بمباران دو شهر هیروشیما و ناکازاکی ژاپن و کشتار شمار زیادی از غیرنظامیان در این شهرها، مصداق برجسته عملکرد امریکا در پای بند نبودن به معاهده های بین المللی در این زمینه است. شمار کشتگان و زخمیان این حادثه اگرچه متفاوت نقل شده، ولی قدر مسلم این است که یکصد و پنجاه هزار نفر در حمله اتمی روزهای ششم و نهم اوت ۱۹۴۵ جان باخته اند که بیشترشان غیرنظامی بوده اند.

مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۶۱ در قطع نامه ۱۶۶۵، اهمیت و آثار پیش گیری از گسترش سلاح های هسته ای را یادآور شد. پس از آن، مجمع با تصویب چند قطع نامه دیگر به تأیید سیاست خود در این باره پرداخته است که مهم ترین آن، قطع نامه ۲۰۲۸ در سال ۱۹۶۵ است. این قطع نامه، خطوط اصلی و کلی و مهم ترین مطالب معاهده آتی منع گسترش را تبیین کرد. از نظر مجمع، معاهده آتی می بایست تهی از «گریزگاه هایی باشد که به قدرت های هسته ای یا غیر آن، امکان تکثیر مستقیم یا غیر مستقیم سلاح هسته ای را می دهد.» وانگهی این معاهده براساس نظر مجمع می بایست توازن معقولی در مسئولیت و تعهدهای مشترک قدرت های هسته ای و دیگر دولت ها برقرار کند. در عمل، معاهده منع گسترش که مذاکره های آن در کنفرانس خلع سلاح برگزار شد، درصدد حفظ وضع موجود برآمد. در واقع، ماده ۹ معاهده در عمل، وضعیت دولت هسته ای را برای شماری از دولت ها شناسایی کرد. براساس این ماده، اصطلاح «دولت هسته ای» به دولتی گفته می شود که تا پیش از ژانویه ۱۹۶۷ یک سلاح هسته ای یا وسیله انفجاری ساخته و منفجر کرده باشد.^(۱)

هرچند دیدگاه ها درباره این معاهده متفاوت است، ولی برخی حقوق دانان معتقدند که آن چه در ابتدای امر برای قدرت های اتمی اهمیت داشت، این بود که مانع دست یابی دولت های دیگر به این سلاح شوند و با این معاهده، پای

ص: ۳۲

۱- [۱]. حقوق بین الملل سلاح های گسترش جمعی، صص ۳۵ و ۳۶.

بندی به چنین وضعیت نابرابری را از دیگر دولت‌ها تضمین گرفتند.^(۱) برخی دیگر اعتقاد دارند که معاهده اساساً معاهده‌ای دوجانبه میان دو قدرت اتمی؛ یعنی آمریکا و شوروی بود. تعریف نشدن سلاح هسته‌ای، پیش‌بینی نکردن حق شرط و حق تفسیر، نبود نظارت بر فعالیت دولت‌های هسته‌ای، موکول شدن حق خروج دولت‌ها از معاهده به موافقت شورای امنیت که اعضای اصلی آن آمریکا و شوروی هستند و برخی موارد دیگر بیانگر وضعیت نابرابر دولت‌ها در مقابل آمریکا و شوروی در این معاهده است.^(۲)

نکته قابل تأمل این است که در عمل هم چنان شاهد رعایت نقض این معاهده چه از سوی دولت‌های صاحب سلاح هسته‌ای و چه از سوی دولت‌های بدون سلاح هسته‌ای هستیم. برای نمونه، دولت عراق که عضو این معاهده است، با نقض معاهده به ویژه ماده ۲^(۳) معاهده، برنامه غنی‌سازی اورانیوم را به اجرا گذاشته بود که مأموران آژانس بین‌المللی اتمی - موفق به کشف آن شدند و با تصویب قطع‌نامه‌ای، حرکت عراق را به دلیل نقض معاهده محکوم کردند و از شورای امنیت خواستند تا پی‌گیری موضوع باشد.^(۴)

ص: ۳۳

۱- [۱]. برای مطالعه بیشتر تر نک: هدایت الله فلسفی، «نابرابری دولت‌ها در قبول و اجرای معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای؛ تصورات و واقعیات»، مجله حقوقی، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی، ش ۱۸ و ۱۹، صص ۱۵ - ۱۷.

۲- [۲]. نک: ابراهیم بیگ زاده، «بدیع بودن معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در قلمرو حقوق بین‌الملل»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۶ - ۱۷، صص ۲۵۸ - ۲۷۶.

۳- [۳]. بر اساس ماده ۲، هر یک از دولت‌های بدون سلاح هسته‌ای متعهد است از «قبول مستقیم یا غیر مستقیم انتقال سلاح هسته‌ای یا دیگر ادوات انفجاری هسته‌ای یا کنترل بر این سلاح‌ها از هر انتقال‌دهنده‌ای خوداری کند و به هیچ صورت، سلاح هسته‌ای یا دیگر ادوات انفجاری هسته‌ای نسازد و تحصیل نکند و برای ساختن آن در پی جست‌وجو یا قبول کمک بر نیاید».

۴- [۴]. حقوق بین‌الملل سلاح‌های کشتار جمعی، ص ۳۷.

دولت های صاحب سلاح هسته ای با زیرپا گذاشتن تعهد خود در انتقال ندادن فن آوری هسته ای به دیگر دولت ها یا در کمک به دولت ها برای استفاده صلح جویانه از این انرژی، همگی نقض این معاهده را در عمل به اثبات رسانیده است به عنوان مثال، در بیانیه ای که به تصویب سومین اجلاس کنفرانس دولت های عضو در سال ۱۹۸۵ رسید، کمک های اعطایی به اسرائیل و افریقای جنوبی برای دست یابی آن ها به سلاح هسته ای افشا شد، بدون این که نامی از دولت های مظنون به میان آید. اعمال فشار امریکا برای باز داشتن روسیه از تحویل تجهیزات اتمی به ایران برای استفاده صلح جویانه نیز می تواند موردی از بی توجهی دولت های صاحب سلاح هسته ای به تعهد خود باشد. این در حالی است که دولت ایران عضو معاهده منع گسترش است و با آژانس، موافقت نامه امنیتی (۱) امضا کرده است. بازرسان آژانس نیز در بازرسی های متعدد و متناوب خود به صراحت اعلام کرده اند که «ایران به صورت شایسته ای به تعهداتش در قبال معاهده منع گسترش عمل می کند و ما در بازرسی های خود هیچ گونه نشانه ای از برنامه های نظامی به دست نیاوردیم» (۲).

سازمان ملل متحد و مجمع عمومی آن هم چنان به فعالیت های خود در راه خلع سلاح ادامه می دهند، (۳) ولی در این شرایط که میان حرف و عمل

ص: ۳۴

۱- [۱]. موافقت نامه نوع ۲۱۴ _ INFCIRC.

۲- [۲]. حقوق بین الملل سلاح های کشتار جمعی، ص ۳۵ به بعد.

۳- [۳]. از دیگر فعالیت های سازمان ملل و مجمع عمومی می توانیم موارد زیر را برشمیریم: _ صدور قطع نامه های کاهش بودجه نظامی کشورها، منع آزمایش های اتمی، تثبیت تسلیحات متعارف؛ _ صدور قطع نامه از سوی شورای امنیت در زمینه نابرابری قدرت هسته ای در جهان ۱۹۹۵؛ _ موافقت نامه ممنوعیت انبار کردن سلاح های اتمی و دیگر سلاح های کشتار و تخریب در قعر دریاها و اقیانوس ها و بخش زیرزمینی که مشتمل بر یازده ماده بوده و براساس ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد و هم سو با حقوق بین الملل، امضا شده است. نک: سید عبدالمجید قائم مقام فراهانی، حقوق بین الملل، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۳۳۴. متن موافقت نامه ها به فارسی ترجمه شده است. _ فعالیت هایی که سازمان ملل متحد در راه ایجاد مناطق تهی از سلاح اتمی در مناطقی از جهان مثل اروپا، خاورمیانه و... انجام داده است. (برای آشنایی بیش تر با فعالیت های سازمان ملل در این باره نک: سید عبدالمجید قائم مقام فراهانی، حقوق بین الملل سازمان های بین المللی، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، صص ۱۰۸ _ ۱۱۰ و جمشید ممتاز، حقوق بین الملل سلاح های کشتار جمعی، ص ۴۲ به بعد).

سازمان های فراگیر بین المللی، تفاوت فاحشی وجود دارد و در بسیاری موارد، جاه طلبی قدرت های بزرگ مانع تحقق اهداف مثبت این سازمان ها و سازمان ملل می شود، شایسته است که در مجامع بین المللی به ویژه مجمع عمومی سازمان ملل درباره پیوستن دیگر کشورها به پیمان خلع سلاح هسته ای و تقویت معاهده یاد شده، اقدام بین المللی صورت گیرد. اکنون خطرناک ترین کشورها اهمیتی برای این پیمان، قایل نیستند. قدرت تسلیحاتی امریکا و اسرائیل، نمود بین المللی آن است که چشم انداز آینده جهان را مبهم ساخته اند.^(۱)

۲. خلع سلاح شیمیایی و بیولوژیک

الف) قطع نامه ۱۹۶۶ سازمان ملل متحد و پروتکل ۱۹۲۵ ژنو

کاربرد سلاح های شیمیایی در جنگ ها از دوره های قدیم به عنوان روشی ناپسند شناخته شده است. حقوق دانان رومی با صراحت به این موضوع اشاره کرده اند که «جنگ باید با اسلحه باشد نه با سم».^(۲) البته در آموزه های اسلامی نیز این مسئله مهم را می توانیم بیابیم و در فتوای مراجع بزرگ شیعه و سنی به مواردی از حکم این مسایل برخورد می کنیم که آیا کاربرد این سلاح ها در جنگ جایز است یا خیر و اگر جایز است، در چه حالتی؟

ص: ۳۵

۱- [۱]. صلاح الدین چشمه خاور، «چشم انداز مبهم پیمان خلع سلاح هسته ای»، روزنامه رسالت، ۲۱/۷/۷۶.

۲- [۲]. Armisbella Non Veneris Geri .

به هر حال، همه مردم دنیا کاربرد این سلاح ها را ناپسند می دانند و سازمان ملل متحد که حافظ صلح و امنیت بین المللی است، در سال ۱۹۶۶ اولین قطع نامه خود را در مورد سلاح های شیمیایی و بیولوژیک صادر کرده است.^(۱) مهم ترین سند بین المللی در مورد این سلاح ها، پروتکل ۱۹۲۵ ژنو است. در مقدمه این پروتکل تأکید شده که کاربرد سلاح های شیمیایی و بیولوژیک «مورد تنفر افکار عمومی دنیای متمدن» است و منع به کارگیری آن با «وجدان و رویه معمول ملل» هم آهنگی دارد. براساس این پروتکل، دولت ها متعهد می شوند ممنوعیت کاربرد سلاح های شیمیایی را به رسمیت بشناسند و این ممنوعیت را شامل وسایل جنگ بیولوژیک نیز بدانند.

(ب) موارد نقص پروتکل

از جمله ضعف ها و نقص های این پروتکل باید به موارد زیر اشاره کرد:

۱. متن پروتکل بسیار خلاصه بود و بیش از آن که شبیه اسناد حقوقی معمول و دربردارنده جزئیات مسئله باشد، به اعلامیه اصولی می ماند که به بیان اصول کلی بسنده کرده است.

۲. پروتکل ژنو تنها استفاده از این سلاح را ممنوع می کند، نه نگهداری آن را. هنگام تصویب پروتکل، دولت های فرانسه و امریکا در حق شرط های خود با صراحت اعلام کرده بودند در مواردی که دولت دشمن یا متحدانش این ممنوعیت را رعایت نکند، آن ها نیز ملزم به رعایت پروتکل نیستند؛ یعنی آن ها نیز باید متعهد شوند که اولین استفاده کننده نباشند. وانگهی این مسئله

ص: ۳۶

۱- [۱]. نک: محمد علی بصیری، کاربرد سلاح های شیمیایی از جنگ جهانی اول تاکنون؛ مسایل تاریخی، حقوقی، سیاسی و دیدگاه اسلام، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۶۸.

مطرح بود که آیا پروتکل، علف کش ها را نیز در برمی گیرد یا خیر؟ امریکا با تفسیر مضیق این پروتکل، از این گونه علف کش ها در ویتنام به صورت گسترده استفاده کرد که این تفسیر با تفسیر مجمع عمومی سازمان ملل مغایر بود.

۳. اجمال پروتکل در منع استفاده از سلاح های شیمیایی و بیولوژیک در درگیری های بین المللی یا همه درگیری ها که اتحادیه عرب به تفسیری مضیق از آن معتقد بود.

۴. نبود فهرستی از سلاح های شیمیایی و مواد شیمیایی ممنوع در متن پروتکل.

۵. نبود راهکاری برای نظارت بر ممنوعیت های مقرر در پروتکل ژنو.

وجود این ضعف ها سبب شد که در کنوانسیون سلاح های بیولوژیک و شیمیایی درصدد رفع آن بر آیند. (کنوانسیون منع گسترش، تولید و انباشت سلاح های باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سمی و انهدام آن ها [۱۹۷۲] و کنوانسیون منع گسترش، تولید، انباشت و به کارگیری سلاح های شیمیایی و انهدام آن ها [۱۹۹۳])

پیوستن ایران به کنوانسیون دوم هر چند با روندی تقریباً ۵ ساله همراه بود، ولی از این نظر قابل تقدیر است که به اعتراف محافل و رسانه های غربی، ایران در حالی به این کنوانسیون پیوست که دولتی چون عراق را در همسایگی خود دارد و در همین منطقه، دولت اسرائیل وجود دارد که بارها به طور رسمی اعلام کرده است به این کنوانسیون نخواهد پیوست. با وجود این مسایل و فشارهای سیاسی، مفاد این کنوانسیون ها در عمل رعایت نشده

است یا دست کم دولت هایی که از خلع سلاح شیمیایی دم می زنند، پای بندی چندانی به این معاهده ها ندارند. متأسفانه سازمان ملل و شورای امنیت نیز در مقابل کاربرد این سلاح ها، مواضع قدرت مندانه ای از خود نشان نداده اند. مواضع شورای امنیت در قبال کاربرد سلاح های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، گواه ما است. افزون بر آن، محکوم کردن عراق از سوی جامعه بین المللی نیز تا سال های پایانی جنگ به طول انجامید. (۱) باید دانست تنها دولت های عضو اتحادیه اروپا در ۲۵ می ۱۹۸۷ م با ذکر نام عراق، آیین نامه ای را تصویب کردند.

ص: ۳۸

۱- [۱]. حقوق بین الملل سلاح های کشتار جمعی، صص ۱۹ _ ۳۱.

فصل دوم: ارکان اصلی سازمان ملل متحد و عملکرد آن ها در سطح بین الملل

اشاره

این سازمان _ که شاخص ترین و پیچیده ترین سازمان بین المللی است _ از بخش های زیر تشکیل یافته است:

۱. ارکان اصلی سازمان ملل متحد

۲. ارکان فرعی سازمان ملل متحد

۳. مؤسسه های تخصصی (کارگزاری های تخصصی) وابسته به سازمان ملل متحد

۴. مؤسسه های مستقل و مرتبط با سازمان ملل متحد

در این فصل، بخش اول از این موارد را بررسی می کنیم. سازمان ملل دارای ۶ رکن اصلی است که عبارتند از:

۱. شورای امنیت

۲. مجمع عمومی

۳. دیوان بین المللی دادگستری

۴. دبیرخانه

ص: ۳۹

گفتار اول: شورای امنیت

اشاره

(۱)

در ماده ۱ منشور، یکی از چهار وظیفه اصلی سازمان ملل، حفظ صلح و امنیت بین المللی بیان گردیده و براساس ماده ۲۴ منشور ملل متحد، این وظیفه بر عهده شورای امنیت گذاشته شده است. تدوین کنندگان منشور با توجه به ناتوانی جامعه ملل در مقابله با آفت جنگ، این بار وظیفه خطیر استقرار صلح و امنیت بین المللی را به شورایی واگذار کردند که در آن، فاتحان جنگ جهانی دوم (امریکا، انگلیس، شوروی، فرانسه) و چین از امتیاز ویژه برخوردار بودند. بدین ترتیب، شورای امنیت با اختیاراتی گسترده، مجری امنیت مشترک شد و در مقام رکن انتظامی، مسئول استقرار نظم و امنیت در جهان گردید. برای رسیدن به این هدف والا، شورای امنیت در چارچوب مقررات فصل ششم منشور، در مقام میانجی و در چارچوب مقررات فصل هفتم، هم چون مجری نظم، عمل می کند. (۲)

۱. ساختار شورای امنیت

شورای امنیت براساس ماده ۲۳ منشور، ۱۵ عضو دارد که پنج عضو آن دائم و ۱۰ عضو آن غیر دائم هستند. جمهوری خلق چین، فرانسه، روسیه، انگلستان و ایالات متحده امریکا اعضای دائم شورای امنیت هستند که افزون بر امتیاز

ص: ۴۰

۱- [۱]. Security Council.

۲- [۲]. سید داوود آقایی، نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، تهران، نشر پیک فرهنگ، ۱۳۷۵، صص ۱۴۹-۱۵۰.

عضویت دایم در این شورا، از امتیاز ویژه ای به نام «حق وتو» نیز برخوردارند. د.و.باوت بر این اعتقاد است که در حقیقت، شناسایی این پنج کشور در سال ۱۹۴۵ به عنوان قدرت های بزرگ یک قضاوت سیاسی بر مبنای حقایق موجود در آن زمان بود؛ زیرا نمی توان ادعا کرد که این پنج کشور همواره به صورت پنج قدرت اول جهان باقی خواهند ماند. البته در این که این پنج کشور با توجه به مسایل مطرح شده در سال های پایانی قرن بیستم، اکنون نیز پنج قدرت اول جهان باشند، تردید وجود دارد. همین نکته، منشور ملل متحد را از پویایی باز می دارد و سازمان ملل را که با قصد پایداری به وجود آمده است، هنگام بروز تغییرهای بنیادین در قدرت دولت ها، با مشکل روبه رو می سازد. آیین تجدید نظر در منشور نیز بر پیچیدگی این مشکل می افزاید؛ زیرا به موجب مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ منشور ملل متحد، هرگونه تجدید نظر در متن منشور باید با رضایت ۵ کشور یاد شده صورت گیرد و بدیهی است که هیچ یک از اعضای دایم، به سلب امتیازهای خود رضایت نخواهند داد. (۱)

۲. وظایف و حدود صلاحیت شورای امنیت

منشور ملل متحد، وظیفه اصلی حفظ صلح و امنیت بین المللی را به شورای امنیت محول کرده (۲) و براساس فصل های ششم و هفتم و هشتم، اختیارات لازم را در اجرای این وظیفه به آن شورا داده است. (۳)

ص: ۴۱

۱- [۱]. د.و.باوت، حقوق نهادهای بین المللی، برگردان: هومن اعرابی، تهران، نشر کیهان، ۱۳۷۳، صص ۵۳ و ۵۴.

۲- [۲]. بند ۱ ماده ۲۴ منشور.

۳- [۳]. سازمان ملل متحد؛ مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی، ص ۱۸۰.

شورا در اجرای وظیفه اصلی خود _ حفظ صلح و امنیت بین المللی _ از دو راه عمل می کند:

الف) مداخله مسالمت آمیز در حل اختلاف هایی که احتمال دارد صلح و امنیت بین المللی را به خطر بیاندازد یا فراهم آوردن وسایل حل اختلافات (فصل ششم منشور).

شورای امنیت بر اساس ماده ۳۴ منشور می تواند «در هر مورد اختلاف یا وضعیتی که ممکن است منجر به یک اصطکاک بین المللی شده یا موجب اختلافی گردد، تحقیقاتی را انجام داده و تعیین کند که آیا ادامه آن اختلاف یا وضعیت می تواند حفظ صلح و امنیت بین المللی را به مخاطره افکند».

هنگامی که طرف های اختلاف نتوانند آن را براساس ماده ۳۳ حل و فصل کنند، بایستی براساس ماده ۳۷، آن را به شورا احاله کنند. هرگاه شورای امنیت مطمئن شود که امکان دارد در اثر ادامه اختلاف، صلح و امنیت جهان به مخاطره بیافتد، می تواند نه تنها روش های اجرایی، بلکه شیوه های حل و فصل را آن گونه که مناسب می داند، توصیه کند.

به هر حال، توصیه های شورا در این فصل، تعهد حقوقی برای طرفین ایجاد نمی کند، ولی در بیش تر موارد سبب وارد آوردن فشار سیاسی زیادی می شود. در مجموع، مداخله های شورا در این زمینه، به قدر کافی ناامید کننده بوده است. (۱)

ص: ۴۲

۱- [۱]. جهانگیر کرمی، شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشر دوستانه، دفتر مطالعات سیاسی بین المللی، ص ۵.

ب) مداخله قهرآمیز یا در پیش گرفتن روش های اجبار کننده پس از شکست شیوه اول (صل هشتم منشور).

شورا می تواند تصمیم های الزام آور بگیرد؛ زیرا همه اعضای سازمان ملل متحد براساس ماده ۲۵ منشور موافقت کرده اند که تصمیم های شورای امنیت را عملی سازند. البته برداشت کلی این است که تصمیم های الزام آور شورا تنها در مورد «تهدید علیه صلح یا نقض صلح یا اعمال تهدید علیه صلح و اقدامات تجاوزکارانه» گرفته می شود.

در این باره، باید به دو نکته توجه کرد:

یک _ شناسایی مواد مندرج در ماده ۳۹ حق شورا است یا تکلیف آن. هر چند در این باره، اتفاق نظری وجود ندارد، ولی می توان این گونه بیان داشت که تکلیف شورا در این است که مورد را بررسی کند و در صورت احراز نقض صلح یا تهدید علیه صلح، توصیه هایی داشته باشد یا بر اساس مواد ۴۱ و ۴۲، به اقدام عملی دست بزند. پس نمی توانیم بگوییم که شورا حتماً مسئول است نقض صلح یا تهدید صلح را احراز کند.

دو _ آیا صلاحیت شورای امنیت در این زمینه با محدودیت روبه رو است یا نامحدود است؟

اقدامات شورای امنیت در سال های اخیر موجب نگرانی افکار عمومی در جهان سوم شده است؛ زیرا قدرت انحصاری شورا به عنوان باشگاهی متشکل از چند قدرت بزرگ، حاکمیت دولت های دیگر را در معرض تهدید قرار داده است. در سال های اخیر شاهد برخورد متقابل درباره صلاحیت شورا بوده ایم. از یک سو، دولت های غربی به ویژه اعضای دایم شورای امنیت بر

دکترین

ص: ۴۳

نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت تأکید دارند و در مقابل، دولت های جهان سوم، صلاحیت شورای امنیت را محدود می دانند و بر حاکمیت و صلاحیت داخلی خود پافشاری می کنند. از طرفی می بینیم که نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت موجب نادیده گرفتن برخی جنبه های اساسی بحران و ناامنی جهانی شده و به برخی دیگر اهمیت داده است. (۱)

به هر حال، هر چند نمی توانیم شورای امنیت را خیلی محدود کنیم، ولی قدر مسلم این است که این شورا در عمل، با یک سری محدودیت ها چون: منشور ملل متحد و عمل در قالب آن، محدودیت های خاص در مداخله بشر دوستانه، نظارت های موجود بر تصمیم های شورا و محدودیت های سیاسی روبه رو است. پس شورا نمی تواند به صورت نامحدود در برخورد با نقض صلح یا عمل تجاوزکارانه در صحنه بین المللی ظاهر گردد. به ویژه اعضای دایم نمی توانند با این نامحدود تفسیر کردن عمل شورا، به صورت دلخواه و نامحدود در عرصه بین الملل دخالت داشته باشند. (۲)

۳. شورای امنیت و حقوق بشر

«تشویق و احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همه و بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب» (۳) از جمله اهداف منشور ملل متحد است که در بند ج ماده ۵۵ نیز مورد تأکید قرار گرفته است. اعضای سازمان ملل متحد براساس ماده ۵۶ منشور متعهد می شوند که برای رسیدن به اهداف

ص: ۴۴

۱- [۱]. همان، صص ۲۲ _ ۲۴.

۲- [۲]. نک: محمد شریف، بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.

۳- [۳]. بند ۳ ماده یک منشور.

مندرج در ماده ۵۵، در همکاری با سازمان ملل متحد، اقدامات فردی یا دسته جمعی را به عمل آورند.^(۱)

در مورد حقوق بشر و اجرای موارد بالا- به طور خاص، براساس بند ب ماده ۱۳ و بند ۲ ماده ۶۲، وظایفی به مجمع عمومی و شورای اقتصادی و اجتماعی محول شده است. در مورد وظایف شورای امنیت در این زمینه، با توجه به رویکردها و تحولات جدید بین المللی، موضوع حقوق بشر در قلمرو حفظ صلح و امنیت بین المللی در دستور کار شورای امنیت قرار می گیرد.^(۲)

به موجب بندهای ۱ و ۲ ماده ۲۴ منشور، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی به عهده شورای امنیت واگذار شده است. نقض فاحش حقوق بشر از جمله مواردی است که به احتمال زیاد به بروز جنگ می انجامد. براساس این وظیفه، شورا باید مراقب هرگونه اقدامی باشد که به حفظ صلح جهانی لطمه می زند.

هم چنین براساس ماده ۳۴ منشور که مربوط به حل مسالمت آمیز اختلافات است، شورای امنیت وظیفه دارد به نقض فاحش حقوق بشر و آزادی های اساسی که احتمال دارد صلح جهانی را به خطر اندازد، مانند هر وضعیت دیگری که تهدید علیه صلح به شمار می آید، رسیدگی کند.^(۳) با توجه به کلیت متن ماده ۳۹ منشور، می توانیم نقض فاحش حقوق بشر را هم یکی

ص: ۴۵

-
- ۱- [۱]. تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، ص ۲۱.
 - ۲- [۲]. حسین شریفی طراز کوهی، حقوق بشر در پرتو تحولات بین المللی، نشر دادگستر، ۱۳۷۷، ص ۲۲.
 - ۳- [۳]. منوچهر گنجی، سازمان ملل متحد در عمل، شرکت سهامی کتاب های حبیبی، ۱۳۵۲، ج ۲، صص ۴۲۴ _ ۴۲۵.

از موارد «تهدید علیه صلح» بدانیم که شورا باید اقدامات مقتضی را در این مورد انجام دهد.

نکته قابل درنگ این است که «بدیهی است تشخیص مصداق تخلف و نقض حقوق بشر از ماهیت قضایی برخوردار است. پس واگذاری توصیف و تشخیص به رکنی که دارای ماهیت و کارکرد سیاسی است، به منزله اعطای اختیارات قضایی به رکن سیاسی است که با منطق حقوق سازگار نیست و در منشور ملل متحد نیز [به طور خاص] در نظر گرفته نشده است. توصیف و بررسی و احراز اتهام انتسابی، سازوکارهای قضایی ویژه ای را می طلبد و در پرتو اصول کیفری هم چون اصل قانونی بودن جرم و مجازات صورت می پذیرد به ویژه آن که شورای امنیت در زمینه وظایف اصلی خود، عملکرد قابل انتقادی داشته است».^(۱)

توجه به رفتار شورای امنیت در «بحران های سومالی و هاییتی و نوع عینی تر و ملموس تر آن، یعنی جنگ بوسنی و هرزه گوین و بحران افغانستان [و] برخوردهای متفاوت و گزینشی در مورد آن ها به محکومیت اقدامات شورای امنیت ختم می شود».^(۲) (در ادامه هر یک از این موارد مورد بررسی قرار می گیرد).

نکته دیگر در مورد شکست اقدامات سازمان ملل به ویژه اعلامیه حقوق بشر این است که افزون بر ناکامی حقوق دانان غربی و تنظیم کنندگان اعلامیه در تشخیص درستی مواد حقوقی مندرج در آن، دلیل اصلی ناکامی این

ص: ۴۶

۱- [۱]. حقوق بشر در پرتو تحولات بین المللی، صص ۲۲ _ ۲۳ پاورقی.

۲- [۲]. همان، ص ۲۲.

اعلامیه و اقدامات سازمان را باید در مبانی حقوق بشر غربی و الحادی بودن آن جست و جو کرد؛^(۱) زیرا این مبانی با همه فرهنگ ها، قومیت ها و مذاهب هم خوانی ندارد و به همین دلیل، در عمل، شاهد معطل ماندن این اعلامیه در بسیاری از کشورها شده ایم. البته در عمل ثابت شده که این اعلامیه تنها دستاویزی مناسب و خاستگاهی بی خطر برای ابرقدرت ها است و بس.

۴. بررسی اقدامات شورای امنیت درباره مسایل ایران

مورد اول _ شکایت انگلستان به دیوان بین المللی دادگستری در مورد ملی شدن صنعت نفت ایران

دولت انگلستان در ۲۷ سپتامبر ۱۹۵۱ با فرستادن نامه ای به شورای امنیت، از این شورا خواست چون ایران اقدامات تأمینی از طرف دیوان بین المللی دادگستری در زمینه شرکت نفت انگلیس و ایران را رعایت نکرده است، این موضوع در دستور کار شورای امنیت قرار گیرد.

جلسه شورا از ۱۳ تا ۱۸ اکتبر ۱۹۵۱ برای رسیدگی به شکایت انگلستان تشکیل گردید. ریاست هیأت نمایندگی ایران را در این جلسه ها، دکتر _محمد مصدق_، نخست وزیر وقت عهده دار بود. مصدق در مورد صلاحیت نداشتن شورای امنیت برای رسیدگی به این اختلاف سخن گفت. شورای امنیت نیز مقرر داشت تا هنگامی که دیوان بین المللی دادگستری درباره صلاحیت خود اظهار نظر نکرده است، موضوع مسکوت بماند. گفتنی است دیوان بین المللی

ص: ۴۷

۱- [۱]. عبدالله جوادی آملی، فلسفه حقوق بشر، نشر اسراء، ۱۳۷۷، صص ۲۵۷ _ ۲۵۸.

دادگستری بعدها به صلاحیت نداشتن خود برای رسیدگی به این قضیه رأی داد.^(۱)

۵. مداخله بشر دوستانه شورای امنیت و تحلیل آن از منظر حقوق بین الملل

اشاره

مداخله بشر دوستانه، دخالتی است که با استفاده از زور و برای جلوگیری از نقض حقوق افراد صورت می گیرد. هدف از این مداخله، جلوگیری از رنج انسان، پیش گیری از ژنوسید_ یا کشتار جمعی تا کشتارهای کوچک^(۲) و به صورت کلی، جلوگیری از نقض حقوق انسانی است. در ادامه، مواردی از مداخله های انسان دوستانه شورای امنیت را در برخی کشورها مطرح و مسایل حاشیه ای آن را از دیدگاه حقوق بین المللی تحلیل می کنیم.

مورد دوم _ قضیه گروگان های امریکایی در ایران (۹ نوامبر ۱۹۷۹)

شورای امنیت در ۹ نوامبر ۱۹۷۹ بنا بر درخواست ایالات متحد امریکا، جلسه غیر علنی تشکیل داد. در پایان این جلسه، اعضای شورای امنیت به اتفاق آرا، بیانیه ای را تصویب کردند که در آن اعلام شد شورا قصد مداخله در امور داخلی هیچ کشوری را ندارد، ولی موازین رفتار بین المللی، مصونیت دیپلمات ها را ایجاب می کند. در این بیانیه، با «لحنی قوی» از دولت ایران خواسته شد تا گروگان های امریکایی را آزاد کند. شورای امنیت در ۷ دسامبر ۱۹۷۹ با صدور قطع نامه ای خواستار آزادی فوری گروگان ها شد.

ص: ۴۸

۱- [۱]. همان، ص ۱۷۲.

۲- [۲]. شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشر دوستانه، صص ۴۷ _ ۴۸.

هم چنین در ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ با ۱۱ رأی موافق قطع نامه ای را تصویب کرد که در آن گروگان گیری محکوم شده بود. در این قطع نامه آمده بود که اگر گروگان ها تا تاریخ ۷ ژانویه ۱۹۸۰ آزاد نشوند، شورا «اقدامات مؤثری» به عمل می آورد. نماینده شوروی در این جلسه اعلام کرد که وی از درخواست برای آزادی گروگانها حمایت می کند، ولی موضع ایران تهدیدی علیه صلح نیست. بنابراین، برقراری تحریم [اقتصادی] با اصول منشور ملل هماهنگی ندارد.^(۱)

مورد سوم _ جنگ ایران و عراق

یکی از جنبه های مهم جنگ ایران و عراق، نقض عمده ای، پی در پی و از پیش سازمان دهی شده حقوق انسانی بین المللی و واکنش ضعیف و ناکافی مجامع بین المللی به ویژه شورای امنیت در برابر آن بود. اکنون برای نمونه، برخی موارد را یادآور می شویم:

نگاه اول _ کاربرد گسترده سلاح های شیمیایی

معاهده ها و اسناد بین المللی در زمینه ممنوعیت استفاده از سلاح های شیمیایی در جنگ ها فراوان است و همان گونه که پیش تر گفتیم، پروتکل ۱۷ ژوئن ۱۹۲۵^(۲) از مهم ترین اسناد بین المللی در این زمینه به شمار می رود. در این پروتکل که بیش از ۱۴۰ کشور جهان از جمله ایران و عراق آن را امضا کرده اند، به کارگیری سلاح های شیمیایی در جنگ ها بدون قید و شرط ممنوع شده است. هرچند در این پروتکل، ضمانت اجرایی پیش بینی نشده است،

ص: ۴۹

۱- [۱]. همان، صص ۱۷۳ و ۱۷۴.

۲- [۲]. Protocol For The Prohibition Of The Use In War Of Asphyxiating , Poisonous Or .Other Gases

ولی این مسئله با لزوم احترام به معیارهای پیش بینی شده در آن، منافاتی ندارد. افزون بر این پروتکل، دیگر موازین بین الملل موجود در این زمینه عبارت است از:

۱. اعلامیه بروکسل ۱۸۷۴؛

۲. اعلامیه کنفرانسهای صلح لاهه (۱۸۹۹ - ۱۹۰۷)؛

۳. ماده ۵ عهدنامه واشنگتن (۱۹۲۲) درباره حمایت از زندگی افراد غیر نظامی در زمان جنگ؛

۴. ماده ۶ اساس نامه دادگاه نورنبرگ (۱۹۴۶) درباره تعریف جنایت های جنگی و بیان ممنوعیت استفاده از سم و سلاحهای شیمیایی. (۱)

با این حال، شورای امنیت درباره کاربرد سلاح های شیمیایی در جنگ عراق با ایران، چهار بیانیه و دو قطع نامه صادر کرده است. نخستین بیانیه شورا به تاریخ ۳۰ مارس ۱۹۸۴ (۱۰ فروردین ۱۳۶۳) بود که براساس گزارش هیأت اعزامی سازمان ملل، استفاده از سلاح های شیمیایی، تأیید و به شدت محکوم شد. هم چنین بر لزوم احترام به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو تأکید شد، ولی از عراق به عنوان استفاده کننده از سلاح های شیمیایی علیه ایران نامی به میان نیامد. (۲)

در همین زمان، ایران اعلام کرد که از اول ماه مه ۱۹۸۱ تا مارس ۱۹۸۴، عراق ۴۹ بار از سلاح های شیمیایی استفاده کرده است. شورا در این بیانیه

ص: ۵۰

۱- [۱]. عباس هدایتی خمینی، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۰، صص ۱۷۷ - ۱۷۸.

۲- [۲]. Mars ۱۹۸۴, ۲۶, S/۱۶۴۳۳.

بسیار ضعیف، واکنش مناسب و کافی در برابر این نقض آشکار مقررات بین المللی نشان نداد و بدین وسیله، راه را برای تکرار این گونه جنایت های ضد انسانی باز گذاشت. در دومین بیانیه شورا در ۲۵ آوریل ۱۹۸۵ (۵ اردیبهشت ۱۳۶۲)، استفاده از سلاح های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی تأیید شده، ولی از عراق به عنوان مسئول این جنایت، نامی به میان نیامده است. از طرفی دیگر، هیچ ضمانت اجرایی را نیز برای پیش گیری از تکرار استفاده از جنگ افزارهای شیمیایی مطرح نداشت.

با آغاز عملیات و الفجر ۸ در منطقه فاو در تاریخ ۲۰/۱۱/۶۴ (۹ فوریه ۱۹۸۶) عراق برای چندمین بار به صورت گسترده از سلاح های شیمیایی استفاده کرد. در پی درخواست ایران، هیأت کارشناسی سازمان ملل وارد ایران شد. در نتیجه گیری گزارش اعلام شد که «هیأت از مقدار زیاد مصدومان و دامنه وسیع کاربرد سلاح های شیمیایی به شدت تکان خورده و... این کار هم چنان ادامه دارد که در تناقض آشکار با پروتکل ۱۹۲۵ ژنو است»^(۱). به دنبال ارسال گزارش این هیأت از سوی دبیرکل به شورای امنیت، شورا در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۸۶ (اول فروردین ۱۳۶۵) با صدور بیانیه ای اعلام داشت:

اعضای شورا از کاربرد مکرر سلاح های شیمیایی به دست نیروهای عراقی علیه نیروهای ایران نگران بوده و کاربرد مداوم سلاح های شیمیایی را محکوم می کند.^(۲)

چهارمین بیانیه شورا در تاریخ ۱۴ مه ۱۹۸۸ (۲۴ اردیبهشت ۱۳۶۶) و به دنبال استفاده بسیار گسترده سلاح های شیمیایی از سوی عراق علیه مناطق

ص: ۵۱

۱- [۱]. Mars ۱۹۸۴, ۱۲, Sc/۱۷۹۱۱.

۲- [۲]. Mars ۱۹۸۶, ۲۱, Sc/۱۷۹۳۲.

غیر نظامی ایران صادر شد. با وجود گزارش تکان دهنده کارشناسان اعزامی دبیر کل سازمان ملل در این زمینه،^(۱) در بیانیه شورا چنین آمده است:

اعضای شورا از نتیجه گیری های متفق القول کارشناسان مبنی بر استفاده از سلاح های شیمیایی علیه نیروهای ایرانی به دست نیروهای عراقی که پی در پی صورت گرفته و غیر نظامیان در ایران نیز بر اثر سلاح های شیمیایی مجروح شده اند، عمیقاً وحشت زده گردیده است و یک بار دیگر استفاده مداوم از سلاح های شیمیایی را قویاً محکوم می کنند.^(۲)

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در واکنش به این بیانیه اعلام داشت:

ادامه و تشدید کاربرد سلاح های شیمیایی به دست عراق، جنایت علیه بشریت است و انتظار این بود که شورای امنیت با صدور یک قطع نامه مستقل، ترتیبات عملی و مؤثری را برای مجازات عراق و توقف کاربرد سلاح های شیمیایی معمول می داشت.

بیانیه شورا با آن که با اهمیت فاجعه متناسب نبود، ولی واکنش جهانی گسترده و مناسبی را به سود جمهوری اسلامی ایران برانگیخت و کشورها و سازمان های بسیاری، عراق را به خاطر کاربرد سلاح های شیمیایی محکوم کردند.

اولین قطع نامه جداگانه و منحصر به سلاح های شیمیایی (۶۱۲) در تاریخ ۹ مه ۱۹۸۸ (۱۹ اردیبهشت ۱۳۶۷) از سوی شورای امنیت به تصویب رسید. این قطع نامه به دنبال استفاده عراق از سلاح های شیمیایی در منطقه عملیاتی والفجر ۱۰ و در حلبچه و کردستان عراق بنا بر پیشنهاد آلمان فدرال، ایتالیا،

ص: ۵۲

۱- [۱]. ۱۹ _ ۱۸ , ۵ _ ۶ . pp . ۱۹۸۷ . Mai ۸ , Sc/۱۸۸۵۲ .

۲- [۲]. ۱۴ Mai ۱۹۸۷ . Sc/۱۸۹۲۴ .

ژاپن، از سوی شورا به تصویب رسید. این قطع نامه کوچک ترین نامی از عراق به عنوان به کار برنده سلاح های شیمیایی نبوده است. به نظر می رسد از آن جایی که جمهوری اسلامی ایران تا آن تاریخ هنوز قطع نامه ۵۹۸ (۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷) شورای امنیت را نپذیرفته بود، شورا برای ایجاد فشار به ایران جهت پذیرش قطع نامه، از محکومیت عراق سرباز زد.

سیاست رژیم عراق در تداوم کاربرد سلاح های شیمیایی سبب شد تا شورا دومین قطع نامه خود را در تاریخ ۲۶ اوت ۱۹۸۸ (۴ شهریور ۱۳۶۷) صادر کند. متن قطع نامه ۶۲۰ را که قوی ترین قطع نامه شورای امنیت از آغاز تأسیس آن در زمینه سلاح های شیمیایی به شمار می رود، آلمان فدرال، ایتالیا، ژاپن و انگلستان پیشنهاد کرده بودند. شورا در این قطع نامه، عزم راسخ خود را برای پایان بخشیدن به هر گونه کاربرد سلاح های شیمیایی اعلام می دارد و در بند ۴ اجرایی تصمیم می گیرد در صورت هر گونه استفاده هر کشور از سلاح های شیمیایی در آینده که با حقوق بین الملل مغایر باشد، موضوع را بررسی کند و براساس منشور ملل متحد، اقدام مناسب و مؤثری را انجام دهد. گفتنی است جدّیت قطع نامه ۶۲۰ متأثر از پذیرش قطع نامه ۵۹۸ از سوی ایران است.

هرچند شورای امنیت با صدور قطع نامه یاد شده، بخش مهمی از وظایف خود را در زمینه کاربرد این سلاح ها به انجام رسانید، ولی پرسش این جا است که اگر شورا از همان آغاز استفاده از سلاح ها چنین موضعی را در قبال

عراق پیش می گرفت، آیا این قدر قربانی و مصدوم از این حمله ها برجای می ماند؟(۱)

نگاه دوم _ حمله به مناطق مسکونی

یکی دیگر از موارد نقض حقوق انسانی در جنگ عراق با ایران، حمله به مناطق مسکونی بود که در اصطلاح، «جنگ شهرها» خوانده می شود. هدف عراق از حمله به مراکز شهری، اعمال فشار روانی و اجتماعی، افزایش تنش در داخل ایران و وارد ساختن خسارت های جانی و مالی بود. قوانین بین المللی در مورد خودداری از حمله به غیر نظامیان و مصون بودن مراکز جمعیتی و مسکونی از حمله نظامی در جنگ ها فراوان است که از جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:(۲)

۱. قاعده عرفی حقوق بین الملل از نیمه دوم قرن نوزدهم؛

۲. اعلامیه سن پترزبورگ (۱۸۶۸)؛

۳. اعلامیه های لاهه (۲۹ ژوئیه ۱۸۹۹ و ۲۸ اکتبر ۱۹۰۷)؛

۴. قطع نامه کمیسیون عمومی کنفرانس خلع سلاح جامعه ملل (۱۹۳۲)؛

۵. قطع نامه جامعه ملل (۳۰ سپتامبر ۱۹۳۸)؛

۶. کنوانسیون چهارم ژنو در مورد حمایت افراد کشور در زمان جنگ (۱۲ اوت ۱۹۴۹)؛

۷. پروتکل های الحاقی به کنوانسیون ژنو (۱۹۷۷)؛

۸. قطع نامه متعدد و مکرر مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

ص: ۵۴

۱- [۱]. سعید خالوزاده، مواضع شورای امنیت در قبال جنگ عراق و کویت، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۵، صص ۱۱۶ _ ۱۱۹ با اندکی تلخیص.

۲- [۲]. شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، صص ۲۰۹ _ ۲۱۰.

با وجود این موازین، در جنگ عراق با ایران، مناطق مسکونی به شدت مورد حمله قرار گرفت. حتی می توان گفت که حمله عراق به شهرها و مناطق مسکونی ایران، پیش از آغاز حمله سراسری به خاک ایران آغاز شده بود.^(۱)

دبیرکل سازمان ملل، گزارش تکان دهنده هیأت اعزامی سازمان را که از ۲۰ تا ۲۷ مه در ایران (تهران، دزفول، اندیمشک، پل دختر، موسیان، دهلران، آبادان، خرمشهر، هویزه، سوسنگرد، سرپل ذهاب، قصر شیرین) و از ۲۷ مه تا ۲ ژوئن در عراق به سر برد، به شورای امنیت تسلیم کرد. «با این حال، شورا اقدام مناسبی انجام نداد و تنها در قطع نامه ۵۴۰، به این گزارش اشاره شد و بند ۲ اجرایی آن، نقض کنوانسیون ۱۹۴۹ را محکوم کرده، خواستار قطع فوری حمله به هدف های غیرنظامی از جمله شهرها و مناطق مسکونی شده است.»^(۲)

بازرسی های پیوسته و اعزام هیأت های شورا یا دبیر کل در طول جنگ همه از حسن نیت نشان ندادن عراق حکایت می کرد؛ زیرا صدام در برخی موارد با ندادن تضمین امنیتی برای هیأت، کار هیأت های شورا را عقیم می ساخت. هر چند بی کفایتی شورا در این زمینه جای دفاع ندارد، ولی سرسختی و لجاجت عراق در این باره را نیز باید در نظر بگیریم.

نگاه سوم _ تهدید امنیت هوانوردی غیر نظامی

ص: ۵۵

۱- [۱]. همان، ص ۲۱۰.

۲- [۲]. همان، ص ۲۱۱.

در تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۸۵ (۲۶ اسفند ۱۳۶۳) عراق در اطلاعیه ای، فضای ایران را برای پروازهای غیر نظامی، نا امن اعلام کرد. هم چنین در تاریخ ۲۰ فوریه ۱۹۸۶ (۱ اسفند ۱۳۶۴) یک فروند هواپیمای شرکت هواپیمایی _آسمان_ در هنگام پرواز در منطقه اهواز با حمله هواپیمای نظامی عراق روبه رو شد و همه سرنشینان آن به شهادت رسیدند. پیش از آن، در تاریخ های ۲۸ اوت و ۸ سپتامبر ۱۹۸۴، دو فروند هواپیمای _ایرباس_ و _بویینگ_ هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران در پرواز معمولی، کشوری، ربوده و به عراق برده شدند. یک فروند هواپیمای _فالکن_ غیر نظامی نیز در تاریخ ۱۲ اوت ۱۹۸۶ ربوده و در عراق فرود آورده شد. عراق برخلاف کنوانسیون های _۱۹۶۳ توکیو_ و _۱۹۷۱ مونترال_، به ربایندگان، پناهندگی سیاسی داد و از استرداد هواپیماها خودداری کرد. عراق افزون بر انجام هواپیما ربایی، کنوانسیون ۱۹۳۴ _شیکاگو_ در زمینه هوانوردی بین المللی کشوری را نیز نقض کرد.

شورای امنیت در مورد اول و دوم در قطع نامه های ۵۸۲ (بند ۲ اجرایی) و ۵۹۸ (بند چهارم مقدماتی) از حمله به هواپیمای غیر نظامی اظهار تأسف کرد که البته این اقدام شورا ناقص و ناکافی بود. جمهوری اسلامی ایران در نامه ای با اعلام موضع خود نسبت به قطع نامه ۵۸۲ چنین بیان داشت:

در مورد حمله به هواپیماهای مسافری و تهدید امنیت هوایی و حمله به مناطق مسکونی، شورا لازم بود موضع گیری محکم تری اتخاذ می کرد...

در زمینه ربودن سه فروند هواپیمای غیر نظامی نیز شکایت ایران به _ایکائو_ و قطع نامه های مجمع و شورای _ایکائو_ راه به جایی نبرد تا آن که هنگام مذاکره صلح میان دو کشور در سال ۱۳۶۹، دو فروند هواپیما بازگردانده شد.

مورد اول _ کردستان عراق

با پایان جنگ خلیج فارس و شکست ارتش عراق از نیروهای چند ملیتی در سال ۱۹۹۸، ناآرامی سراسر عراق را فرا گرفت. صدام نیز به شدت این ناآرامی ها را سرکوب کرد، به گونه ای که در نتیجه آن، نزدیک به دو میلیون نفر از مردم به سوی مرزهای ایران و ترکیه سرازیر شدند. به هر حال، دلایل روشنی وجود داشت که شورا را به اقدام جدی فرا می خواند این دلایل عبارتند از:

_ بحران پناهندگی گسترده مردم در نتیجه سرکوب رژیم بغداد؛

_ هویت قومی اکثریت پناهندگان که مشکلاتی را برای کشورهای همسایه پدید می آورد؛

_ نقض جدی حقوق بشر از سوی دولت عراق؛

_ این واقعیت که منطقه، بحران بزرگی را تجربه کرده بود (بحران دوم خلیج فارس).^(۱)

شورا برای پایان دادن به این موارد، سرانجام قطع نامه ۶۸۸ را با ۱۰ رأی موافق، ۲ رأی ممتنع و ۳ رأی مخالف به تصویب رسانید. قطع نامه یاد شده از دبیرکل سازمان ملل متحد می خواهد که کوشش های انسان دوستانه خود را در عراق پی گیری کند و بی درنگ، در مورد وضعیت دشوار مردم غیر نظامی

ص: ۶۰

آن کشور به ویژه مردم کرد که زیر فشار و سرکوب دولت بغداد بودند، گزارش دهد. افزون بر آن، از همه امکاناتی که در اختیار دارد، به ویژه امکانات سازمان های مربوط به ملل متحد برای پاسخ گویی سریع به نیازهای حیاتی آوارگان و مردم بی خانمان عراق استفاده کند. هم چنین از دولت عراق می خواهد که برای رسیدن به این هدف، با دبیر کل همکاری داشته باشد. این قطع نامه هر چند با تعداد کمی رأی تصویب شد، «ولی تحولی مهم در روند اقدامات شورای امنیت به شمار می رود؛ زیرا شورای امنیت برای اولین بار در تاریخ خود، ارتباط آشکار و صریح نقض حقوق بشر و تهدید صلح و امنیت بین المللی را اعلام کرده است».

نکته مهم این است که اقدامات شورای امنیت در زمینه درخواست از دولت عراق برای اجازه دسترسی به مردم کرد، به ایجاد سابقه در مورد حقوق و تعهدات دولت میزبان و آژانس های کمک رسانی انجامید، زیرا در گذشته این گونه کمک ها با اجازه دولت میزبان تحویل داده می شد، ولی متن قطع نامه ۶۸۸ طوری تنظیم شده است که رضایت دولت میزبان نمی توانست در اعطای کمک تأثیری داشته باشد. (۱)

شورای امنیت در این دو مورد که از موارد نقض حقوق انسانی به شمار می رود، کار خاصی انجام نداده است؛ در مسئله اسیران جنگی بیش تر - کمیته بین المللی صلیب سرخ - درگیر بود. البته در قطع نامه ۵۴۰ (بند ۲ اجرایی)، نقض مفاد کنوانسیون های ژنو محکوم شده و قطع نامه ۵۸۲ در بند ۴ اجرایی خود خواستار مبادله کامل اسرای جنگی گردیده است. بند ۳ اجرایی قطع نامه ۵۹۸ نیز ناظر بر همین مورد است.

جمهوری اسلامی ایران در مورد تخریب آثار و بناهای فرهنگی، درخواست مشخصی از شورا نداشته است. البته در این مورد، سازمان تربیتی، علمی، فرهنگی ملل متحد (یونسکو) با اعزام دو هیأت در سال های ۱۹۸۵ و ۱۹۸۷، آثار تخریب شده در چند شهر ایران را بررسی کرد. (۲)

به هر صورت می توان گفت که اقدامات سازمان به صورت کلی در این زمینه، ناکافی و با ملاحظه های سیاسی خاص همراه بوده است که مسئولان آن، گاه بر اساس این ملاحظه ها، چشم خود را بر واقعیت ها و حقایق عینی و ملموس بسته اند.

نتیجه گیری کلی در مورد اقدامات شورای امنیت در جنگ ایران و عراق

اقدامات شورای امنیت در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به جز چند اقدام جزئی در مورد کاربرد سلاح های شیمیایی آن هم به دلیل شدت فجایع، در کل ناکافی و همراه با ملاحظه های سیاسی ارزیابی می شود. در پایان، به دو نکته باید توجه داشت.

ص: ۵۷

۱- [۱]. همان، صص ۱۰۴ - ۱۰۵.

۲- [۱]. همان، ص ۲۲۷.

نکته اول _ از نظر حقوقی هیچ چیز کوتاهی شورای امنیت از اقدام قاطع در برابر یک تجاوز آشکار را موجه نمی سازد. براساس ماده ۲۴ منشور، شورای امنیت، مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین المللی را بر عهده دارد و مسئولیت اصلی شورا، انتقام کشی بین المللی نیست. اگر شورای امنیت می توانست در برابر غریزه کینه توزی مقاومت کند، عراق را مسئول جنگ علیه ایران می شناخت و بهتر و زودتر می توانست جنگی را که نزدیک به ۸ سال طول کشید و نیم میلیون کشته و میلیاردها دلار خسارت مادی بر جای گذاشت، متوقف کند. (۱)

در مورد قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت، بیان این نکته اهمیت دارد که هنگام تصویب این قطع نامه، با وحدت نظر پنج عضو دائمی شورای امنیت روبه رو هستیم که در تاریخ شورای امنیت کم نظیر است.

نکته دوم _ تجاوز عراق به ایران را مصداق جنایت ندانستن نباید به حساب نبود مقررات حقوق بین الملل در زمینه جنایت یا قابل اجرا نبودن این مقررات گذاشت. مشکل اصلی در ترکیب نظام سیاسی بین المللی است که در آن، قدرتی متمرکز فراتر از قدرت اعضای آن وجود ندارد و تشخیص جنایت و در مرحله بعد، توسل به ضمانت اجراهای حقوق بین الملل در همه موارد به ویژه در مواردی که اتفاق آرا میان قدرت های بزرگ وجود نداشته باشد، عملی نیست. از همین رو، شورای امنیت که ماهیتی کاملاً سیاسی دارد، به دلیل پشتیبانی قدرت های بزرگ از عراق، نتوانست حمله عراق به ایران را

ص: ۵۸

تجاوز اعلام کند و به مقابله با آن برخیزد، در حالی که در مورد دیگری چون کویت، به سبب هماهنگی میان ابرقدرت ها، سازوکار مقرر در منشور برای مقابله با تجاوز به کار افتاد. شاید بهتر باشد کمیسیون حقوق بین الملل - یکی از ارکان فرعی مجمع عمومی - با توجه به این مشکل، مرجعی را برای اجرای مسئولیت مشخص سازد که برخلاف شورای امنیت، ماهیت سیاسی نداشته باشد و صرفاً رکنی حقوقی به شمار آید. گفتنی است با اصلاحات لازم در منشور و اساس نامه دیوان بین المللی دادگستری، این دیوان به صورت شایسته می تواند چنین وظیفه ای را برعهده گیرد.^(۱)

مورد چهارم - حمله ناو وینسنس امریکا به هواپیمای مسافری ایرباس ایران

شورای امنیت در ۲۶ اوت ۱۹۸۸ براساس شکایت جمهوری اسلامی ایران درباره سرنگون ساختن یک فروند هواپیمای مسافربری ایران به دست رزم ناو امریکایی در خلیج فارس، تشکیل جلسه داد. در این اجلاس، دکتر -علی اکبر ولایتی-، وزیر امور خارجه وقت ایران، اقدام امریکا را به شدت محکوم ساخت. در مقابل، معاون ریاست جمهوری وقت امریکا (جورج بوش) که ریاست هیأت نمایندگی امریکا را در شورای امنیت به عهده داشت، اعلام کرد که رزم ناو امریکایی برای دفاع از خود، موشک شلیک کرده است. شورا ادامه بحث و تصمیم گیری را به بعد موکول ساخت. شورای امنیت در ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۸ در قطع نامه ای که به اتفاق آرا به تصویب رساند، اندوه عمیق خود را از انهدام هواپیمای مسافربری ایران ابراز داشت و به این ترتیب، شورا

ص: ۵۹

۱- [۱]. بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، مسئولیت بین المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۶۴.

از مقصر شناختن امریکا در حمله به هواپیمای مسافربری ایران که به احتمال زیاد با توی امریکا روبه رو می گردید، طرفه رفت. (۱)

مورد دوم _ هاییتی (بحران هاییتی و به خطر افتادن دموکراسی)

اقدامات شورای امنیت درباره حوادث هاییتی در نوع خود، امری بی سابقه و منحصر به فرد است. شورای امنیت در ۱۶ ژوئن ۱۹۹۳ بر اساس قطع نامه ۸۴۱، اقداماتی را برای بازگشت حکومت قانونی این کشور مقرر کرد. این قطع نامه در عین این که در فصل هفتم [منشور] مقرر گشته و مشروعیت

ص: ۶۱

۱- [۱]. سازمان ملل متحد؛ مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی، ص ۱۷۸.

اقدام شورا و وضع تحریم های اقتصادی در آن به گونه ای با صلح و امنیت بین المللی ارتباط داده شده است، ولی تلاش زیادی برای اثبات این قضیه از دید صلح و امنیت بین المللی به عمل نیامده است. البته منظور اصلی از تدوین قطع نامه به طور برجسته در آن مشخص شده و آن عبارت است از بازگرداندن حکومت قانونی هاییتی. برای نمونه، شورای امنیت در بخش های گوناگون قطع نامه از تأیید دولت قانونی و محکومیت نظامیان سخن گفته است. در تأیید بی سابقه بودن این قطع نامه که به اتفاق آرا اتخاذ شده است، همین بس که تعدادی از اعضا شورا در صدد توجیه وضعیت استثنایی این قطع نامه برآمده اند.

زمانی که اقدامات شورا براساس ماده ۴۱ منشور نتوانست به نتیجه برسد، قطع نامه ۹۴۰ به تصویب رسید که به دولت های عضو اجازه می داد تا به مداخله نظامی در هاییتی پردازند. در این قطع نامه، شورا از وخیم شدن وضعیت بشردوستانه به ویژه افزایش مداوم نقض آزادی های اجتماعی از سوی رژیم هاییتی و بی خانمانی آوارگان اظهار نگرانی کرده و ادامه این وضعیت را تهدیدی علیه صلح و امنیت در منطقه دانسته است. شورا هم چنین بر هدف جامعه بین المللی در احیای دموکراسی و بازگشت رئیس جمهور منتخب و قانونی؛ برتراند اریستید _تصریح کرده و وضعیت آن کشور را «ویژه، منحصر، وخیم و فوق العاده» و نیازمند «واکنش ویژه» دانسته است. (۱)

ص: ۶۲

به هر صورت، پس از تصویب قطع نامه ۹۴۰، نیرویی چند ملیتی به رهبری ایالات متحده آمریکا (MNF) وارد هایتی شد و سرانجام پس از درگیری ها، حکومت قانونی و رئیس جمهور قانونی را به قدرت برگرداند. پس از لغو تحریم های ایجاد شده به دست شورای امنیت، این نیروی چند ملیتی جای خود را به هیأت ملل متحد در هایتی (UNMIH) واگذار کرد.

ویژگی اقدامات شورای امنیت در مورد هایتی در این حقیقت نهفته است که تا مرحله کنونی از توسعه حقوق بین الملل و تا زمان صدور قطع نامه شورای امنیت در مورد هایتی، وجود حکومت هایی که موجودیت آن ها با قانون اساسی و ترتیبات کسب قدرت به موجب حقوق داخلی کشورهای مربوطه هم آهنگ نیست، هیچ گاه به عنوان امری که مشروعیت آن دولت ها را از دید حقوق بین الملل مخدوش سازد، مطرح نبوده است.^(۱) برخی از استادان حقوق این گونه استدلال کرده اند که شورای امنیت با تفسیر موسع از منشور و با این استدلال که وضعیت منحصر به فرد هایتی اقدام خاص خود را می طلبد، با هدف دفاع از دموکراسی و حق تعیین سرنوشت یک ملت و حقوق بشر و پرهیز از به خطر افتادن صلح و امنیت بین المللی، توسل به قوه قهریه را جایز شمرد. با این وصف و با در نظر گرفتن شرایط نوین بین المللی نمی توان انتظار داشت که جامعه بین المللی در شرایطی نظیر هایتی یا وضعیت های مشابه آن، سکوت اختیار کند.^(۲)

ص: ۶۳

۱- [۱]. نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، صص ۴۵۰ _ ۴۵۱.

۲- [۲]. همان، صص ۴۵۵ _ ۴۵۶.

درباره قطع نامه ۹۴۰ شورای امنیت که اجازه توسل به قوه قهریه را در هائیتی صادر کرد، مهم ترین ایرادهایی که از سوی برخی کشورها وارد شده، این است که نقض داخلی حقوق بشر نمی تواند مصداق نقض صلح و امنیت بین المللی باشد تا شورا بتواند با استناد به نقض صلح و امنیت بین المللی، اجازه توسل به قوه قاهره را در کشوری صادر کند. پس عمل شورای امنیت در مورد هائیتی، مشروعیت نداشته و قابل انتقاد و ایراد است. هرچند پیش تر اشاره کردیم که شورا با تفسیر موسع خود از منشور دست به این اقدام زد، ولی نظم نوین جهانی و مسایل بین المللی مربوط به مداخله بشر دوستانه را می توان از جمله مواردی دانست که دخالت شورا را توجیه پذیر می سازد؛ زیرا در نظم نوین جهانی نمی توان گفت که نقض داخلی حقوق بشر نمی تواند مصداق نقض صلح و امنیت بین المللی قرار گیرد. باید دانست گاه نقض حقوق انسانی داخلی مصداقی از نقض صلح و امنیت جهانی تلقی می شود و اقدام لازم بین المللی را می طلبد. البته نمی توانیم با تفسیر بسیار موسع از این نظم نوین جهانی و مداخله بشردوستانه، هرگونه اقدام و دخالت در حقوق داخلی کشورها را تصدیق کنیم.

مورد سوم _ سومالی

اشاره

مداخله بشردوستانه در سومالی را در سه بخش مطرح می سازیم:

الف) نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل در سومالی (UNOSOMI)

سرنگونی _ زیادباره _ در ۲۱ ژانویه ۱۹۹۱ که به مدت ۲۱ سال، رهبری سومالی را عهده دار بود، مبارزه برای کسب قدرت و برخورد های قبیله ای و مناطق متعدد کشور را در پی داشت. در ماه نوامبر، زد و خورد شدیدی میان جناح

هوادار رئیس جمهور موقت؛ _علی مهدی محمد_ و طرفداران ژنرال _محمد فرح آیدید_؛ رئیس کنگره _متحد سومالی_ در موگادیشو، پایتخت سومالی در گرفت. در حالی که عناصر کاملاً مسلح بخش های مختلف سومالی را زیر کنترل داشتند، درگیری ها به مناطق دیگر کشور نیز گسترش یافت. مرگ و ویرانی گسترده، صدها هزار نفر را وادار کرد از خانه های خود بگریزند. با وجود این آشفتگی، سازمان ملل متحد هم چنان به تلاش انسان دوستانه خود ادامه می داد و تا ماه مارس ۱۹۹۱، چندین سازمان غیر دولتی دست اندرکار این تلاش بودند. شورای امنیت در ۲۳ ژانویه ۱۹۹۳، تحریم اسلحه را علیه سومالی برقرار کرد و از همه طرف های درگیر خواست به درگیری ها پایان دهند. (۱)

تصویب قطع نامه ۷۵۱، آغاز عملیات سازمان ملل متحد را در سومالی اعلام کرد. براساس این قطع نامه، _نیروی پاسدار صلح_ (UNOSOMI) تشکیل شد کهوظیفه آن، ایجاد امنیت برای کمک های انسان دوستانه، ایجاد شرایط مساعد برای رسیدن کمک های غذایی و دارویی به مردم، جلوگیری از گسترش زد و خوردهای مسلحانه میان طرف های درگیر و نظارت بر آتش بس (۳) بود. شمار این نیروها بعدها تا ۳۵۰۰ نفر رسید. (۴) اگرچه دولت سومالی هنگام اعزام این نیروها، حکومت مرکزی نداشت، ولی رضایت گروه های اصلی درگیر را می توان به منزله رضایت قبلی سومالی دانست. افزون بر آن،

ص: ۶۵

۱- [۱]. واقعیت های اساسی درباره سازمان ملل متحد، برگردان: قدرت الله معمارزاده، کتاب سرا، تهران، ۱۳۷۴، صص ۱۲۴ _ ۱۲۵.

۲- [۲]. United Nations Operation In Somalia (UNOSOM).

۳- [۳]. آتش بس بین طرف های درگیر پس از تلاش هیأتی متشکل از نمایندگان سازمان ملل متحد، اتحادیه عرب، سازمان وحدت آفریقا و سازمان کنفرانس اسلامی به وجود آمد.

۴- [۴]. شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشر دوستانه، ص ۱۱۲.

هدف کلی این عملیات، نظارت بر اجرای آتش بس بود و این نیروها در عملیات مشارکت نداشتند. بنابراین، نمی توان گفت که در امور سومالی مداخله می کردند، بلکه تا این مرحله، نیروهای سازمان ملل در چارچوب عملیات حفظ صلح، انجام وظیفه کرده اند. (۱)

(ب) نیروهای مسلح به فرماندهی امریکا

با آشفته شدن اوضاع در سومالی، فروپاشی حکومت مرکزی، ادامه درگیری میان دوازده گروه رقیب و گسترش دامنه خرابی ها در کشور، ادامه کمک رسانی انسان دوستانه با مشکلات بزرگی روبه رو شد. غارت شدن کمک های انسان دوستانه به دست گروه های مسلح نیز اوضاع را پیچیده تر کرد. در چنین شرایطی، شورای امنیت براساس توصیه دبیرکل در تاریخ ۳ دسامبر ۱۹۹۲، قطع نامه ۷۹۴ را با اجماع از تصویب گذراند و مجوز اعزام نیرو به سومالی را صادر کرد. در پی آن، ۲۸۰۰ نیروی مسلح امریکایی به سومالی سرازیر شدند. (۲)

از دیدگاه بین المللی، علاقه مندی امریکا به اعزام نیروی نظامی فراوان به سومالی با هدف تثبیت موقعیت این کشور به عنوان رهبر جهان آزاد در شرایط پس از جنگ سرد صورت می گرفت. در پی جنگ خلیج فارس که به آزادی کویت از اشغال عراق (۱۹۹۱) انجامید، این دومین بار بود که امریکا برای اجرای قطع نامه های شورای امنیت، نیروی نظامی انبوهی را با هدف کمک های انسان دوستانه و زیر عنوان «عملیات بازگشت امید» (۳) وارد معرکه

ص: ۶۶

۱- [۱]. تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، ص ۱۶۷.

۲- [۲]. همان، ص ۱۶۷.

۳- [۳]. Operations Of Restoring Hope.

می کرد. در هر دو سناریو، امریکا ابتکار عمل را به دست گرفت و اروپا و ژاپن را بر آن داشت که دست کم در آن دوره، رهبری امریکا را در برقراری نظم نوین جهانی بپذیرند.

تجربه سومالی، تکرار سناریوی امریکا در خلیج فارس با پوششی متفاوت، ولی در قالب منشور ملل متحد و قطع نامه های شورای امنیت بود. در واقع، هدف امریکا در همه جا و همه حال، پی گیری منافع خود زیر پوشش سازمان ملل متحد است.

با اصرار دبیرکل و تصویب شورای امنیت، مأموریت نیروهای صلح سازمان ملل با هدایت و فرماندهی امریکا، به سرعت از تضمین ایمنی تحویل و توزیع کمک های اضطراری انسان دوستانه به خلع سلاح گروه های رقیب، تلاش برای استقرار دولتی جدید و بازگرداندن ثبات و آرامش و کوشش برای دستگیری یکی از رهبران گروه های درگیر در بحران سومالی و مجازات وی به دلیل تشدید حمله نیروهایش به نیروهای چند ملیتی به ویژه امریکایی تغییر یافت.^(۱)

انحراف سربازان امریکایی از اهداف اصلی و اولیه سبب شد بسیاری از سیاستمداران و از جمله جورج بوش که خود مبتکر اعزام این نیروها به سومالی بود، به این وضعیت واکنش نشان دهند. برای نمونه، وی گفت:

سربازان امریکایی برای ارایه کمک های انسانی به مردم سومالی وارد این کشور شدند، ولی امید دارم که این مأموریت بیش از پیش از مسیر خود منحرف نشود.^(۲)

ص: ۶۷

۱- [۱]. شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشر دوستانه، ص ۱۱۹.

۲- [۲]. نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، صص ۴۸۱ _ ۴۸۲.

برخی از دولت‌ها از جمله ایران و عراق، «هدف اقدامات مداخله‌گراییانه آمریکا را تمایل این دولت برای کنترل راه‌های نفت» و هم چنین «تسلط نظامی بر شاخ آفریقا» نامیدند. از مقایسه دوگانگی اقدامات شورای امنیت در سومالی و بوسنی به خوبی می‌توان این ادعاها را اثبات کرد؛ زیرا در بوسنی، با بی‌میلی قدرت‌های بزرگ از اقدام مؤثر در آن کشور روبه‌رو هستیم و در سومالی خلاف آن را می‌بینیم.

ج) نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد در سومالی (UnosomII)

در پی توصیه‌های دبیرکل، شورای امنیت در ۲۶ مارس تصمیم گرفت مسئولیت نیروهای ویژه متحد را به عملیات ملل متحد ۲ برای سومالی (یونوسوم ۲) منتقل کند و بر وسعت و حدود اختیار آن بیافزاید. شورا به یونوسوم ۲ اجازه داد برای برقراری فضایی امن در سراسر سومالی، براساس مفاد فصل هفتم منشور، از زور استفاده کند. شورا هم چنین به یونوسوم ۲ اختیار داد مردم سومالی را در بازسازی اقتصاد کشور و زندگی اجتماعی - سیاسی شان یاری دهد. (۱)

در این قطع‌نامه (قطع‌نامه ۸۱۴ شورای امنیت) به رضایت دولت اشاره‌ای نشده و علت آن، افزون بر نبود دولت در سومالی، چیره شدن بر ضعف گذشته عملیات حفظ صلح بود. این در حالی است که داشتن رضایت طرفین درگیر به عنوان یک معیار کلیدی برای اقدام نیروهای حافظ صلح، عملیات حفظ صلح را وارد وادی خطرناکی می‌کند.

ص: ۶۸

نمود چارچوب مدون برای عملیات حفظ صلح، تمایل به تلقی عملیات حفظ صلح به عنوان یک تاکتیک انعطاف پذیر را تسهیل می کند که مبنای قانونی، مقاصد و شیوه عمل آن می تواند اساساً برای وضعیت های دشواری که با آن تناسب ندارد، به کار گرفته شود. البته وقتی رضایت طرفین درگیر وجود ندارد، مشکلاتی پیش می آید. از یک طرف، چون گروه های رقیب با هم توافق ندارند و اعلامیه های شورای امنیت را نمی پذیرند، به راحتی به نیروهای پاسدار صلح حمله می کنند. از طرف دیگر، پیچیدگی جنگ های داخلی نیازمند اطلاعات و توانایی خاصی است که نیروهای پاسدار صلح آن را ندارند و همکاری گروه های داخلی را می طلبد. (۱)

شدت و وسعت اقدامات سازمان ملل و شورای امنیت در سوماتالی بدون مصداق قبلی، پرسش ها و مباحث زیادی را در مورد مداخله انسان دوستانه این شورا مطرح ساخت از جمله: آیا زمانی که برای صلح، حذف یک مهره سیاسی داخلی لازم باشد، شورا در این نوع دخالت ها صلاحیت دارد؟ آیا نباید حدود و شرایط شیوه کنترل عملیات بشردوستانه این شورا را قانون مند کرد؟

به هر صورت، اقدامات شورای امنیت و دخالت نیروهای امریکایی جای انتقاد و پرسش های زیادی را دارد؛ به ویژه، زمانی که این مداخله را با موردی مانند بوسنی و هرزه گوین یا دیگر موارد مقایسه کنیم.

مورد چهارم _ رواندا

ص: ۶۹

رواندا کشوری است که از قومیت های گوناگونی چون: هوتو، توتسی و توآ تشکیل شده است. سرزمین رواندا در دهه ۱۹۹۰ شاهد درگیری های قبیله ای فراوان بود. در سال ۱۹۹۳ سازمان ملل برای حل اختلاف میان دو گروه درگیر، موافقت نامه ای را در شهر اروشا تانزانیا منعقد کرد. در این قرارداد که به موافقت نامه ۹۰۹ شورای امنیت معروف است، برقراری آتش بس فوری و سراسری، تشکیل دولت انتقالی و برگزاری انتخابات زیر نظر سازمان ملل، مورد توافق طرفین درگیر در رواندا قرار گرفت. (۱) البته به دلیل به وجود آمدن اختلاف بر سر دولت انتقالی و اعضای آن و کشته شدن رئیس جمهور رواندا در سانحه هوایی، درگیری های قومی به شدت میان توتسی ها و هوتوها که در اقلیت بودند، گسترش یافت. شدت کشتارها سبب شد شورای امنیت، موضوع رواندا را در دستور کار خود قرار دهد و با تصویب قطع نامه ۹۲۵، کشتار گسترده هزاران انسان را «ژنوسید» و قابل مجازات بدانند. با این حال، در این قطع نامه، تنها به ضرورت گسترش اقدامات بشردوستانه نیروهای حافظ صلح درباره آوارگان اشاره شد. در قطع نامه ای که در ۲۲ ژوئن ۱۹۹۴ به تصویب رسید، بحران رواندا تهدیدی علیه صلح و امنیت منطقه تلقی گردید و شورا براساس فصل هفتم منشور، به دولت های عضو اجازه استفاده از هرگونه وسیله لازم را صادر کرد.

به دنبال این قطع نامه، نیروهای نظامی فرانسه وارد رواندا شدند و با ایجاد مناطق امن در جنوب غربی کشور عملیات فیروزه را آغاز کردند. هر چند

ص: ۷۰

۱- [۱]. رواندا (Rwanda) در شرق آفریقا و همسایگی اوگاندا، زئیر، بروندي و تانزانیا قرار دارد.

برخی اعضای شورای امنیت با استناد به تجربه ناموفق سومالی، با اقدام نظامی در رواندا موافق نبودند و _جبهه میهنی رواندا_ نیز تنها در قالب عملیات حفظ صلح، دخالت بین المللی را مجاز می دانست، ولی با وجود این موارد، نیروهای فرانسوی توانستند با ماندن و ایجاد مناطق امن، آوارگان رواندایی را از کمک های بشردوستانه جامعه بین المللی بهره مند سازند.

مورد پنجم _ بوسنی و هرزگه گوین

مقایسه کلی میان اقدامات شورای امنیت در بوسنی و هرزگه گوین و سومالی و همکاری گسترده امریکا در سومالی و بی میلی جامعه بین المللی و قدرت های بزرگ برای دخالت در بوسنی و هرزگه گوین، بیانگر دوگانگی اقدامات شورای امنیت در عمل است. البته این دوگانگی در عمل، خود، متأثر از اراده و قدرت اعضای دایم شورای امنیت و قدرت های بزرگ است که هر جا منافعشان اقتضا داشته باشد، به سرعت و با شدت اقدام می کنند و در برخی موارد با چشم پوشی کامل از کنار مسئله می گذرند. در فهرستی اجمالی، اقدامات شورای امنیت و جامعه بین المللی در بوسنی و هرزگه گوین را می توان این گونه برشمرد: (۱)

_ اعزام گروه های حقیقت یاب؛

_ اعمال تحریم تسلیحاتی؛

_ ایجاد و استقرار نیروهای پاسدار صلح موسوم به (UNPROFOR) در قطع نامه ۷۴۳ در ۲۱ فوریه ۱۹۹۲؛

_ تدارک کمک های انسان دوستانه؛

ص: ۷۱

__ تضمین امنیت و بازگشایی فرودگاه _ سارایوو؛__

__ ایجاد راهروهای امنیتی برای عبور کمک ها؛

__ ایجاد منطقه ممنوعه پروازی بر فراز آسمان بوسنی و هرزه گوین؛

__ اجازه دادن به ناتو برای انجام عملیات حمایتی هوایی و بمباران مواضع صرب ها؛

__ ایجاد اردوگاه ها و مناطق امن؛

__ تشکیل دادگاه بین المللی رسیدگی به جنایات جنگی در یوگسلاوی سابق.

با وجود درخواست سازمان کنفرانس اسلامی برای مداخله بشردوستانه بدون رضایت طرفین، کمک ها و دخالت های سازمان ملل تنها به توزیع کمک ها و توصیه طرفین مبنی بر احترام به حقوق بشر دوستانه محدود بود. واقعیت آن است که سازمان ملل ترجیح داد به نقض جدی حقوق بشر در بوسنی، نه با توقف آن، بلکه با کمک به مصیبت دیدگان، واکنش نشان دهد که انتخاب این خط مشی، از رنج و مصیبت های انسانی نکاست. برای جلوگیری از این وضعیت، نیروهایی لازم بود تا صلح را نه تنها حفظ، بلکه اعمال کنند؛ زیرا صلحی وجود نداشت. (۱) نکته اصلی در این جمله نهفته است که «قدرت های بزرگ در شورای امنیت در پایان دادن فوری به جنایت صرب ها، منافی برای خود نمی دیدند.» (۲) پس به راحتی می بینیم که شورای

ص: ۷۲

۱- [۱]. همان، ص ۱۲۵.

۲- [۲]. همان.

امنیت بر اساس ملاحظات سیاسی، در راستای اهداف قدرت های بزرگ، به نرمی و آهستگی قدم برداشت تا مبادا منافع کشورهای قدرتمند به خطر افتد.

مورد ششم _ عراق

اشاره

نقض حقوق انسانی در عراق از دو نظر قابل بررسی است:

الف) نقض حقوق بشر به دست دولت حاکم بر عراق

آگاهان و کارشناسان در مورد نقض حقوق انسانی از سوی حزب بعث و صدام حسین نظریه های متفاوتی دارند. دکتر حسین حکیم، پزشک و تحصیل کرده عراقی که هم اکنون استاد دانشگاه در ایران است، این گونه بیان می دارد:

نقض حقوق و قوانین انسان دوستانه در داخل کشور عراق زیاد است و انسان نمی تواند آن ها را بیان کند. مواردی چون کشتار اقلیت فکری، علمی و مذهبی شیعیان، کوشش در به قتل رسانیدن معارضان سیاسی حزب بعث و دولت، کشتار شخصیت های سیاسی، استخدام همه گونه وسایل شکنجه مثل قطع زبان، گوش، شکنجه های روحی، کشتار خانواده های شیعیان و... تنها گوشه ای از این نقض حقوق انسانی در داخل کشور عراق به دست صدام و حزب حاکم است.

استاد نصیری، تبعه عراق و استاد دانشگاه در ایران در این باره می گوید:

در سال ۱۹۹۱ یک زندان در بازار عراق کشف شد که زندانیانی در آن وجود داشت که حدود ۳۰ سال در زندان به سر برده بودند. کشتن بچه ها و خانواده ها و معارضان صدام و هزار مورد دیگر از موارد نقض عملی حقوق بشر در این کشور است.

این صاحب نظران از بی توجهی جامعه بین‌المللی به ویژه سازمان ملل به رنج‌های مردم بی‌پناه و مظلوم عراق ابراز تأسف می‌کنند. استاد حکیم می‌گوید:

ملت عراق طبیعتاً به قوانین و ضوابط بین‌المللی و قطع‌نامه‌های سازمان ملل پای‌بندند، ولی تا به حال متضرران از این قطع‌نامه‌ها و ضوابط بین‌المللی، مردم عراق بوده‌اند و حمایتی از مردم صورت نگرفته است. به‌طور کلی، اقدام ناقاطع شورای امنیت و مداخله بشردوستانه هر چند بدون رضایت دولت حاکم مثل بعضی موارد مداخله بشردوستانه، جای ابهام و انتقاد را در مورد سازمان ملل و شورای امنیت باقی گذاشته است.

(ب) نقض حقوق بشر به دست امریکا

ایالات متحده امریکا پس از جنگ عراق با کویت، می‌کوشید سازمان ملل و شورای امنیت را به اعمال تحریم اقتصادی علیه دولت عراق وا دارد که این تحریم‌های مداوم به پایمال شدن حقوق انسانی مردم عراق انجامیده است. امریکا در جنگ ایران و عراق، از وجود صدام و دولت عراق برای منافع خود استفاده کرد. آن‌گاه که دیگر منفعی برای آن کشور نداشت، کوشید وی را حذف کند. جنگ جدید امریکا با عراق نیز که به سرنگونی رژیم استبدادی صدام انجامید، آسیب‌های دیگری را بر پیکر عراق وارد آورد.

مورد هفتم _ فلسطین

یکی دیگر از موارد نقض گسترده حقوق انسانی، مسئله فلسطین است. رژیم غاصب اسرائیل با حمایت امریکا در این کشور، به کشتارهای دسته‌جمعی و هزاران جنایت ضد انسانی دیگر دست زده است.

از قواعد عرفی مورد پذیرش در جنگ ها که از مقبولیت عام الشمولی برخوردار بوده و هست، اصل حمایت از افراد غیر نظامی در برابر خطرهای ناشی از درگیری های مسلحانه است که به ضوابط بین المللی در این باره اشاره می شود. این موارد عبارت است از:

__ ماده ۲۲ قرارداد چهارم لاهه؛

__ ماده ۴۸ پروتکل اول معاهدات چهارگانه ژنو (۱۹۷۷)؛

__ بند ۲ ماده ۵۱ و ماده ۵۲ پروتکل اول معاهدات چهارگانه ژنو؛

__ قطع نامه ۲۶۷۵ مجمع عمومی (۱۹۷۰)؛

__ موافقت نامه آوریل ۱۹۹۶ میان حزب الله و رژیم صهیونیستی در متوقف کردن حمله به مراکز غیر نظامی که با میانجی گری فرانسه، سوریه و امریکا پس از جنایات شرم آور _ قانا _ به امضا رسید. (۱)

با توجه به کشتارهای گسترده رژیم صهیونیستی و زیرپا گذاشتن کامل حقوق انسانی مردم فلسطین، آیا حمله های رژیم غاصب اسرائیل، نقض فاحش حقوق بشر و تهدیدی برای صلح منطقه و جهان نیست؟ آیا وظیفه شورای امنیت، عمل در قالب فصل هفتم منشور و ماده ۴۲ آن نیست؟

رژیم غاصب اسرائیل تلاش دارد با دستاویز قرارداد قطع نامه های بین المللی _ که یک طرفه و با حمایت دولت های غربی و در رأس آن ها امریکا صادر شده است _ حاکمیت خود را بر سرزمین فلسطین، مشروع و قانونی جلوه دهد. اکنون به قطع نامه ۱۸۱ مجمع عمومی اشاره می کنیم که به

ص: ۷۵

۱- [۱]. سیدمحسن حکیم، «حملات رژیم صهیونیستی به لبنان از دیدگاه حقوق بین الملل»، رسالت، ۲۶/۲/۷۹.

تشکیل رژیم صهیونیستی انجامیده است. در مورد این قطع نامه، به بیان دو نکته بسنده می کنیم:

۱. قطع نامه های مجمع بر اساس ماده ۱۰ منشور تنها جنبه توصیه و مشورتی دارد، ولی برعکس، این قطع نامه الزام آور است و حتی مجمع به شورای امنیت توصیه می کند که اقدام بر ضد آن را تهدید علیه صلح بداند و اقدام مقتضی انجام دهد.

۲. طرح تقسیم موضوع قطع نامه در تعارض آشکار با بند ۲ و ۷ ماده دوم منشور است.

امروزه صاحب نظران در جامعه بین الملل بر این باورند که رژیم غاصب اسرائیل باتمسک به هنجارهای بین المللی و مفاهیم موجود در عرصه روابط بین الملل می کوشد به حالت اشغال سرزمین فلسطین و ادامه این عمل، مشروعیت ببخشد. (۱)

با توجه به جنایت های ضد انسانی رژیم اسرائیل در _قانا_، _صبرا_ و _شتیلا_ آشکار است که ادامه این اقدامات که هم اکنون با تخریب خانه های فلسطینیان ادامه دارد، بر ضد موازین و ضوابط حقوق بین الملل است. در این میان، شورای امنیت موظف است با توجه به وحدت ملاک در مسئله فلسطین و موارد دیگر چون سومالی و بوسنی، به اقدام مقتضی مندرج در فصل هفتم منشور (ماده ۴۲) دست زند و مسئله رژیم اسرائیل را همانند مسایل دیگر که در تاریخ شورا با آن برخورد شده است، بدون توجه به ملاحظه های سیاسی

ص: ۷۶

۱- [۱]. ابراهیم پولادی، «سازمان ملل متحد و مسئله فلسطین»، ابرار، ۲۶/۱۱/۷۸.

و حمایت های امریکا از این رژیم، در دستور کار خود قرار دهد تا پای بندی این رژیم را به موازین بین المللی عملی سازد. گفتنی است سکوت سازمان ملل و دیگر مجامع بین المللی در برابر این نقض حقوق بشر تنها محکومیت آن ها را نزد افکار جهانی در پی خواهد داشت.

مورد هشتم _ افغانستان

اشاره

شاید در میان کشورهای جهان، کشوری همانند افغانستان، طعم تلخ محرومیت و رنج را نچشیده باشد. در قرنی که قرن تمدن و تکنولوژی نام گرفته است، در گوشه ای از این جهان پهناور، جایی وجود دارد که هیچ شباهتی با عصر تمدن و تکنولوژی ندارد و گویی از اعماق تاریخ به قرن بیست و یکم آورده شده است. (۱)

نقض حقوق بشر در این کشور از سه منظر قابل بررسی است:

_ نقض حقوق بشر در جنگ های داخلی؛

_ نقض حقوق بشر به وسیله طالبان؛

_ نقض حقوق بشر در حمله اخیر امریکا به افغانستان.

نگاه نخست _ نقض حقوق بشر در جنگ های داخلی

نسل کشی های گسترده (۲) _ عبدالرحمان _ در هزارستان، سیاه چال های _ نادرخان _ وشکنجه گاه های وحشتناک _ حفیظ الله امین _ در زندان _ پل چرخ کابل _، تاریخ غم بار حقوق بشر در افغانستان را رقم می زند و در یک کلام، افغانستان را باید سرزمین «تراژدی حقوق بشر» دانست. در دوران حکومت سه ساله

ص: ۷۷

۱- [۱]. سیدمهدی علی زاده، افغانستان؛ ریشه یابی و بازخوانی تحولات معاصر، نشر کیش مهر، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۶.

۲- [۲]. Genocide.

مجاهدان در کابل و پیش از تسلط طالبان نیز نقض حقوق بشر به صورت گسترده ادامه داشت. در این جنگ ها که از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ میلادی (۱۳۷۱ - ۱۳۷۴ ه. ش) ادامه داشت، بیش از بیست و پنج هزار غیرنظامی جان خود را از دست دادند. در این جنگ ها، شکنجه، تجاوز جنسی و بدرفتاری ها با زنان نیز رخ داده است.^(۱) نکته اصلی، واکنش نشان ندادن قاطع جامعه بین المللی به ویژه داعیان حقوق بشر و در رأس آن ها، سازمان ملل متحد و شورای امنیت در برابر این ناهنجاری ها است.

نگاه دوم _ نقض حقوق بشر به وسیله طالبان

پس از جنگ های داخلی، تراژدی نقض حقوق بشر به شکل اسفناک تری به دست طالبان رقم خورد.^(۲) یکی از مهم ترین رویدادهای تاریخی کشور افغانستان، ظهور و رشد سریع و شکفت انگیز طالبان است. هر چند ظهور و رشد ناگهانی و سریع طالبان بدون کمک و یاری کشورهایی همانند: پاکستان، عربستان و امریکا هرگز امکان نداشت، ولی افزون بر این موارد نباید عوامل داخلی را نادیده گرفت. طالبان در شرایطی متولد شد که کشور افغانستان در شعله های آتش جنگ میان گروه های جهادی دست و پا می زد و امنیت و ثبات، معنای خود را از دست داده بود. مردم از همه گروه های جهادی قطع امید کرده و تنها در پی دست یابی به کم ترین درجه از سطح امنیت و رفاه بودند. شرایط منطقه _قندهار_ به مراتب از دیگر مناطق کشور بحرانی تر بود. تمامی مناطق این ولایت میان سران جهادی تقسیم شده بود و دزدی، آدم

ص: ۷۸

۱- [۱]. غلام حیدر علامه، «جانیان بشریت در افغانستان و کابوس محاکمه بین المللی»، فصل نامه دیدگاه های حقوقی، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، ص ۷۳.

۲- [۲]. همان، ص ۷۳.

ربایی، قتل و غارت بر سراسر مناطق این ولایت حکومت می کرد. شرایط به گونه ای بود که اگر نیرو و قدرتی می توانست امنیت مردم را تأمین کند، با اقبال عمومی روبه رو می شد. (۱) به هر حال، طالبان با پشتوانه یک سری باورهای مذهبی مخصوص به خود، در صحنه سیاسی و بین المللی افغانستان ظاهر شد. از آن جا که هدف ما بررسی موارد نقض حقوق بشر است، بحث را روی این مورد خاص متوجه می سازیم و به جرایمی که ناظران بی طرف بین المللی گزارش کرده یا در اسناد سازمان ملل و عفو بین الملل ثبت شده است، اشاره می کنیم. (۲)

کشتار همگانی پیش از اشغال_ مزار شریف_؛ در گزارش سازمان عفو بین الملل در مورد کشتار قریه_ قزل آباد_ آمده است: «در سپتامبر ۱۹۹۷، هفتاد نفر از غیر نظامیان شامل زنان و کودکان در روستای قزل آباد نزدیک مزار شریف به طور عمدی و خودسرانه قتل عام شدند...». دو واژه «به طور عمدی» و «خودسرانه» که در مورد کیفیت این قتل ها در گزارش آمده است، از نظر حقوق، مفهوم خاصی دارد؛ یعنی این کشتارها با قصد و اراده و از روی طرح و برنامه بوده و از روی قساوت صورت گرفته است!

_ کشتار نزدیک به ده هزار نفر پس از تصرف مزار شریف و کشتن خبرنگار و شماری از دیپلمات های دولت جمهوری اسلامی ایران؛

_ کشتار همگانی در بامیان؛

ص: ۷۹

۱- [۱]. افغانستان؛ ریشه یابی و بازخوانی تحولات معاصر، صص ۱۱۳_ ۱۱۴.

۲- [۲]. برگرفته از: جانین بشریت در افغانستان و کابوس محاکمه بین المللی با تلخیص.

__ تبعید یا کوچ اجباری جمعیت انسانی شیعیان و تاجیکان مزار شریف، در بامیان، دره شمالی و قندهار؛(۱)

__ بازداشت یا حبس افراد به صورت غیر قانونی؛

__ تعقیب و آزار مداوم مردم بنا به دلایل سیاسی، نژادی یا مذهبی؛

__ برپایی زندان های زنان در شهرهای قندهار، کابل، مزار شریف و... ؛

__ تجاوز جنسی و برده گیری زنان؛

__ ربودن غیرنظامیان.

با توجه به جرایم ضد بشر که در بالا به صورت نمونه اشاره شد و با توجه به ویژگی های برجسته جنایت و جرایم علیه بشریت مانند: صلاحیت جهانی، مضمول مرور زمان نشدن، لزوم پیش بینی آن در قوانین داخلی برخی کشورها و... همگی این موارد، انگشت اتهام را به سوی طالبان نشانه می رود. با توجه به بند ۱ ماده ۲۴ منشور ملل متحد که مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین المللی را بر عهده شورای امنیت می گذارد، دخالت نکردن شورای امنیت در جلوگیری از نقض حقوق بشر در افغانستان، نقض منشور و اجرای صحیح وظایف نوشته شده در منشور را به اثبات رسانید. با توجه به سوابق عملکرد شورای امنیت در برخی کشورهای دیگر و بررسی شدت جنایت ها در افغانستان، وظیفه شورا ایجاب می کرد که با محاکمه عاملان این جنایت ها مرهمی بر داغ مردم بنهد.

نگاه سوم _ نقض حقوق بشر در حمله امریکا به افغانستان

ص: ۸۰

یکی از پرسش‌های مهم در مورد حمله اخیر امریکا به افغانستان این است که آیا حمله امریکا به افغانستان از نظر عرف بین الملل و قوانین بین المللی مشروعیت دارد یا نه؟ براساس منشور سازمان ملل (ماده ۲ و ماده ۵۱)، هیچ قدرتی حق استفاده از نیروی نظامی جز برای دفاع از خود را ندارد. بر این اساس، هیچ کشوری حق ندارد برای انتقام، تلافی یا مجازات کشور دیگر، از نیروی نظامی استفاده کند. بنابراین، مصوبه نمایندگان مجلس امریکا نسبت به اقدام _جرج دبلیو بوش_، در حقیقت، نقض قانون بین المللی شمرده می شود. امریکا باید برای استرداد متهم تلاش می کرد و برای اقدام نظامی نیز با نظر شورای امنیت عمل کرد.

ادعای بوش این بود که حادثه ۱۱ سپتامبر در حقیقت، حمله مسلحانه به امریکا بوده است و امریکا حق دارد از خود در برابر این حمله دفاع کند. هر چند این حمله پایان یافته است، ولی افرادی که این عمل را انجام داده و مسبب انفجارهای گذشته هستند، ممکن است در آینده نیز چنین اعمالی را انجام دهند. این ادعای امریکا هنگامی پذیرفتنی است که مدارکی دال بر دخالت مظنونان به انفجار در اختیار شورای امنیت قرار گیرد. حتی بر فرض وجود مدارکی مستدل باز هم حمله امریکا باید با هماهنگی شورای امنیت انجام می شد؛ زیرا در ماده ۵۱ منشور به اقدامات عملی نیز اشاره شده است. (۱)

آن چه مشهود است این که بسیاری از قربانیان حمله امریکا، غیر نظامیانی بودند که سال ها طعم تلخ جنگ را چشیده و با کمبود آب، غذا،

ص: ۸۱

دارو و امکانات بیمارستانی روبه رو بودند. به گزارش سازمان ملل، تا پیش از حمله امریکا به این کشور، نزدیک به ۵ میلیون نفر از کمک های غذایی سازمان ملل استفاده می کردند، ولی پس از حمله امریکا همه این کمک ها قطع شد. (۱)

چه کسی پاسخ گوی این همه کشته و زخمی و خسارت های مادی و معنوی است؟ آیا جامعه جهانی در قبال این کشتار هیچ مسئولیتی ندارد؟ به طور کلی باید گفت خودسری امریکا فضای نا امنی و بی اعتمادی بین المللی را به وجود آورد و «فرهنگ زور» را در روابط بین الملل تقویت کرد. رفتار امریکا این معنا را در اذهان به وجود آورد که روابط بین المللی بر هیچ منطقی استوار نیست و هیچ تشکیلاتی حتی سازمان ملل متحد، قدرت اجرایی ندارد. (۲) حمله امریکا در عمل این واقعیت را به اثبات رسانید که قدرت اجرایی شورای امنیت و سازمان ملل و ضمانت اجرای این وظایف، بستگی تام و تمام به نظر و منافع قدرت های بزرگ و صاحب نفوذ در این سازمان دارد.

پرسش مهم این است که آیا در مواردی که شورا می خواهد در قبال یکی از قدرت های بزرگ و صاحب نفوذ در شورای امنیت، موضعی اتخاذ کند، از چه ضمانت اجرایی برخوردار است؟ آیا امکان مقابله با این قدرت ها در جاهایی که ناقض حقوق انسانی هستند، وجود دارد؟ آیا وظایف محوله در

ص: ۸۲

۱- [۱]. همان، ص ۲۲۱.

۲- [۲]. همان، ص ۲۲۳.

منشور صرفاً نظریه‌هایی هستند که در این گونه موارد به نظر تام و منافع قدرت‌های بزرگ بستگی دارند؟!

مورد نهم _ بحران خلیج فارس (جنگ عراق و کویت)

قوی‌ترین برخورد سازمان ملل متحد به ویژه شورای امنیت در دهه اخیر، واکنش این سازمان در برابر تجاوز عراق به کویت (۱۹۹۰ م) بود. شورای امنیت در یک برخورد استثنایی و با استفاده از دو عامل؛ یعنی پشتیبانی همه‌جانبه غرب و در رأس آن، آمریکا از کویت و از سوی دیگر، سرگرم شدن شوروی _ به عنوان حامی عراق در شورای امنیت _ به مشکلات داخلی، نقش بسیار مؤثری را در هماهنگی جامعه جهانی در مقابله با متجاوز ایفا کرد. شورای امنیت از نخستین ساعت‌های حمله عراق در جریان اوضاع قرار گرفت و با بررسی سریع مسئله، نخستین قطع‌نامه (۱) خود را به نام قطع‌نامه ۶۶۰ در مورد وضعیت عراق و کویت صادر کرد. شورا با صدور این قطع‌نامه، دو نکته اساسی را اعلام کرد. نکته اول این بود که شورا عزم راسخ خود را برای مقابله با این تجاوز نشان داد و دیگر این که شورای امنیت در ابتدای این قطع‌نامه با اعلام نقض صلح و یادآوری مواد ۳۹ و ۴۰ از فصل هفتم منشور، قصد خود را مبنی بر اقدامات عملی اعلام داشت.

پس از صدور قطع‌نامه یاد شده و اجرا نشدن آن از سوی عراق، شورای امنیت به فاصله چهار روز قطع‌نامه ۶۶۱ را صادر کرد که در آن خواستار اجرای ماده ۴۱ منشور مبنی بر اجرای تحریم‌های همه‌جانبه علیه عراق از

ص: ۸۳

۱- [۱]. برای آگاهی از فهرست قطع‌نامه‌های شورای امنیت درباره عراق نک: روزنامه اطلاعات، ۲۸/۱۱/۱۳۷۰؛ علی آهنی، فرانسه و مجامع بین‌المللی در برابر بحران خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲.

سوی جامعه جهانی گردید. پس از تصویب این قطع نامه، همکاری بی سابقه ای برای رسیدن به اهداف شورای امنیت آغاز شد. در این راستا و به دلیل آن که جنگ سرد به پایان خود نزدیک می شد، بسیاری از اعضای سازمان ملل متحد برای کسب وجهه بین المللی، آمادگی همه جانبه خود را جهت اجرای این تحریم ها اعلام کردند. این قطع نامه با اعطای وظیفه خاصی به دبیرکل، از وی خواست تا با مذاکره و میانجی گری، مساعی جمیله اش را صرف پایان مسالمت آمیز بحران کند و گزارش های خود را هر ۳۰ روز یک بار در اختیار شورا قرار دهد.

پس از رد شدن همه راه های مسالمت آمیز از سوی عراق برای خروج از کویت، شورای امنیت قطع نامه ۶۷۸ را به تصویب رساند که به واسطه آن، اجازه استفاده از «همه ابزار لازم» برای بازگرداندن حاکمیت کویت اعطا شد بدون این که به چگونگی اجرای مواد ۴۶ و ۴۷ منشور در مورد تشکیل ستاد نظامی اشاره ای داشته باشد. به این ترتیب، شورای امنیت مسئولیت رهبری استراتژیک نیروهای مسلح در بازگرداندن حاکمیت کویت را به امریکا تفویض کرد که البته با این کار، مبنای حقوقی ماهیت کار خود را به دلایل زیر تضعیف کرد:

یک _ درباره این که نیروهای مسلح، کمک ها و تسهیلات لازم را در اختیار شورا قرار دهند، هیچ گونه موافقت نامه ای میان شورای امنیت و اعضای سازمان ملل منعقد نشد.

دو _ کمیته ستاد نظامی هیچ گونه نقشی در تنظیم طرح های استفاده از نیروهای مسلح (ماده ۴۶ منشور) و هدایت نیروهای مسلح و تعیین مسایل مربوط به فرماندهی آن ها (بند ۱ و ۲ ماده ۴۷ منشور) نداشت.

سه _ هیچ یک از بندهای قطع نامه ۶۷۸ شورای امنیت، شیوه استفاده از «هر گونه ابزار لازم» را ارایه نکرده بود.

عملیات نظامی برای بیرون راندن عراق از کویت در ۱۷ ژانویه آغاز شد عراق که توان ایستادگی در برابر نیروهای متحد را نداشت، پس از قریب دو ماه، شکست را پذیرفت و اعلام کرد که همه شروط قطع نامه های شورای امنیت را می پذیرد. نکته مهم این است که نیروهای متحد در جریان عملیات همه جانبه خود پاره ای از مقررات بین المللی را نقض کردند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

_ حمله به میراث فرهنگی و اماکن مذهبی عراق؛

_ حمله به راکتورهای اتمی و ایجاد آلودگی هسته ای؛

_ ایجاد فشار یا دستگیری عراقی های مقیم خارج از کشور از جمله دستگیری ۲۳ دانشجوی عراقی در انگلیس.

گفتنی است همه این موارد در مغایرت آشکار با برخی مقررات و کنوانسیون های بین المللی بود.

شورای امنیت که قاطعیت خود را از اولین روزهای جنگ نشان داده بود، پس از تسلیم شدن بی قید و شرط عراق، با تصویب قطع نامه ۱۸۷، برنامه خاصی را برای آینده عراق ارایه کرد و این کشور را از داشتن همه سلاح های شیمیایی، میکروبی، بیولوژیکی، هسته ای، کشتار جمعی و موشک های با برد

بیش از ۱۵۰ کیلومتر برحذر داشت. این شورا در حالی که می خواست موجودیت عراق حفظ شود، طرح خلع سلاح همه جانبه این کشور را ارایه داد.

همان گونه که گذشت، شورای امنیت در جنگ تحمیلی عراق با ایران بسیار نرم و آهسته وارد عرصه عمل شد، ولی برعکس، در جنگ عراق و کویت از همان لحظه اول با حضور فعال و شدت خاصی، مسایل را تعقیب کرد و به نتیجه رسید. (۱) اکنون پرسش مهم این است که این دوگانگی (۲) در واکنش های شورای امنیت در برابر بحران های بین المللی، با وحدت ملاک های موجود، چه دلیلی دارد؟ چرا پس از شکست عراق و قیام مردم شمال عراق و اقدامات صدام علیه آن ها که در مغایرت آشکار با موازین حقوق انسانی و بین المللی بود، شورای امنیت با تعلق خاصی این اقدامات را محکوم کرد؟ (۳)

۶. حق وتو

اشاره

از سازوکار رأی گیری شورای امنیت در ماده ۲۷ منشور سازمان ملل متحد به «حق وتو» تعبیر شده است؛ یعنی هیچ تصمیمی نمی تواند بدون رضایت یکی از اعضای دائم شورای امنیت اتخاذ شود. این رأی منفی اعضای دائم تنها هنگامی «وتو» تلقی می شود که به مسایل ماهوی مربوط باشد، ولی در مسایل آیین کار این گونه نیست. بدیهی است رأی منفی عضو دائم حتی زمانی که

ص: ۸۶

۱- [۱]. امیر سعید کرمی، نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد در بحران کویت، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۳، صص ۱۴۳ - ۱۴۶.

۲- [۲]. Double Standard.

۳- [۳]. نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد در بحران کویت، ص ۱۴۶.

قطع نامه مربوط به یکی از مسایل اساسی بوده و در مجموع، آرای مثبت لازم را کسب نکنند، «وتو» به شمار نمی رود. باید دانست به رأی منفی یکی از اعضای دایم شورای امنیت به بخشی از پیش نویس قطع نامه ای که بعداً در مجموع آن را وتو می کنند، «وتوی مضاعف» (۱) گفته می شود. (۲)

الف) فلسفه واگذاری حق وتو

اساساً با تکیه بر تجربه جامعه ملل که نتوانسته بود نظام امنیت جمعی را برقرار کند، تدوین کنندگان منشور سازمان ملل متحد در صدد برآمدند تا با اعطای حق رأی ممتاز (حق وتو) به اعضای دایم شورای امنیت، صلح جهانی را تضمین کنند. این امتیاز در کنفرانس یالتا از طرف روزولت، رئیس جمهور وقت امریکا پیشنهاد شد و به تأیید انگلستان و شوروی نیز رسید. بنابراین، اعضای دایم شورای امنیت با برخورداری از حق وتو تصمیم گیری می کنند و براساس ماده ۲۵، تصمیم شورا برای همه اعضای سازمان ملل متحد لازم الاجرا است.

ب) دلایل موافقان و مخالفان حق وتو

یک - نظر موافقان

۱. پنج قدرت بزرگ هر یک برای خود، نظری جداگانه و منافع خاصی دارند و کشورهای دیگر هر کدام تابع این یا آن نظر و منفعت هستند. وقتی اعضای دایم شورای امنیت با هم به توافق برسند، همه کشورهای عضو به دلیل حق وتویی که هر یک از اعضای دایم دارند، مطمئن خواهند بود که راه

ص: ۸۷

۱- [۱]. Double Veto.

۲- [۲]. سازمان ملل متحد؛ مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی، ص ۲۳.

حل مورد نظر کشورهای عضو دایم شورا در مورد یک مسئله، همان راه حلی است که از نظر سیاسی و بین المللی، معقول و موجه خواهد بود.^(۱)

۲. حق وتو مانع درگیری اعضای دایم و متوازن کننده رأی شورا در برابر مجمع عمومی است، زیرا در مجمع، رأی کشورهای کوچک با کشورهایی چون امریکا برابر است.

۳. این حق مانعی در راه دست یابی شورای امنیت به مقاصد صلح طلبانه خود نیست؛ زیرا در صورت نبود آن، اعضای قدرتمند و دایم شورا حتماً به ابزار دیگری متوسل می شدند.

۴. حق وتو مانع خروج اعضای دایم و قدرتمند از سازمان ملل است همان گونه که در جامعه ملل روی داد.

دو_ نظر مخالفان

۱. حق وتو با اصل حقوق برابر کشورها در بند ۱ ماده ۲ منشور تعارض دارد.

۲. این حق، شورای امنیت را محدود ساخته است؛ زیرا با توجه به استفاده های غیر منطقی و در راستای منافع قدرت های صاحب این حق، در عمل، شورا را از اقدام قاطع برای حفظ صلح و رفتار بر ضد منافع این قدرت ها خلع سلاح کرده است.

نتیجه گیری

هرچند واگذاری حق وتو با توجه به بررسی مشروح مذاکره کنفرانس های _یالتا_ و _سانفرانسیسکو_ می توانست سودمند باشد، ولی بررسی آن در عمل و میزان قطع نامه های وتو شده نشان می دهد که این حق برخلاف پیش بینی ها، به

ص: ۸۸

۱- [۱]. هدایت الله فلسفی، «شورای امنیت و صلح جهانی»، مجله تحقیقات حقوقی؛ دانشگاه شهید بهشتی، ش ۱۸، ۱۳۶۹، ص

صورت ابزاری برای حفظ منافع این قدرت‌ها در آمده است. تعداد قطع نامه های وتو شده تا ژوئن سال ۱۹۸۶ به ترتیب عبارتند از: شوروی، ۱۱۶ مورد؛ امریکا، ۶۰ مورد؛ انگلستان، ۲۹ مورد؛ فرانسه، ۱۷ مورد و چین، ۴ مورد. (۱)

گفتنی است امریکا به تنهایی هشت پیش نویس قطع نامه در مورد فلسطین، سه قطع نامه درباره تجاوز اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲، یک قطع نامه مربوط به اشغال جنوب لبنان به دست اسرائیل، یک قطع نامه مربوط به محکوم کردن اسرائیل در حمله های قبلی (۱۹۷۷) را وتو کرده است.

توجه به این موارد و مصادیق اعمال این حق رأی ممتاز، ما را به موارد زیر رهنمون می سازد:

۱. همراه با اعطای امتیاز یاد شده به این قدرت‌ها، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی نیز از آن‌ها خواسته شد، در حالی که این قدرت‌ها امروزه با استفاده از هر وسیله ای حتی حق وتو، خواستار به دست آوردن منافع بلند مدت یا کوتاه مدت خود هستند و حفظ صلح بر ایشان اصلاً اهمیت ندارد.

۲. همان گونه که اشاره شد و برخی استادان حقوق چون _باوت_ بیان داشته اند، شناسایی این پنج کشور به عنوان پنج قدرت اول جهان، در حقیقت، یک داوری سیاسی منحصر به سال ۱۹۴۵ م است؛ زیرا امروزه هر کس بخواهد ادعا کند که این پنج قدرت هم چنان قدرت های اول جهان هستند یا خواهند بود، این سخن را از او نمی پذیرند.

ص: ۸۹

۱- [۱]. کلود آلبر کیلیار، سازمان های بین المللی از آغاز تا به امروز، ترجمه و تحقیق: هدایت الله فلسفی، نشر فاخته، ۱۳۷۱، ص ۵۲.

۳. ماده ۱۰۸ منشور هرگونه تجدید نظر در منشور را به اجازه این اعضا وابسته دانسته است. آشکار است که این ها هرگز از امتیازهای خود کوتاه نمی آیند. پس از میان مواد منشور کنونی، راه حلی برای این کار نمی توان یافت.

همان گونه که در جامعه بین المللی مشهود است و صاحب نظران بر آن اعتقاد دارند، دیگر منطق زور در روابط بین الملل جایی ندارد و جامعه بین المللی، دیپلماسی را بهتر می پسندد. البته با توجه به ماده ۲ بند ۱ که همه اعضا را دارای حاکمیت مساوی می داند، می توانیم در صورت تمایل اکثریت اعضای این سازمان و جامعه بین المللی، خواستار تعدیل حق و تو باشیم. گفتنی است در صورت توافق اکثریت قاطع اعضای این سازمان، تعدیل این وضعیت به گونه ای که جامعه بین المللی بپذیرد، دور از دسترس نیست؛ زیرا سازمان ملل، حکومتی جهانی نیست و قدرت و بقای آن منوط و وابسته به اعضا و قدرت آن ها است. پس در صورت توافق قاطع اعضا می توان تعدیل این امتیاز را برای تأمین منافع صلح طلبانه بین المللی خواستار شد.

گفتار دوم: مجمع عمومی (General Assembly)

۱. اعضا و اختیارات مجمع عمومی

مجمع عمومی، ارگان مرکزی سازمان ملل متحد به شمار می آید(۱) و آن را می توان مهم ترین «رکن تبادل نظر و مشورتی»(۲) سازمان ملل متحد دانست.(۳)

ص: ۹۰

۱- [۱]. حقوق نهادهای بین المللی، ص ۷۹.

۲- [۲]. Deliberative.

۳- [۳]. سازمان های بین المللی، ص ۱۱۹.

مجمع عمومی از همه کشورهای عضو تشکیل می شود و هر یک از اعضا، یک رأی دارند که می تواند با پنج نماینده در جلسه های مجمع شرکت کند. بر همین اساس، این مجمع را «مجلس جهانی» نامیده اند که مبین و معرّف یک جایگاه مؤثر برای ابراز عقاید جامعه جهانی است.^(۱) با وجود جهانی بودن ماهیت مجمع عمومی، سازمان ملل متحد، تا سالیان دراز از پذیرش اعضای جدید، خودداری می ورزید. مهم ترین دلایل محروم شدن برخی کشورها از عضویت در سازمان ملل عبارت بود از:^(۲)

— رقابت دو ابرقدرت امریکا و شوروی تا سال ۱۹۵۵ م؛

— کوچک بودن (ذره ای) برخی از کشورها.

البته دلیل دیگری نیز می توانیم برای محروم ماندن سازمان ملل از افتخار جهانی شدن برشمیریم و آن، «شرایط ویژه ای است که در ماده ۴ منشور مقرر شده است:

۱. عضویت در سازمان ملل متحد برای دیگر کشورهای صلح دوست جهان که تعهدات مندرج در این منشور را مورد پذیرش قرار دهند و به موجب رأی سازمان ملل، قادر و مایل به ایفای این تعهدات باشند، آزاد است.

۲. پذیرش این گونه کشورها به عضویت سازمان ملل متحد، منوط به تصویب مجمع عمومی است و براساس پیشنهاد شورای امنیت صورت می گیرد».^(۳)

ص: ۹۱

۱- [۱]. همان، ص ۷۹.

۲- [۲]. سازمان های بین المللی، ص ۱۲۰.

۳- [۳]. حقوق نهادهای بین المللی، صص ۷۹ _ ۸۰.

با توجه به جریان استعمارزدایی و پیدایش کشورهای متعدد و جدید و تغییر دیدگاه‌ها در سطح بین‌الملل در مورد کشورها، تقریباً بیش‌تر کشورها از اوایل دهه هفتاد به عضویت این سازمان درآمدند و بدین ترتیب، جهانی بودن مجمع تحقق یافت.

مجمع عمومی چون مرکب از نمایندگان همه کشورهای عضو با اختیارات وسیعی است که به موجب مواد ۱۰ تا ۱۷ (فصل چهارم) منشور کسب کرده، «مظهر وجدان جهانی» به شمار می‌آید.^(۱) نکته مهم در مورد مجمع عمومی - مزیت مجمع نسبت به شورای امنیت - شیوه تصمیم‌گیری در مجمع عمومی است که اعضای مجمع اعم از بزرگ و کوچک یا قدرتمند و ضعیف از قدرت رأی برابری برخوردارند. برابری قدرت آرا سبب می‌شود هنگام رأی‌گیری در موضوع خاص، بلوک بندی‌های متفاوتی در مجمع عمومی شکل بگیرد. همین بلوک بندی‌ها سبب می‌شود که شمار محدودی از کشورها با تجمع در یک دسته خاص، نفوذ و قدرت سیاسی خود را تا حد زیادی افزایش دهند، به گونه‌ای که با قدرت حقیقی آن‌ها تناسبی نداشته باشد. به همین دلیل، کشورهای غرب به ویژه ایالات متحده امریکا، مجمع عمومی را مرکز «دیکتاتوری اکثریت» می‌دانند؛ زیرا کشورهای جهان سوم با تجمع خود در یک بلوک سیاسی خاص می‌توانند به قدرت رأی خود افزوده و قطع‌نامه‌هایی را صادر کنند^(۲) که گاه برخلاف خواست و اهداف این کشورها است.

ص: ۹۲

۱- [۱]. سازمان‌های بین‌المللی، ص ۱۲۲.

۲- [۲]. همان، ص ۱۲۲ با اندکی تلخیص.

در مورد وظایف و اختیارات مجمع عمومی می توان گفت این وظایف در مواد ۴، ۵، ۶ و ۱۰ تا ۱۷ و زیر مواد ۳۵، ۶۰، ۶۱، ۸۶، ۹۷، ۱۰۵، ۱۰۸ و ۱۰۹ منشور و هم چنین ماده ۴ اساس نامه دیوان بین المللی دادگستری (۱) تصریح شده است. با توجه به مواد یاد شده، وظایف و اختیارات مجمع را می توان به پنج بخش زیر تقسیم کرد: (۲)

__ وظیفه بحث و مذاکره؛ (۳)

__ وظیفه سرپرستی (۴) یا نظارت؛

__ وظیفه اساس نامه ای؛ (۵)

__ وظیفه مالی؛ (۶)

__ وظیفه اصلاحاتی (ترمیم و تغییر مواد منشور).

۲. آثار حقوقی قطع نامه های مجمع عمومی

پرسشی که این جا مطرح می شود این است که آیا از نظر حقوقی و با توجه به منشور ملل متحد، قطع نامه های مجمع عمومی می توانند جنبه الزام آوری داشته باشند یا خیر؟

آن چه از مواد ۱۰، ۱۱ و ۲۰ (در مورد ماهیت مذاکره ای مجمع عمومی) بر می آید، به خوبی نشان می دهد که قطع نامه های مجمع عمومی نمی توانند به

ص: ۹۳

۱- [۱] .International Court Of Justice.

۲- [۲] . احمد مرادی نسب، تحول نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد، پایان نامه کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۷۲، ص ۳۷۰.

۳- [۳] .Deliberative function.

۴- [۴] .Superisory Function.

۵- [۵] .Constitutional Function.

۶- [۶] .Finanancial Function.

طور مستقیم، تعهد حقوقی ایجاد کنند، بلکه جنبه توصیه ای دارند. گفتنی است امروزه نظریه جالب توجهی از سوی کارشناسان ارایه شده است که قطع نامه های مجمع عمومی را از حالت «نیمه الزام آور» برخوردار می سازد. براساس این نظریه، قطع نامه های صادر شده از سوی مجمع اگر چه برای کشورهای عضو به طور مستقیم تعهد حقوقی ایجاد نمی کند، ولی این قطع نامه ها را به طور غیرمستقیم می توان دلیلی بر وجود یک قاعده الزام آور در آن زمینه به شمار آورد؛ زیرا براساس قطع نامه های صادر شده، کشورها توافق خود را نسبت به وجود یک قاعده الزام آور در زمینه مربوط اعلام می کنند. البته هنگامی که شمار کشورهای رأی دهنده به یک قطع نامه، نسبت به کل اعضای مجمع عمومی قابل توجه نباشد، قدرت حقوقی قطع نامه یاد شده نیز به همین نسبت کاهش می یابد. (مثل قطع نامه ((۱۶۵۳) XVI در مورد غیر قانونی شناختن تسلیحات هسته ای که با وجود تصویب مجمع، رأی چندانی به دست نیاورد)).^(۱)

البته مخالفت با الزام آور بودن قطع نامه های مجمع عمومی در دو مطلب ریشه دارد: اول، اعتراض کشورها نسبت به حاکمیت رأی دوسوم اعضا بر همه آنها؛ دوم، این که قایل شدن اثر الزام آور برای قطع نامه های یاد شده، روش های سنتی انعقاد معاهده های بین المللی را که همگی با تصویب مجالس قانون گذاری کشورهای عضو صورت می گیرد، تحت شعاع قرار خواهد داد.^(۲)

ص: ۹۴

۱- [۱]. حقوق نهادهای بین المللی، ص ۸۶.

۲- [۲]. همان، ص ۸۹.

با وجود این، برخی قطع نامه های مجمع، در عمل، اثر الزام آوری داشته اند. قطع نامه ۱۸۱ مجمع در مورد تقسیم فلسطین، نمونه برجسته آن بود و الزام آور بودن آن تا جایی است که حتی مجمع عمومی به شورای امنیت توصیه کرده است مخالفت با آن را تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی تلقی کند و در مورد آن تصمیم بگیرد. با توجه به مفاد ماده ۱۰ و ۱۱ منشور مسلم است که صدور قطع نامه ۱۸۱ فراتر از اختیارات و صلاحیت مجمع عمومی است و آثار حقوقی مترتب بر آن نیز از جنبه حقوقی نمی تواند صحیح باشد و این اقدام از صلاحیت مجمع عمومی و اختیارات مندرج در منشور برای مجمع فراتر است.

۳. بررسی عملکرد مجمع عمومی

اشاره

پیش از بررسی عملکرد مجمع عمومی باید دانست که مجمع در عمل به تدریج موفق شده است در حوزه فعالیت خاص شورای امنیت نفوذ کند و خط افتراق میان وظایف مجمع و شورا را به تدریج از بین ببرد. این امر با استفاده بیش تر از مجمع عمومی به جای شورای امنیت برای حل و فصل مسایل سیاسی و امنیتی آغاز شده است. علت این گرایش به مجمع عمومی را باید در تغییر به وجود آمده در وضع سیاسی جهان پس از تأسیس سازمان ملل جست و جو کرد. از سوی دیگر، بنیان سازمانی و ترکیب سیاسی مجمع عمومی در این سیر مؤثر بوده است. در مجمع، بر خلاف شورای امنیت، «وتو» وجود نداشته و عضویت وسیع تر آن به کشورهای بزرگ امکان داده است تا از مجمع به عنوان سکوی تبلیغاتی درجه اول استفاده کنند. بنابراین، در مواردی که شورای امنیت به دلیل «وتو»، با بن بست روبه رو گشته،

کوشش شده است تا مسئله مورد بحث به مجمع عمومی ارجاع شود. به این ترتیب، مجمع عمومی به عنوان یک ارگان پژوهشی از تصمیم شورا یا ارگانی که در درجه دوم به آن توسل می شود، مورد استفاده قرار گرفته است. (۱)

مجمع عمومی دارای دو گونه صلاحیت است صلاحیت انحصاری و صلاحیت های غیرانحصاری. در ادامه از صلاحیت های انحصاری، ایجاد ارکان فرعی و توسعه و تدوین تدریجی حقوق بین الملل و از صلاحیت های غیر انحصاری، (۲) انتخاب دبیرکل را بررسی می کنیم.

الف) ایجاد ارکان فرعی

یکی از صلاحیت ها و وظایف انحصاری مجمع عمومی، ایجاد ارکان فرعی است. مجمع عمومی تاکنون ۱۴ رکن فرعی را ایجاد کرده است که هر یک، وظایف خاص خود را در راستای اهداف و وظایف مجمع پی گیری می کنند. _ کمیسیون حقوق بین الملل _ (ILC)، _ برنامه عمران ملل متحد _ (UNEP)، _ صندوق جمعیت ملل متحد _ (UNFPA) و _ کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان _ (UNHCR) در شمار این ارکان هستند.

ب) تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین الملل

همان گونه که اشاره شد، مجمع با توجه به ماده ۱۳ قسمت اول بند الف، در مورد تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین الملل، صلاحیت انحصاری دارد.

ص: ۹۶

۱- [۱]. تحول نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد، صص ۴۷ _ ۴۸.

۲- [۲]. مجمع عمومی در چهار مورد، صلاحیت انحصاری دارد: ایجاد ارکان فرعی؛ تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین الملل؛ سرزمین های غیر خودمختار و مسایل داخلی سازمان بودجه سازمان، انتخاب اعضای غیر دایم شورای امنیت و... در مواردی چون: حفظ صلح و امنیت بین المللی، انتخاب قضات دیوان بین المللی دادگستری و انتخاب دبیرکل نیز صلاحیت غیر انحصاری دارد.

مجمع عمومی در سال ۱۹۴۷ با تأسیس _ کمیسیون حقوق بین الملل، (۱) وظیفه تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین الملل را به این کمیسیون واگذار کرده است. (۲)

بخش اصلی کار کمیسیون، تهیه متون پیش نویس در موضوع حقوق بین الملل است که برخی را کمیسیون انتخاب می کند و بعضی از سوی مجمع عمومی یا شورای اقتصادی و اجتماعی به آن ارجاع داده می شود. (۳)

به هر صورت، مجمع در زمینه توسعه حقوق بین الملل، فعالیت های زیادی را انجام داده است که از آن میان، تصویب عهدنامه های: روابط _ دیپلماتیک _ (۱۹۶۱)، _ روابط کنسولی _ (۱۹۶۳)، _ قانون معاهدات وین _ میان سازمان های بین المللی و کشورها یا میان سازمان های بین المللی (۱۹۸۶)، _ کاهش میزان بی تابعیتی _ (۱۹۶۱)، (۴) عهدنامه _ علیه گروگان گیری _ (۱۹۷۹)، (۵) تصویب _ کنوانسیون حقوق معاهدات وین _ (۱۹۶۹)، ایجاد _ کمیسیون حقوق تجارت بین الملل _ و _ مصونیت پرسنل سازمان ملل متحد _ (۱۹۹۴) و تصویب اعلامیه ای درباره _ تدابیری برای رفع تروریسم _ (۶) را می توان نام برد. (۷) در این جا نمی خواهیم به درستی یا نادرستی این موارد اشاره کنیم، ولی این فعالیت ها از این نظر که در راه توسعه حقوق بین الملل مؤثر بوده اند، قابل تقدیرند.

ج) انتخاب دبیر کل سازمان ملل متحد

ص: ۹۷

۱- [۱]. International Law Commission.

۲- [۲]. اعضای این کمیسیون را که مرکب از ۳۴ حقوق دان برجسته هستند، مجمع عمومی برای مدت ۵ سال انتخاب می کند. این کمیسیون جلسه های سالیانه دارد و اعضای آن به نمایندگی از دولت خود در آن حضور ندارند، بلکه با توجه به صلاحیت علمی شان انتخاب می شوند.

۳- [۳]. واقعیت های اساسی درباره سازمان ملل متحد، ص ۳۲۲.

۴- [۴]. Convention On The Reducation Of Statelessness.

۵- [۵]. Convention against Hostage _ Taking.

۶- [۶]. Declaration On Measures To Eliminate International Terrorism.

۷- [۷]. برای مطالعه نک: واقعیت های اساسی درباره سازمان ملل متحد، صص ۳۲۳ _ ۳۳۶.

یکی از موارد صلاحیت غیر انحصاری مجمع عمومی، انتخاب دبیرکل سازمان ملل متحد است. ماده ۹۷ منشور در این باره چنین بیان می دارد:

دبیرخانه از یک دبیر کل و کارمندان مورد نیاز سازمان تشکیل می گردد. دبیرکل را مجمع عمومی بنا بر توصیه شورای امنیت تعیین می کند. دبیرکل، عالی ترین مقام اداری سازمان است.

شورای امنیت و مجمع عمومی، دبیر کل را به صورت مشترک انتخاب می کنند. در ابتدا، شورای امنیت در یک جلسه خصوصی، نامزدهای دبیر کلی را مورد بررسی قرار می دهد. آن گاه از رأی گیری به صورت غیر تشریفاتی، با صدور قطع نامه ای، یکی از نامزدها را به عنوان نامزد دبیر کلی، به مجمع عمومی معرفی می کند. آن گاه مجمع در مذاکره های خصوصی، موضوع را بررسی و در جلسه عمومی، با رأی مخفی، نظر قطعی خود را اعلام می کند. مدت تصدی این مقام در منشور تعیین نشده است، ولی در سال ۱۹۴۶، مجمع عمومی این مدت را ۵ سال تعیین کرد که البته قابل تمدید است.^(۱)

در زمینه انتخاب دبیرکل سازمان ملل، باید به دو واقعه اشاره کرد که برخی مشکلات حقوقی را به وجود آورده اند:

۱. هنگام پایان یافتن مدت خدمت آقای _تریگولی_ در سال ۱۹۵۰، شورای امنیت اعلام کرد که به هیچ وجه قادر به توصیه فردی برای تصدی این پست به مجمع عمومی نیست. به دنبال نظر شورای امنیت، مجمع عمومی نیز موضوع تعیین دبیرکل را _ با وجود مخالفت اتحاد جماهیر شوروی _ در

ص: ۹۸

۱- [۱]. حقوق معاهدات بین المللی، ص ۱۶۶.

دستور کار خود قرار داد و به موجب قطع نامه (۷) ۴۹۲ تصمیم گرفت که آقای تریگولی^(۱) را برای سه سالدیگر در آن مقام ابقا کند.

۲. مجمع عمومی در پی مرگ_هامرشولد_، جانشین وی، آقای_اوتانت_ را به عنوان دبیرکل برای ادامه مدت باقی مانده دبیرکلی معرفی کرد. دبیرکل جدید پس از توصیه نامه شورای امنیت مورد تأیید هر دو ارگان قرار گرفت.^(۲)

گفتنی است مجمع عمومی در انتخاب دبیرکل، نقش مکمل را دارد و نمی تواند خود به طور مستقیم، فرد مورد نظر را انتخاب کند. پس می توان گفت نقش شورای امنیت در این زمینه مهم تر است، هر چند که مجمع نیز در انتخاب دبیرکل سهم است. بررسی عملکرد دبیرکل های سازمان ملل به طور غیرمستقیم، ما را به قوت یا ضعف کارکرد این دو رکن سازمان ملل در زمینه انتخاب دبیرکل رهنمون خواهد بود.^(۳)

گفتار سوم: دیوان بین المللی دادگستری (International Court Of Justice)

۱. ساختار و تشکیلات دیوان بین المللی دادگستری

دیوان بین المللی دادگستری یکی از ارکان اصلی شش گانه (و رکن اصلی قضایی) سازمان ملل متحد است که مرکز آن در لاهه قرار دارد و به این جهت، گاهی دیوان یا دادگاه لاهه خوانده می شود. دیوان مرکب از ۱۵ قاضی است که برای مدت ۹ سال انتخاب می شوند و در مورد همه مسایل ارجاع

ص: ۹۹

۱- [۱]. Trygve lie.

۲- [۲]. حقوق معاهدات بین المللی، ص ۱۶۶.

۳- [۳]. در بخش دبیرخانه و دبیرکل که یکی از ارکان سازمان ملل به شمار می رود، تا حدودی عملکرد هر یک از دبیرکل ها را بررسی می کنیم.

شده به آن، با اکثریت آرای قضات حاضر _ دست کم حضور نه قاضی لازم است _ تصمیم می گیرند.^(۱)

برای تضمین استقلال قضات، دولت های عضو سازمان ملل نامزدهای عضویت در دیوان را به طور مستقیم انتخاب نمی کنند، بلکه از میان گروه های ملی مربوط به دیوان دائمی داوری پیشنهاد می شوند. آن دسته از اعضای سازمان ملل که در دیوان داوری، نماینده ندارند، نامزدهایشان را از گروه های ملی که بدین منظور تشکیل می شود، تعیین می کنند.^(۲) هیچ یک از گروه های ملی نمی تواند بیش از چهار نفر را معرفی کند و حداکثر دو نفر از آن ها می تواند از ملیت آن گروه باشد. در هر حال، شمار نامزدها نباید از دو برابر کرسی های خالی دیوان تجاوز کند.^(۳) مجمع عمومی و شورای امنیت هر یک به طور مستقل، اعضای دیوان را انتخاب می کنند. انتخاب شوندگان هم در شورا و هم در مجمع عمومی باید اکثریت مطلق آرا را به دست آورند. در رأی شورای امنیت برای انتخاب قضات دیوان، میان اعضای دائم و غیر دائم شورای امنیت تفاوتی وجود ندارد.^(۴) این مسئله از نکته های مثبت در انتخاب قضات دیوان به شمار می رود. قضات دیوان باید از قبول هر گونه مأموریت سیاسی یا اداری که جنبه حرفه ای داشته باشد، خودداری کنند.^(۵) اعضای دیوان در هیچ دعوی نمی توانند به سمت نماینده، مشاور یا وکیل یکی از طرفین یا

ص: ۱۰۰

۱- [۱]. علی آقابخشی و مینوافشاری راد، فرهنگ علوم سیاسی.

۲- [۲]. ماده ۴ اساس نامه.

۳- [۳]. ماده ۵ اساس نامه.

۴- [۴]. راهنمای سازمان ملل متحد ۳، ارکان فرعی و دیوان بین المللی دادگستری و رابطه جمهوری اسلامی ایران با آن ها،

دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴، صص ۵۵۲ _ ۵۵۳.

۵- [۵]. حاوی ۱۶ اساس نامه.

عضو محکمه ملّی یا بین المللی یا هیأت تحقیق یا هر عنوان دیگری، مداخله داشته باشند. (۱)

نکته آخر در مورد دیوان این که در دو صورت، امکان استفاده از قاضی اختصاصی (۲) وجود دارد:

۱. چنان چه یکی از قضات دیوان، تابعیت یکی از دولت های طرف دعوا را داشته باشد، به طرف دیگر حق داده می شود که یکی از اتباع خود یا افراد خارجی را که از شرایط لازم برخوردار است، به عنوان قاضی به دیوان معرفی کند.

۲. هرگاه در میان قضات دیوان هیچ یک از طرفین دعوا در دادگاه، قاضی نداشته باشد، هر یک از آن ها می توانند یک نفر قاضی را به شیوه یاد شده انتخاب و معرفی کنند. گفتنی است قاضی اختصاصی یا ملّی برای دعوی خاص و به طور موقت انتخاب می شود و پس از پایان یافتن دعوا، مأموریت وی نیز پایان می پذیرد. (۳)

۲. صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری و ضمانت اجرای احکام آن

اشاره

صلاحیت دیوان در رسیدگی به اختلافات کشورها به رضایت کشورهای طرف دعوا بستگی دارد؛ زیرا اعمال حق دادرسی و قضاوت در امور بین الملل جز بر مبنای میل و اراده دولت ها میسر نیست و توافق دولت ها شرط اصلی و قبلی قضاوت شفاف در حل و فصل اختلافات آن هاست. افزون بر این مسئله

ص: ۱۰۱

۱- [۱]. ماده ۱۷ اساس نامه.

۲- [۲]. Judge Ad Hoc.

۳- [۳]. رضا موسی زاده، کلیات حقوق بین الملل عمومی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۶، ج ۱، صص ۱۹۰ -

که «صلاحیت ترافیعی یا قضایی»^(۱) نامیده می شود، دیوان می تواند براساس ماده ۱۶۵ اساس نامه، در هر مسئله قضایی به تقاضای هر سازمان یا مؤسسه ای که در منشور ملل متحد پیش بینی شده، «رأی مشورتی»^(۲) صادر کند^(۳) که این مسئله از موارد صلاحیت مشورتی دیوان است.

الف) صلاحیت ترافیعی

بند یک ماده ۳۶ اساس نامه در مورد صلاحیت دیوان چنین بیان می دارد:

صلاحیت دیوان شامل همه اختلافاتی است که اصحاب دعوا به آن رجوع می کنند و هم چنین شامل همه مواردی است که در منشور ملل متحد یا قراردادها و مقاوله نامه های جاری پیش بینی شده است.

دقت نظر در این تعریف، کاستی های آن را روشن می سازد؛ زیرا صلاحیت دیوان همه اختلافاتی را که اصحاب دعوا به آن رجوع می کنند، دربرنمی گیرد، بلکه محدودیت هایی به شرح زیر دارد:^(۴)

یک _ اصحاب دعوا

یک _ تنها دولت ها می توانند اختلافات خود را به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع دهند. بنابراین، اشخاص حقیقی و شرکت های تجاری اعم از داخلی و خارجی و مؤسسه های عمومی داخلی و بین المللی نمی توانند نزد دیوان، اقامه دعوا کنند.

دو _ اصحاب دعوا باید از اعضای اساس نامه دیوان باشند. دولت هایی که عضو سازمان ملل متحد نیستند، با رعایت مفاد بند ۲ ماده ۹۳ منشور

ص: ۱۰۲

۱- [۱]. Contentions Jurisdiction.

۲- [۲]. Adrisory Opinion.

۳- [۳]. کلیات حقوق بین الملل عمومی، ج ۲، ص ۱۹۲.

۴- [۴]. سعید میرزایی ینگجه، ایران و صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۰، صص ۳۳ _ ۳۵.

می توانند عضو اساس نامه دیوان بین المللی دادگستری شوند (مثل دولت سوئیس، سان مارینو و...).

سه _ دولت هایی که عضو اساس نامه دیوان نیز نیستند، می توانند اختلافاتشان را به دیوان ارجاع کنند که شرایط آن براساس قطع نامه ۱۵ اکتبر ۱۹۴۶ شورای امنیت معین شده است.

دو _ موضوع دعوا

از آن جا که دیوان یک دادگاه حقوقی است، پیش از هر اقدامی باید «قابل پذیرش»^(۱) بودن دعوا از نظر حقوقی و صلاحیت خود را احراز کند. دیوان تنها مرجع رسیدگی به اختلافات حقوقی است و برای رسیدگی به اختلافات سیاسی و کیفری صالح نیست.^(۲) اگر دعوایی هم جنبه حقوقی و هم سیاسی داشته باشد، تنها جنبه های حقوقی آن قابل رسیدگی در دیوان است.

سه _ رضایت دولت ها

دیوان در صورت رضایت کامل اصحاب دعوا می تواند به اختلافات حقوقی رسیدگی کند. به دیگر سخن، به صرف مراجعه یکی از اصحاب دعوا و تسلیم شکایت نمی تواند طرف دیگر را به پای میز محاکمه بکشاند مگر آن که طرف دعوا پیش تر رضایت خود را مبنی بر رسیدگی به اختلافات اعلام داشته باشد یا پس از بروز اختلاف، صلاحیت دیوان را برای رسیدگی به آن اختلاف بپذیرد.^(۳)

چهار _ مجاری رضایت دولت ها^(۴)

ص: ۱۰۳

۱- [۱] . Admissibility

۲- [۲] . بند ۲ ماده ۳۶ اساس نامه دیوان.

۳- [۳] . کلیات حقوق بین الملل عمومی، ص ۱۹۷.

۴- [۴] . همان، صص ۱۹۷ _ ۲۰۰.

با توجه به رضایت دولت‌ها برای رسیدگی، چنان‌چه رضایت دولتها برای دیوان احراز نشود، آن دیوان صلاحیت رسیدگی به دعوا را نخواهد داشت. در عمل، اعلام رضایت کشورها یا به عبارت دیگر، قبول صلاحیت دیوان ممکن است به دو شکل صورت گیرد:

اول _ انعقاد موافقت‌نامه‌های خاص مبنی بر قبول صلاحیت دیوان

در این موافقت‌نامه‌ها که پس از بروز اختلاف میان دولت‌ها منعقد می‌شود، صلاحیت دیوان مبنی بر رسیدگی به اختلاف مورد پذیرش قرار می‌گیرد. قبول صلاحیت دیوان به این شیوه را «پذیرش اختیاری صلاحیت دیوان» می‌نامند.

دوم _ پذیرش صلاحیت اجباری دیوان

در این حالت، صلاحیت دیوان را پیش از بروز اختلاف، قبول می‌کنند. پذیرش این صلاحیت به یکی از دو شیوه زیر یا به هر دو صورت اجرا می‌شود:

۱_ پذیرش صلاحیت اجباری دیوان به وسیله عهدنامه‌ها و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی _

شامل معاهدات دو جانبه و چند جانبه (مثل: ماده نهم کنوانسیون منع کشتار دسته‌جمعی) که براساس آن‌ها به دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی اعطای صلاحیت شده است (ماده ۳۷ اساس‌نامه).^(۱)

۲_ پذیرش صلاحیت اجباری دیوان به وسیله صدور اعلامیه یک جانبه _

ص: ۱۰۴

۱- [۱]. ماده ۳۷ اساس‌نامه: «هرگاه به موجب یک عهدنامه یا قراردادی که هنوز معتبر است، ارجاع اختلاف به هیأت قضایی که بایستی از طرف «جامعه ملل» تشکیل گردد یا ارجاع به دادگاه دائمی دادگستری بین‌المللی پیش‌بینی شده باشد، نسبت به امضاکنندگان این اساس‌نامه، آن هیأت قضات عبارت خواهد بود از دادگاه بین‌المللی دادگستری».

بر اساس بند ۲ ماده ۳۶ اساس نامه دیوان، کشورهای امضا کننده این اساس نامه می توانند صلاحیت اجباری دیوان را در یک اعلامیه یک جانبه (بدون نیاز به قرارداد خاص) در مقابل هر دولت دیگری که همین تعهد را پذیرفته باشد، در مورد همه اختلافات حقوقی مندرج در این ماده قبول کنند. البته صدور این اعلامیه ها اختیاری است. دولت ها در صادر کردن یا نکردن آن آزادی عمل کامل دارند و می توانند. هر زمان که مناسب تشخیص دهند، چنین اعلامیه ای را صادر کنند و هر موقع که صلاح دانستند، آن را پس بگیرند یا اصلاحاتی در آن انجام دهند یا حتی اعلامیه دیگری را جایگزین آن کنند. البته پس از آن که اعلامیه پذیرش صلاحیت اجباری تسلیم دبیرکل سازمان ملل متحد شد، دولت تسلیم کننده در مقابل دولت هایی که تعهد مشابهی سپرده اند، متعهد می شود حل و فصل آن اختلافاتی را که در اعلامیه به آن ها اشاره شده است، به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع دهد.^(۱)

(ب) صلاحیت مشورتی

صلاحیت مشورتی دیوان که موضوع فصل چهارم اساس نامه دیوان بین المللی دادگستری است، عبارت است از: «اظهار نظر حقوقی و قضایی درباره مسایل حقوقی که سازمان های بین المللی به دیوان ارجاع می کنند. مبنای این صلاحیت مشورتی بعضی از قواعد و اصولی است که در کشورهای انگلوساکسون، معمول و متداول است. در سال ۱۹۲۰ با تأثیر پذیری از همین رسوم و قواعد معمول در انگلیس و امریکا بود که موضوع استفاده از نظر

ص: ۱۰۵

۱- [۱]. کلیات حقوق بین الملل عمومی، صص ۱۹۹ - ۲۰۰.

مشورتی دیوان درباره بعضی مسایل حقوقی بین المللی در اساس نامه دیوان دایمی دادگستری بین المللی پیش بینی شد»^(۱).

گفتنی است صلاحیت مشورتی دیوان، محدودیت حقوقی اساسی دارد و آن این است که دیوان دایمی دادگستری بین المللی و دیوان بین المللی دادگستری، خود را در زمینه پاسخ به پرسش های حقوقی _ که بر اختلاف موجود میان دو کشور تأثیر می گذارد _ صالح ندانسته اند.^(۲)

در مورد ضمانت اجرای احکام دیوان ظاهراً مفاد بند ۲ ماده ۹۴ منشور ملل متحد، تمام قدرت شورای امنیت را پشتیبان دادگاه بین المللی قرار می دهد. البته در عمل تنها موردی که به این بند استناد گردید، در سال ۱۹۵۱ بود که انگلستان درصدد جلب حمایت شورا از قرار تأمین موقت دادگاه علیه ایران برآمد، ولی نتیجه ای نگرفت. نه در هنگام خودداری آلبانی از پرداخت غرامت تعیین شده به انگلستان در قضیه _ کانال کورفو_، نه در مورد ایران در سال ۱۹۷۹ و نه در هیچ یک از موارد دیگر، طرف مقابل به شورای امنیت متوسل نشده است.

این مسئله نشانه بی اعتمادی عمومی به توانایی شورای امنیت برای انجام اقدامی بی طرفانه و بر اساس منشور است. بدین ترتیب، طرف پیروز دعوا که به دلیل اجرا نشدن حکم هم چنان ناراضی است، ناگزیر می شود بی مراجعه به مراجع قانونی، درصدد رفع خسارت و مزاحمتی برآید که برایش پیش

ص: ۱۰۶

۱- [۱]. محمد صفدری، حقوق بین الملل عمومی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲، ج ۳، ص ۶۹۴.

۲- [۲]. عبدالحمید فریدی عراقی، روش های مسالمت آمیز حل و فصل اختلافات بین المللی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۳، ص ۵۲.

آمده است. (۱) (مثل توقیف آن دسته از دارایی کل طرف بازنده دعوا که در قلمرو طرف پیروز دعوا است).

۳. ایران و دیوان بین المللی دادگستری

اشاره

پس از بررسی اجمالی و شناخت کلی دیوان به بررسی عملکرد این رکن قضایی سازمان ملل در برخورد با جمهوری اسلامی ایران می پردازیم.

دولت ایران با امضای منشور ملل متحد در ۲۶ ژوئیه ۱۹۴۵ در _سانفرانسیسکو_، براساس ماده ۹۳ منشور، (۲) به خودی خود در شمار قبول کنندگان اساس نامه دیوان در آمد. (۳) مجلس شورای ملی نیز در مرداد ۱۳۰۹، اساس نامه دیوان را تصویب کرد. هم چنین ماده واحده پذیرش صلاحیت اجباری دیوان در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۱۰ (۱۳ ژوئن ۱۹۳۱) از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و اسناد آن در تاریخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۳۲ به دبیرخانه جامعه ملل تحویل داده شد.

با توجه به این مقدمه و با توجه به این نکته که تاکنون ۳ دعوا در مورد ایران در دیوان بین المللی دادگستری مطرح شده است، (۴) به بررسی دو دعوایی که طرف مقابل ایران، ایالات متحده امریکا بوده است خواهیم پرداخت.

مورد اول _ دعوای ایالات متحده امریکا علیه ایران درباره گروگان گیری اعضای هیأت دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران

ص: ۱۰۷

۱- [۱]. درک ویلیام باوت، تحولات نوین در شیوه های حقوق حل و فصل اختلافات، برگردان: زهرا کسمتی و علی رضا طیب، نشر نی، ۱۳۷۹، ج ۱، صص ۶۴ و ۶۵.

۲- [۲]. راهنمای سازمان ملل متحد ۳، ص ۵۶۱.

۳- [۳]. ایران و صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری، ص ۷۳.

۴- [۴]. سه دعوای مطرح شده عبارتند از: دعوای ایران علیه امریکا در زمینه انهدام هواپیمای ایرباس مسافری؛ دعوای امریکا علیه ایران درباره دستگیری هیأت دیپلماتیک امریکا در تهران و دعوای انگلیس علیه ایران در مورد ملی شدن صنعت نفت.

در پی اشغال سفارت امریکا در ۴ نوامبر ۱۹۷۹ در تهران، دولت امریکا در ۲۹ نوامبر ۱۹۷۹ به طور یک جانبه درخواستی علیه ایران به دیوان تسلیم کرد. هم چنین از دیوان خواست که براساس ماده ۴۱ اساس نامه، قرار موقت صادر کند. مبنای صلاحیت دیوان در این مرحله، پروتکل اختیاری پیوست کنوانسیون های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین در مورد روابط دیپلماتیک و کنسولی بود که ایران و امریکا به کنوانسیون های یاد شده و پروتکل های اختیاری پیوستی در مورد قبولی صلاحیت اجباری دیوان، پیوسته بودند.^(۱)

جمهوری اسلامی ایران در جریان رسیدگی حضور نیافت، ولی موضع دولت ایران در دو نامه ای که از سوی دکتر _صادق قطب زاده_، وزیر امور خارجه وقت خطاب به دادگاه فرستاده شد، توضیح داده شده است. دولت ایران در نامه ۹ دسامبر ۱۹۷۹ از دادگاه خواست که به قضیه رسیدگی نکند. دلایل ایران مندرج در اقامه های یاد شده بدین شرح است:

قضیه گروگان ها تنها جزئی از کل قضیه و فرع بر اصل است. قضیه اصلی عبارت است از: بیست و پنج سال مداخله امریکا در امور داخلی ایران. به علاوه قضیه گروگان ها باید در چارچوب انقلاب ایران مورد بررسی قرار گیرد و این موضوع در صلاحیت محاکم داخلی ایران است.

هم چنین درباره تقاضای اقدامات تأمینی (از طرف امریکا) گفته شده بود که این امر به منزله درخواست برای قضاوت در ماهیت امر است که غیر قابل قبول خواهد بود. اقدامات تأمینی نیز باید منافع هر دو طرف را تأمین کند، نه منافع یک طرف را.^(۲)

ص: ۱۰۸

۱- [۱]. راهنمای سازمان ملل متحد ۳، ص ۵۶۴.

۲- [۲]. ایران و صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری، ص ۸۷.

در این مرحله از دادرسی که از ۱۸ تا ۲۰ مه ۱۹۸۰ ادامه یافت، امریکا از دیوان خواست دولت ایران را برای نقض تعهدات بین المللی در قبال ایالات متحده امریکا براساس کنوانسیون های ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین در مورد روابط دیپلماتیک و کنسولی، عهدنامه مودت و روابط اقتصادی، حقوق کنسولی ایران و ایالات متحده ۱۹۵۵ و کنوانسیون ۱۹۷۳ مربوط به جلوگیری از مجازات جرایم علیه افراد مورد حمایت بین المللی از جمله دیپلمات ها، محکوم کند. هم چنین بی درنگ گروگان های امریکایی را آزاد سازد و خروج آن ها را از ایران تضمین کند. افزون بر آن، خسارت وارد شده به ایالات متحده را براساس نظر دیوان پردازد و مرتکبان این جرایم را در مراجع صلاحیت دار خود تحت تعقیب قرار دهد.^(۱)

به دلیل حضور نیافتن ایران در جلسه های دادرسی، دیوان پس از بررسی صلاحیت خود و بررسی مستندات و مدارک طرفین، رسیدگی قضیه را در حیطه صلاحیت خود اعلام کرد و وارد مرحله رسیدگی ماهوی شد. دیوان در مورد دیگر دعاوی ایران دایر بر فرعی بودن قضیه گروگان ها نسبت به کل قضیه، نظر قبلی خود را مبنی بر رد این ادعاها که در قرار تأمینی ۱۵ دسامبر ۱۹۷۹ اعلام کرده بود، بار دیگر مورد تأیید قرار داد.

ب) سیر رسیدگی ماهوی قضیه گروگان گیری

دیوان پس از احراز صلاحیت و قابل رسیدگی بودن اختلاف، براساس ماده ۳۶ اساس نامه وارد رسیدگی ماهیتی شد. دیوان، واقعه ای را که موجب طرح

ص: ۱۰۹

دعوا از سوی امریکا شده بود، در دو بخش مورد بررسی قرار داد: ۱. جریان ۴ نوامبر ۱۹۷۹؛ یعنی حمله دانشجویان خط امام به سفارت امریکا، تصرف محل سفارت، ضبط محل سفارت، ضبط اموال و بایگانی آن، گروگان گیری اعضای مسئولیت و واکنش دولت ایران در قبال این رویداد.

۲. رویدادهای مربوط به پس از اشغال سفارت.

دیوان در مورد مسئله اول بیان داشت که دلیلی مبنی بر انتساب رفتار دانشجویان به دولت ایران موجود نیست، ولی دولت ایران براساس تعهد خود باید تدابیر و تمهیدهای لازم را برای جلوگیری از ورود دانشجویان، حفاظت از محل سفارت خانه و کنسولگری های امریکا، بایگانی و کارکنان آن ها انجام می داد. دیوان با استناد به مواد متعددی از کنوانسیون ۱۹۶۱ وین به ویژه مواد ۲۲ و ۲۹ و مواد ۵ و ۳۶ کنوانسیون ۱۹۶۳، مسئولیت ایران را در مورد حفاظت از محل سفارت و کنسولگری های امریکا در تبریز و شیراز و تأمین امنیت اعضای هیأت دیپلماتیک و کنسولی امریکا یادآور شد و اعلام داشت که دولت ایران با آگاهی از اقدام دانشجویان و در اختیار داشتن وسایل اجرای تعهداتش، آگاهانه از هرگونه اقدامی برای اجرای تعهداتش خودداری کرده است.

دیوان در مورد بخش دوم، به دلیل حمایت از ادامه اشغال سفارت و خودداری از هرگونه اقدامی برای تخلیه آن و نیز ادامه یافتن اسارت اعضای سفارت از سوی دانشجویان، آن ها را کارگزار دولت ایران به شمار آورد و تصمیم مقام های ایران را نقض پیوسته و آشکار مقررات کنوانسیون های وین اعلام کرد. هم چنین بر مسئولیت داشتن ایران به دلیل نقض تعهداتش به

موجب ماده ۲ و ۴، عهدنامه ۱۹۵۵ در مورد ادامه بازداشت دو تبعه امریکا تأکید کرد. دیوان در مورد کاردار سفارت و دو عضو دیگر آن که به وزارت امور خارجه پناهنده شده بودند، به موجب ماده ۲۶ و ۲۹ کنوانسیون وین، در نظر نگرفتن تدابیر لازم برای خروج آن ها از وزارت خانه را نقض تعهدات ایران اعلام کرد.^(۱)

دیوان با بررسی اوضاع و احوال خاص قضیه و بررسی نامه وزیر امور خارجه ایران، چنین نتیجه گیری کرد که اگر دولت ایران فعالیت های امریکا را از نظر حقوقی با قضیه حاضر مرتبط می داند، می تواند ادعای خود را به صورت دفاعیه مطرح کند.

هم چنین با استناد به بند ۱ ماده ۴۱ کنوانسیون وین و بند ۱ ماده ۵۵ کنوانسیون وین در مورد روابط کنسولی و ماده ۹ کنوانسیون ۱۹۶۱ وین، در مورد این پرسش که «آیا می توان اتهام های ایران را به عنوان پاسخی به اتهامات امریکا قلمداد کرد یا خیر؟» پاسخ منفی داد.

دادگاه پیش از صدور رأی نهایی، از اقدام نظامی امریکا در ۲۴ و ۲۵ آوریل ۱۹۸۰ در ایران _ برای آزادسازی گروگان ها _ ابراز نگرانی کرد و آن را مخلّ کار دیوان در رسیدگی قضایی به مسئله دانست. دیوان چنین نتیجه گیری کرد که نه غیر قانونی بودن این قضیه و نه مسئولیت ناشی از آن هیچ کدام در دادگاه مطرح نشده اند. بنابراین، نمی توانند مانع رسیدگی دادگاه به شکایت امریکا شوند. هم چنین دادگاه یادآوری کرد که در رأی تأییدی تأکید شده

ص: ۱۱۱

است که طرفین نباید به اقدامی متوسل شوند که موجب وخیم تر شدن اوضاع شود.

ج) رأی دیوان

سرانجام دیوان بین المللی دادگستری، رأی خود را در ۲۴ مه ۱۹۸۰ بدین شرح صادر کرد:

۱. جمهوری اسلامی ایران تعهدات ناشی از کنوانسیون های لازم الاجرای بین المللی در روابط دو کشور و اصول حقوق بین الملل عمومی را نسبت به ایالات متحده امریکا نقض کرده است و می کند [با سیزده رأی در مقابل دو رأی].

۲. نقض تعهدات یاد شده موجب مسئولیت بین المللی جمهوری اسلامی ایران در مقابل ایالات متحده امریکا است [با سیزده رأی در مقابل دو رأی].

۳. جمهوری اسلامی ایران باید بی درنگ کاردار سفارت امریکا در تهران و کارکنان دیپلماتیک و کنسولی دیگر اتباع ایالات متحده را آزاد سازد و به دولت حافظ منافع امریکا تسلیم کند. هم چنین باید وسایل لازم را برای خروج از ایران در اختیار این افراد قرار دهد و ساختمان سفارت، اموال، بایگانی و اسناد آن در تهران و کنسولگری ها را به دولت حافظ منافع امریکا بسپارد [با اتفاق آرا].

۴. هیچ یک از کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده نباید در تهران محاکمه شوند یا به عنوان شاهد در دادرسی حضور یابند [با اتفاق آرا].

۵. دولت جمهوری اسلامی ایران ملزم است در مقابل خسارت وارده به ایالات متحده غرامت بپردازد [با ۱۲ رأی در مقابل ۲ رأی].

۶. در صورت توافق نیافتن طرفین، دیوان میزان غرامت و شیوه جبران خسارت وارد شده را تعیین خواهد کرد. بدین منظور، دیوان حق رسیدگی بعدی را برای خود محفوظ می‌دارد [با ۱۴ رأی در برابر یک رأی].^(۱)

پس از امضای بیانیه الجزایر در ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ میان ایران و امریکا، دولت این کشور در ۶ آوریل و اول مه ۱۹۸۱ با فرستادن دو نامه، موضوع را به اطلاع دیوان رساند و به استناد ماده ۸۸ نظام نامه دیوان، از این ارگان خواست که دعوی مورد بحث، پایان یافته اعلام شود. دیوان پس از فرستادن نامه های یاد شده به مقام های ایرانی و دریافت نکردن پاسخ، در قرار ۱۲ مه ۱۹۸۱، دعوی میان ایالات متحده و ایران را مختومه اعلام کرد.^(۲)

به هر صورت، هر چند نکاتی چون کوتاهی مدت صدور رأی و اقدامات یک جانبه امریکا در این مورد به چشم می‌خورد، ولی «حضور نیافتن ایران در جریان دادرسی به خودی خود موجب طرح نشدن اقدامات غیر قانونی امریکا پیش از رسیدگی دیوان و در هنگام رسیدگی آن شد».^(۳) باید دانست حضور در دادگاه، تغییر رأی آن از مثبت به منفی یا منفی به مثبت را به دنبال نخواهد داشت، ولی در صورت حضور نیافتن، دادگاه به ادعاهای دولت شاکی بدون چالش، مهر تأیید می‌زند.^(۴)

مورد دوم _ دعوی ایران علیه ایالات متحده در زمینه سانحه هوایی سوم ژوئیه ۱۹۸۸

ص: ۱۱۳

-
- ۱- [۱]. همان، ص ۵۶۹؛ ایران و صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری، صص ۱۰۰ و ۱۰۱.
 - ۲- [۲]. راهنمای سازمان ملل متحد ۳، ص ۵۷۰.
 - ۳- [۳]. همان، ص ۵۷۰.
 - ۴- [۴]. ایران و صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری، ص ۱۱۰.

با سرنگونی هواپیمای ایرباس جمهوری اسلامی ایران و به شهادت رسیدن ۲۹۰ تن مسافر و خدمه این هواپیما بر اثر شلیک دو موشک از سوی ناو امریکایی - وینسنس، ایران شکایت خود را به شورای سازمان هوانوردی کشوری (ایکائو) - برد. ایکائو تیمی را برای بررسی سانحه به محل اعزام داشت و سرانجام در تاریخ ۱۷ مارس ۱۹۸۹ م، نظر خود را اعلام کرد که با اعتراض ایران روبه رو شد. ایران برای پژوهش خواهی از تصمیم ایکائو، در تاریخ ۱۷ مه ۱۹۸۹ دادخواستی را به دیوان بین المللی دادگستری تسلیم کرد (۱) و خواستار پژوهش نسبت به آن تصمیم شد.

چون دعوا در دیوان هیچ یک از مراحل رسیدگی - اعم از صلاحیتی یا ماهوی - را نپیموده است، در ادامه، تنها به بیان روندی از مراحل پیموده شده بسنده می کنیم: در دادخواست تقدیمی جمهوری اسلامی ایران این گونه آمده است:

افتخار دارم که به منظور پژوهش خواهی از تصمیم مورخ ۱۷ مارس ۱۹۸۹ شورای سازمان هواپیمایی کشوری به بند ۱ ماده ۳۶ و ماده ۳۷ اساس نامه دادگاه و ماده ۸۴ کنوانسیون راجع به هواپیمایی کشوری (شیکاگو) مورخ ۱۹۴۴ رجوع نمایم و نیز به ماده ۱۴ کنوانسیون راجع به مبارزه با اعمال غیرقانونی علیه امنیت هوانوردی کشوری مورخ ۱۹۷۱ (کنوانسیون مونترال) استناد کنم. جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا هر دو از اعضای دو کنوانسیون مذکور هستند و به موجب کنوانسیون های مذکور، صلاحیت دادگاه به رسمیت شناخته شده است...»

ص: ۱۱۴

بنابراین، جمهوری اسلامی ایران، دادگاه را برای رسیدگی به قضیه صالح می داند و «با حفظ حق تکمیل و اصلاح این لایحه در مراحل بعدی دادرسی»، از دیوان می خواهد اعلام کند: (۱)

الف) تصمیم شورای ایکنو اشتباه است؛ زیرا دولت ایالات متحده امریکا، کنوانسیون شیکاگو از جمله مقدمه، مواد ۱، ۲ و ۳ مکرر و ماده ۲۴ و ماده ۴۴ بندهای A و H و پیوست شماره ۱۵ این کنوانسیون را نقض کرده است.

ب) دولت ایالات متحده امریکا، مواد ۱، ۳ و ۱۰ (۱) کنوانسیون مونترال را نقض کرده است.

ج) دولت ایالات متحده امریکا مسئول پرداخت غرامت به جمهوری اسلامی نسبت به مبلغی است که از سوی دیوان تعیین می شود.

دولت ایالات متحده امریکا در ۴ مارس ۱۹۹۱ با تقدیم لایحه ایرادات مقدماتی نسبت به صلاحیت دیوان، رسیدگی ماهوی به موضوع را به تعویق انداخت. دیوان، ۴ ژوئن ۱۹۹۲ را برای تسلیم پاسخ ایران به ایرادات مقدماتی امریکا و پس از آن، ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۴ را برای شنیدن دلایل طرفین تعیین کرد، ولی به درخواست دو طرف جلسه، این کار برای مدت نامعینی به تعویق افتاد. (۲) دو دولت پس از مذاکره و رسیدن به توافق هایی، در ۲۲ فوریه ۱۹۹۶ (سوم اسفند ۱۳۷۴)، مصالحه نهایی را امضا کردند و دعوا از دستور کار خارج شد. در این مصالحه، دولت امریکا از پذیرش مسئولیت نقض

ص: ۱۱۵

۱- [۱]. راهنمای سازمان ملل ۳، ص ۵۷۱.

۲- [۲]. همان، ص ۵۷۴.

مقررات بین الملل و تسلیم شدن در برابر ایران خودداری کرد، ولی پذیرفت که مبلغی را به خانواده های کشته شدگان این حادثه بپردازد.

دکتر کاشانی در این زمینه در نامه خود به رئیس مجلس شورای اسلامی می نویسد:

در شرایطی که دولت امریکا به طور مستمر، دولت ایران را به دست داشتن در اقدامات تروریستی متهم می سازد، چرا دفتر خدمات، درست در هنگامه توفان تبلیغاتی امریکا به دست داشتن ایران در حادثه [انفجار مرکز فرهنگی یهودی]، به جای پی گیری دعوی قوی و موجه دولت ایران در زمینه اقدام غیر قابل توجیه امریکا در هدف قرار دادن یک هواپیمای مسافری، درخواست توقف رسیدگی به این دعوا را از دیوان بین المللی کرده است؟ متوقف ساختن رسیدگی به این دعوا پیش از دست یابی به هدف های آن، به مصلحت کشور نبود. اعلام مسئولیت دولت امریکا در پرداخت خسارت به دولت ایران برای جبران زیان های مادی و معنوی خانواده های سوگوار و شرکت ایران _ ایر است. این ادعاها خواه از جهت منهدم ساختن هواپیما یا خسارات مادی و معنوی ناشی از کشته شدن سرنشینان هواپیما، متعلق به دولت ایران است. به موجب اصل ۱۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی هنگامی که طرف دعوا، خارجی است، باید به تصویب مجلس برسد. دفتر خدمات حقوقی بین المللی چگونه به خود اجازه داده است مبلغ خسارت واقعی دولت ایران را که باید از سوی دیوان بین المللی دادگستری با در نظر گرفتن اوضاع و احوال ویژه این حادثه و رویه های بین المللی تعیین گردد، به تصمیم خود و بدون رعایت نص صریح اصل ۱۳۹ قانون اساسی، تعیین کند و مورد مصالحه قرار دهد و چنین مصالحه ای را بدون تصویب مجلس امضا کند؟

براساس ماده ۷ منشور، دبیرخانه یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد به شمار می آید. به موجب ماده ۹۷ منشور نیز «دبیرخانه از یک دبیر کل و آن تعداد از پرسنل که سازمان لازم بداند، تشکیل خواهد شد» (۲).

نهاد دبیرخانه با توجه به ماده ۱۰۰ منشور، هویتی بین المللی دارد. ماده ۱۰۰ مقرر می دارد:

دبیر کل و کارمندان ملل متحد در انجام وظایف خود از هیچ دولت یا مقام خارج از سازمان کسب دستور ننموده و هیچ گونه فرمانی نمی پذیرند. وانگهی هر عضو ملل متحد متعهد است که جنبه منحصرأ بین المللی مسئولیت های دبیرکل و کارمندان را محترم بشمارد و درصدد بر نیاید که آنان را در اجرای وظایفشان زیر فشار قرار دهد.

سازمان با داشتن هجده هزار کارمند بین المللی تابع مقررات استخدامی مندرج در منشور و قواعد پرسنلی سازمان است. بند یک ماده ۱۰۱ در این مورد بیان می دارد:

کارمندان سازمان ملل را دبیرکل بر اساس مقرراتی که مجمع عمومی وضع می نماید، انتخاب می کند.

هم چنین بند ۳ همین ماده در مورد شرایط استخدام کارکنان دبیرخانه می گوید:

در استخدام کارمندان و تعیین شرایط خدمت آنان شاخصی که بیش از هر چیز باید مور نظر قرار گیرد، کاردانی بسیار و صلاحیت و درست کاری است. به اهمیت استخدام کارمندان بر مبنای معیارهای جغرافیایی هر چه

ص: ۱۱۷

۱- [۱]. (Secretariat).

۲- [۲]. سازمان های بین المللی، ص ۱۶۵.

وسیع تر توجه لازم مبذول خواهد شد.

از این ماده، دو اصل مهم در مورد استخدام کارمندان دبیرخانه برداشت می شود:

۱. اصل صلاحیت شخصی داوطلبان خدمت در سازمان ملل؛

۲. اصل تضمین توزیع جغرافیایی متعادل مشاغل سازمان ملل.

البته این دو اصل در عمل به سادگی قابل اجرا نیستند. به ویژه در مورد اصل دوم باید اذعان داشت که میزان حق عضویت به طور جدی، اصل توزیع متعادل مشاغل را در این سازمان تحت الشعاع قرار داده است. (۱) نکته دیگر در مورد قراردادهای استخدامی سازمان این است که می توانیم آن ها را از نظر «مدت» و «نوع پست سازمانی» طبقه بندی کنیم.

چون فعالیت دبیرخانه تا حد بسیار زیادی به دبیرکل سازمان به عنوان عالی ترین مقام سازمان ملل متکی است، (۲) وظایف دبیرکل را به صورت اجمالی مطرح می کنیم. سپس به صورت جداگانه در مورد هفت دبیرکل سازمان، توضیح داده خواهد شد. وظایف دبیرکل را در دو بخش اداری و اجرایی می توان بررسی کرد. مهم ترین وظایف اداری شامل موارد زیر است:

— تضمین برگزاری صحیح گردهم آیی هایی که با حمایت سازمان برگزار می شود؛

— مشاوره حقوقی و فنی در تهیه پیش نویسی اسناد؛

— تنظیم برنامه بودجه سالانه سازمان؛

ص: ۱۱۸

۱- [۱]. همان، ص ۱۷۳.

۲- [۲]. ماده ۹۷ منشور.

— تسلیم گزارش سالانه به مجمع عمومی.

وظایف اجرایی دبیرکل نیز شامل موارد زیر است:

— جلب توجه شورای امنیت به مسایل حفظ صلح و امنیت بین المللی؛

— مساعی جمیله و میانجی گری میان دولت ها؛

— تعقیب دعاوی حقوقی سازمان در مراجع قضایی؛

— ابتکار عمل در مورد پر کردن خلأ موجود در زمینه حفظ صلح و امنیت بین المللی.

قطع نظر از وظایف و اختیاراتی که منشور در مواد ۹۷ تا ۱۰۱ برای دبیرکل تعیین کرده است، نقش دبیرکل و دامنه فعالیت وی از عوامل زیر اثر می پذیرد:^(۱)

— شخصیت دبیرکل و کارآیی های وی؛

— اوضاع سیاسی غالب که بر دامنه اختیارات سیاسی وی می افزاید؛

— تفسیر وسیع اختیارات دبیرکل از منشور.

با توجه به مطالب بالا و با توجه به هدف این نوشتار، در ادامه به بررسی اجمالی مهم ترین عملکردهای هفت دبیرکل سازمان ملل تاکنون خواهیم پرداخت.

۱. تریگولی،

(۲) اولین دبیرکل سازمان ملل متحد (فوریه ۱۹۴۶ تا آوریل ۱۹۵۳)

— تریگولی — را می توان یک انسان واقعی دارای سعه صدر و ثبات رأی، زیرک، سرسخت و حقیقت بین دانست. او در روابط اجتماعی، صمیمی بوده و به

ص: ۱۱۹

۱- [۱]. سازمان های بین المللی، ص ۱۶۷.

۲- [۲]. Trygre Lie.

اصول و روابط خانوادگی پای بند است. در ورای شخصیت فعال و پر جنب و جوش او، اضطراب و ناراحتی درونی خاصی به چشم می خورد. تریگولی در زندگی سیاسی و اجتماعی به عنوان یک حقوق دان و کارشناس امور کارگری شناخته شده و نقش مؤثرش در رفع اختلاف های کارگری به وسیله میانجی گری و سازش، زمینه مناسبی برای نمایش توانایی های او در رفع مسالمت آمیز اختلاف های بین المللی فراهم کرده بود. او در نظریه های سیاسی خود مانند بیش تر اعضای حزب کارگر انگلستان به اصول دموکراسی عمومی و تکامل تدریجی و صلح جویانه در دگرگونی های اجتماعی و سیاسی معتقد بود.^(۱)

ابتکار عمل او در مورد مسایل فلسطین، جنگ اعراب و یهود در فلسطین، دخالت در جنگ کره، تلاش برای تخلیه ایران از نیروهای متفقین، ارایه برنامه بیست ساله صلح و اصول ده گانه برنامه صلح، دیدار از پایتخت های کشورهای بزرگ (واشنگتن، لندن، پاریس، مسکو) و تسلیم تذکاریه خود به سران این کشورها و در میان گذاشتن مسایل مهم سازمان ملل متحد، همگی دلیل بر کارآیی و همت والای وی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی بوده است. در مورد استعفای تریگولی نیز باید گفت که استعفای او در راه ایفای وظایف دبیرکل بود؛ زیرا پس از برخورد سرد و طرد کننده شوروی و کشورهای سوسیالیستی پس از تمدید مدّت دبیرکلی او به مدت سه سال از سوی مجمع عمومی «و ادامه جنگ سرد میان شرق و غرب و فضای

ص: ۱۲۰

۱- [۱]. منوچهر معیری، نقش دبیرکل سازمان ملل متحد در وقایع سیاسی جهان، چاپ بهمن، ۱۳۴۴، ص ۶۴.

بی اعتمادی که بلوک شوروی نسبت به فعالیت های دبیرکل سازمان ملل داشت، دیگر تریگولی نمی توانست به نحو رضایت بخش و مؤثر به وظایف اساسی خود در این باره ادامه دهد»^(۱).

۲. داگ هامر شولد،

(۲) دومین دبیرکل سازمان ملل (آوریل ۱۹۵۳ تا ۱۸ سپتامبر ۱۹۶۱)

رهبری _داگ هامر شولد_ در ایفای وظایفش خالی از هرگونه محافظه کاری بود. وی در حالی که می کوشید در محدوده اختیارات اعطایی منشور ملل متحد و قطع نامه مربوط انجام وظیفه کند، ولی هیچ وقت ابتکار عمل شخصی را در حل معضلات بین المللی از دست نمی داد. تمام تلاش او آن بود تا در حالی که دوام و ثبات سازمان ملل را حفظ می کند، گونه ای انعطاف پذیری در آن پدید آورد تا سازمان بتواند به آسانی به مشکلات غیرقابل پیش بینی پاسخ دهد. هامر شولد در مورد تشکیل نیروی دایمی صلح اظهار داشته بود که تشکیل این نیرو مسلماً آزادی عمل سازمان را در استفاده از وسایل و راه های گوناگون لازم برای رفع مشکلات بین المللی تضعیف می کند و او را ملزم می سازد که تنها یک نوع وسیله نظامی را مورد استفاده قرار دهد. بدون شک، ابتکارهای دیپلماتیک وی مورد تأیید دوست و دشمن بوده است.^(۳) مسافرت وی به پکن برای رهایی خلبانان امریکایی، تشکیل نیروی صلح سازمان ملل متحد در مدت ۴۸ ساعت و تشکیل پلیس بین المللی در کنگره

ص: ۱۲۱

۱- [۱]. همان، ص ۸۲.

۲- [۲]. Dag Hammer Shjold.

۳- [۳]. همان، ص ۲۷۲.

همگی گوشه‌هایی از ابتکار دیپلماسی و وسعت نظر سیاسی این دبیرکل به شمار می‌رود. اعزام دیپلمات‌های عالی رتبه به مناطق پر آشوب دنیا یکی دیگر از ابتکارهای شخصی هامر شولد بوده است.^(۱) هامر شولد در سانحه هوایی سقوط هواپیما در راه لئوپولدویل به هندورا درگذشت. او به قلب آفریقای سیاه می‌رفت تا از روی دادن جنگ و خون‌ریزی جلوگیری کند، ولی جان خود را در راه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که بدان سخت اعتقاد داشت، تقدیم کرد.

۳. اوتانت،

(۲) سومین دبیرکل سازمان ملل (سپتامبر ۱۹۶۱ تا اوتانویه ۱۹۷۲)

پس از سقوط هواپیمای هامرشولد در ۱۷ سپتامبر ۱۹۶۱، اوتانت به عنوان «کفیل دبیرکل»^(۳) سازمان ملل در اجلاس مجمع عمومی سازمان در ۳ نوامبر ۱۹۶۱ به اتفاق آرا انتخاب شد، ولی اقدامات مؤثر او در کم‌تر از یک سال، زمینه‌های موفقیت او را برای کسب مقام دبیرکل سازمان ملل فراهم کرد. وی با حفظ بی‌طرفی، قدرت، آرامش، وقار و پشتکار وصف‌ناشدنی، زمینه را برای توافق قدرت‌های شرق و غرب در گزینش وی به عنوان سومین دبیرکل سازمان ملل فراهم ساخت.^(۴)

ص: ۱۲۲

۱- [۱]. همان، صص ۳۳۹ _ ۳۴۰.

۲- [۲]. I _ U _ Thant.

۳- [۳]. برخی کشورها با عنوان دبیرکل اوتانت مخالفت می‌کردند. مثلاً شوروی‌ها با انتخاب اوتانت برای یک دوره ۵ ساله و اطلاق عنوان «دبیرکل» به وی مخالف بودند. آن‌ها تنها با عنوان «کفیل دبیرکل» و مدت یک سال و نیم باقی‌مانده دبیرکل هامر شولد موافقت داشتند.

۴- [۴]. علی میرسعید قاضی، زندگی‌نامه دبیرکل‌های سازمان ملل متحد و فعالیت‌های سیاسی آن‌ها، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۸، چ ۲، ص ۲۸۳.

از کارهای قابل تقدیر اوتانت در دوره تصدی دبیر کلی می توان به حل مسئله کنگو و از میان برداشتن ریشه اختلافات این کشور اشاره کرد که در وجود _موسی چومبه_، رهبر ایالت تجزیه طلب _کاتانگا_ متبلور شده بود.

هم چنین هلند و اندونزی که بر سر مالکیت سرزمین گینه جدید غربی (ایریان غربی) اختلاف داشتند، در ۳۱ جولای ۱۹۶۲، گفت و گوهای صلح را زیر نظر نماینده اوتانت برگزار کردند که به دنبال آن در ۲۵ اوت ۱۹۶۲، موافقت نامه ای میان دو کشور مبادله شد.^[۱] در پی مقرر شدن این که هلند، اداره ایریان غربی را به «یک مقام اجرایی موقت سازمان ملل» واگذار کند، که مورد تأیید طرفین باشد، _اوتانت_ در ۲۴ اکتبر ۱۹۹۲ _جلال عبده_ را از ایران انتخاب کرد. فعالیت های مدبرانه جلال عبده و اوتانت، زمینه را برای همه پرسی آماده ساخت و مردم ایریان غربی به پیوستن به خاک اندونزی رأی دادند.

یکی دیگر از اقدامات مفید و مؤثر اوتانت، مسافرت متهورانه او به کوبا بود در آن هنگام که ناوگان دریایی امریکا، کوبا را به محاصره خود در آورد. در حالی که از همه طرف به اوتانت فشار می آوردند تا خودش را در آن بحران وارد نکند، وی به دیدار _فیدل کاسترو_، رهبر کوبا رفت و با برقراری و حفظ ارتباط میان خروشچف و کندی _سران ابرقدرت شرق و غرب_ در کاهش این بحران، نقش مهمی ایفا کرد.

ص: ۱۲۳

سرانجام وی در نهمین سال دبیر کلی خود در حالی که هنوز یک سال به پایان دومین دوره دبیر کلی اش باقی مانده بود، اعلام کرد که به دلیل بیماری، پس از این دوره از کار کناره گیری خواهد کرد و قصد ندارد برای سومین بار پیشنهاد دبیر کلی را بپذیرد. (۱)

۴. کورت والد‌هایم،

(۲) چهارمین دبیر کل سازمان ملل (ژانویه ۱۹۷۲ تا دسامبر ۱۹۸۱)

— کورت والد‌هایم، تبعه اتریش به مدت ۱۰ سال متصدی سمت دبیر کل سازمان ملل متحد بود. معاون انگلیسی وی، — برایان اورکهارت — در کتاب خاطراتش درباره والد‌هایم چنین بیان می دارد:

... پاسخ والد‌هایم در طول ده سال دبیر کلی سازمان ملل در برابر نقش خود در جنگ جهانی دوم در ارتش هیتلر، همان هایی بود که در زندگی نامه خودش آورده است. بدین شکل که در اواخر سال ۱۹۴۱ میلادی، در جبهه مسکو زخمی شد و پس از بهبودی، ارتش آلمان را ترک کرد و از سال ۱۹۴۲ میلادی به دنبال تحصیل رشته حقوق رفت. وی حتی مدعی می شد که او و خانواده اش ضدنازی هم بوده اند. به سبب نبود مدارک و شواهدی که نقض ادعاهای او را نشان دهد، ما هم این گفته را پذیرفته بودیم. اکنون روشن شده است که والد‌هایم برای نزدیک به چهل سال درباره گذشته خود دروغ می گفته است... (۳).

داستان والد‌هایم یک ادعای نامعقول علیه دولت ها به ویژه قدرت های بزرگ است که گزینش کارمندان عالی رتبه سازمان های بین المللی را بر عهده دارند. والد‌هایم یک میانجی پر حرارت و جاه طلب بود. وی به عنوان دبیر کل،

ص: ۱۲۴

۱- [۱]. همان، ص ۲۸۹.

۲- [۲]. Kwt Waldheim.

۳- [۳]. زندگی نامه دبیر کل های سازمان ملل، صص ۳۲۶ _ ۳۲۷.

تصمیم های خاص و گاهی شجاعانه و دور از انتظار می گرفت، ولی از مزایایی چون وسعت نظر، کمال و اندیشه خلاق و قدرت رهبری که در سازمان ملل به این ویژگی ها به شدت نیاز است، بی بهره بود. او وظیفه شناس، سخت کوش و فوق العاده پر طاقت بود. او آمادگی داشت تا ایده ها و پیشنهادهای را بپذیرد و آن ها را پی گیری کند و هرگز آن قدر خسته نبود که نتواند به مأموریت و سفر سختی برود... کار با والدهایم بسیار خرد کننده بود؛ زیرا او اصرار می ورزید که بارها جزئیات را مرور کنیم. در بیش تر موارد پس از پایان کار، به آغاز مسئله باز می گشت و ما را وادار می کرد که قدم به قدم، نکات ریز را دوباره بررسی کنیم. (۱)

در مورد والدهایم می توان گفت «زمانی که والدهایم به عنوان دبیر کل سازمان ملل انتخاب گردید، صهیونیست ها همواره با تبلیغات علیه او کوشیدند تا چهره ضد صهیونیستی وی را مخدوش سازند. حمله سال ۱۹۸۲ نیروهای اسرائیلی به جنوب لبنان، با واکنش شدید والدهایم، محکوم کردن کشتار «صبرا» و «شتیلا» و هم چنین صدور قطع نامه ای از سوی شورای امنیت علیه اشغالگری ها و ددمنشی های آن ها روبه رو شد. والدهایم با سخنان و موضعگیری های ضد صهیونیستی خود، اسرائیلی ها را اشغالگرانی معرفی کرد که با زور سرنیزه، خانه های فلسطینیان را غصب کرده اند.

والدهایم پس از پایان دوره دبیر کلی، خود را برای پست نخست وزیری اتریش نامزد کرد که از همان ابتدا، رسانه های تبلیغاتی صهیونیسم از وی به عنوان افسر ارتش نازی و همکار مستقیم هیتلر یاد کردند که در کشتار یهودیان در دوران جنگ جهانی دوم دست داشته است. حتی تصویرها و

ص: ۱۲۵

مدارک جعلی علیه او منتشر کردند. با وجود تبلیغات منفی صهیونیست ها، او توانست با رأی قاطع مردم اتریش به نخست وزیری اتریش انتخاب شود. او در دوره نخست وزیری هم چنان زیر هجوم تبلیغاتی گسترده قرار داشت، به گونه ای که حتی کشورهای اروپایی زیر فشار لابی صهیونیست ها، از دعوت کورت والدهایم به کشورهاشان خودداری می کردند»^(۱).

در مورد سخنان برایان اورکهارت می توان گفت که وی در مورد والدهایم کمی نامنصفانه سخن گفته است. هر چند «تردیدی وجود ندارد که والدهایم شاید شاهد پاره ای از شدت عمل ها در ارتش هیتلر بوده، ولی اورکهارت که فارغ التحصیل دانشگاه آکسفورد، افسر ارتش سلطنتی بریتانیای کبیر در جنگ جهانی دوم و کارمند عالی رتبه انگلیسی در سازمان ملل بود، شاید قضاوت خود را براساس تفکر و رفتار والدهایم به عنوان رئیس جمهور اتریش و طرفدار وحدت اروپا و مباحثات با شرق بنا نهاده باشد که در این صورت، والدهایم مستحق چنین جملات و کلمات تندی نیست»^(۲).

گفتنی است والدهایم در ۲۷ ژانویه ۱۹۸۲ در مراسم باشکوهی، مدال «صلح سازمان ملل» را به پاس تلاش های خستگی ناپذیرش در راه صلح و امنیت جهانی، از خاویر پرز دکوئیار دریافت کرد.

۵. خاویر پرز دکوئیار،

^(۳) پنجمین دبیرکل سازمان ملل (ژانویه ۱۹۸۲ تا دسامبر ۱۹۹۱)

ص: ۱۲۶

۱- [۱]. قاسم بابایی، «از کورت والدهایم تا کوفی عنان»، روزنامه قدس ۱۳۸۰/۴/۱۸.

۲- [۲]. زندگی نامه دبیرکل های سازمان ملل متحد، صص ۳۲۸ _ ۳۲۹.

۳- [۳]. Janvier Perez De Cuellar.

—خاویر پرز دوکوئیاری— یکی از دبیرکل های موفق سازمان ملل متحد است که در دو دوره تصدی این پُست، با اعتقاد و پشتکار وصف ناپذیری، در راه حفظ صلح و امنیت بین المللی کوشید. اقدامات قابل تحسین و تلاش های پی گیر او در جنگ تحمیلی ایران و عراق یکی دیگر از موفقیت های دوکوئیاری است. فرازهایی از نامه مقام معظم رهبری به وی که در آن زمان ریاست جمهوری اسلامی ایران را به عهده داشت، در مورد پذیرش قطع نامه ۵۹۸ و اجرای آن چنین است:

درودهای گرم با بهترین آرزوهای من را برای موفقیت عالی جناب در تلاش برای برقراری صلح و عدالت پذیرید. در چنین موقعیتی، تلاش های جناب عالی برای اجرای قطع نامه ۵۹۸ حایز اهمیت ویژه است... در این زمینه ها مصمم گردیدیم که رسماً اعلام داریم جمهوری اسلامی ایران به خاطر اهمیت به حفظ جان انسان ها و برقراری عدالت، صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی، قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت را می پذیرد. ما امیدواریم که اعلام رسمی این موضع جمهوری اسلامی ایران به شما در ادامه تلاش هایتان که همیشه مورد پشتیبانی و استقبال ما بوده است، کمک نماید. (۱)

برخی تلاش های در خور توجه این دبیرکل به شرح زیر است:

۱. حل مسئله _آنگولا_ و _نامبیا_ که سرانجام به استقلال نامبیا انجامید؛

۲. حل مشکلات _امریکای جنوبی_؛

۳. حل مسئله _افغانستان_ و ایجاد _نیروی صلح_ (یونگومپ)؛

۴. اقدامات مستمر او در طول جنگ _ایران_ و _عراق_ که شامل موارد زیر بود:

ص: ۱۲۷

الف) جلب توجه شورای امنیت به مسئله جنگ عراق با ایران (۲۳ سپتامبر ۱۹۸۰)؛

ب) مذاکره برای خروج کشتی های باقی مانده در _اروند رود؛_

ج) تعیین نماینده ویژه (آقای اولاف پالمه) برای مذاکره با طرفین؛

د) اعزام هیأتی برای بازدید از مناطق مسکونی تخریب شده و بررسی کاربرد سلاح های شیمیایی؛

ه) (ارایه ابتکار ۱۲ ژوئن ۱۹۸۴ در خودداری طرفین از حمله به مناطق مسکونی یکدیگر و تعیین هیأت های نظارت بر اجرای توافق؛

و) گزارش های متعدد به شورای امنیت در مورد اجرای قطع نامه های شورا؛

ز) سفرهای متعدد به منطقه و مذاکره های مکرر با مقام های دو طرف در این سفرها و نیویورک؛

ح) ابتکار و ارایه طرح هشت ماده ای در ماه مارس ۱۹۸۵؛

ط) ابتکار و ارایه طرح اجرایی برای قطع نامه ۵۹۸ در اکتبر ۱۹۸۷ (۱)

در پایان این بخش، یادآوری این نکته خالی از فایده نیست که تبلیغات منفی صهیونیست ها علیه دو کوئینار نیز وجود داشت. حتی پس از پایان دوره دبیر کلی دو کوئینار و هنگامی که او قصد داشت خود را نامزد انتخابات ریاست جمهوری پرو کند، صهیونیست ها به شدت تبلیغ کردند که او مأمور

ص: ۱۲۸

۱- [۱]. شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۳۷.

سازمان اطلاعات مرکزی امریکا بوده و از این سازمان، پول دریافت کرده است.^(۱)

۶. پتروس غالی،

(۲) ششمین دبیرکل سازمان ملل (ژانویه ۱۹۹۲ تا دسامبر ۱۹۹۶)،

وی از دیرباز با مسایل سیاسی، روابط بین الملل و حقوق به عنوان نویسنده، استاد دانشگاه، قاضی و پژوهشگر ارتباط داشته است. تاکنون از پتروس غالی، نزدیک به ۲۵ جلد کتاب و یک صد رساله آموزشی و شمار زیادی مقاله منتشر شده است. از فعالیت های پتروس غالی به موارد زیر می توان اشاره کرد:

۱. تغییر ساختار اداری دبیرخانه سازمان ملل متحد با ایجاد اداره مسایل انسانی و حقوق بشر، اداره امور سیاسی، اداره امور مربوط به نیروهای حافظ صلح و اداره مسایل اقتصادی و اجتماعی.

۲. ارایه «دستورکاری برای صلح» به توصیه جلسه سران شورای امنیت در سال ۱۹۹۲ و بیان دیدگاه های خود درباره امر بسیار حساس توسعه در رساله مشابهی و ارایه آن به مجمع عمومی در می ۱۹۹۴

۳. سفرهای متعدد به بیش از ۵۰ کشور جهان و تلاش برای حفظ صلح و امنیت جهانی و پیشرفت و توسعه در چارچوب منشور ملل متحد.

۴. برگزاری و تشکیل کنفرانس های متعدد در موضوع های حساس و مهم جهان از جمله: کنفرانس سازمان ملل درباره پیشرفت اقتصادی زنان روستایی

ص: ۱۲۹

۱- [۱]. «قاسم بابایی، از کورت والدهایم تا کوفی عنان»، روزنامه قدس، ۱۸/۴/۱۳۸۰.

۲- [۲]. Boutros _ Ghali.

(۱۹۹۲ ژنو)، کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست (۱۹۹۲) و کنفرانس جمعیت و توسعه (قاهره ۱۹۹۴).

نکته منفی در مورد پطروس غالی این است که در دوران حضور در سازمان ملل، صهیونیست ها و امریکاییان از جانب او آسوده خاطر بودند. «حمایت وی از صهیونیست ها و چشم بستن بر جنایات آنان در حق ملت مظلوم فلسطین تا جایی بود که حتی جمهوری اسلامی ایران از دعوت وی برای سفر به ایران _ با وجود درخواست های مکرر او _ خودداری ورزید».^(۱)

گفتنی است که در این اواخر، پطروس غالی کتاب مفصلی با عنوان _داستان دراز و پر پیچ و خم ملل متحد و امریکا_ (A.U.S.UN. SAGA) نوشته است که از چند نظر اهمیت دارد. یکی آن که از ریزه کاری های غرب به رهبری امریکا برای دخالت در امور ملل متحد سخن می گوید و نمونه های زنده ای را برای اثبات ادعاهای خود می آورد. هم چنین فاش می کند که دبیر کل سازمان ملل در کار خود استقلالی ندارد و باید به ساز قدرت های بزرگ برقصد. دیگر آن که دموکراسی به مفهوم واقعی خود در این سازمان رواجی ندارد و گوشی آماده شنیدن خواسته ها و نداهاى حق طلبانه ملل عقب مانده نیست. اگر هم بحثی در این باره به میان می آید، بیش تر وجه تشریفاتی دارد و اصولاً مشکلات جهانی صرفاً باید با میل و رضایت آن ها حل و فصل شود. او در دفاع از حق خود برای تجدید انتخاب به مقام دبیر کلی به تفصیل سخن می گوید و

ص: ۱۳۰

۱- [۱]. «از کورت والدهایم تا کوفی عنان»، روزنامه قدس، ۱۸/۴/۱۳۸۰.

کارشکنی های امریکا را آشکار می سازد. البته جاه طلبی های خود را نیز پنهان نمی کند. (۱)

۷. کوفی عنان،

(۲) هفتمین دبیر کل سازمان ملل (ژانویه ۱۹۹۶ تا کنون، دی ۱۳۷۵ تا کنون)

کوفی عنان از کشور آفریقایی _ غنا، با مواضعی مستقل وارد سازمان ملل شد. او در چندین مورد مانند مسئله حمله نیروهای امریکایی و انگلیسی به عراق و حمایت امریکا از صهیونیست ها، در یک مشاجره لفظی شدید با _مادلین آلبرایت_، وزیر خارجه وقت امریکا، تا مرحله استعفا پیش رفت. با آغاز دومین دور از دبیر کلی عنان، پس از هشدارهایی که وی در زمینه توقف ترور رهبران فلسطینی و کشتار مردم مظلوم فلسطین، به رژیم صهیونیستی داد، با هجوم محافل صهیونیستی امریکایی و اروپایی روبه رو شده است. اوج این حملات زمانی رخ داد که سازمان ملل به دستور کوفی عنان از تحویل فیلم عملیات ربوده شدن سه سرباز اسرائیلی به دست حزب الله در منطقه _شعبا_ خودداری کرد. نماینده عنان گفت که این فیلم جز و اسناد محرمانه سازمان ملل است و تنها نماینده حزب الله و اسرائیل می توانند فیلم ها را ببینند. به دستور عنان حتی چهره های عناصر حزب الله در این فیلم به گونه ای دیجیتالی شد تا جان مبارزان حزب الله به خطر نیافتند.

ص: ۱۳۱

۱- [۱]. امیرحسین فرزانه، «تحلیل اعترافات یک دبیر کل ناکام سازمان ملل»، نشریه گزارش، ش ۱۰۵، ۱۳۷۸.

۲- [۲]. Kufi _ Annan.

با توجه به این نکات آن چه از مواضع قدرت های بزرگ به ویژه امریکا و اسرائیل برمی آید، این است که «اگر سازمان ملل و شخص دبیرکل در خدمت منافع نامشروع صهیونیسم بین المللی باشد، مورد حمایت تمام ارکان و نهادهای تبلیغاتی، سیاسی و اقتصادی صهیونیست ها قرار می گیرد و چنان چه مواضع مستقلانه و ضد صهیونیستی داشته باشد، تا مرحله ساقط کردن وی پیش می روند»^(۱) گفتنی است پنج فضیلت و خصلت نیکو در مورد کوفی عنان می توان نام برد که عبارتند از: وقار، اعتماد به نفس، هم دردی و شفقت و ایمان^(۲).

مقام معظم رهبری در دیدار با کوفی عنان به مناسبت برگزاری کنفرانس سران کشورهای اسلامی در تهران، با توجه به قاره ای که آقای دبیرکل از آن برخاسته و با اشاره به سابقه مبارزاتی چند تن از رهبران این قاره چنین بیان داشت:

آفریقا در دهه های اخیر مردان بزرگی داشته است و ما از آن جهت که آفریقا مقابل ظلم ایستاده، به این منطقه از جهان عمیقاً علاقه مندیم....

آقای عنان نیز در پایان دیدار با اظهار خوش وقتی از دیدار با آیت الله خامنه ای چنین گفت:

من و هیأت همراهم تحت تأثیر میهمان نوازی و دوستی ایرانیان قرار گرفته ایم و به عنوان دوستان ایران، خاک کشور شما را ترک خواهیم کرد^(۳).

گفتار پنجم: شورای اقتصادی و اجتماعی (Council) Economic And Social

۱. ساختار و صلاحیت شورای اقتصادی و اجتماعی

ص: ۱۳۲

۱- [۱]. همان.

۲- [۲]. «پنج فضیلت کوفی عنان»، ترجمان سیاسی، ش ۴۰.

۳- [۳]. زندگی نامه دبیر کل های سازمان ملل، ص ۴۷۸.

شورای اقتصادی و اجتماعی، سازمان دهنده همکاری های بین المللی در زمینه امور اقتصادی و اجتماعی است. با این که هدف اصلی از تشکیل سازمان ملل متحد، حفظ صلح و امنیت بین المللی است، با این حال، این سازمان برخلاف جامعه ملل، به ایجاد همکاری میان ملل گوناگون جهان و پیدا کردن راه حل هایی برای مشکلات اقتصادی و اجتماعی آن ها به عنوان یکی از راه های اساسی جلوگیری از جنگ توجه کرده است. (۱)

شورای اقتصادی و اجتماعی در آغاز دارای ۱۸ عضو بود، ولی اکنون شمار این اعضا به ۵۴ عضو رسیده است. با اصلاح ماده ۶۱ منشور که بر اساس قطع نامه (۲۸۴۷) XXVI مجمع عمومی صورت گرفت، انتخاب اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی می بایست بر اساس تنوع جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی انجام گیرد. این قطع نامه مقرر می دارد که اعضای شورا باید از پنج گروه زیر انتخاب شوند: گروه آفریقا، گروه آسیا، گروه امریکای لاتین، گروه اروپای غربی و دیگران و گروه اروپای شرقی.

با وجود تأیید این قطع نامه بر انتخاب عادلانه اعضا، ۵ عضو دائمی شورای امنیت همواره به عنوان اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی انتخاب می شوند. (۲)

ص: ۱۳۳

۱- [۱]. ابوالقاسم منصفی، سازمان های بین المللی، انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، چاپ خانه گیلان، ۱۳۵۸، ص ۲۰۱.

۲- [۲]. سازمان های بین المللی موسی زاده، ۱۶۱.

این شورا می تواند در زمینه مسایل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تربیتی، بهداشتی و دیگر موضوع های همگون بین المللی، مطالعه و تحقیق کند و نتیجه تحقیق های خود را به صورت توصیه نامه به مجمع عمومی یا دولت های عضو سازمان ملل یا سازمان های تخصصی مربوط بفرستد.

موضوع های مربوط به «حقوق بشر» و آزادی های اساسی افراد در صلاحیت شورای اقتصادی و اجتماعی است که در هر مورد، توصیه نامه های لازم را صادر می کند.

شورا دارای تعدادی کمیسیون منطقه ای و کمیسیون های تخصصی است. هرچند این شورا یک رکن مستقل سازمان ملل به شمار می رود، زیر نظر مجمع عمومی انجام وظیفه می کند و اعضای آن را نیز مجمع عمومی برمی گزیند. (ماده ۶۱ منشور). (۱)

۲. وظایف شورای اقتصادی و اجتماعی

اشاره

براساس مواد ۶۲ تا ۶۶ منشور ملل متحد، مهم ترین موارد از وظایف این شورا بدین شرح است:

— انجام مطالعات؛

— صدور توصیه نامه؛

— تهیه پیش نویس کنوانسیون ها؛

— تشکیل کنفرانس های بین المللی؛

— همکاری با سازمان های تخصصی.

ص: ۱۳۴

در ادامه، به دو وظیفه مهم این شورا؛ یعنی تشکیل کنفرانس های بین المللی و همکاری با سازمان های تخصصی اشاره خواهیم کرد.

الف) همکاری با سازمان های تخصصی

ماده ۶۳ منشور ملل متحد این گونه بیان می دارد:

۱. شورای اقتصادی و اجتماعی می تواند با هر یک از نهادهای تخصصی یاد شده در ماده ۵۷ قراردادهایی منعقد کند و شرایطی را که به موجب آن، نهاد مربوط وابسته به ملل متحد خواهد گردید، معین کند. این گونه قراردادها باید به تصویب مجمع عمومی برسد.

۲. شورای اقتصادی و اجتماعی می تواند به وسیله مشاوره با نهادهای تخصصی و توصیه به آن ها و توصیه به مجمع عمومی و اعضای ملل متحد، فعالیت های مؤسسه های تخصصی را هم آهنگ سازد.

همان گونه که در این ماده تصریح شده، یکی از دو وظایف شورای اقتصادی و اجتماعی، ایجاد هم آهنگی میان سازمان های تخصصی سازمان ملل متحد است. ایجاد ارتباط میان این شورا و سازمان های تخصصی با انعقاد موافقت نامه صورت می گیرد که تا حال سازمان ملل متحد از طریق این شورا، با شانزده سازمان تخصصی، قرارداد همکاری منعقد کرده است. (۱) برخی از آن ها عبارتند از: سازمان بین المللی کار (ILO)، اتحادیه جهانی پست (UPU)، اتحادیه بین المللی مخابرات (ITU)، صندوق بین المللی پول (IMF) و سازمان بهداشت جهانی (۲) (WHO).

در پایان، باید گفت هر چند ایجاد هم آهنگی میان فعالیت های سازمان های تخصصی سازمان ملل یکی از مهم ترین وظایف این شورا است،

ص: ۱۳۵

۱- [۱]. سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۱۶۴.

۲- [۲]. برخی از این سازمان های تخصصی در فصل ششم مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

ولی این پرسش باید بررسی شود که آیا تاکنون شورای یاد شده در این امر موفق بوده است یا خیر؟ آن چه مسلّم است این که تصمیم های شورا دارای پشتوانه قدرت اجرایی نیست و توصیه هایی که می کند، در بیش تر موارد اجرا نمی شود. همین امر سبب شد که در سال ۱۹۵۷ با تأکید کشورهای در حال توسعه، گروهی تخصصی برای تحقیق و بررسی در مورد اصلاح اساس نامه شورا تعیین گردد. (۱)

(ب) تشکیل کنفرانس های بین المللی

بند ۴ ماده ۶۲ منشور ملل متحد در این باره بیان می دارد:

شورای اقتصادی و اجتماعی می تواند در مورد اموری که در صلاحیت آن قرار دارد، کنفرانس های بین المللی براساس قواعد مقرر از طرف ملل متحد دعوت کند.

برگزاری «کنفرانس جمعیت جهان» در سال ۱۹۴۹ که یک کنفرانس غیردولتی بود و برگزاری گردهم آیی های کارشناسی هم چون: _کنفرانس علمی سازمان ملل در زمینه حفاظت و بهره برداری از منابع _در همان سال و برگزاری کنفرانس های بین دولتی در موضوع های: بهداشت، حمل و نقل، تجارت و... همگی در راستای عمل به وظیفه محول شده در این ماده منشور به شورای اقتصادی و اجتماعی ملل متحد است که زمینه ساز پیشرفت و هماهنگ سازی نظریه های گوناگون دولت ها و کشورها در این موارد خواهد بود.

گفتار ششم: شورای قیمومت

اشاره

(۲)

ص: ۱۳۶

۱- [۱]. تهماسب محتشم دولت شاهی، سازمان های اقتصادی بین المللی، انتشارات ویستار، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۸۵.

۲- [۲]. Trusteeship Council.

در پایان جنگ جهانی دوم تقریباً یک چهارم جمعیت جهان در کشورهای نامستقل زندگی می کردند. علاقه بین المللی به رفاه ملت های نامستقل سبب شد که مواد ویژه ای در منشور ملل متحد درج شود و پیشرفت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن ها از وظایف جامعه بین المللی به شمار آید.^(۱)

هدف های _نظام قیمومت بین المللی_ عبارتند از: پیشبرد صلح و امنیت بین المللی، کمک به پیشرفت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ساکنان سرزمین های تحت قیمومت و پیشرفت دایم آن ها به سوی خودمختاری یا استقلال براساس اوضاع و شرایط موجود در هر سرزمین و خواسته های مردم آن، ترغیب احترام به حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همگان، ترغیب شناسایی اتکای ملت های جهان به یکدیگر، تضمین رفتار برابر در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و بازرگانی با همه اعضای سازمان ملل متحد و اتباع آن ها و رفتار برابر با مردم این کشورها در اجرای عدالت به شرطی که این امور با دست یابی به دیگر هدف های نظام قیمومت تلاقی نکند.^(۲) (ماده ۷۷ منشور به برخی از این اهداف اشاره داشته است).

ماده ۷۷ منشور در مورد این که نظام قیمومت شامل چه سرزمین هایی می شود، این طور بیان می دارد:

ص: ۱۳۷

۱- [۱]. راهنمای سازمان ملل متحد؛ شرح کامل فعالیت ها و تکوین سازمان ملل متحد در نخستین ۲۵ سال حیات آن، گردآورنده: اداره اطلاعات سازمان ملل متحد، برگردان: منصور فراسیون، انتشارات وزارت علوم و آموزش عالی، ۱۳۵۴، چ ۱، ص ۲۵۱.

۲- [۲]. همان، ص ۲۵۳.

۱. نظام قیمومت شامل سرزمین هایی می شود که در گروههای زیر قرار دارند و ممکن است به موجب قراردادهای قیمومت تابع این نظام گردند:

(الف) سرزمین هایی که اکنون تابع نظام سرپرستی هستند.

(ب) سرزمین هایی که ممکن است در نتیجه جنگ جهانی دوم از کشورهای دشمن جدا گردد.

(ج) سرزمین هایی که به میل کشورهای مسئول اداره آن ها تحت این نظام قرار می گیرد.

تاکنون تنها سرزمین های گروه (الف) و یک مورد سرزمینی که از مصادیق گروه (ب) بود، تحت نظام قیمومت قرار گرفته اند. تنها سرزمینی که مشمول بند (ب) ماده ۷۷ منشور بوده و اکنون استقلال یافته است، سومالی لند ایتالیا است. بند (ج) این ماده نیز به دلیل این که هیچ سرزمینی داوطلبانه خواهان قرار گرفتن تحت نظام قیمومت نبود، تاکنون مورد استفاده قرار نگرفته است. پس می توان گفت که نظام قیمومت تنها در مورد سرزمین های تحت سرپرستی به موجب میثاق جامعه ملل اعمال می گردید که تمامی این سرزمین ها نیز به استثنای یک مورد، داوطلبانه تحت نظام جدید قرار گرفتند. این مورد استثنایی عبارت بود از سرزمین آفریقای جنوب غربی که قدرت اداره کننده آن؛ یعنی آفریقای جنوبی از قرار دادن این سرزمین در چهارچوب نظام قیمومت خودداری کرد و در مقابل، به پیوستن خاک این کشور به کشور خود تمایل نشان داد.^(۱)

گفتنی است در ماده ۸۲ منشور ملل نوعی دیگر از قیمومت به نام «قیمومت استراتژیک» نیز پیش بینی شده است که شیوه اداره و نظارت

ص: ۱۳۸

۱- [۱]. حقوق نهادهای بین المللی، ص ۱۳۳.

سازمان ملل بر آن فرق می کند. در سرزمین هایی که دولت اداره کننده آن ها را زیر عنوان «قیمومت استراتژیک» قرار می دهد، دست آن دولت برای اداره سرزمین بازتر و نظارت بین المللی بر آن ها کم تر است. به جای شورای قیمومت که مرجع رسیدگی به امور سرزمین های تحت قیمومت است، شورای امنیت عهده دار نظارت بر امور سرزمین هایی است که با عنوان قیمومت استراتژیک اداره می شوند. در واقع، این سرزمین ها در اختیار دولت های بزرگی قرار گرفته بود که خود در شورای امنیت کرسی دائمی دارند و نظارت بین المللی بر امور آن ها از میان رفته بود. برای نمونه، امریکا پس از تصاحب ۶۲۳ جزیره کوچک و بزرگ اقیانوس آرام و با قرار دادن آن ها زیر نظام قیمومت استراتژیک در آن ها می توانست پایگاه نظامی، دریایی و هوایی ایجاد کند و به طور کلی، آن ها را از نظارت بین المللی خارج نگاه داشته بود.^(۱)

(ب) شورای قیمومت

ماده ۸۶ منشور ملل متحد در مورد ترکیب این شورا چنین بیان می دارد:

۱. شورای قیمومت مرکب از اعضای ملل متحد به شرح ذیل خواهد بود:

الف) اعضای اداره کننده سرزمین های تحت قیمومت.

ب) آن عده از اعضای که نامشان در ماده ۲۳(۲) ذکر شده و اداره سرزمین تحت قیمومتی را عهده دار نیستند.

ج) اعضای دیگر که به تعداد لازم از طرف مجمع عمومی برای یک دوره سه ساله انتخاب می شوند تا آن حد که مجموع اعضای شورای قیمومت به

ص: ۱۳۹

۱- [۱]. سازمان های بین المللی منصفی، صص ۲۰۴ و ۲۰۵.

۲- [۲]. ماده ۲۳ منشور ناظر به ترکیب اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد است.

تساوی میان اعضای اداره کننده سرزمین های تحت قیمومت و دیگر اعضا تقسیم گردد.

۲. هر یک از اعضای شورای قیمومت، شخص واجد صلاحیت خاصی را به سمت نماینده خود در شورای قیمومت تعیین می کنند.

اوج فعالیت شورای قیمومت در سال ۱۹۶۸ بود که اعضای آن مرکب از: چهار دولت اداره کننده سرزمین های تحت قیمومت (استرالیا، بریتانیا، ایالات متحده امریکا و زلاندنو)، سه عضو دائمی شورای امنیت (چین، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی) و یک عضو انتخابی بودند. در سال ۱۹۸۷، شورای قیمومت تنها از پنج عضو تشکیل می شد (امریکا به عنوان تنها دولت اداره کننده و چهار عضو دائم دیگر شورای امنیت) و چین در کارهای شورا مشارکت نمی کرد.^(۱)

شورای قیمومت در راستای انجام چنین وظایفی که منشور بر عهده آن قرار داده است، موفقیت های چشم گیری داشت. تا سال ۱۹۸۲، از یازده سرزمین که تحت قیمومت قرار داشتند، ده سرزمین استقلال خود را یافتند، یا این که به دنبال برگزاری همه پرسی زیر نظارت سازمان ملل، با کشورهای همسایه متحد شدند. این سرزمین ها عبارتند از: توگولند بریتانیا (با غنا متحد شد / ۱۹۵۷)، توگولند فرانسه (توگو / ۱۹۶۰)، کامرون فرانسه (کامرون / ۱۹۶۰)، سومالی لند ایتالیا (سومالی / ۱۹۶۰)، کامرون بریتانیا (بخشی از آن به نیجریه و بخش دیگر آن به کامرون پیوست / ۱۹۶۱)، تانگانیکا (تانزانیا / ۱۹۶۱)، رواندا.

ص: ۱۴۰

۱- [۱]. سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۱۷۷.

بروندی (رواندا - بروندی / ۱۹۶۲)، ساووی غربی (ساموا / ۱۹۶۲)، فائورو (نائورو / ۱۹۶۸)، گینه جدید (گینه جدید پاپوا / ۱۹۷۵).

یازدهمین و آخرین سرزمین تحت قیمومت - جزیره پالائو در اقیانوس آرام - نیز که امریکا آن را اداره می کرد، براساس قطع نامه شورای امنیت در نوامبر ۱۹۹۴ از نظام قیمومت خارج شد. با توجه به این که در حال حاضر سرزمین تحت قیمومت وجود ندارد، شورای قیمومت آیین نامه خود را تغییر داده است و تنها برحسب ضرورت، تشکیل جلسه می دهد. (۱)

ص: ۱۴۱

۱- [۱]. همان، ص ۱۷۸.

از میان ارکان اصلی که در فصل گذشته بررسی شد، سه رکن اصلی آن؛ یعنی: مجمع عمومی، شورای امنیت و شورای اقتصادی و اجتماعی، ارکان فرعی دارند که در این فصل برآینم به بررسی برخی از این ارکان فرعی بپردازیم.

این ارکان فرعی که شرایط لازم برای تبدیل شدن به سازمان های تخصصی را دارند، به دلایل سیاسی که ناشی از سیاست قدرت های بزرگ در قبال آن هاست، تغییر وضعیت نیافته اند. دلیل مخالفت کشورهای غربی، آزادی عملی خواهد بود که این سازمان ها خواهند داشت و مشکلاتی که این آزادی می تواند برای این کشورها پدید آورد.

برخی از این ارکان و نهادهای فرعی مانند مؤسسه های مستقل عمل می کنند که از آن میان، می توان به کمیته صلاحیت کفیری بین المللی اشاره کرد. برخی دیگر، از اختیار تصمیم گیری مستقل برخوردارند مانند: سازمان نظارت بر آتش بس فلسطین. برخی دیگر از این نهادها نیز از اختیار مذاکره مستقیم با دولت ها برخوردارند مانند: کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل. (۱)(۲)

ص: ۱۴۲

۱- [۱]. همان، ص ۱۷۹.

۲- [۲]. UNHCR.

مجمع عمومی ۱۴ رکن فرعی دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

__ کمیسیون حقوق بین الملل _ (ILC)؛

__ کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد _ (UNCTAD)؛

__ صندوق کودکان ملل متحد _ (UNICEF)؛

__ برنامه عمران ملل متحد _ (UNDP)؛

__ کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان _ (UNHCR).

از میان این ارکان فرعی گسترده مجمع عمومی، تنها به بررسی دو رکن فرعی؛ یعنی کمیسیون حقوق بین الملل _ (ILC) و صندوق کودکان ملل متحد _ (یونیسف) خواهیم پرداخت.

الف) کمیسیون حقوق بین الملل (۱)

کمیسیون حقوق بین الملل براساس ماده ۱ اساس نامه آن، برای «تشویق توسعه تدریجی حقوق بین الملل و تدوین آن» و اجرای مفاد ماده ۱۳ منشور ملل متحد، در سال ۱۹۴۷ از سوی مجمع عمومی ایجاد شد. کمیسیون برای دست یابی به هدف یاد شده در وهله نخست، حقوق بین الملل عمومی را مورد توجه قرار داده است، ولی از ورود به عرصه حقوق بین الملل خصوصی نیز منع نشده است. (۲) با این حال، کمیسیون در طول حیاتش تقریباً فعالیت خود را در زمینه حقوق بین الملل عمومی متمرکز کرده است. (۳)

ص: ۱۴۳

۱- [۱] . International Law Commission.

۲- [۲] . ماده ۲ اساس نامه کمیسیون.

۳- [۳] . راهنمای سازمان ملل متحد، ص ۳۹۵.

مجمع عمومی، اعضای کمیسیون حقوق بین الملل را با توجه به صلاحیت فردی آن ها به عنوان صاحب نظر در حقوق بین الملل انتخاب می کند، به گونه ای که کمیسیون، نماینده «اشکال اصلی تمدن و نظام های مهم حقوقی جهان» باشد. کمیسیون براساس ماده ۹ اساس نامه آن، ابتدا دارای ۱۵ عضو بود. سپس مجمع عمومی شمار اعضای آن را در قطع نامه ۱۱۰۳ (۱۹۵۶) به ۲۱ نفر و در قطع نامه ۱۶۴۷ (۱۹۶۱) به ۲۵ نفر و سرانجام در سال ۱۹۸۱ به ۳۴ نفر افزایش داد. (۱)

به موجب اساس نامه کمیسیون حقوق بین الملل، پیشنهادهای مربوط به توسعه تدریجی حقوق بین الملل از سوی کمیسیون مطرح نمی شود، بلکه به وسیله مجمع عمومی یا اعضای ملل متحد و دیگر مؤسسه های مجاز، به آن ارجاع می شود. در زمینه تدوین، کمیسیون می تواند عنوان هایی را بدین منظور برگزیند. کمیسیون در این مورد نیز باید برای درخواست مجمع عمومی در پرداختن به هر موضوع جهت تدوین آن تقدم قایل شود. (۲)

فعالیت های کمیسیون

کمیسیون در نخستین اجلاس خود در سال ۱۹۴۹، ۱۴ عنوان را به طور موقت برای تدوین برگزید که برخی از آن ها عبارتند از:

— شناسایی دولت ها و حکومت ها؛

ص: ۱۴۴

۱- [۱]. مجمع عمومی براساس بند ۳ قطع نامه ۱۹۸۱، ۳۴ نفر عضو کمیسیون را به این صورت انتخاب می کند: ۸ تبعه دول آفریقایی، ۷ تبعه دول آسیایی، ۳ تبعه دول اروپای شرقی، ۶ تبعه دول امریکایی لاتین و حوزه کارائیب، ۸ تبعه دول اروپای غربی و دیگر دولت ها، یک تبعه دول آفریقایی یا اروپای شرقی به نوبت، یک تبعه دول آفریقایی یا اروپای شرقی (به نوبت)، یک تبعه دول آسیایی و امریکای لاتین و حوزه کارائیب (به نوبت).

۲- [۲]. راهنمای سازمان ملل متحد، ص ۳۹۶.

— جانشینی دولت ها و حکومت ها؛

— مصونیت های قضایی دولت ها و اموال آن ها (در خارج از کشور)؛

— صلاحیت قضایی دولت ها نسبت به جرایم ارتكابی در خارج از قلمرو ملی آن ها؛

— رژیم دریاهاى آزاد؛

— رژیم آب های سرزمینی؛

— تابعیت و بی تابعیتی؛

— رفتار با بیگانگان و

این موارد اگرچه موقتی بود و با مطالعه و بررسی بعدی کمیسیون یا مطابق درخواست مجمع عمومی، قابل طرح و تعدیل بود، ولی مبنای کارنامه بلند مدت کمیسیون قرار گرفت. (۱) تا کنون این کمیسیون، کنوانسیون های زیر را تهیه و تنظیم کرده است:

— کنوانسیون چهارگانه ۱۹۵۸ ژنو در مورد حقوق دریاها؛

— کنوانسیون کاهش بی تابعیتی (۱۹۶۱)؛

— کنوانسیون وین درباره روابط دیپلماتیک (۱۹۶۱)؛

— کنوانسیون وین درباره روابط کنسولی (۱۹۶۱)؛

— کنوانسیون هیأت های ویژه (۱۹۶۹)؛

— کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹)؛

ص: ۱۴۵

— کنوانسیون جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک (۱۹۷۳)؛

— کنوانسیون دینی در مورد نمایندگی دولت ها در روابط خود با سازمان های بین المللی جهان شمول (۱۹۷۵)؛

— کنوانسیون وین در مورد جانشینی دولت ها در زمینه معاهدات (۱۹۷۸)؛

— کنوانسیون وین در مورد جانشینی دولت ها در خصوص اموال، بایگانی و دیون دولت (۱۹۸۳)؛

— کنوانسیون وین در مورد حقوق معاهدات منعقد شده میان دولت ها و سازمان های بین المللی یا میان سازمان های بین المللی (۱۹۸۶).

افزون بر کنوانسیون های یاد شده، کمیسیون مسایل دیگری را نیز مورد بررسی قرار داده و طرح های مصوب خود را به مجمع عمومی ارائه کرده است که تعریف تجاوز (۱۹۵۱)، طرح مجموعه مقررات مربوط به جرایم علیه صلح و امنیت بشر (۱۹۵۴) و (۱۹۸۴)، قواعد نمونه آیین دادرسی داوری (۱۹۵۸) و طرح نهایی شرط ملت کامله الوداد از این موارد هستند.

در پایان این قسمت، بیان این نکته در مورد رابطه ایران با کمیسیون جالب توجه است. تا کنون دکتر احمد متین دفتری از ایران (۱۹۶۱ _ ۱۹۵۷) به عضویت کمیسیون حقوق بین الملل انتخاب شده است که دوره عضویت او نیز با فوت وی به پایان رسید و ناتمام ماند. (۱)

ب) صندوق کودکان ملل متحد (۲) (یونیسف)

ص: ۱۴۶

۱- [۱]. همان، صص ۳۹۹ و ۴۰۰.

۲- [۲]. U.N. International Children's Emergency Fund (UNICEF).

این صندوق در ۱۱ دسامبر ۱۹۴۶ با عنوان «صندوق کمک های اضطراری بین المللی سازمان ملل متحد برای کودکان» (یونیسف) از سوی مجمع عمومی به وجود آمد و چند سال بعد، نام آن به «صندوق کودکان ملل متحد» تغییر یافت، ولی نام اختصاری آن هم چنان باقی ماند. هدف این سازمان، کمک به مادران و کودکان در کشورهای در حال توسعه است. (۱)

این رکن فرعی مجمع عمومی چون دارای وضعیت حقوقی نیمه مستقلی در نظام ملل متحد بوده و دارای هیأت اجرایی، دبیرخانه و دفاتر منطقه ای است، گاه آن را «آژانس عملیاتی» می خوانند.

یونیسف برای حمایت و دفاع از کودکان چارچوبی فراهم کرده است و برای آگاهی از نیازهای خاص کودکان و رفع آن، تصمیم گیری و اقدام می کند. بدین دلیل، یونیسف تجزیه و تحلیل طرح های توسعه ملی را بنابر درخواست دولت ها تقبل می کند و آن طرح ها را از نظر سودمندی برای تندرستی کودکان و میزان مرگ و میر بیماری های کودکان مورد بررسی و ارزیابی قرار می دهد.

یونیسف در محدوده امکانات مالی خود، تجهیزاتی را که دولت ها برای آغاز یک مبارزه وسیع برای کنترل بیماری ها، ایجاد مراکز بهداشتی و بهبود تغذیه (مبارزه با گرسنگی و سوء تغذیه) نیاز دارند، تهیه می کند. هم چنین جوهی را برای آموزش آموزگاران و کارشناسان تغذیه، مددکاران بهداشت و بهورزان به ویژه برای فعالیت آن ها در جوامع بومی خود، اختصاص می دهد.

ص: ۱۴۷

در مقابل هر دلار کمک یونیسف به اجرای این برنامه ها، دولت دریافت کننده کمک باید دست کم مبلغی مساوی به این امر اختصاص دهد. این سیاست نشان دهنده اعتقاد یونیسف به پذیرش مسئولیت اولیه مراقبت از کودکان از سوی دولت های مربوط است.^(۱)

مجمع عمومی در پایان سال بین المللی کودک (۱۹۷۹)، یونیسف را به عنوان مؤسسه رهبر و پیشرو نظام ملل متحد درباره مسایل کودکان در سراسر جهان تعیین کرد. از فعالیت های مهم این سازمان، برنامه های گسترده واکسیناسیون کودکان جهان تا سال ۱۹۹۰ علیه شش بیماری مهلک و اصلی اطفال (سرخک، دیفتری، سیاه سرفه، کزاز، فلج اطفال و سل) بود که با همکاری نزدیک سازمان بهداشت جهانی اجرا شد.^(۲)

رابطه ایران با یونیسف

این سازمان رابطه گسترده ای با ایران داشته و در زمینه های گوناگون با کشور ما، همکاری کرده است. این سازمان، فعالیت دوباره خود را در ایران از سال ۱۹۸۳ آغاز کرد. همکاری یونیسف با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ابتدا در زمینه طرح واکسیناسیون همگانی و مبارزه با بیماری های اسهال متمرکز بود. همکاری یونیسف به صورت ارابه خدمات مشاوره ای کارشناسان، فعالیت های آموزشی، تهیه تجهیزات و حمایت مالی از طرح های دولت در زمینه های یاد شده بوده است.^(۳)

ص: ۱۴۸

۱- [۱] Graham Backel , Workshop For The World , (New York: Ablard Schumanltd. . [۱] -۱
P.۸۶, ۱۹۶۲).

۲- [۲] . راهنمای سازمان ملل متحد ۳، صص ۳۸۵ و ۳۸۶.

۳- [۳] . همان، ص ۳۸۷.

از مهم ترین همکاری های یونیسف با ایران می توان به موارد زیر اشاره کرد:

— یاری رسانی به وزارت بهداشت در اجرای برنامه ریشه کن سازی بیماری فلج اطفال؛

— پی گیری سیاست حمایت و تشویق در زمینه تغذیه کودک با شیر مادر؛

— مشارکت در کمیته ملی مبارزه با بیماری کمبود ید با هدف رفع آن تا سال ۲۰۰۰؛

— آموزش بهداشت درباره بیماری ایدز و همکاری با وزارت بهداشت در زمینه افزایش آگاهی های عمومی؛

— ارایه کمک های اضطراری به زلزله زدگان ۳۰ خرداد ۱۳۶۹ در استان های گیلان و زنجان؛

— کمک مالی در قالب برنامه اضطراری برای رفع نیازهای اساسی استان های زلزله زده به مبلغ ۹۰۰ هزار دلار؛

— کمک مالی در زمینه کنترل بیماری اسهال و ایمنی دوران بارداری در سال ۱۹۹۰ به مبلغ ۵۰۰ هزار دلار (مبلغ کل تعهد این صندوق تا پایان سال ۱۹۹۱ برای این امر، ۱۲۵۰۰۰۰ دلار بوده است)؛

— اختصاص ۸ میلیون دلار از منابع اصلی خود به حمایت از برنامه کشوری پنج ساله ایران (۱۳۷۹ _ ۱۳۸۳)؛

— کمک یونیسف در سال ۱۳۸۱ به ادامه عملیات کمک رسانی بین مرزی به برنامه ریزی بازگشت پناهندگان افغان به افغانستان؛

همکاری و ادامه برنامه کشوری و فعالیت های اضطراری با دیگر سازمان های همکار برای تأکید بر حضور و نقش مؤثر ایران در نشست ویژه ملل متحد برای کودکان و تلاش برای تحقق تعهد های ایران در روند نهضت جهانی برای کودکان و نوجوانان. (۱)

۲. ارکان فرعی شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد

شورای اقتصادی و اجتماعی پنج ارگان کمی منطقه ای دارد که این پنج رکن فرعی عبارتند از: کمیسیون اقتصادی و اجتماعی برای آسیا و پاسیفیک (اسکاپ)، کمیسیون اقتصادی اروپا، کمیسیون اقتصادی امریکای لاتین، کمیسیون اقتصادی آسیای غربی و کمیسیون اقتصادی آفریقا.

ماده ۶۸ منشور ملل متحد مبنایی برای تشکیل و تعیین کمیسیون های گوناگون منطقه ای و موضوعی است. باید دانست تشکیل کمیسیون های خاص منطقه ای در کنفرانس سانفرانسیسکو پیش بینی شده بود، ولی به دلیل نیاز به احیای دوباره اروپا و پیشرفت کشورهای در حال توسعه، این کمیسیون ها پایه گذاری شد. کمیسیون های اقتصادی اروپا و اکافه (که در حال حاضر اسکاپ نامیده می شود) از نخستین کمیسیون هایی بودند که بدین منظور تشکیل گردیدند. (۲) در ادامه، به بررسی این دو کمیسیون خواهیم پرداخت.

الف) کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و پاسیفیک (اسکاپ) (۳)

ص: ۱۵۰

۱- [۱]. برگرفته از پایگاه اینترنتی : [WWW.IranKhabar . Com: News](http://WWW.IranKhabar.Com:News)

۲- [۲]. سازمان های اقتصادی بین المللی، صص ۸۵ _ ۸۶.

۳- [۳]. (Economic And Social Commission For Asia And Pacific (ESCAP).

این کمیسیون در سال ۱۹۷۴ جایگزین کمیسیون اقتصادی ملل متحد برای آسیا و خاور دور (اکافه) شد که در سال ۱۹۴۷ در شهر شانگهای چین تأسیس شده بود. وظایف و هدف های اسکاپ عبارتند از: هماهنگی اقدامات مشترک برای پیشبرد وضعیت اقتصادی، فنی، فرهنگی و اجتماعی کشورهای عضو، ایجاد مراکز تبادل اطلاعات اقتصادی و اجتماعی در سطح منطقه، ایجاد شرایط مناسب برای بحث و تبادل نظر در زمینه های اقتصادی و اجتماعی در سطح منطقه، ایجاد شرایط مناسب برای بحث و تبادل نظر در زمینه های اقتصادی و اجتماعی میان اعضا.

این کمیسیون ۳۵ عضو پیوسته و ۹ عضو وابسته دارد که دامنه فعالیت آن از غرب به ایران، از شمال شرقی به ژاپن، از جنوب غربی به جزایر کوک، از شمال به مغولستان و از جنوب به استرالیا و زلاند نو گسترده شده است و مرکز آن هم در بانکوک قرار دارد. (۱)

ایران به عنوان عضو اسکاپ، به ویژه با مرکز آسیا و پاسیفیک برای انتقال تکنولوژی (۲) که مقر آن در شهر بنگلور است و شبکه منطقه ای ماشین آلات کشاورزی، (۳) فعالانه همکاری دارد. اجلاس ۱۹۶۳ (اسفند ۱۳۴۲) اسکاپ در تهران برگزار شد. اجلاس وزیران صنعت و تکنولوژی اسکاپ نیز از ۲ تا ۸ تیر ۱۳۷۱ (۲۳ - ۲۹ ژوئن ۱۹۹۲) در تهران برگزار شد و با صدور بیانیه -

ص: ۱۵۱

۱- [۱]. فرهنگ علوم سیاسی، ص ۶۰۸. ۰۳۰۶۶.

۲- [۲]. Asian And Pacific Center For Transfer Of Technology (APCTT).

۳- [۳]. RUAM.

تهران به کار خود پایان داد. در این بیانیه، بر رفع فقر به وسیله توسعه صنعتی کشورهای منطقه تأکید شده است.^(۱)

اسکاپ به عنوان مؤسسه اجرایی برنامه عمران ملل متحد طرح های بسیاری اجرا کرده و طرح هایی نیز در دست اجرا دارد که از آن میان می توان به طرح های زیر اشاره کرد:^(۲)

رایانه ای کردن تجهیزات بندرها؛

ایجاد شبکه منطقه ای برای ماشین آلات کشاورزی؛

لایروبی، بررسی هیدروگرافیک و رسوب شناسی؛

مدرنیزه کردن راه آهن و...

ب) کمیسیون اقتصادی اروپا^(۳)

کمیسیون اقتصادی اروپا در سال ۱۹۴۷ با هدف کمک به دولت ها برای احیای دوباره کشورهای اروپایی به وجود آمد که در نتیجه جنگ جهانی دوم به ویرانه ای بدل شده بودند.

امریکا بنیان گذار اصلی کمیسیون است؛ زیرا «پس از جنگ جهانی دوم به زودی این واقعیت آشکار شد که احیای اروپا تنها در گرو کمک های ایالات متحده امریکا است که امریکا نه تنها باید ماشین و ابزار فنی به آن قاره ارسال دارد، بلکه باید مواد اولیه، نخ، کائوچو و هم چنین تا مدتی خواربار اروپاییان را تأمین کند».^(۴)

ص: ۱۵۲

۱- [۱]. برای آگاهی از متن کامل بیانیه نک: روزنامه کیهان، ۹ تیرماه ۱۳۷۱.

۲- [۲]. راهنمای سازمان ملل متحد، ۳، صص ۵۳۱ - ۵۳۲.

۳- [۳]. (United Nations Economic Commission For Europe (ECE).

۴- [۴]. کلود آلبر کلییار، سازمان های بین المللی از آغاز تا به امروز هم بستگی بین المللی، ترجمه و تحقیق: هدایت الله فلسفی، نشر فاخته، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۰۵.

این کمیسیون در آغاز از ۱۸ کشور عضو تشکیل می شد و در حال حاضر دارای ۳۴ عضو متشکل از کشورهای با ساختار اقتصادی متفاوت است و در جهت پیشرفت اقتصادی اروپا فعالیت می کند. هدف کمیسیون برخلاف هدف برنامه _مارشال _ که بر احیا و بازسازی کشورهای اروپای غربی متمرکز بود، عبارت است از: بازسازی و فراهم آوردن زمینه برای پیشرفت اقتصادی همه کشورهای اروپایی. کمیسیون یاد شده در این زمینه، تحقیق های زیادی در کشورهای عضو به عمل آورده و توصیه های مختلفی به آن ها ارائه داده است (این ها به دلیل اختیاراتی است که _اکوسوک_ (۱) به کمیسیون اقتصادی اروپا تفویض کرده است). (۲)

از مهم ترین فعالیت های این شورا برای برقراری رابطه مداوم میان کشورهای اروپایی، تلاش پیوسته در زمینه علمی و فنی، محیط زیست و حمل و نقل است. ایجاد کمیته حمل و نقل از نتایج عملی فعالیت های این شورا است که بر این اساس موفق شده مقررات یگانه ای در مورد نقل و ترانزیت میان کشورها پدید آورد. کمیته تجارت نیز درباره از بین بردن محدودیت های تجاری میان شرق و غرب فعالیت می کند. (۳)

۳. ارکان فرعی شورای امنیت سازمان ملل متحد

اشاره

یکی دیگر از ارکان اصلی سازمان ملل متحد که ارکان فرعی دارد، شورای امنیت سازمان ملل متحد است. در مورد ارکان فرعی این شورا، دو مورد؛

ص: ۱۵۳

۱- [۱]. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد.

۲- [۲]. سازمان های اقتصادی بین الملل، ص ۸۶.

۳- [۳]. همان، ص ۸۶.

یعنی عملیات _حفظ صلح ملل متحد_ و _کمیته ستاد نظامی_ را مورد بررسی قرار می دهیم.

الف) عملیات حفظ صلح ملل متحد

از عملیات حفظ صلح در چارچوب سازمان ملل متحد به عنوان پدیده ای _سویی جنریس_ (۱) یاد می شود. بدین معنی که در منشور ملل متحد، مقررات صریحی در مورد این عملیات وجود ندارد. بر خلاف تصور بسیاری از نویسندگان و صاحب نظران (۲) که در این زمینه قلم زده اند، این پدیده به هیچ وجه بی سابقه و ابداعی تلقی نمی شود. (۳) اصطلاح «حفظ صلح» برای نخستین بار براساس مواد ۱۰، ۱۱، ۱۵ و ۱۶ میثاق جامعه ملل پیش بینی شده و به دنبال آن «هیأت ناظر بر صلح» برای اعزام بازرسان و هیأت های نظارت بر صلح در هنگام بحران های بین المللی تشکیل شد. (۴) استفاده از این هیأت ها در مواردی چون اختلاف سرزمینی یوگسلاوی و یونان (۱۹۲۳)، بحران چین و ژاپن و حمله ایتالیا به اتیوپی همگی در همین راستا صورت گرفته است.

نخستین اقدامی که در سازمان ملل متحد به عنوان عملیات حفظ صلح شناخته شد، عملیات سازمان _نظارت بر ترک مخاصمه ملل متحد_ (_آنتو) (۵) است. این هیأت ناظر در نخستین دور جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به وجود

ص: ۱۵۴

۱- [۱] . Sui Generis

۲- [۲] . یکی از آنان، خاویر پرزدو کوئیار، دبیر کل سازمان ملل متحد است.

۳- [۳] . فریده شایگان، عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۱. (کلیات).

۴- [۴] . سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۱۹۴.

۵- [۵] . UNTSO.

آمد و به منبع اصلی برای تغذیه دیگر عملیات های حفظ صلح تبدیل شد. البته در آن زمان هنوز به این هیأت، نیروی حافظ صلح نمی گفتند. (۱)

در طول سال ها ثابت شده است که «عملیات حفظ صلح» باید به عنوان عملیات نظامی بدون قدرت قهرآمیز و هدف تهاجمی تعریف شود. پذیرش انجام عملیات حفظ صلح میان طرفین درگیر، داوطلبانه است و در تمام مراحل عملیات، رضایت، توافق و همکاری طرف های درگیر، شرط اصلی ایجاد عملیات حفظ صلح است. هرچند کار عملیات حفظ صلح بر عهده نظامیان است، ولی آن ها با توسل به زور و عملیات قهرآمیز نمی خواهند به اهدافشان دست یابند. به همین دلیل، عملیات حفظ صلح با عملیات قهرآمیزی که در ماده ۴۲ منشور از آن یاد شده، تفاوتی اساسی دارد.

از عملیات حفظ صلح، بیش تر برای نظارت بر آتش بس و کمک به ادامه یافتن آن، عقب نشینی نیروهای درگیر از خط مقدم جبهه و ایجاد حایل میان آن ها استفاده می شود. این عملیات، مجموعه قابل انعطافی است از روش ها، سیاست ها و ابتکارهایی که با موارد گوناگون منطبق می شود و هدف آن، توقف جنگ و درگیری و درک فرصت مناسب برای حل اختلاف از راه های مسالمت آمیز است. (۲)

برپایی عملیات حفظ صلح اعم از هیأت های ناظر و نیروها حافظ صلح تابع ۴ اصل اساسی است:

ص: ۱۵۵

۱- [۱]. عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد، ص ۶.

۲- [۲]. نیروهای حافظ صلح سازمان ملل کلاه آبی ها، برگردان: علی میرسعید قاضی، انتشارات اداره کل اطلاعات همگانی سازمان ملل، ۱۳۷۳، ص ۲۲.

۱- رضایت دولت های میزبان: بر اساس ماده ۲(۷) منشور، از آن جا که سازمان ملل متحد در اموری که ذاتا در صلاحیت داخلی دولت هاست، حق مداخله ندارد و از طرفی تنها اقدامات قهری مندرج در فصل هفتم منشور از این قاعده مستثنا است، پس با توجه به این که عملیات یاد شده، مسالمت آمیز و غیر قهری است، به دست آوردن رضایت دولت ها، شرط اساسی آن به شمار می رود. (۱)

۲- اجرای عملیات به دست شورای امنیت: چون مسئولیت حفظ صلح جهانی به عهده شورای امنیت نهاده شده است، عملیات حفظ صلح اساسا از سوی شورای امنیت آغاز می شود و به اجرا درمی آید. (۲) این سخن بدان معنا است که هیچ عملیاتی نمی تواند بدون اتفاق نظر همه جامعه بین المللی به اجرا درآید. (۳) افزون بر لزوم تشکیل این نیروها از سوی شورای امنیت، پشتیبانی پیوسته شورا، شرط اساسی موفقیت عملیات خواهد بود.

۳- به کار نبردن زور: ضرورت این اصل با توجه به ماهیت غیر قهری نیروها _ که بیان شد _ مسلم است.

۴- بی طرفی نیروها: این نیروها حق مداخله در امور داخلی دولت میزبان را ندارند و نباید گونه ای عمل کنند که به حمایت از یک طرف در مقابل طرف دیگر می انجامد. (۴)

ص: ۱۵۶

۱- [۱]. راهنمای سازمان ملل متحد ۳، ج ۳، ص ۵۱۶.

۲- [۲]. دو مورد به صورت استثنایی از سوی مجمع عمومی برپا شده است: نیروی اضطراری ملل متحد در خاورمیانه یونف. ۱ و نیروی امنیتی ملل متحد در ایریان غربی.

۳- [۳]. نیروهای حافظ صلح سازمان ملل، ص ۲۴.

۴- [۴]. راهنمای سازمان ملل متحد ۳، ص ۵۷۷.

در پایان باید گفت عملیات حفظ صلح باید دارای منابع مالی مشخصی باشد. تقریباً همه نیازهای مالی عملیات حفظ صلح به وسیله مشارکت اجباری کشورهای عضو تأمین می شود.^(۱)

ایران و عملیات حفظ صلح ملل متحد

ایران پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در سه مورد، نیروهای خود را برای شرکت در عملیات حفظ صلح در اختیار سازمان ملل گذاشته است: اعزام نیروی هوایی و زمینی برای شرکت در عملیات ملل متحد در کنگو (دسامبر ۱۹۶۲ تا ژوئیه ۱۹۶۳)، اعزام یک گردان پیاده نظام برای پیوستن به نیروی موقت ملل متحد در لبنان (از مارس ۱۹۷۸ تا مارس ۱۹۷۹) و اعزام نیروی پیاده نظام برای پیوستن به نیروی ناظر بر جداسازی ملل متحد در بلندی های جولان (اوت ۱۹۷۵ تا مارس ۱۹۷۹). گروه اخیر پس از انقلاب، از سوی دولت جمهوری اسلامی ایران به وطن احضار شد.^(۲)

در مورد گروه ناظران ملل متحد در ایران و عراق (یونیمگ)^(۳) بیان چند نکته ضروری است:

۱. این گروه که بر اساس بند ۲ قطع نامه ۵۹۸ به منطقه اعزام شدند، وظیفه تحکیم، تأیید و نظارت بر آتش بس و عقب نشینی به مرزهای شناخته شده بین المللی را بر عهده داشتند.

۲. در این قطع نامه، شورای امنیت با صداقت تصمیم می گیرد که عملیات حفظ صلح را بر اساس موادی از فصل هفتم منشور (۳۹ و ۴۰) بر پای دارد.

ص: ۱۵۷

۱- [۱]. نیروهای حافظ صلح سازمان ملل، ص ۲۵.

۲- [۲]. همان، ص ۵۱۹.

۳- [۳]. (United Nations Iran_Iraq Military observer Group (UNIIMOG).

این در حالی است که در موارد قبل، شورا به مبنای حقوقی عملیات حفظ صلح تصریح نداشته است.

۳. این گروه کارهای درخور تقدیری در منطقه انجام داده است که از آن میان، به موارد زیر می توان اشاره کرد:

— ایجاد خطوط آتش بس و نظارت بر رعایت آن از سوی طرفین؛

— رسیدگی به ادعاهای طرفین مبنی بر نقض آن؛

— مبادله اجساد کشته شدگان در منطقه حایل یا پشت خطوط دفاعی در راستای ایجاد اعتماد میان طرفین.

(ب) کمیته ستاد نظامی

ماده ۳۵ منشور چنین بیان می دارد:

برای این که سازمان ملل متحد قادر به انجام اقدام های فوری نظامی باشد، اعضا باید قسمت هایی از نیروهای هوایی خود را به طوری که قابل استفاده فوری برای عملیات اجرایی دسته جمعی بین المللی باشد، آماده نگاه دارند. مقدار و درجه آمادگی این قسمت ها و طرح های عملیات دسته جمعی آنان که در حدود مقرر در موافقت نامه های ویژه اشاره شد، در ماده ۴۳ از سوی شورای امنیت و با کمک ستاد نظامی تعیین خواهد شد.

هم چنین ماده ۴۶ درباره این کمیته می گوید:

طرح های استفاده از نیروی مسلح را شورای امنیت با کمک کمیته ستاد نظامی تنظیم می کند. هدف از تشکیل این کمیته همان گونه که در ماده ۴۷ منشور بیان شده، راهنمایی و کمک به شورای امنیت درباره همه مسایل مربوط به نیازمندی های نظامی برای حفظ صلح و امنیت بین المللی، به کار گرفتن فرماندهی نیروهای مسلح قرار داده شده در اختیار شورا و تنظیم تسلیحات و خلع سلاح احتمالی است.

ص: ۱۵۸

این کمیته از رئیس‌ان ستاد اعضای دایم شورای امنیت یا نمایندگان آن‌ها تشکیل می‌شود. هرگاه حسن اجرای وظایف کمیته ستاد نظامی، شرکت عضوی از اعضای ملل متحد را که در کمیته نماینده ندارد، ایجاب کند، آن عضو از سوی کمیته ستاد نظامی برای شرکت در کارها دعوت خواهد شد.^(۱)

کمیته ستاد نظامی، مسئول هدایت سوق الجیشی نیروهای مسلح در اختیار شورای امنیت است،^(۲) ولی در عمل برخلاف صراحت موادی که عملیات نظامی شورای امنیت را به این کمیته واگذار کرده‌اند، شاهد هستیم که اقدام‌های قهرآمیز و نظامی سازمان ملل متحد به وسیله قدرت‌های صاحب نفوذ در شورای امنیت و در رأس آن‌ها، ایالات متحده آمریکا صورت می‌گیرد. آن‌چه در مورد جنگ عراق و کویت صورت گرفت، شاهد بسیار خوبی است؛ زیرا به نظر می‌رسد سازمان در این جنگ نقشی ایفا نکرده است. «حتی _ کمیته ستاد نظامی مشترک _ که در ماده ۴۷ پیش‌بینی شده، تشکیل نگردید و شورا هرگز نتوانست عملیات را کنترل کند» و عملیات، خارج از این ستاد و به وسیله آمریکا صورت گرفت. در مورد تناسب وسایل به کار برده شده و تعجیل شورای امنیت در مورد این جنگ، مسایل مبهمی مطرح است که همگی نقش شورای امنیت را در کنترل و هدایت بحران‌های بین‌المللی مخدوش می‌سازند. به همین دلیل، این پرسش را در ذهن تداعی می‌سازد که آیا قدرت شورای امنیت در مقابل دولت‌های صاحب نفوذ در این شورا نافذ است یا خیر؟^(۳)

ص: ۱۵۹

۱- [۱]. ماده ۴۷ بند ۲ منشور ملل متحد.

۲- [۲]. مواضع شورای امنیت در قبال جنگ عراق و کویت، صص ۳۶ _ ۳۷.

۳- [۳]. برخورد شورای امنیت در مورد جنگ عراق با ایران و عراق با کویت گویای بسیاری از واقعیت‌هاست که پیش‌تر بررسی شد.

(۱) وابسته به سازمان ملل متحد (۲)

مؤسسه های تخصصی و وابسته به سازمان بسیاری از کارهای سازمان ملل متحد را که هدف آن، بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی مردم جهان است، انجام می دهند. ماده ۵۷ که مبنای حقوقی اقدام سازمان ملل متحد برای برقراری ارتباط با این مؤسسه هاست، این گونه بیان می دارد:

مؤسسه های تخصصی مختلف که به موجب موافقت نامه میان کشورها تأسیس شده و بر پایه اساس نامه های خود در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و دیگر رشته های مرتبط دارای مسئولیت های وسیع بین المللی هستند، بنابر مقررات ماده ۶۳ وابسته به سازمان ملل خواهند بود.

هم چنین ماده ۶۳ مقرر می دارد:

شورای اقتصادی و اجتماعی می تواند با هر یک از نهادهای تخصصی یاد شده در ماده ۵۷، قراردادهایی منعقد کند و شرایطی را که به موجب آن، نهاد مربوط به ملل متحد وابسته خواهد گردید؛ معین کند. این گونه قراردادها باید به تصویب مجمع عمومی برسد.

ص: ۱۶۱

۱- [۱] (The Specialized Agencies. (United Nations Specialized Agencies).

۲- [۲]. به این مؤسسه ها کارگزاری های تخصصی بین الدولی به سازمان ملل هم گفته شده است.

آن چه در این میان اهمیت دارد، این است که یکی از وظایف مهم شورای اقتصادی و اجتماعی، هماهنگ کردن فعالیت های مؤسسه های تخصصی است.

مؤسسه های تخصصی به عنوان سازمان هایی تعریف شده اند که با توافق میان حکومت ها تأسیس شده اند و در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی و دیگر زمینه های مربوط _مسئولیت های وسیع_ بین المللی دارند. هر سازمان که یک قرارداد با شورای اقتصادی و اجتماعی منعقد کند که بعد به تصویب مجمع عمومی برسد، در نظر سازمان ملل متحد، مؤسسه تخصصی به شمار می رود. شرایط توافق نامه ها از یک مؤسسه با مؤسسه دیگر فرق می کند، ولی برخی ویژگی ها در بیش تر آن ها مشترک است. برای مثال، به هر کدام از طرفین (یعنی سازمان ملل و مؤسسه مورد بحث) معمولاً حق داده می شود که نمایندگان (بدون داشتن حق رأی) به جلسه های برخی سازمان های معین طرف دیگر بفرستند. بیش تر مؤسسه های تخصصی توافق کرده اند که توصیه های مجمع عمومی را ملاحظه کنند و به صورت پیوسته به شورای اقتصادی و اجتماعی، گزارش دهند. به بسیاری از آن ها حق داده شده است که نظر دیوان بین المللی دادگستری را در موضوع هایی که در حیطه صلاحیت آن سازمان ها است، استعلام کنند. هم چنین به موجب ماده ۶۳ (۲) منشور، به شورای اقتصادی و اجتماعی اختیار داده شده است که فعالیت های

مؤسسه های تخصصی را با مشورت و توصیه هایی به آن مؤسسه ها یا مجمع عمومی و اعضای سازمان ملل متحد هماهنگ کند. (۱)

سازمان ملل تا کنون برای هماهنگ کردن فعالیت های این سازمان و مؤسسه های تخصصی، اقدام هایی انجام داده است (مانند: ایجاد کمیته هماهنگی اداری در سال ۱۹۴۶ به درخواست شورای اقتصادی و اجتماعی از دبیر کل سازمان یا ایجاد صندوق مشترک بازنشستگی). البته به نظر می رسد تا زمانی که مؤسسه های تخصصی، این درجه از استقلال کنونی خود را حفظ کنند، بتوان اقدامی مؤثرتر از تلاش های کمیته هماهنگی اداری در هماهنگ کردن فعالیت این مؤسسه ها با سازمان ملل متحد انجام داد. (۲)

توجه به چند مطلب در مورد این سازمان ها ضروری است:

اول _ بیش تر مؤسسه های تخصصی، قدرت تصمیم گیری الزام آور برای اعضا را ندارند، ولی معاهداتی که بر اساس اهداف آن ها تشکیل شده اند، ابزار جالبی را برای زیر فشار قرار دادن دولت های عضو که به شیوه خاصی عمل کنند، مقرر می دارند. برای مثال، سازمان بین المللی کار، یونسکو و سازمان بهداشت جهانی می توانند توصیه ها و پیش نویس معاهدات را طراحی کنند. هرچند دولت های عضو مجبور نیستند توصیه ها و پیش نویس معاهدات را بپذیرند، ولی درباره قوانین و رویه هایشان در مورد زمینه هایی که توصیه ها و پیش نویس معاهدات مورد بحث در بردارنده آن ها است، به آن سازمان،

ص: ۱۶۳

۱- [۱]. مایکل آکهرست، کلیات نوین حقوق بین الملل. برگردان: مهراب داراب پور، ص ۳۰۷.

۲- [۲]. نسرین مصفا و دیگران، راهنمای سازمان ملل متحد ۲، مؤسسات تخصصی و وابسته و رابطه جمهوری اسلامی ایران با آن ها، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۴، ص ۱۱۷.

گزارش های دوره ای ارایه می دهند و در بعضی موارد، باید دلایل نپذیرفتن توصیه ها و پیش نویس معاهدات را نیز بیان کنند. سازمان بهداشت جهانی در برخی موارد می تواند مقرراتی را وضع کند که برای همه دولت های عضو که تصمیم ندارند آن را بپذیرند، الزام آور باشد. این مسایل برای چیره شدن بر شیستی و رخوت دولت ها و ترغیب آن ها برای همکاری با همدیگر مفید است. (۱)

دوم _ بسیاری از مؤسسه های تخصصی که مسایل مربوط به نظم نوین اقتصاد بین الملل در حیطه فعالیت و مسئولیت های آن ها قرار دارد، نه تنها در جهت توسعه نظم نوین اقتصادی گام برنداشته اند، بلکه اقدام های برخی از آن ها با اصول نظم نوین اقتصاد بین الملل مغایرت داشته است. خط مشی و شیوه عمل مؤسسه های تخصصی مالی و پولی در زمینه اعطای وام مصداق برجسته این روند درباره کشورهای جهان سوم است. (۲)

سوم _ به دلیل به وجود آمدن شکاف بزرگ میان کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه، کشورهای توسعه یافته که تا دهه های پیش، بار مالی این مؤسسه ها را به عهده می گرفتند، کم کم از زیر این مسئولیت شانه خالی کرده اند. آنان می گویند دیگر زمان آن گذشته است که کشورهای در حال توسعه، شیوه هزینه کردن اعتبارهای تخصیص یافته از سوی این کشورها را معین کنند. این مشکل در سازمان هایی چون: فائو، یونسکو و

ص: ۱۶۴

۱- [۱]. کلیات نوین حقوق بین الملل، ص ۳۰۸.

۲- [۲]. راهنمای سازمان ملل متحد، ۲، ص ۱۱۷.

بهداشت جهانی که در راستای اهداف دولت های توسعه یافته حرکت نمی کنند، ملموس تر است.

چهارم _ نظام مدیریت بیشتر این مؤسسه ها به گونه ای است که کشورهای پیشرفته سرمایه داری همیشه کنترل امور را در دست دارند و سیاست کلی خود را در جهت توسعه اجتماعی _ اقتصادی شان و گسترش سیطره خویش بر کشورهای جهان سوم پیش می برند.^(۱)

پنجم _ البته نقش و خدمات این مؤسسه ها را در سطح جهان نمی توان انکار کرد. به همین دلیل، وجود این مؤسسه ها از نبودشان سودمندتر است. از تجربه و تخصص و امکانات این مؤسسه ها می توان برای بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی انسان ها بهره گرفت.

ششم _ در مورد رابطه ایران با این مؤسسه ها باید دانست که مسایل سیاسی این مؤسسه ها سبب شده است که در برخی موارد، به حذف نقش آن ها توجه شود.

در این میان، وزارت امور خارجه باید همه هماهنگی های لازم را با سازمان های مربوط انجام دهد تا در اجرای طرح های این مؤسسه ها در کشورمان دچار مشکلاتی چون طولانی شدن طرح ها و تعویق طرح ها نشویم.

در این صورت، می توانیم با حفظ استقلال و پایداری بر نظام ارزشی و اعتقادی خود، در برابر حق عضویتی که پرداخت می کنیم، از امکانات انسانی و دانش فنی این مؤسسه ها، بیش ترین بهره را ببریم. البته پیشبرد همه این

ص: ۱۶۵

موارد در گرو پیش بینی سیاست های هدفدار وزارت امور خارجه دولت جمهوری اسلامی ایران است.

اکنون به بررسی دقیق تر برخی از این مؤسسه ها می پردازیم.

۱. مؤسسه های فرهنگی، اجتماعی و بهداشتی

اشاره

الف) سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (یونسکو)

اشاره

(۱)

از اول تا ۱۶ نوامبر ۱۹۵۴ برای تأسیس یک سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی وابسته به سازمان ملل متحد، کنفرانسی در لندن تشکیل شد که اساس نامه یونسکو را تهیه کرد. این کنفرانس، «کمیسیون مقدماتی آموزشی، علمی و فرهنگی» را نیز به وجود آورد که تا هنگام تأسیس سازمان مورد نظر، به جای آن انجام وظیفه می کند. یونسکو در ۴ نوامبر ۱۹۴۶ پس از آن که بیست کشور امضا کننده اساس نامه آن را به طور رسمی تصویب کردند، تأسیس شد. (۲)

یک _ ساختار، اهداف و وظایف یونسکو

سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد، ساختاری همانند هر نهاد تخصصی کلاسیک دیگر دارد؛ (۳) یعنی این سازمان از سه رکن تشکیل یافته است:

ب) ایجاد تحرکی تازه در تعلیم و تربیت عمومی و نشر فرهنگ به وسیله:

_ تشریک مساعی با اعضا بنا بر درخواست آن ها در توسعه فعالیت های آموزشی و پرورشی.

_ برقراری تشریک مساعی میان ملل برای پیشبرد اندیشه تساوی فرصت تحصیلی بدون توجه به نژاد، جنس یا هرگونه تمایز اقتصادی و اجتماعی.

_ پیشنهاد مناسب ترین روش های آموزشی برای آماده کردن کودکان جهان جهت قبول آزادانه مسئولیت ها.

ج) حفظ، افزایش و اشاعه اطلاعات به وسیله:

_ تضمین، حفظ و حمایت از میراث جهانی کتاب ها، آثار هنری و یادگارهای تاریخی و علمی و توصیه کنوانسیون بین المللی لازم به ملل جهان با تشویق همکاری میان ملل در تمام رشته های فعالیت معنوی از جمله مبادله بین المللی افراد فعال در زمینه

های آموزش و پرورش و علم و فرهنگ و مبادله انتشارات، موضوع هنری، علمی و دیگر مطالب علمی.

_ ابداع روش های همکاری بین المللی به منظور دسترسی مردم همه کشورها به مطالب چاپ و منتشر شده از سوی هر یک از آن ها.

ص: ۱۶۹

۱- [۱]. (United Nations Educational, Scientific and Cultural organization (UNESCO).

۲- [۲]. راهنمای سازمان ملل متحد ۲، ص ۸۸۶.

۳- [۳]. سازمان های بین المللی از آغاز تا به امروز هم بستگی بین المللی، ج ۲، ص ۶۲۶.

دو - نگرشی بر فعالیت های یونسکو

یونس کو از آغاز فعالیت تا کنون، اقدام های سودمندی انجام داده است. در یک نگاه کلی می توان فعالیت های این سازمان را در دو قالب، دسته بندی کرد: (۱)

الف) فعالیت های اساسی و همیشگی که به همه کشورها مربوط است. این فعالیت ها شامل: پژوهش، مبادله اطلاعات و مدارک و آموزش می شود.

ب) برنامه های عملیاتی که برای پاسخ گویی به مشکلات کشورهای در حال توسعه و ایجاد خوداتکایی در این کشورها در زمینه های آموزش و پرورش، علوم (علوم طبیعی، علوم اجتماعی و انسانی)، فرهنگ و ارتباطات صورت می گیرد.

این برنامه ها در شش زمینه اصلی اجرا می شود که عبارتند از:

اول - آموزش و پرورش

مهم ترین فعالیت یونسکو در این زمینه در سطح جهان، مبارزه با بی سوادی و ریشه کنی این معضل بوده است. این طرح به وسیله آموزش آموزگاران و پشتیبانی از آنان در کشورهایی انجام می گیرد که منابع محلی برای استخدام و پرداخت حقوقشان کافی نیست. کمک یونسکو به سه برنامه وسیع منطقه ای این سازمان در آفریقا، آسیا و امریکای لاتین برای بهبود برنامه های تربیت معلم، هماهنگی برنامه درسی با اوضاع و نیازهای محلی، ایجاد و توسعه فنون آموزشی جدید و برنامه ریزی آموزشی ادامه داشته است. (۲)

ص: ۱۷۰

۱- [۱]. راهنمای سازمان ملل متحد ۳، ص ۱۲۹.

۲- [۲]. همان، ص ۸۸۸.

دوم _ علوم طبیعی

یونسکو در این زمینه پس از تصمیم گیری کنفرانس عمومی در سال ۱۹۶۴، به فعالیت بیشتری در این حیطه پرداخت. سازمان در این عرصه برای رسیدن به سه هدف اصلی تلاش می کند:

_ توسعه ساخت اساسی علوم در کشورهای عضو؛

_ ترغیب همکاری بین المللی برای پیشرفت پژوهش ها و مدارک علمی؛

_ به کار بردن علوم و تکنولوژی در کارهای عمرانی. (۱)

سوم _ علوم اجتماعی

یونسکو کار خود را برای تسهیل همکاری بین المللی میان دانشمندان علوم اجتماعی و مبادله اطلاعات و اسناد ادامه می دهد و به سازمان دهی امر آموزش و ایجاد و توسعه برنامه های پژوهشی در کشورهایی که علوم اجتماعی در آن جا چندان رواج ندارد، کمک می کند. (۲)

چهارم _ فرهنگ

برنامه یونسکو، سه مرحله اصلی و به هم پیوسته حیات فرهنگی را پی گیری می کند:

_ آفرینش آثار اصیل؛

_ حفظ آثار موجود؛

_ نشر و نقد بین المللی فرهنگ ها.

یونسکو با یاری رساندن به سازمان هایی چون: مؤسسه بین المللی تئاتر، شورای بین المللی موسیقی و انجمن قلم، آفرینش هنری را ترغیب می کند.

ص: ۱۷۱

۱- [۱]. همان، ص ۸۸۹.

۲- [۲]. همان، ص ۸۹۱.

هم چنین با تشکیل همایش ها و انجام طرح های پژوهشی متعدد، به بررسی تأثیر رسانه های اطلاع رسانی جدید به ویژه فیلم و تلویزیون بر ادبیات و هنر می پردازد.

یونسکو پیوسته به توسعه کتاب خانه ها و موزه ها و بهبود ابزار آن ها کمک کرده است. موفقیت برنامه بین المللی حفظ آثار باستانی نوییه،^(۱) توجه جهانیان را به لزوم حفظ میراث فرهنگی مشترک بشر جلب کرده است. هم چنین در طرح ده ساله یونسکو برای درک متقابل ارزش های فرهنگی شرق و غرب، تهیه مواد آموزشی، مبادله استادان و دانشجویان، ترجمه آثار ادبی و ترتیب دادن نمایشگاه های هنری بسیار صورت گرفته است.^(۲)

پنجم _ ارتباط جمعی

مهم ترین حرکت دولت های عضو در زمینه ارتباطات، تصمیم گیری آن ها در سال ۱۹۷۸ مبنی بر ایجاد نظام جدید ارتباطات و اطلاعات بین المللی است تا بدین وسیله، به انحصارگری غرب در عرصه رسانه های ارتباطی و اطلاعات جهانی پایان داده شود.^(۳) یکی دیگر از فعالیت های شاخص در این زمینه، انتشارات متعدد این سازمان است که از میان انتشارات این سازمان، «پیام یونسکو» مشهور است. این نشریه، ماهانه و به زبان های گوناگون از جمله فارسی منتشر می شود.

ششم _ مبادلات بین المللی

ص: ۱۷۲

۱- [۱]. Nubia.

۲- [۲]. همان، ص ۸۹۲.

۳- [۳]. همان، ص ۱۳۰.

تشویق مسافرت به خارج برای اهداف آموزشی، علمی و فرهنگی یک از عناصر اساسی کار یونسکو در راستای توسعه تفاهم بین‌المللی بیش‌تر و مبادله مؤثرتر آگاهی‌ها و مهارت‌ها میان کشورهای عضو یونسکو است. یونسکو به وسیله دفتر اطلاعات و مبادلات فرهنگی و انتشارات خود، درباره برنامه‌های مبادلاتی، نظر مشورتی می‌دهد. یکی از این گونه انتشارات یونسکو، زیر عنوان «تحصیل در خارجه»، بررسی دو ساله اطلاعات و امکانات مطالعه در خارج از راه بورس تحقیقاتی، کمک خرج تحصیلی و مبادله‌های فرهنگی است. (۱)

سه - خروج ایالات متحده آمریکا از یونسکو

هر دولتی (۲) می‌تواند با نظر موافق شورای اقتصادی و اجتماعی و موافقت دو سوم اعضای شرکت کننده در کنفرانس عمومی، به عضویت یونسکو درآید. هم‌چنین می‌تواند با یک پیش‌آگهی یک‌ساله، از عضویت سازمان خارج شود. رونالد ریگان در دوران ریاست جمهوری خود در آمریکا، این انتقاد را به سازمان وارد ساخت که یونسکو با دور افتادن از اهداف اولیه، شاخص‌های سیاسی را ملاک کار خود قرار داده و با پشتیبانی از جهان سوم، توزیع ناعادلانه مشاغل میان اتباع کشورهای عضو، گشاده‌دستی‌های بی‌حد و حصر در پرداخت دستمزد و استخدام افراد نالایق، راهی دیگر در پیش گرفته است. از این رو، در دسامبر ۱۹۸۳ تهدید کرد که از یونسکو خارج خواهد شد و در

ص: ۱۷۳

۱- [۱]. همان، صص ۸۹۲ و ۸۹۳.

۲- [۲]. منظور ما در این جا دولت‌هایی است که عضو سازمان ملل متحد نیستند؛ زیرا عضویت در سازمان ملل متحد با حق عضویت در یونسکو همراه است.

نتیجه، این سازمان را از ۲۵ درصد اعتبارهای خود محروم خواهد ساخت. (۱) سرانجام ایالات متحده آمریکا در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۴ از عضویت یونسکو خارج شد و یک سال بعد در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۵، انگلستان و سنگاپور نیز از عضویت یونسکو خارج شدند. در مورد خروج آمریکا و انگلستان و سنگاپور به ویژه دو کشور نخست می توان گفت که وجود سیاست های مستقل یونسکو در برابر کشورهای قدرتمند و به طور کلی، کشورهای غربی سبب کناره گیری آنان از این سازمان شد. مواردی چون: استخدام افرادی که از نظر فکری مورد نظر غرب نبودند، تلاش برای حفظ استقلال یونسکو در برابر کشورهای غرب و اعمال نفوذ آن ها، پشتیبانی از کشورهای جهان سوم، تصمیم گیری کنفرانس عمومی در مورد ایجاد نظام جدید ارتباط و اطلاعات بین المللی (۲) را می توان از جمله سیاست های مستقل یونسکو در این زمینه نام برد. افزون بر آن، باید دانست هرچند آمریکا مبلغ زیادی از بودجه سازمان را برعهده می گرفت، ولی چون کشورهای جهان سوم در این سازمان، اکثریت داشتند، به راحتی می توانستند علیه دولت های غربی به ویژه آمریکا موضع گیری کنند که این مسئله، با سیاست های آمریکا و انگلستان هم خوانی نداشت. خروج این کشورها از یونسکو که تا حدودی در راستای بهبود وضع فرهنگی و اجتماعی و کشورهای ضعیف گام برمی داشت، چیزی دور از ذهن نبود؛ زیرا هرگز این دولت ها حاضر نیستند منافع خود را برای رفاه یا ترقی و پیشرفت کشورهای دیگر به مخاطره بیاندازند.

ص: ۱۷۴

۱- [۱]. سازمان های بین المللی از آغاز تا به امروز، ص ۶۳۰.

۲- [۲]. در بخش ۲ فعالیت های یونسکو به این مطلب اشاره شده است.

دولت ایران در ۱۵ تیر ۱۳۲۷ (۱۹۵۸) با تصویب اساس نامه یونسکو به عضویت این سازمان درآمد. همکاری ایران با یونسکو به وسیله کمیسیون ملی در ایران صورت می گیرد که اساس نامه کمیسیون یاد شده در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۲۸ به تصویب دولت وقت رسید و پس از انقلاب، در ۲۹ شهریور ۱۳۶۶، اساس نامه اصلاحی به تصویب هیأت وزیران رسید. کمیسیون بنا بر ماده ۳ اساس نامه اصلاحی دارای سه رکن است: (۱)

اول _ شورای عالی کمیسیون ملی یونسکو

بر اساس ماده ۴ اساس نامه، شورای عالی کمیسیون ملی دارای ۱۴ عضو است که ۷ تن از آن ها از میان وزیران و دیگر مقام های دولتی و ۷ نفر دیگر از میان شخصیت های علمی و فرهنگی کشور برگزیده می شوند.

دوم _ شورای اجرایی

بر پایه مواد نهم و دهم اساس نامه، کمیسیون ملی در ایران:

۱. مسئول نظارت بر برنامه های کمیسیون ملی و دست کم دو بار در سال تشکیل می شود.

۲. مرکب از ۱۰ نفر از مقام های دستگاه های مرتبط با فعالیت های یونسکو در ایران است و نظارت و پی گیری اجرای همه مواردی را که در صلاحیت شورای عالی است، بر عهده دارد.

سوم _ دبیرخانه

دبیرخانه از دو بخش: _ مطالعاتی _ تخصصی _ و _ خدماتی _ اداری _ تشکیل شده است و یکی از سازمان های وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری به شمار

ص: ۱۷۵

می رود. در رأس دبیرخانه، دبیرکل قرارداد که به پیشنهاد وزیر علوم، تحقیقات و فن آوری از میان شخصیت های علمی و فرهنگی کشور به هیأت دولت، معرفی و پس از تأیید، با حکم وزیر یاد شده منصوب می شود.^(۱) دبیرخانه شامل پنج اداره: آموزش و پرورش، علوم، علوم اجتماعی و انسانی، ارتباطات و فرهنگ است. هر یک از این اداره ها کمیته های تخصصی دارند که در چارچوب اساس نامه ویژه خود به فعالیت می پردازند. با توجه به گستردگی حیطه فعالیت های این کمیسیون و نهادهای وابسته به آن در ایران، به برخی فعالیت های مهم این نهادها به صورت فهرست وار اشاره می کنیم:^(۲)

انتشار مجله های پیام یونسکو و فصل نامه کمیسیون ملی یونسکو در ایران؛

معرفی انجمن سینمای جوان ایران برای عضویت در سازمان های بین المللی فیلم وابسته به یونسکو؛

ترجمه و انتشار دیوان حافظ؛

اختصاص مبلغ ۵۰۰۰ دلار برای جبران خسارت های وارد شده بر میراث فرهنگی؛

تشکیل گروه آموزش سیار در زمینه آموزش فنی و حرفه ای با هزینه ۲۸۰۰۰ دلار در سال های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۱؛

ص: ۱۷۶

۱- [۱]. همان، ص ۱۳۷.

۲- [۲]. همان، صص ۱۳۸ - ۱۴۳.

— سفارش اسناد، کتاب، نشریه و نرم افزارهایی که از سوی سازمان یونسکو نشر یا تولید می شوند و توزیع آن ها میان متقاضیان در ایران (از فعالیت های بخش اطلاع رسانی کمیسیون ملی یونسکو در ایران).

— برگزاری بزرگداشت هزاره فردوسی— و شاهنامه؛—

— برگزاری کنگره نظامی گنجوی؛ (از فعالیت های اداره فرهنگ در سال ۱۳۷۰).

افزون بر این موارد، کمیسیون ملی یونسکو در ایران، فعالیت های بسیار سودمندی داشته است که باید مورد توجه نهادهای فرهنگی و اجتماعی ایران قرار گیرد و از امکانات علمی و مالی آن، به درستی بهره برداری شود.

اول _ کنفرانس عمومی

ص: ۱۶۶

این کنفرانس به عنوان عالی ترین مرجع تصمیم گیری در سازمان، از نمایندگان همه کشورهای عضو تشکیل می شود. (۱) این کنفرانس هر دو سال یک بار برای تصمیم گیری در مورد خط مشی و برنامه و بودجه سازمان یونسکو برپا می شود. نکته جالب توجه این است که بیش تر برنامه های این سازمان، با اجماع اعضا به تصویب می رسد که این مسئله در راستای کمک به اهداف انسان دوستانه این سازمان قابل ملاحظه است.

دوم _ شورای اجرایی

شورای اجرایی از ۵۱ عضو ترکیب یافته که کنفرانس عمومی، آنان را از میان نمایندگان کشورهای عضو انتخاب می کند. اساس نامه اولیه یونسکو پیش بینی کرده بود که اعضای شورای اجرایی، نماینده دولت های متبوع خود نخواهند بود، بلکه به نمایندگی از طرف کنفرانس عمومی، در شورا فعالیت خواهند داشت. (۲)

هشتمین اجلاس کنفرانس، در سال ۱۹۵۴ به پیشنهاد ایالات متحده امریکا و با وجود مخالفت های شدید بلژیک و فرانسه، اساس نامه شورا را تغییر دادند و اعضای شورا را نمایندگان دولت هایی قلمداد کردند که به نیابت از آنان در شورا شرکت می کنند. (۳)

اشکال این ساختار آن است که سبب می شود شورای اجرایی یونسکو را افرادی تشکیل دهند که به تبع دولت های متبوع خود، دارای منافع متفاوت و

ص: ۱۶۷

۱- [۱]. سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۲۱۴.

۲- [۲]. همان، ص ۲۱۵.

۳- [۳]. سازمان های بین المللی از آغاز تا به امروز، ج ۲، ص ۶۲۷.

متضاد باشند، در حالی که این شورا باید انجمنی از شخصیت های علمی و برجسته جهان باشد.

سوم _ دبیرخانه

مدیر کل، دبیرخانه را اداره می کند که به پیشنهاد شورای اجرایی و تصویب کنفرانس عمومی، برای ۶ سال انتخاب می شود. (۱) مدیر کل در رأس دبیرخانه دائمی رار گرفته است که در آن، بیش از ۲۵۰۰ کارمند بین المللی به کار اشتغال دارند و بر اساس معیارهای جغرافیایی بسیار گسترده، به استخدام سازمان درآمده اند. (۲)

افزون بر ارکان سه گانه یاد شده، اساس نامه یونسکو به منظور همکاری های آموزشی، علمی و فرهنگی میان کشورها، تشکیل کمیسیون های مرکب از نمایندگان دولت ها، سازمان های غیر دولتی و دانشجویان ممتاز را پیشنهاد می کند. باید دانست یونسکو، دفترهای منطقه ای و کمیسیون های ملی نیز دارد. (۳)

ماده یک اساس نامه یونسکو به هدف های سازمان اشاره دارد که عبارت است از: کمک به صلح و امنیت جهان به وسیله ترویج همکاری میان ملت ها از راه آموزش علوم و فرهنگ به گونه ای که در همه جا احترام به عدالت، حکومت قانون و حقوق بشر و آزادی های اساسی برای همگان را تحکیم کند. (۴)

ص: ۱۶۸

۱- [۱]. راهنمای سازمان ملل متحد، ۲، ص ۱۲۸.

۲- [۲]. سازمان های بین المللی از آغاز تا به امروز، ج ۲، ص ۶۲۷.

۳- [۳]. سازمان های بین المللی، ص ۲۱۵.

۴- [۴]. فرهنگ علوم سیاسی، ص ۶۰۹، ش ۳۰۷۲.

بند ۱۲ ماده ۱ اساس نامه یونسکو در راستای این اهداف، وظایف زیر را بر عهده این سازمان قرار می دهد:

الف) تشریک مساعی در پیشبرد آگاهی متقابل و تفاهم میان مردم از راه وسایل ارتباط جمعی و بدین منظور، توصیه آن گونه قراردادهای بین المللی که ممکن است برای ترویج جریان آزاد اندیشه ها از طریق کلام و تصویر لازم باشد.

ب) سازمان بهداشت جهانی

(۱)

اندیشه تأسیس سازمان بهداشت جهانی با پیشنهادی در کنفرانس ملل متحد درباره تأسیس سازمان جهانی در سانفرانسیسکو در سال ۱۹۴۵ شکل گرفت. این سازمان، وارث وظایف و اختیارات دفتر بین المللی بهداشت عمومی است که زیر نظر جامعه ملل و در شهر پاریس اداره می شد. (۲) در کنفرانس بین المللی بهداشت که در ماه های ژوئن و ژوئیه ۱۹۴۶ در نیویورک تشکیل شد، نمایندگان ۶۴ کشور، اساس نامه سازمان جهانی بهداشت را امضا کردند و یک کمیسیون موقت مرکب از نمایندگان هیجده دولت به وجود آوردند. (۳) اساس نامه این سازمان در ۷ آوریل ۱۹۴۷ با تسلیم بیست و ششمین سند تصویب، لازم الاجرا گردید و این روز به عنوان «روز جهانی بهداشت» در

ص: ۱۷۷

۱- [۱]. (WHO. world Health organization).

۲- [۲]. سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۲۱۲.

۳- [۳]. راهنمای سازمان ملل ۲، ص ۸۹۶.

سراسر جهان معرفی شد. نخستین اجلاس سازمان جهانی بهداشت در ۲۴ ژوئن ۱۹۴۸ در ژنو برگزار گردید و از آن زمان تا کنون، به عنوان یکی از شانزده آژانس تخصصی سازمان ملل به فعالیت خود ادامه می دهد.

ج) اهداف و وظایف سازمان جهانی بهداشت

با استناد به ماده ۱ اساس نامه سازمان جهانی بهداشت، هدف این سازمان «رسیدن به عالی ترین سطح ممکن از بهداشت برای همه مردم است.» همان گونه که اساس نامه اشاره دارد، بهداشت به معنای «حالت رفاه کامل جسمانی، روانی و اجتماعی است، نه صرفاً فقدان بیماری یا عیلی.» از این رو، این سازمان وظایف متنوع و وسیعی دارد که عبارت است از:

— رهبری و هماهنگی کردن تلاش های بهداشتی بین المللی؛

— برقراری و حفظ تشریک مساعی مؤثر با مؤسسه های تخصصی سازمان ملل متحد، اداره های بهداشتی دولتی، گروه های حرفه ای و دیگر سازمان ها که مناسب تشخیص داده شوند؛

— کمک به بهبود معیارهای آموزش و تکوین افکار عمومی مردم در مورد مسایل بهداشتی؛

— تشویق به بهبود تغذیه، مسکن، بهداشت، تفریح، شرایط اقتصادی یا کار و دیگر جنبه های بهداشت زیست محیطی با همکاری مؤسسه های تخصصی در صورت نیاز؛

— کمک به دولت های متقاضی در تقویت خدمات بهداشتی به آن ها؛

— تحریک و تلاش در زمینه پیشبرد فعالیت های ریشه کنی بیماری های واگیردار، همه گیر و بومی؛

یک _ ساختار سازمان جهانی بهداشت

این سازمان دارای چهار رکن زیر است:

اول _ مجمع بهداشت جهانی (۱)

متشکل از نمایندگان دولت های عضو و نمایندگان سازمان های بین الدولی و سازمان های غیر دولتی است. دو گروه اخیر در جلسه های مجمع، بدون حق رأی حاضر می شوند. وظایف اصلی این مجمع، تعیین سیاست های سازمان، برنامه های دو ساله، بودجه سازمان و تقسیم آن میان دولت های عضو است. هم چنین مواردی از جمله: انتصاب مدیر کل سازمان، وضع مقررات در زمینه قرنطینه، تعیین روش های بهداشتی و استاندارد مربوط به تشخیص بیماری ها و به طور کلی، تصویب هر گونه مقرراتی که برای دست یابی سازمان به اهداف تعریف شده اش، لازم و ضروری است، در صلاحیت این مجمع قرار دارد.

دوم _ هیأت اجرایی (۲)

این هیأت پس از اصلاح اساس نامه در ۲۸ مه ۱۹۷۵، ۳۱ عضو دارد. اعضای این هیأت، نماینده دولت های متبوع خود نیستند، بلکه شخصیتی مستقل از دولت های خود دارند و بر اساس صلاحیت های فردی خود، عضو این هیأت می شوند. این نکته در تصمیم گیری های هیأت از اهمیت برخوردار است. وظایف اصلی هیأت بدین قرار است:

_ اجرای تصمیم های مجمع؛

_ تهیه دستور کار برای هر اجلاس مجمع؛

ص: ۱۷۹

۱- [۱]. World Health Assembly.

۲- [۲]. Executive Board.

— فعالیت به عنوان مشاور مجمع

— تصمیم گیری در زمینه اقدام اضطراری در چارچوب امکانات مالی سازمان در مورد اپیدمی و دیگر مصایب. (۱)

سوم — دبیرخانه

دبیرخانه از کارکنان سازمان در ژنو، کارکنان دفترهای منطقه ای و کارکنان دفترهای نمایندگی در کشورهای عضو تشکیل می شود. دبیر کل نیز برای ۵ سال در رأس دبیرخانه به عنوان عالی ترین مقام اداری سازمان فعالیت دارد.

چهارم — نهادهای منطقه ای

اساس نامه به سازمان اجازه می دهد برای رسیدگی به مسایل بهداشتی برخی مناطق خاص، تدبیرهای منطقه ای در نظر بگیرد. بدین ترتیب، افزون بر رسیدگی سریع به مسایل هر منطقه، از تمرکز سازمان در یک منطقه کاسته می شود. سازمان بهداشت جهانی، شش «سازمان منطقه ای» دارد که هر یک از آن ها یک کمیته منطقه ای و یک دفتر منطقه ای دارد. نمایندگان دولت ها و اعضای پیوسته (۲) در منطقه مربوطه، اعضای کمیته های منطقه ای هستند. (۳)

هر دفتر منطقه ای، مسئول تنظیم سیاست های منطقه ای، کنترل و نظارت بر فعالیت های منطقه ای است. دفتر اصلی سازمان در ژنو نیز به تعیین سیاست های کلی در امور فنی و اداری سازمان می پردازد. (۴)

دفترهای منطقه ای سازمان بهداشت جهانی عبارتند از:

— دفتر منطقه ای مدیترانه شرقی (اسکندریه — مصر)؛

ص: ۱۸۰

۱- [۱]. راهنمای سازمان ملل متحد ۲، ص ۱۵۱.

۲- [۲]. Associated Members.

۳- [۳]. سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۲۱۳.

۴- [۴]. راهنمای سازمان ملل متحد ۲، صص ۱۵۲ — ۱۵۳.

__ دفتر منطقه ای آفریقا (برازاویل _ کنگو)؛

__ دفتر منطقه ای اروپا (کپنهاک _ دانمارک)؛

__ دفتر منطقه ای پاسیفیک غربی (مانیل _ فیلیپین)؛

__ دفتر منطقه ای آسیای جنوب شرقی (دهلی نو _ هندوستان)؛

__ دفتر منطقه ای امریکا (واشنگتن دی سی _ امریکا)؛

دو _ نگرشی بر فعالیت های سازمان بهداشت جهانی

سازمان بهداشت جهانی برای رسیدن به اهداف تصریح شده در اساس نامه، فعالیت های متعددی را در زمینه کنترل بیماری های واگیر، بهداشت محیط، خدمات بهداشت عمومی، آموزش و پژوهش به انجام رسانیده است که مهم ترین این تلاش ها را می توان چنین برشمرد:

۱. تمرکز فعالیت های سازمان بر ریشه کنی بیماری های آبله، مالاریا، جذام، وبا، طاعون، سل، تب های مناطق حاره، بهداشت مادر و کودک و تغذیه (تا سال ۱۹۸۰)؛^(۱)

۲. پژوهش درباره بیماری های حیوانی: بروسلسیس (تب مالت)، هاری، پتوسپیروسیس، هایدا تیدوسیسیس.

۳. پی گیری برنامه تهیه غذای پروتئین دار با همکاری فائو و یونیسف؛

۴. کمک به توسعه آموزشگاه های رشته های گوناگون بهداشت در سطح جهان؛

۵. قرار دادن گروه های کارشناسی برای بهبود وضع لوله کشی آب و تأمین جنبه های فنی و برنامه های تأمین آب؛

ص: ۱۸۱

۶. مطالعه درباره استاندارد کردن شیوه ها و وسایل اندازه گیری آلودگی هوا؛

۷. کوشش برای دست یابی همه مردم جهان به سطحی از سلامت با شعار «بهداشت برای همه تا سال ۲۰۰۰».

سه _ رابطه ایران و سازمان بهداشت جهانی

کشور ایران از جمله نخستین کشورهایی است که به عضویت سازمان بهداشت جهانی درآمده است. ایران در ۲۳ نوامبر ۱۹۵۶ (دوم آذر ۱۳۲۵) به این سازمان پیوست و عضو کمیته مدیترانه شرقی شد. دکتر _طبا_ از ایران تا پایان سال ۱۹۸۱، مدیر منطقه ای مدیترانه شرقی بود. (۱)

همکاری ایران با سازمان بهداشت جهانی به وسیله دفتر نمایندگی آن در تهران انجام می گیرد. در ۴ ژوئیه ۱۹۵۵، قراردادی میان ایران و سازمان بهداشت جهانی برای ارایه کمک های مشورتی فنی بسته شد که مبنای حقوقی فعالیت دفتر نمایندگی سازمان بهداشت جهانی در تهران قرار گرفت. (۲)

از زمان فعالیت دفتر نمایندگی این سازمان در تهران، تا کنون طرح های بسیاری به وسیله این سازمان در کشور به مرحله اجرا درآمده است که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱. اجرای طرح جهانی ریشه کن کردن مالاریا و آبله در ایران.

۲. کمک ۲۱۲۰۱۸ دلاری به برنامه های ملی میان مدت برای پیش گیری و کنترل ایدز (از ژانویه ۱۹۹۲ تا دسامبر ۱۹۹۲). بیماری ایدز یکی از

ص: ۱۸۲

۱- [۱]. شناسنامه سازمان های بین المللی، ج ۱، وزارت امور خارجه ایران، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۲۴.

۲- [۲]. راهنمای سازمان ملل متحد، ۲، ص ۱۵۶.

بحران های آینده جامعه جهانی است که هرچند هنوز در ایران فراگیر نشده است، ولی باید از کمک های این سازمان و مطالعات سازمان یونسکو در این زمینه، بهره کافی ببریم و با دادن آگاهی کامل به مردم، این بیماری را کنترل کنیم.

۳. کمک های فنی در زمینه مواد گندزدایی، داروهای ویژه و ارایه اطلاعات فنی در مورد آلودگی محیط زیست و آثار مواد شیمیایی به مبلغ ۲۲۰ هزار دلار در جنگ ایران و عراق به همراه ۵/۲ میلیون دلار کمک مالی برای پناهندگان کرد عراقی با همکاری یونیسف (صندوق کودکان سازمان ملل متحد)، کمیساریای عالی پناهندگان و برنامه جهانی غذا.

۴. اجرای طرح هایی در زمینه بیماری های تنفسی، بهداشت خانواده، بهداشت آب، بیماری های واگیردار و غیر واگیر، بهداشت دهان و دندان، بهداشت حرفه ای و بهداشت روانی.

۵. سازمان جهانی بهداشت برخی طرح ها را به عنوان کارگزار برخی برنامه های سازمان ملل انجام می دهد که طرح آموزش مربی به روزی در سال ۱۹۹۰ به عنوان کارگزار برنامه عمران ملل متحد از آن جمله است.

همکاری ایران و این سازمان در سال های اخیر رو به بهبود نهاده است و می توانیم در آینده به صورت بهتر و دقیق تر از امکانات و تخصص این سازمان بهره بجوییم.

(ج) سازمان بین المللی کار

(۱)

ص: ۱۸۳

سازمان بین‌المللی کار یکی از کارگزاری‌های تخصصی سازمان ملل متحد است که قدمت آن حتی از سازمان ملل متحد فراتر می‌رود. این سازمان زاینده اندیشه جامعه‌شناسان انقلابی و کارشناسان مسایل کار در اوایل قرن نوزدهم بود. (۱) سازمان بین‌المللی کار در سال ۱۹۱۹ بر اساس صلح ورسای به وجود آمد و اساس نامه آن در فصل سیزدهم قرارداد ورسای گنجانده شده است. این سازمان با آن که از نظر حقوقی مستقل بود، ولی در عمل کاملاً به جامعه ملل وابستگی داشت. پس از آن که جامعه ملل بر اثر روی دادن جنگ جهانی دوم، خاصیت وجودی خود را از دست داد، سازمان بین‌المللی کار هم چنان پابرجا ماند تا این که در سال ۱۹۴۶، قراردادی با سازمان ملل امضا کرد و در شمار مؤسسه‌های تخصصی سازمان ملل درآمد.

اکنون این سازمان از نظر حقوقی، اتحادیه‌ای است که دولت‌ها برای حفظ صلح و گسترش عدالت اجتماعی به وجود آورده‌اند. خدمات بین‌المللی سازمان از آن جهت در حفظ صلح مؤثر است که عدالت اجتماعی را گسترش می‌دهد و شرایط نامساعد زندگی بشر را که پیوسته زمینه ساز ستم، فقر، بدبختی و تهدید صلح جهانی بوده است، از بین می‌برد. بنابراین، هدف سازمان عبارت است از: ایجاد عدالت اجتماعی و خدمت به مردان و زنانی که در نقاط گوناگون جهان کار می‌کنند. از آن جا که این سازمان، حافظ حقوق اکثریت بزرگی از جامعه بشریت است، تلاش می‌کند حقوق کارگران و حداقل زندگی مادی و معنوی آن‌ها را برآورده سازد و مورد حمایت

ص: ۱۸۴

۱- [۱]. فنایان، سازمان‌های تخصصی سازمان ملل متحد، جزوه درسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

بین‌المللی قرار دهد تا با فراهم آوردن زمینه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی، همه مظاهر عقب‌ماندگی را از میان بردارد و به آرزوی مشترک بشریت؛ یعنی عدالت اجتماعی، نزدیک شود. (۱)

سازمان بین‌المللی کار از آن جهت در میان سازمان‌های جهانی منحصر به فرد است که در امر تنظیم سیاست‌های آن، نمایندگان کارگران و کارفرمایان از حق اظهار نظر برابر با نمایندگان دولت‌ها برخوردارند. [به استثنای پاره‌ای کمیسیون‌ها که جنبه حقوقی دارند و از کارشناسان مستقل تشکیل شده‌اند.] البته این اقدام جسورانه نه تنها در آن زمان بی‌سابقه بود، بلکه در سال‌های بعد نیز نمونه دیگری در روابط بین‌المللی برای آن نمی‌توان یافت و این شیوه‌ای بود که نویسندگان اساس‌نامه سازمان بین‌المللی کار ابداع کردند. (۲)

نکته دیگر در مورد سازمان بین‌المللی کار، صلاحیت این سازمان است. پرسش این است که آیا سازمان یاد شده می‌تواند در همه اموری که به کار انسان مربوط می‌شود، صرف نظر از نوع کار و شیوه انجام آن (به صورت مزدبگیر یا مستقل) اظهار نظر کند و مقابله‌نامه یا توصیه‌نامه از تصویب بگذراند یا آن که صلاحیت آن به مسایل دسته‌ای از کارگران محدود است؟

تردید در حدود صلاحیت سازمان جهانی کار در اوایل فعالیت این سازمان با سال‌های بحران اقتصادی هم‌زمان بود و چون مخالفان نمی‌توانستند به اساس آن حمله کنند، می‌کوشیدند صلاحیت آن را محدود کنند. اعلام نظر دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در چهار مرحله پی‌درپی به ویژه با صدور

ص: ۱۸۵

۱- [۱]. سید جعفر کی‌نیا، حقوق سازمان‌های بین‌المللی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، صص ۳۰۵ _ ۳۰۶.

۲- [۲]. عزت‌الله عراقی، حقوق بین‌المللی کار، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۷، ص ۶۸.

اعلامیه_ فیلا دلفیا_ در سال ۱۹۴۴ و فعالیت سازمان بین المللی کار در دوران حیات جدید پس از جنگ جهانی دوم، در صلاحیت [وسیع و عام سازمان] تردیدی باقی نگذاشت. بررسی مصوبه های سازمان بین المللی کار نشان می دهد که این سازمان در همه مسایل مربوط به کار، با تصویب مقاوله نامه و توصیه نامه یا کمک های فنی و... به صورت بزرگ ترین مرجع جهانی [در زمینه مسایل کار] درآمده است. (۱)

ساختار سازمان بین المللی کار (ILO)

بر اساس ماده ۲ اساس نامه، سازمان بین المللی کار سه رکن اساسی دارد:

۱. دفتر بین المللی کار (دبیرخانه). (۲)

۲. هیأت اجرایی (۴۸ نفره). (۳)

۳. کنفرانس بین المللی کار (با شرکت همه اعضا). (۴)

اساس نامه برای هر رکن وظیفه جداگانه ای در نظر گرفته است، ولی هیچ یک از آن ها را به عنوان رکن برتر تعیین نکرده است. ارتباط ارکان های یاد شده چنان به هم پیوسته است که بیش تر حالت کنترل و تنظیم دارد تا حالت سلسله مراتبی هیأت اجرایی یا حاکمه و کنفرانس هر دو از نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت ها تشکیل شده است که سالی یک بار در ژنو تشکیل می شود و هیأت های نمایندگی ملل در آن شرکت می کنند. کنفرانس، هیأت اجرایی سازمان را انتخاب می کند و به تصویب بودجه سازمان

ص: ۱۸۶

۱- [۱]. همان، صص ۶۶_ ۶۷.

۲- [۲]. International Labour Office.

۳- [۳]. Governig Body.

۴- [۴]. Inter national Labour Conference.

بین المللی کار می پردازد. هم چنین استانداردهای بین المللی کار را به صورت کنوانسیون ها و توصیه نامه ها تنظیم می کند. به طور کلی، این کنفرانس، عرصه ای جهانی است برای بحث در مسایل اجتماعی و کار. گفتنی است جلسه های هیأت اجرایی سه یا چهار بار در سال تشکیل می شود. (۱)

دو _ نگرشی بر فعالیت های سازمان بین المللی کار

فعالیت های سازمان بین المللی کار سه گونه است: قانون گذاری، اجرایی و آموزشی.

اول _ کد بین المللی کار

سازمان بین المللی کار به محض پیدایش، زمینه تدوین آیین نامه کار، شرایط کار، بهبود وضع اجتماعی کارگران و تأمین حقوق اساسی انسانی را فراهم آورد. این کار اصولی که با وضع مقاوله نامه ها و توصیه نامه ها به وسیله کشورهای عضو سازمان پذیرفته شده است، مجموعه ای را تشکیل می دهد که _ کد بین المللی کار _ نام دارد. میان مقاوله نامه ها و توصیه نامه های این کد (code) این تفاوت مهم وجود دارد که مقاوله نامه ها شبیه قراردادهای بین المللی هستند و کشورها مکلفند آن ها را در مجالس قانون گذاری خود مطرح کنند و به تصویب برسانند. توصیه نامه ها تنها به مراجع قانون گذاری کشورها تسلیم می شوند تا آن مراجع هنگام وضع قوانین برای اجتماع خود، به آن توجه کنند و از آن الهام بگیرند.

با این وصف، اگرچه کشورها به میل خود از مقاوله نامه های سازمان پشتیبانی می کنند، ولی در مورد تصویب آن ها در مجلس های کشور خود

ص: ۱۸۷

۱- [۱]. هوشنگ عامری، کارگزاری های تخصصی سازمان ملل متحد، برگردان: فریدون مجلسی، وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۸۰، ص ۲۲۷.

جدیدیت کم تری به خرج می دهند. به همین دلیل، از میان ۱۳۸ مقاله نامه سازمان که در سال ۱۹۶۸ از طرف اعضای آن پذیرفته شده بود، تنها ۲۱ مقاله نامه به طور کامل در مجلس ۶ کشور وابسته به جامعه مشترک اقتصادی اروپا به تصویب رسید. ۱۱ مورد دیگر از مقاله نامه ها در ۵ کشور از کشورهای نام برده و ۱۷ مورد مقاله نامه در ۴ کشور از کشورهای یاد شده با حذف دستور شماره ۱۰۲ مربوط به کارگران مهاجر و آزادی رفت و آمد و مبادله کارگران تصویب شد. پس می بینیم که سازمان بین المللی کار، مرجع قانون گذاری بین المللی واقعی در مورد کار و کارگری نیست، ولی کشورهایی که مقررات این سازمان را به مجلس های خود تقدیم کرده و به تصویب رسانده اند، مکلفند آن را اجرا کنند. نگاهی به گذشته نشان می دهد که عمل این سازمان در بعضی از کارهای مربوط به زنان و کودکان و برقراری تعطیلات با دریافت مزد، برای حفظ منافع کارگران مؤثر بوده است. این مزایا در سال ۱۹۱۹ تنها شامل بعضی مشاغل مانند: کارمندان راه آهن، کارمندان پست و تلگراف و کارمندان بانک بود.

سازمان در مورد مسایل مربوط به کاهش ساعت های کار، دستاورد کم تری داشت. پس از سال ۱۹۱۴، مدت کار در شبانه روز برای اکثریت کارگران فرانسه، آلمان، انگلستان، کانادا و امریکا، ده ساعت بود. سازمان بین المللی کار در نخستین جلسه خود در سال ۱۹۱۹، ۸ ساعت کار در شبانه روز و ۴۸ ساعت کار در هفته را پذیرفت. این تصمیم در سال ۱۹۲۲، درباره کارگران صنایع و در سال ۱۹۳۰، درباره کارگران وزارت خانه ها و تجارت خانه های اروپا تعمیم یافت. با این حال، سازمان در سال ۱۹۶۲، توصیه نامه جدیدی را

پذیرفت که بر اساس آن، هر گاه ساعت های کار در هفته از معمول آن (۴۸ ساعت)، تجاوز کند، باید برای برگرداندن آن به سطح معمول، تدبیرهای فوری در نظر بگیرد. البته اگر ساعت کار از مدت معین هفتگی کم تر شود، نباید هیچ گونه کاهش در مزد کارگران اجرا گردد.

دیگر نقش سازمان، پی گیری برای تعمیم مزایای اجتماعی میان همه کارگران جهان است. البته گاهی قواعد و مقررات کلی و گسترده این سازمان، در کشورهای گوناگون، اسیر شرایط و اوضاع ملی می شود و تحت تأثیر آن قرار می گیرد.

دوم _ کمک فنی و همکاری با کشورهای در حال توسعه

توجه این سازمان به سمت مسایل توسعه ای، امر تازه ای نیست و می توان آغاز آن را از سال ۱۹۲۰ دانست، ولی اندیشه «کمک فنی» به مفهوم امروزی آن، از سال ۱۹۴۴ با توجه به این اصل به وجود آمد که «فقر، خطر بزرگی برای پیشرفت عمومی است».

اندیشه گسترش کمک های فنی پس از آن که سازمان از اعتبارات هنگفت (۱) UNDP استفاده کرد، بیش تر قوت گرفت. در سال های ۱۹۶۰ و ۱۹۶۸، اجرای سه طرح که هزینه آن به ۲۶۰ میلیون دلار می رسید، از طرف UNDP به سازمان بین المللی کار واگذار گردید. سازمان بین المللی کار یکصد میلیون دلار به این اعتبار افزود که تمام آن را کشورهای مربوط تأمین کردند. (۲)

ص: ۱۸۹

۱- [۱]. United Nations Development Programme (UNDP). برنامه توسعه سازمان ملل

۲- [۲]. ژاک نیم و کلت نیم، سازمان های اقتصادی بین المللی، برگردان: ابراهیم مدرسی، انتشارات مرکز مطالعات عالی بین المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران، ۱۳۵۳، صص ۱۴۲ _ ۱۴۴.

هلند و بلژیک با سازمان بین المللی کار، همکاری نزدیک دارند. هم چنین برنامه مشترک سوئد و سازمان بین المللی کار در سال های ۱۹۷۱ _ ۱۹۷۴، گروه بندی حرفه ای زنان در کشور تونس، کادرهای عالی در هند و پاکستان، توسعه مؤسسه های تعاونی در سیلان، افزایش سطح کارهای روستایی در زامبیا و توسعه کارهای دستی در کنیا را به ارمغان آورد. سازمان، با اعزام کارشناس به کشورهای در حال توسعه، برنامه های خود را به دست همان کشورها اجرا می کند. شمار این کارشناسان در سال ۱۹۶۸ به ۱۲۰۰ نفر رسیده بود. این گروه برای ارایه کمک های فنی در زمینه های گوناگون، گروه بندی های حرفه ای، تجدید فعالیت ها، بیمه های اجتماعی، تکمیل کادر اجرایی، نهضت تعاونی، کارهای دستی و صنایع کوچک، بازرسی کار، حفاظت و بهداشت کار، آموزش کارگران، توسعه کارگری روستایی به کشورهای مورد نظر فرستاده می شدند. (۱)

افزون بر آن، سازمان در دومین دهه فعالیتش، مبارزه با بی کاری در کشورهای در حال توسعه را در صدر برنامه جهانی خود قرار داد. این برنامه بر نتایج آزمایش های ناحیه ای که در امریکای لاتین و آسیا و آفریقا به دست آمده بود، تکیه داشت و ابتدا توسعه منابع و تحول وسایل موجود را به منظور رشد میزان کار و بهبود تشکیلات آن دربرگرفت. (۲)

سوم _ فعالیت های آموزشی

ص: ۱۹۰

۱- [۱]. سازمان های اقتصادی بین المللی ژاک نیم و کلت نیم، ص ۱۴۴.

۲- [۲]. همان، ص ۱۴۴.

سازمان بین‌المللی کار افزون بر وظایفی که انجام می‌دهد، مرکز مهم اطلاعات به شمار می‌رود و در زمان‌های گوناگون، کتاب‌ها و جزوه‌های دربردارنده آخرین اطلاعات کارگری و فنی را به چندین زبان منتشر می‌کند. (۱) پایگاه اینترنتی این منبع نیز روزآمد شده و منبع سودمندی برای پژوهش در زمینه کار و کارگری است. (۲)

این سازمان همواره سمینارهایی را تشکیل می‌دهد و به بررسی اوضاع کار و کارگری می‌پردازد. هم‌چنین دو مؤسسه تشکیلاتی عالی در سازمان وجود دارد: نخست، مؤسسه بین‌المللی بررسی‌های اجتماع که در سال ۱۹۵۰ برای راهنمایی تشکیلات کارگری و بررسی‌های بین‌المللی کار در ژنو تأسیس شد. دیگری، مرکز بین‌المللی تکمیل حرفه که با هدف تربیت کارشناس برای ارایه کمک‌های فنی به کشورهای در حال توسعه، در سال ۱۹۶۵ در تورن (Torino) تشکیل گردید. (۳)

سه - ایران و سازمان بین‌المللی کار

بر اساس فصل سیزدهم میثاق جامعه ملل، هر عضو این سازمان به خودی خود به عضویت سازمان بین‌المللی کار درمی‌آید. عضویت ایران در سازمان بین‌المللی کار نیز به همان تاریخ تصویب پیوستن ایران به جامعه ملل بازمی‌گردد. تا سال ۱۹۹۱، ایران به یازده مقاله نامه این سازمان پیوسته است که عبارتند از: (۴) مقاله نامه‌های شماره ۱۴ (تعطیل هفتگی در مؤسسه‌های

ص: ۱۹۱

۱- [۱]. همان، ص ۱۴۵.

۲- [۲]. نشانی پایگاه این سازمان عبارت است از: WWW.ILO.Org.

۳- [۳]. سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی، ص ۱۴۵.

۴- [۴]. سازمان‌های بین‌المللی موسی زاده، صص ۲۰۷ - ۲۰۸.

صنعتی، مصوب ۱۹۲۱)، شماره ۱۹ (تساوی حقوق کارگران داخلی و خارجی از نظر جبران خسارت ناشی از کار، مصوب ۱۹۲۵)، شماره ۲۹ (لغو کار اجباری، مصوب ۱۹۳۰)، شماره ۹۵ (حمایت از فرد، مصوب ۱۹۴۹)، شماره ۱۰۰ (برابری مزد کارگران زن و مرد در برابر کار هم ارزش، مصوب ۱۹۵۰)، شماره ۱۰۴ (الغای مقررات جزایی در مورد تخلف های ناشی از قرارداد کارگران بومی، مصوب ۱۹۵۵)، شماره ۱۰۵ (منع کار اجباری، مصوب ۱۹۵۷)، شماره ۱۰۶ (تعطیل هفتگی در مؤسسه های بازرگانی و اداری، مصوب ۱۹۵۷)، شماره ۱۰۸ (اسناد هویت دریانوردی، مصوب ۱۹۵۸)، شماره ۱۱۱ (منع تبعیض در امور مربوط به استخدام و اشتغال، مصوب ۱۹۵۸)، شماره ۱۲۲ (سیاست اشتغال، مصوب ۱۹۶۴).

از مقایسه مقررات قانون کار با متن مقاوله نامه ها و توصیه نامه های مصوب کنفرانس بین المللی کار، به میزان تأثیر این متون بین المللی (۱) و ثمره عملی این توصیه نامه ها و مقاوله نامه ها در حمایت اجتماعی و اقتصادی از کارگران و کارفرمایان پی می بریم. مواردی چون ساعت های کار در هفته، تعطیلات هفتگی و بیمه از جمله مواردی است که در قانون کار جمهوری اسلامی ایران با تأثیرپذیری از متون بین المللی سازمان کار مورد توجه قرار گرفته است.

رابطه سازمان با ایران به وسیله وزارت کار و امور اجتماعی برقرار می شود و برگزاری طرح های زیر ثمره همکاری ایران با این سازمان بوده

ص: ۱۹۲

است: طرح توان بخشی حرفه ای و اشتغال معلولان، طرح ایجاد مرکز تربیت مربی و تحقیقات حرفه ای، طرح ایجاد مراکز تحقیقات و آموزش حفاظت و بهداشت کار.

(د) سازمان خواربار و کشاورزی (فائو) (۱)

مبنای پیدایش خواربار و کشاورزی ملل متحد، مؤسسه جهانی کشاورزی مستقر در رم (۱۹۰۵) است. این مؤسسه در زمان حیات جامعه ملل در زمینه مبادله اطلاعات، با سازمان بهداشت و سازمان بین المللی کار روابط نزدیکی داشت و در زمینه حمایت از گیاهان و دفع آفت ها نیز نقش مؤثری ایفا کرده بود. پس از تأسیس فائو، از این مؤسسه به عنوان دفتر منطقه ای اروپا استفاده می شد تا این که در سال ۱۹۴۸ منحل گشت و وظایف آن نیز به عهده فائو گذاشته شد. (۲)

در نخستین اجلاس سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) در ۱۶ اکتبر ۱۹۴۵ در شهر کبک (۳) اساس نامه این سازمان به تصویب رسید و فائو از آن تاریخ ایجاد شد. از سال ۱۹۸۱ تا کنون، این روز را _روز جهانی غذا_ نامیده اند.

این سازمان در ۱۴ دسامبر ۱۹۴۶، هم زمان با سازمان بین المللی کار و یونسکو در شمار سازمان های تخصصی ملل متحد درآمد. (۴)

یک _ ساختار سازمان خواربار و کشاورزی (فائو)

این سازمان از سه رکن تشکیل شده است:

ص: ۱۹۳

۱- [۱]. (Food and Agriculture Organization (FAO).

۲- [۲]. البرشت وبر، تاریخچه سازمان های بین المللی اقتصادی، ترجمه: طهماسب محتشم دولت شاهی، انتشارات خوشه، ۱۳۶۶، چ ۱، صص ۱۰۴ _ ۱۰۵.

۳- [۳]. zuebeccity.

۴- [۴]. سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۲۱۰.

بالاترین رکن فائو است که هر دو سال یک بار تشکیل می شود. اعضای اصلی و ناظر هر کدام می توانند یک نماینده در کنفرانس داشته باشند، ولی تنها اعضای اصلی از حق رأی برخوردارند. کنفرانس به عنوان بالاترین رکن سازمان، به مسایلی چون: چهارچوب فعالیت ها، بودجه، پذیرش عضو جدید و مواردی مشابه رسیدگی می کند. (۱)

دوم _ شورا

شورا با داشتن ۴۹ عضو، رکن اجرایی سازمان فائو به شمار می رود. کنفرانس، اعضای شورا را برای ۳ سال، برمی گزیند که شورا اختیار تفویض شده از سوی کنفرانس را اعمال می کند. (۲) اعضای شورا به ۷ منطقه تقسیم می شوند و هر گروه دارای تعداد کرسی ثابت است: (۳)

_ گروه ملل عربی (۱۲ کرسی).

_ گروه ملل آسیا و خاورمیانه (۹ کرسی).

_ گروه ملل اروپایی (۱۰ کرسی).

_ گروه ملل امریکای لاتین و کارائیب (۹ کرسی).

_ گروه ملل خاور نزدیک (۶ کرسی).

_ گروه امریکای شمالی (۲ کرسی).

_ گروه جنوب غربی اقیانوس آرام (۱ کرسی).

ص: ۱۹۴

۱- [۱]. سازمان های اقتصادی محترم دولت شاهی، ص ۱۰۵.

۲- [۲]. سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۲۱۱.

۳- [۳]. راهنمای سازمان ملل متحد ۲، صص ۱۸۱ _ ۱۸۲.

هم چنین شورای سازمان فائو کمیته هایی دارد که مقدمات انجام امور را برای سازمان مهیا می کنند. (۱) کمیته برنامه، کمیته مالی و کمیته امور حقوقی و اساس نامه ای در شمار این کمیته ها هستند.

سوم _ مدیر کل

مدیر کل سازمان فائو، ریاست دبیرخانه را بر عهده دارد و از سوی کنفرانس برای یک دوره ۶ ساله منصوب می شود. مدیر کل فائو در صورت تصویب کنفرانس می تواند دفترهای ناحیه ای و منطقه ای ایجاد کند. (۲)

دو _ اهداف سازمان خواربار و کشاورزی (فائو)

ارتقای سطح تغذیه و معیارهای زیست، بهسازی تولید، صنایع تبدیلی، بازاریابی و توزیع انواع فرآورده های غذایی و کشاورزی حاصل از کشت زارها، جنگل ها و منابع شیلاتی، پیشبرد توسعه روستایی، بهبود شرایط زندگی جمعیت های روستایی، از میان برداشتن گرسنگی و تشویق کشاورزی پایدار و توسعه روستایی، به عنوان راهبردی بلند مدت برای حفظ و مدیریت منابع طبیعی، از اهداف اصلی سازمان است. این سازمان، برآوردن نیازهای نسل های کنونی و آینده را از رهگذر برنامه هایی که به محیط زیست آسیب نمی رسانند و از نظر فنی، مناسب و از جهت اقتصادی، ماندگار و از نظر اجتماعی، قابل قبول هستند، پی می گیرد. اولویت دیگر این سازمان عبارت است از: امنیت غذایی به معنای تأمین دسترسی به عرضه مواد غذایی در حد

ص: ۱۹۵

۱- [۱]. سازمان های اقتصادی بین المللی، طهماسب محتشم دولتشاهی، ص ۱۰۵.

۲- [۲]. سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۲۱۱.

کفایت، تأمین حداکثر ثبات در جریان عرضه مواد غذایی و تأمین دسترسی به غذا برای فقیران. (۱)

سه _ نگرشی بر فعالیت های سازمان خواربار و کشاورزی (فائو)

سازمان خواربار و کشاورزی در اجرای اهداف یاد شده، به پیشبرد سرمایه گذاری در کشاورزی، مدیریت بهتر خاک و آب، افزایش بازده فرآورده های کشاورزی و دامی، انتقال فن آوری و توسعه پژوهش های کشاورزی در کشورهای در حال توسعه، همت می گمارد. این سازمان، حفظ منابع طبیعی به ویژه منابع ژنتیک نباتی و استفاده درست از کودها و سموم دفع آفات، مبارزه با بیماری های دامی، توسعه شیلات دریایی و پرورشی شامل کشت آبی، منابع جدید و تجدید شدنی انرژی به ویژه انرژی روستایی و تشویق مدیریت پایدار منابع جنگلی را ترویج می کند. هم چنین در زمینه های تغذیه، مهندسی کشاورزی، اصلاحات ارضی، ارتباطات توسعه ای، سنجش از راه دور برای منابع طبیعی و پیش گیری از هدر رفتن مواد غذایی، کمک های فنی ارائه می دهد. (۲)

برخی فعالیت های این سازمان بدین قرار است:

۱. برپایی کنفرانس ها و گردهمایی های تخصصی درباره موضوع های خاص مانند: برگزاری کنفرانس ۱۹۸۴ شیلات.

ص: ۱۹۶

۱- [۱]. واقعیت های اساسی درباره سازمان ملل متحد، صص ۳۴۲ _ ۳۴۳.

۲- [۲]. همان، ص ۲۴۳.

۲. گردآوری آمار و ارایه اطلاعات سالانه برای افزایش آگاهی در مورد خواربار و کشاورزی به اعضای این سازمان جهت اجرای آن ها در راستای بهبودی وضعیت خواربار و کشاورزی.

۳. انتشار سالنامه آماری شامل اطلاعاتی چون: تولید، قیمت کالاهای کشاورزی و

۴. انتشار گزارش ماهیانه وضعیت غذا در جهان به وسیله نظام هشدار دهنده سازمان جهت آگاهی از نابسامانی های غذایی موجود در جهان و ضرورت توجه به آن.

۵. اعمال نقش واسطه در بروز بحران هایی هم چون قحطی، سیل و... میان سازمان های دولتی و غیر دولتی و ارایه آن ها به کشورهای نیازمند به وسیله دفتر عملیات امدادی ویژه آن.

۶. کمک های غذایی به کشورهای فقیر و گرسنه دنیا (مثل قاره افریقا) به وسیله برنامه جهانی غذای سازمان ملل متحد.

چهار _ ایران و سازمان خواربار و کشاورزی

ایران در سال ۱۹۴۷ (۱۳۲۶) به عضویت سازمان خواربار و کشاورزی پیوست و تا کنون به عضویت کمیسیون منطقه ای تولید و بهداشت دام برای آسیای خاور دور و جنوب غربی اقیانوس آرام درآمده است. (۱) همکاری ایران با سازمان فائو به وسیله معاونت طرح و برنامه وزارت کشاورزی انجام می گیرد.

ص: ۱۹۷

کمک های فنی فائو به ایران در همه زمینه های کشاورزی از سال ۱۳۳۰ آغاز شد که از آن جمله به موارد زیر می توان اشاره کرد:

توسعه ماهی گیری (۲۹۳۵۰۰۰ دلار)، مرکز تولید و اصلاح بذر درختان جنگی (۱۹۷۰۰۰ دلار)، مدیریت اکولوژی تالاب انزلی (۲۸۳۰۰۰ دلار)، تقویت برنامه بعد از فارغ التحصیلی دانشجویان دانشکده منابع طبیعی در کرج (۳۵۰۰۰۰ دلار)، طرح ارزیابی ذخایر ماهی تالاب انزلی (۲۱۷۰۰۰ دلار)، طرح مطالعه گیاهان معطر (۲۵۰۰۰۰ دلار)، آموزش سد خاکی (۲۳۶۰۰۰ دلار)، طرح سنجش از راه دور کشاورزی (۳۴۳۰۰۰ دلار).^(۱)

اجرای طرح جامع توسعه مراتع، طرح تهیه شکر از سورگوم شیرین، طرح بیمه محصولات کشاورزی و طرح غنی سازی کاه با ملاس و اوره از دیگر موارد همکاری ایران با این سازمان است. چون کشاورزی در ایران هنوز به صورت سنتی انجام می شود و توسعه فنی و امکاناتی در این صنعت ضروری است، بهره گیری از خدمات فنی و اطلاعاتی و استفاده از تخصص های این سازمان بسیار سودمند است.

۲. مؤسسه های پولی و بانکی

الف) گروه بانک جهانی

(۲)

گروه بانک جهانی شامل سه مؤسسه مالی است که تقریباً اهداف مشترکی را دنبال می کنند. این سه مؤسسه عبارتند از:

۱. بانک بین المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی)؛^(۳)

ص: ۱۹۸

۱- [۱]. همان، ص ۱۸۹.

۲- [۲]. The world Bank Group.

۳- [۳]. (International Bank for Reconstruction and Development (I.B.R.D.

۲. مؤسسه توسعه بین المللی؛(۱)

۳. مؤسسه مالی بین المللی؛(۲)

از میان این مؤسسه ها، به بررسی بانک بین المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) می پردازیم.(۳)

یک _ بانک بین المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی)

بانک جهانی یا _بانک بین المللی ترمیم و توسعه_ مهم ترین سازمان مالی بین المللی است که در زمینه تأمین مالی توسعه اقتصادی کشورهای در حال رشد فعالیت دارد. تأسیس این بانک حاصل مذاکره های _کنفرانس پولی_ و _مالی ملل متحد_ بود که در ژوئیه سال ۱۹۴۴ با شرکت ۴۴ کشور برتر جهان در شهر _برتن_ وودز _صورت گرفت_. در واقع، در جریان جنگ جهانی دوم روشن شد که کشورهای در حال جنگ پس از پایان ستیز، برای تأمین مالی فرآیند بازسازی ویرانی ها، نیازمند همکاری بین المللی هستند. اساس نامه بانک جهانی در سال ۱۹۴۵ به ۴۴ کشور شرکت کننده در کنفرانس _برتن_ وودز_ تقدیم شد و در ۲۷ دسامبر همان سال که نمایندگان ۲۸ کشور در واشنگتن آن را امضا کردند، لازم الاجرا شد. دیگر کشورهای شرکت کننده در کنفرانس برتن و وودز نیز عضویت بانک را پذیرفتند و این بانک در تاریخ بیست و پنجم ژوئن ۱۹۴۶، فعالیت خود را به طور رسمی آغاز کرد.

دو _اهداف بانک جهانی

ص: ۱۹۹

۱- [۱]. (I.D.A. International Development Association).

۲- [۲]. (I.F.C. International Finance Corporation).

۳- [۳]. برای آگاهی از دو مؤسسه دیگر نک: راهنمای سازمان ملل متحد ۲؛ تاریخچه سازمان های بین المللی اقتصادی، البرشت وبر، سازمان های اقتصادی بین المللی، طهماسب محشتم دولت شاهی.

۱. کمک به ترمیم و توسعه کشورهای عضو با سرمایه گذاری در امور تولیدی، شامل احیای اقتصادهایی که در نتیجه جنگ از میان رفته و دچار زیان شده اند و نیز هدایت تسهیلات تولیدی به سوی نیازهای زمان صلح و تشویق توسعه منابع و تسهیلات مولد در کشورهای کم تر توسعه یافته.

۲. تشویق سرمایه گذاری خصوصی در خارج با تضمین یا مشارکت در اعطای وام ها و دیگر سرمایه گذاری هایی که سرمایه گذاران بخش خصوصی انجام می دهند. هرگاه سرمایه خصوصی با شرایط عقلایی فراهم نباشد، این وجوه را با شرایط مناسب از منابع خود یا وجوهی که فراهم می آورد و دیگر منابع برای امور تولیدی، تأمین می کند.

۳. تشویق رشد متوازن و بلندمدت تجارت بین المللی و حفظ تعادل در موازنه پرداخت ها به وسیله تشویق سرمایه گذاری برای توسعه منابع تولیدی کشورهای عضو و کمک به افزایش بهره برداری و اعتلای سطح زندگی و شرایط کار در این کشورها.

۴. ترتیب دادن وام هایی که خود می پردازد یا تضمین وام های بین المللی که از مجاری دیگر فراهم می شود، به گونه ای که طرح های عمرانی مفید و ضروری _ اعم از کوچک یا بزرگ _ در اولویت باشند.

ص: ۲۰۰

۵. هدایت فعالیت بانک ها با عطف توجه به تأثیر سرمایه گذاری بین المللی روی شرایط بازرگانی در کشورهای عضو و کمک به ایجاد یک دوره تحول آرام از اقتصاد زمان جنگ به اقتصاد زمان صلح در سال های پس از جنگ.

سه _ ضوابط کلی اعطای وام

منابع مالی بانک به سود کشورهای عضو بانک مورد استفاده قرار می گیرد و کشوری که عضو بانک جهانی نیست، نمی تواند از این سازمان، وام درخواست کند. بانک جهانی، وام نقدی در اختیار درخواست کننده نمی گذارد، بلکه برای پروژه های عمرانی وام می دهد یا وام های پروژه ای را تضمین می کند. مجموع وام هایی که بانک خواهد داد، هیچ گاه نباید از صد درصد سرمایه پرداخت شده و ذخایر آن فراتر رود.

شرایط عمومی اعطای وام یا تضمین وام به شرح زیر است:

۱. ضمانت بازپرداخت اصل و بهره وام های پرداختی از سوی بانک مرکزی یا دستگاه رسمی دیگر در کشور عضو.

۲. ممکن نبودن وام گرفتن با شرایط مناسب از بازارها و منابع دیگر.

۳. تأثیر طرح عمرانی یا تولیدی پیشنهاد شده از سوی عضو.

۴. مناسب بودن نرخ بازدهی طرح و توانایی برای بازگرداندن اصل و فرع وام.

۵. اطمینان از بازپرداخت اصل و فرع وام اعطایی.

۶. دریافت کارمزد مناسب برای تضمین وام های دیگران.

۷. مصرف وام اعطایی برای مقاصد عمرانی و تولیدی.

ص: ۲۰۱

دلیل محافظه کاری های بانک جهانی آن است که این تشکیلات برای تأمین منابع مالی خود، به بازار سرمایه رجوع می کند. پس باید بتواند از محل واریز وام های پرداختی خود، تعهداتش را بپردازد. بانک جهانی در برنامه وام دهی خود اساساً روی طرح های زیربنایی اقتصادی تأثیر دارد. توسعه بخش حمل و نقل، ایجاد و توسعه بنگاه های تولید کالا و خدمات عمومی، توسعه صنعتی، توسعه آموزش و پرورش و کمک به بخش کشاورزی، سرلوحه سرمایه گذاری های بانک را تشکیل می دهند. (۱)

بانک افزون بر اعطای وام، خدمات فنی و آموزشی به کشورهای عضو ارائه می دهد که در صورت استفاده درست، برای آن کشور و سیستم های مدیریت اقتصادی آن سودمند خواهد بود.

چهار _ انتقادهای وارد شده نسبت به عملکرد بانک جهانی

بانک جهانی برخلاف آن چه شایع است، با بخش خصوصی میانه ای ندارد و توجه خود را صرفاً به دولت ها معطوف کرده است. از این رو، بیش تر وام ها به صورت مستقیم به دولت ها پرداخت می شود. با این که بانک جهانی به استناد اساس نامه خود می تواند به بخش خصوصی نیز وام بدهد، ولی ترجیح داده است اعطای تسهیلات به بخش خصوصی را به وسیله _ شرکت های مالی بین المللی (IFC) انجام دهد. البته حجم فعالیت شرکت سهامی مالی بین المللی در مقایسه با فعالیت بانک ناچیز است.

مدیران طرح های دولتی هر قدر هم طرح سودآور نباشد، از بیان این امر خودداری می کنند و اعتراف نکردن به شکست طرح را وفاداری خود نسبت

ص: ۲۰۲

به دولت اجرا کننده طرح تلقی می کنند. در نتیجه، برخی از طرح های ایجاد شده با وام بانک جهانی، طرح های ناکارآمد از آب درآمده اند. به طور کلی، بانک جهانی در تمام مدت فعالیتش، ظرفیت وام دهی نسبتاً پایین و مدیریت محافظه کارانه ای داشته است. اعطای وام از سوی بانک، مستلزم متقاعد شدن بانک به مصرف وام برای افزایش بهره وری کشور وام گیرنده و اطمینان از توانایی بازپرداخت وام است.^(۱)

وجود نوعی «حق وتو» در بانک برای چند کشور در برخی تصمیم گیری ها از انتقادهای وارد شده بر این بانک است. برای نمونه، برخی تصمیم گیری ها به ۸۵ درصد آرای اعضا نیاز دارد. در این میان، عضوی که دارای بیش از ۱۵ درصد آرا است (ایالات متحده)، می تواند این تصمیم گیری ها را وتو کند؛ هر چند از نظر قانونی، حق وتو ندارد.^(۲)

از دیگر انتقادهای وارد بر بانک جهانی این است که بانک جهانی گاهی در امور داخلی کشورهای عضو مداخله می کند و ملاحظه های سیاسی را مدنظر قرار می دهد. بانک جهانی به استناد اساس نامه آن نباید مداخله های سیاسی را در فعالیت هایش در نظر بگیرد و تصمیم های آن باید مبتنی بر ملاک های اقتصادی باشد.^(۳) این در حالی است که گاهی سیاست های کشورهایی که دارنده درصد بالایی از آرا هستند (ایالات متحده امریکا)، بر همه اعضا تحمیل می شود.

ص: ۲۰۳

۱- [۱]. همان، ص ۵۸۹ _ ۵۹۰.

۲- [۲]. همان، ص ۵۹۰.

۳- [۳]. همان، ص ۵۹۰.

انتقاد دیگر، این است که تحول و تکامل سازمان و روش های بانک تحت تأثیر و نفوذ قدرت های غربی به ویژه ایالات متحده امریکا قرار دارد و دلیل آن نیز قرار داشتن محل بانک در پایتخت امریکا (واشنگتن)، سیطره قدرت مالی ایالات متحده و اروپای غربی بر بانک و وجود کارشناسانی از کشورهای غربی است. (۱)

پنج _ رابطه ایران و بانک جهانی

دولت ایران در سال ۱۳۲۴ به عضویت بانک جهانی درآمد. سهمیه یا حق عضویت ایران در ابتدا ۲۴ میلیون دلار تعیین شده بود. سرمایه ایران در بانک جهانی در شش مرحله، به ۳/۱۳۲۹ میلیون دلار افزایش یافت. وزارت امور اقتصادی و دارایی به نمایندگی از سوی دولت ایران تا کنون در زمینه سرمایه گذاری خود در بانک جهانی، مبلغ ۲/۱۳۸ میلیون دلار پرداخت کرده است.

نخستین سند وام اعطایی بانک جهانی به ایران، در تاریخ ۸ خرداد ۱۳۳۸ به امضا رسید و تا سال ۱۳۵۳، ایران در ۲۴ نوبت مبلغ ۶۸۱ میلیون دلار از بانک جهانی وام گرفت. پس از انقلاب، رابطه ایران با بانک جهانی از سال ۱۳۷۰ آغاز گردید که به وسیله سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی و دفتر وام های بین المللی در وزارت امور اقتصادی و دارایی انجام می شود. در سال های اخیر رابطه ایران با بانک جهانی بهتر شده است.

ایران در دهه ۷۰ خورشیدی چندین بار از این بانک وام گرفته است که عبارتند از: ۲۵۰ میلیون دلار برای بازسازی مناطق زلزله زده، ۱۶۵ میلیون دلار

ص: ۲۰۴

برای ارتقای کیفی بخش نیرو، ۱۵۷ میلیون دلار برای بهسازی آبیاری، ۱۴۵ میلیون دلار برای احداث شبکه فاضلاب تهران، ۴/۱۴۱ میلیون دلار برای توسعه خدمات اولیه و بهداشت، ۸۷ میلیون دلار برای بهداشت و تغذیه، ۷۷ میلیون دلار برای جمع آوری آب های سطحی تهران، ۵۷ میلیون دلار برای کنترل و مهار سیلاب های سیستان، ۵/۱ میلیون دلار برای پروژه مطالعاتی دام پروری و احیای مراتع.

در جدول شماره ۱، اطلاعات کاملی در زمینه این وام ها به چشم می خورد.

در سال های اخیر، فعالیت این بانک در ایران به وسیله سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی و دفتر وام های بین المللی افزایش یافته است. پروژه های ساخت خانه های ارزان قیمت، طرح مدیریت زباله های جامد شهری، طرح مدیریت زیست محیطی و پروژه ساخت _سد البر_ در _پاشا کلاسی ساری_ از جمله همکاری های جدید بانک جهانی با جمهوری اسلامی ایران، به شمار می رود.

سد یاد شده برای جمع آوری سیلاب های چهار رودخانه: _تالار، بابل، هراز، بابل رود_ ایجاد می شود و در زمینه کشاورزی و تولید برق نقش مهمی دارد.

ص: ۲۰۵

بررسی های اولیه در سال ۱۳۵۱ آغاز شد و مطالعات تکمیلی را شرکت _مشاور مهافدس_ از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۷ انجام داد.

توجه به تجربه های عملی بانک جهانی در کشورهایی چون آرژانتین با آن همه منابع غنی و عظیم و شکست اقتصادی آن کشور، باید از لغزش گاه های آرژانتین درس عبرت گرفت؛ زیرا اگر در این مسیر حساس، لغزشی صورت گیرد، پی آمدهای آن بر مردم ایران تحمیل خواهد شد. رابطه ایران با بانک جهانی با توجه به ملاحظه های سیاسی موجود در سازمان، باید هوشیارانه، منطقی، به دور از هرگونه اهمال کاری، همراه با بررسی عملی و مفید و در راستای برآوردن نیازهای حیاتی کشور، سیاست گذاری شود. در این صورت، می توانیم با استفاده از منابع و امکانات علمی و فنی این بانک، شاهد فعالیت های بزرگی در ایران باشیم. بی توجهی به این مسایل نیز ممکن است کشور را به سوی همان پرتگاهی بکشاند که آرژانتین در آن سقوط کرد.

(ب) صندوق بین المللی پول

(۱)

صندوق بین المللی پول در ۲۷ دسامبر ۱۹۴۵ پس از آن که ۲۹ کشور اساس نامه آن را امضا کردند، موجودیت یافت و عملیات مالی آن از اول مارس ۱۹۴۷ آغاز شد. در واقع، برای نظم بخشیدن به وضع پولی و مالیه بین المللی، چهار طرح به ترتیب از سوی _کینز_ [اتحادیه پولی (پایپای) بین الملل (۱۹۴۲)]، _وایت_ [پیشنهاد تأسیس صندوق تثبیت ملل متحد (۱۹۴۲)]، دولت فرانسه [روابط پولی بین المللی (۱۹۴۳)] و دولت کانادا [اتحادیه مبادلات بین المللی] ارایه شد.

ص: ۲۰۶

از میان این چهار طرح، تنها دو طرح اول و دوم قابل مطالعه و بررسی تشخیص داده شد. در پاییز سال ۱۹۴۳، جلسه های متعددی میان نمایندگان بریتانیا به سرپرستی _کینز_ و نمایندگان ایالات متحده به سرپرستی _وایت_ صورت گرفت. در پی آن، بیانیه مشترکی که در آن، تأسیس صندوق بین المللی پول پیشنهاد شده بود، منتشر شد. آن گاه در ۲۴ ژوئن، با حضور نمایندگان ۱۶ کشور در _آتلانتیک سیتی_ آمریکا، پیش نویس اساس نامه صندوق بین المللی پول تهیه شد. این پیش نویس در اجلاس ماه ژوئیه با حضور نمایندگان ۲۴ کشور در _برتن وودز_ با اصلاحاتی به تصویب رسید. (۱)

یک _ اهداف و شرایط استفاده از تسهیلات مالی صندوق بین المللی پول

اساس نامه صندوق بین المللی پول، اهداف زیر را برای این صندوق تعریف کرده است: (۲)

۱. تقویت همکاری های بین المللی با فراهم ساختن امکانات مشورتی و همکاری اعضا درباره مسایل پولی بین المللی؛

۲. تسهیل رشد متوازن تجارت بین المللی با کمک به افزایش سطح اشتغال، درآمد و توسعه ظرفیت های تولیدی؛

۳. تقویت ثبات ارزی و ترتیبات ارزی و پرهیز از تضعیف رقابتی ارزش پول ملی؛

۴. تقویت نظام چند جانبه پرداخت ها برای معاملات جاری و یافتن راه های حذف محدودیت های ارزی که مانع رشد تجارت جهانی می شود؛

ص: ۲۰۷

۱- [۱]. اقتصاد پول و بانک داری. صص ۵۷۸ و ۵۷۹.

۲- [۲]. همان، ص ۵۷۹.

۵. تأمین منابع مالی برای اعضا به طور موقت و با تضمین های کافی به گونه ای که امکان تصحیح متوازن نبودن پرداخت ها را بدون توسل به ابزارهای مخرب فراهم آورد؛

۶. یافتن راه هایی برای کاهش دوره و میزان متوازن نبودن پرداخت ها.

در مورد شرایط اعطای تسهیلات مالی باید گفت به طور کلی، صندوق بین المللی پول به کشورهایی که دچار بی ثباتی اقتصادی بوده یا با کسری موازنه پرداخت ها روبه رو هستند، وام می دهد. وام های اقتصادی، ضربی از میزان ذخیره هر کشور در صندوق بوده و ممکن است کم تر یا بیش تر از ذخیره آن ها باشد. اصولاً هر کشور عضو به تعداد سهمیه ای که به صندوق می پردازد، می تواند از منابع عمومی صندوق بهره گیرد. کشورها برای استفاده از تسهیلات صندوق باید روش هایی را در پیش گیرند که در تعدیل کسری موازنه پرداخت هایشان مؤثر باشد. به عبارت دیگر، صندوق باید اطمینان حاصل کند که کشور استفاده کننده از وام، مشکل کسری موازنه پرداخت های خود را حل خواهد کرد. از این رو، صندوق با شرایطی به ارایه منابع مالی خود می پردازد که احتمالاً در سیاست های کشور استفاده کننده از وام مؤثر خواهد بود.^(۱)

گفتنی است که خدمات بانک شامل تسهیلات مالی (جبرانی، ذخایر احتیاطی، اضافی، تکمیلی و...) و تسهیلات فنی و آموزشی است که

ص: ۲۰۸

۱- [۱]. راهنمای سازمان ملل متحد ۲، صص ۲۰۷-۲۰۸.

کشورهای عضو می توانند با در نظر داشتن شرایط خاصی از آن ها استفاده کنند.

دو_ نگرشی بر فعالیت های صندوق بین المللی پول

صندوق بین المللی پول در نیمه اول دهه هشتاد کوشید به کشورهایی که با مشکل بدهی بین المللی روبه رو بودند، کمک کند. از سال ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۲، بانک های تجاری، مبالغ هنگفتی به کشورهای در حال توسعه به ویژه کشورهایی که از افزایش قیمت نفت آسیب دیده بودند، وام دادند. تغییر سیاست های پولی ایالات متحده و دیگر کشورهای صنعتی برای مبارزه با تورم موجب افزایش شدید نرخ های بهره شد. کسری حساب کشورهای غیر نفتی در حال توسعه به شدت بالا رفت و در سال ۱۹۸۱ به ۱۱۳ میلیارد دلار رسید. تا سال ۱۹۸۲، کل بدهی کشورهای در حال توسعه از مرز ۷۴۰ میلیارد دلار گذشته بود، ولی با کاهش وام های اعطایی بانک های تجاری به کشورهای در حال توسعه، این کشورها به صندوق بین المللی پول روی آوردند. در مقابل، صندوق نیز برای درمان بیماری اقتصادی کشورهای متقاضی وام که طبیعتاً ریشه های متفاوتی دارد، نسخه های از پیش نوشته شده تجویز می کرد. از آن میان، سیاست های مربوط به کنترل تقاضای داخلی و رفع کمبودها و امکانات تولیدی به ویژه برچیدن سیاست های قیمت گذاری غیر اقتصادی، نمونه های برجسته سیاست های تجویز شده از سوی صندوق است. در سال های ۱۹۸۲ تا ۱۹۸۴، صندوق بین المللی پول از حق برداشت مخصوص، حدود ۲۲ میلیارد دلار^(۱) به حدود هفتاد کشور عضو وام داد.^(۲)

ص: ۲۰۹

۱- [۱]. special Drawing Rights.

۲- [۲]. اقتصاد پول و بانک داری، صص ۵۷۹ _ ۵۸۰.

فرناندو دلاروآ، رئیس جمهوری مستعفی آرژانتین زمانی که به قدرت رسید، برای اجرای برخی اصلاحات در ساختار اقتصادی این کشور کوشید با پیروی از سیاست های نئولیبرالیسم در عرصه اقتصادی و اجرای سیاست اقتصادی که از پشتیبانی نهادهای مالی بین المللی مانند: بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و ایالات متحده امریکا برخوردار بود، جان تازه ای به اقتصاد از رمق افتاده و ناتوان کشورش بدهد. البته وی غافل از این بود که این نسخه به اصطلاح شفابخش صندوق بین المللی پول _ یعنی تعدیل اقتصادی _ هرچند در ابتدا برای بهبود اقتصادی کشورهای امریکای لاتین پیچیده شده بود، ولی با شرایط سیاسی و اجتماعی و زیرساخت های اقتصادی آن روز آرژانتین مطابقت ندارد. به همین دلیل، اجرای آن با شکست روبه رو شد. سیاست ریاضت کشانه و تدبیرهای سخت گیرانه ای برای اجرای سیاست تعدیل اقتصادی در ساختار اقتصاد این کشور به منظور جبران کسری بودجه و به صفر رساندن آن، درآمد اقشار متوسط و ضعیف جامعه را به شدت کاهش و بی کاری را تا سقف ۳/۱۸ درصد افزایش داد. هم چنین امکان برداشت مردم از پس اندازهای شخصی شان را محدود ساخت.

فرناندو دراروآ برای چیرگی بر بحران اقتصادی و اجتماعی اعلام کرد که هیچ کس مجاز نیست بیش از ۲۵۰ پرو در هفته از موجودی خود از بانک ها برداشت کند. هم چنین در راستای پیش گیری از گسترش بحران، دولت مرکزی اعلام کرد که برای اجرای این تدبیر، بخشی از حقوق کارکنان

دستگاه های عمومی رابه صورت بن پرداخت خواهد کرد. این مسایل بیانگر عمق ناکامی های اقتصادی و شکست سیاست تعدیل اقتصادی دیکته شده از سوی مجامع مالی بین المللی بود.

دولت با اجرای سیاست های ریاضت کشانه _ یا بهتر است بگوییم برنامه های اقتصادی «سیاست محور» _ قصد داشت میزان کسری بودجه دولت را به صفر برساند که متأسفانه ناکام ماند. نهادهای مالی بین المللی نیز در آغاز، حمایت خود را از اجرای برنامه اصلاحات تعدیل اقتصادی در آرژانتین اعلام کردند و پذیرفتند حدود ۴۸ میلیارد دلار به این کشور وام دهند. با تشدید بحران اقتصادی، صندوق بین المللی پول، ارتباط خود را با بحران پیش آمده رد کرد و به اتفاق امریکا اعلام کرد که به دولت آرژانتین کمک نخواهند کرد. همین عوامل زمینه سقوط دولت آرژانتین را فراهم ساخت. رئیس جمهور جدید نیز برای چیره شدن بر بحران پیش آمده، با اعلام سیاست های تازه اقتصادی و برای پیش گیری از سقوط بیش تر ارزش پول جدید کشور، فعالیت های بانکی و مالی را تا دوم ژانویه سال ۲۰۰۲ میلادی تعطیل اعلام کرد. البته این تصمیم، بازخورد مناسبی از سوی مردم نداشت و مخالفت ها و ناآرامی هایی را در پی داشت.

در مورد نقش نهادهای مالی بین المللی و دولت امریکا در تداوم سیاست های اصلاحات اقتصادی با نام سیاست های تعدیل اقتصادی و تنها رها کردن دولت آرژانتین در میانه راه، یادآوری این نکته ضروری است که آن چه بیش از همه _ دلاروآ_، رئیس جمهوری و _ کاویو_، وزیر نئولیبرال اقتصاد آرژانتین را در ادامه اجرای برنامه های سخت گیرانه گستاخ می کرد، پشتیبانی

جورج بوش، رئیس جمهوری امریکا و مسئولان IMF از این برنامه ها بود. برای نمونه، با بالا- گرفتن خبر استعفای رئیس جمهوری آرژانتین، جورج بوش با فرستادن نامه ای به همتای آرژانتینی خود، از برنامه های وی و اصلاحات اقتصادی دولتش پشتیبانی کرد. صندوق بین المللی پول نیز پیش بینی کرد که وضعیت بحرانی اقتصاد آرژانتین در هفته های بعد رو به بهبودی خواهد گذاشت.

این نویدها و اعلام حمایت ها در حالی صورت می گرفت که آرژانتین از ۴۳ ماه پیش دچار رکود اقتصادی شده بود و نشانه های بحران در آن به چشم می خورد. از سوی دیگر، بسیاری از محافل مستقل، تحمیل سیاست های صندوق بین المللی پول را از عوامل اصلی بحران فراگیر اقتصادی و آشوب های آرژانتین می دانند. در اشتباه خط مشی مجامع بین المللی مالی همین بس که صندوق بین المللی پول و ایالات متحده امریکا به محض دیدن نشانه های بحران در مؤلفه های اقتصادی آرژانتین، پا پس گذاشتند و با در پیش گرفتن جانب احتیاط، اعلام کردند که اعطای وام های اعتباری را به تعویق خواهند انداخت. بدین گونه آرژانتین در میانه راه، در باتلاقی از بدهی های کلان خارجی، اجرای ناقص سیاست های تعدیل اقتصادی دیکته شده از سوی صندوق بین المللی پول و بحران پیش آمده سیاسی _ اجتماعی فرو رفت که راه گریزی از آن نداشت.

باید دانست این کشور در میان کشورهای امریکای جنوبی از امکانات بالقوه اقتصادی زیادی برخوردار است و از گذشته های دور، از این کشور به عنوان انبار غله و منبع فرآورده های گوشتی _ لبنی امریکای لاتین یاد می شد.

پیروی بی چون و چرا از دستورهای دیکته شده مجامع بین المللی پولی و در عمل، وابسته شدن، به قدرت های اقتصادی جهانی، بحران شدید اقتصادی را در پی آورد که تا کنون در آرژانتین ادامه دارد.

اکنون آرژانتین راهی جز تن دادن به رضایت صندوق بین المللی پول ندارد؛ زیرا دیگر نمی تواند در بازارهای خصوصی، سرمایه داری، پولی به دست آورد و هم چنان به بازارهای مالی بین المللی از جمله صندوق بین المللی (IMF) نیاز دارد. در واقع، آرژانتین در دور باطلی گرفتار آمده است که تا سال ها گریزی از آن نیست. با توجه به نقش محوری و کلیدی آرژانتین در اقتصاد منطقه امریکای لاتین، این پرسش در ذهن بسیاری از مردم امریکای لاتین مطرح است که اگر آرژانتین، تنها کشور ثروتمند و پیشرفته منطقه در زمینه اقتصادی، در مدت کوتاهی در اثر اشتباه های صندوق بین المللی به چنین بی نظمی و هرج و مرج اقتصادی دچار شد، چه آینده ای در انتظار کشورهای این منطقه خواهد بود؟!

چهار _ رابطه ایران و صندوق بین المللی پول

دولت ایران از اعضای اولیه صندوق بین المللی پول به شمار می رود که به موجب قانون مصوب ۱۶ دی ۱۳۲۴ با سهامی معادل ۲۵ میلیون دلار به عضویت آن درآمده است. البته سهمیه ایران در چند دوره، افزایش یافته است که در نهایت، سهام ایران در سال ۱۳۵۶، به ۶۶۰ میلیون حق برداشت

ص: ۲۱۳

مخصوص افزایش یافت. (۱) آخرین دوره افزایش سرمایه ایران، به سال ۱۳۶۷ بازمی گردد که سرمایه ایران به ۵/۱۰۷۸ میلیون حق برداشت مخصوص رسید.

تا پیش از انقلاب اسلامی، ایران بارها از صندوق استفاده کرد. پس از انقلاب، برای اولین بار در سال ۱۳۶۷، استفاده از منابع صندوق را بررسی و در مرحله اول، از ذخیره خود استفاده کرد که معادل مبلغی در حدود ۷۱ میلیون حق برداشت مخصوص بود. سپس در دو مرحله دیگر، معادل ۳۰۰ میلیون از حساب حق برداشت مخصوص خود بهره گرفت. (۲) ایران از کمک های آموزشی و فنی این صندوق نیز استفاده کرده است که اصلاح نظام آماری کشور به کمک متخصصان صندوق، از آن جمله به شمار می رود. (۳)

۳. مؤسسه های ارتباطی و خدماتی

الف) سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو)

(۴)

میثاق تأسیس یک سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری در کنفرانس بین المللی هواپیمایی کشوری که از ۱ نوامبر تا ۷ دسامبر ۱۹۴۴ در شیکاگو تشکیل شده بود، تنظیم شد. سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو) در تاریخ ۴ آوریل ۱۹۴۷ - ۳۰ روز پس از تصویب میثاق یاد شده - با حضور بیست و ششمین کشور به وجود آمد. بر اساس موافقت نامه ای که در کنفرانس شیکاگو به عمل

ص: ۲۱۴

۱- [۱]. حسن گلریز، سازمان های پولی و مالی بین المللی، دانشکده علوم بانکی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۹۳.

۲- [۲]. همان، ص ۲۶.

۳- [۳]. راهنمای سازمان ملل متحد ۲، ص ۲۱۲.

۴- [۴]. Interntional civil Aviation Organization (ICAO).

آمده بود، یک سازمان موقت هواپیمایی کشوری بین المللی از تاریخ ۶ ژوئن ۱۹۴۵ آغاز به کار کرد تا این که ایکائو به طور رسمی تأسیس شود.

میثاق شیکاگو، جانشین مفاد دو موافقت نامه پیشین؛ یعنی میثاق ۱۹۱۹ پاریس و میثاق هواپیماهای تجاری پان آمریکن شد. _ کمیسیون بین المللی هوانوردی _ به موجب میثاق اول برای تعیین ضوابط فنی به وجود آمد و میثاق دومی در سال ۱۹۲۸ در _ هاوانا _ منعقد شده بود.

ارکان ایکائو شامل: مجمع، شورا، دبیرخانه و تعدادی کمیسیون و کمیته است. (۱) اولین جلسه مجمع در ششم ماه مه افتتاح شد و شورای ایکائو که به وسیله مجمع انتخاب شده بود، اولین جلسه خود را در ۲۸ مه ۱۹۴۷ برگزار کرد. در سوم اکتبر، رئیس شورای ایکائو و دبیر کل سازمان ملل متحد، پروتکلی را امضا کردند که براساس آن، ایکائو در شمار یکی از نهادهای تخصصی سازمان ملل درآمد. در اول ژانویه ۱۹۶۱، شمار اعضای آن به ۸۳ کشور رسید و تا سال ۱۹۹۵، ۱۸۳ عضو داشته است. مقر ایکائو در مونترال است. (۲)

یک _ اهداف و آرمان های ایکائو

اهداف و آرمان های سازمان عبارت است از:

توسعه اصول و امور فنی هوانوردی بین المللی و تحکیم برنامه و پیشرفت حمل و نقل هوایی بین المللی به گونه ای که:

ص: ۲۱۵

۱- [۱]. راهنمای سازمان ملل متحد فدراسیون، ص ۹۲۲.

۲- [۲]. حسین نواده توپچی، مقدمه ای بر حقوق بین الملل هوایی، نهجا، ۱۳۷۷، ص ۹۷.

الف) سلامتی و توسعه منظم هواپیمایی کشوری بین المللی را در سراسر جهان تأمین سازد.

ب) فنون مربوط به طرح هواپیما و به کار انداختن هواپیما را برای اهداف صلح جویانه تشویق کند.

ج) خطوط هوایی و فرودگاه ها و تسهیلات هوانوردی را برای هواپیمایی کشوری بین المللی توسعه دهد.

د) نیازهای مردم جهان را از نظر حمل و نقل هوایی سالم، منظم، مؤثر و مقرون به صرفه برآورده سازد.

ه) از اتلاف اقتصادی ناشی از رقابت نامعقول پیش گیری کند.

و) حقوق کشورهای متعاقد کاملاً رعایت شود و هر کشور متعاقد، فرصت مناسب برای به کار انداختن شرکت های هواپیمایی بین المللی داشته باشد.

ز) از تبعیض میان کشورهای متعاقد خودداری شود.

ح) سلامتی پرواز را در هوانوردی بین المللی توسعه دهد.

ط) شئون مربوط به هوانوردی کشوری بین المللی را گسترش دهد.

از مهم ترین فعالیت های ایکائو که با انتقادهایی نیز همراه بوده، اختلافات هوایی است که موانع هوانوردی بین المللی، نقض کنوانسیون و اختلاف کشورها در زمینه دیگر موافقت نامه ها را در برمی گیرد. باید دانست رأی ایکائو قابلیت پژوهش خواهی را دارد.

دو_ ایران و سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری

دولت ایران به همه پروتکل های مصوب ایکائو _ که درباره اصلاح و تغییر اساس نامه بود _ و ۸ کنوانسیون یا پروتکل اصلاحی کنوانسیون های بین المللی تدوین شده در زمینه حقوق هوایی پیوسته است. (۱)

«اصولاً- سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری با کمک های آموزشی و فنی به کشورهای عضو، خدمات ارابه می دهد. کمک های سازمان در زمینه توسعه نظم حمل و نقل هوایی داخلی کشورها، گسترش خدمات هواپیمایی ملی و تقویت ساختار ضعیف فنی آن ها برای حفظ و تأمین عملیات هوایی و برنامه هایی است که در بهبود و اصلاح دستگاه های اداری و فنی قسمت های مختلف هواپیمایی کشوری صورت می گیرد. بودجه کمک های فنی به وسیله برنامه عمران ملل متحد و انعقاد قرارداد با بعضی از کشورها تأمین می شود.

دولت ایران نیز از امکانات آموزشی و فنی این سازمان استفاده کرده است. در زمینه اجرای طرح های پس از انقلاب، طرح فرودگاه بین المللی امام خمینی در اتوبان قم _ تهران میان ایکائو، وزارت راه و ترابری و برنامه عمران ملل متحد در سال ۱۹۹۰ به امضا رسید که هزینه اجرای آن بر عهده برنامه عمران ملل متحد بود. برای اجرای این طرح، دو کارشناس به مدت یک ماه به ایران آمدند و نظریه کارشناسی ارابه دادند». (۲)

ایکائو افزون بر طرح فرودگاه بین المللی امام خمینی، دو نوع خدمت دیگر نیز به ایران ارابه کرده است: (۳)

ص: ۲۱۷

۱- [۱]. راهنمای سازمان ملل متحد ۲، ص ۳۱۳.

۲- [۲]. همان، ص ۳۱۴.

۳- [۳]. همان، ص ۳۱۵.

الف) خدماتی که به همه کشورهای عضو ارایه می دهد، مانند: استانداردهای ایمنی پرواز، مشخصات فنی هواپیمایی، مشخصات فنی فرودگاه ها، مشخصات فنی دستگاه های کمک ناوبری و استاندارد کردن مقررات پرواز.

ب) خدمات ویژه ای که ایران از آن استفاده کرده است. این خدمات به شرح زیر است:

۱. استفاده از کارشناسان رشته های تخصصی و علمی و فنی و عملیاتی هواپیمایی کشوری.

۲. کمک گرفتن در زمینه تأسیس و اجرای برنامه های آموزشی مجتمع هواپیمایی کشوری.

۳. اعزام کارشناسان و مسئولان برای استفاده از دوره های آموزشی تخصصی و شرکت در کارگاه های علمی، سمینارها و اجلاس های ایکائو.

۴. شرکت در اجلاس های توجیهی و مشورتی سالانه برای هماهنگی و یکنواختی قوانین مربوط در سطح بین المللی.

۵. دریافت نشریات و دستورهای تخصصی هوانوردی برای ایجاد هماهنگی در مورد هواپیمایی بین المللی.

۶. دریافت گزارش های تحقیقی فنی و پیشنهادهای لازم در امر بهبود وضعیت حمل و نقل هوایی.

۷. طرح دعاوی حقوقی در امر حمل و نقل هوایی در مورد به خطر افتادن امنیت هوایی ایران (۱) بر اساس صدور اطلاعیه های هوانوردی دولت عراق و سقوط ایرباس (۲) ایران بر اثر حمله ناو جنگی امریکا.

۸. اعزام دانشجویان از ایران به مرکز آموزش سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری در حیدرآباد پاکستان.

با توجه به قدمت ناوگان هوایی و حوادثی که در سال های اخیر رخ داده است، ضرورت نوسازی و استاندارد کردن هواپیماها احساس می شود که در این زمینه همکاری نزدیک تر ایران و ایگائو و استفاده از امکانات فنی و تخصص های این سازمان، سودمند خواهد بود.

(ب) سازمان جهانی مالکیت آثار فکری (وای پو)

(۳)

سازمان جهانی مالکیت آثار فکری از کنوانسیون سال ۱۸۸۳ پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی و عهدنامه سال ۱۸۸۶ برن برای حمایت از آثار ادبی و هنری سرچشمه می گیرد. (۴) سازمان جهانی مالکیت معنوی (وای پو) براساس کنوانسیون استکهلم (۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷) که در ۲۶ آوریل ۱۹۷۰ به اجرا درآمد، پا به عرصه وجود نهاد. دوایر بین المللی برای حمایت از مالکیت معنوی (۵) هنوز برای دولت هایی که عضو اتحادیه های پاریس یا برن هستند، ولی به عضویت وای پو در نیامده اند، به موجودیت قانونی خود ادامه می دهد. (۶)

ص: ۲۱۹

۱- [۱]. در بخش شورای امنیت به این مسئله اشاره شده است.

۲- [۲]. در بخش «دیوان بین المللی دادگستری درباره این مسئله توضیح داده شد».

۳- [۳]. (World Intellectual Property Organization (WIPO).

۴- [۴]. واقعیت های اساسی درباره سازمان ملل متحد، ص ۳۶۶.

۵- [۵]. هر یک از دو کنوانسیون یاد شده، ایجاد یک دایره بین المللی را مقرر کرده بودند که در سل ۱۹۸۳ این دوایر در هم ادغام شدند.

۶- [۶]. راهنمای سازمان ملل متحد ۲، ص ۳۳۶.

این سازمان که چهاردهمین ارگان تخصصی سازمان ملل متحد به شمار می رود، برای تضمین حقوق مخترعان و صاحبان علوم و فنون و اندیشمندان فعالیت می کند. حمایت از حقوق این گونه صاحب نظران در سطح جهانی، در پیشرفت علم و انتقال فن آوری بسیار با اهمیت است و فضای جهانی را برای بازاریابی محصولات این گونه مخترعان و اندیشمندان مساعد می کند و تجارت جهانی را گسترش می دهد. در حال حاضر، ۱۶۹ دولت به عضویت این سازمان درآمده اند. (۱)

یک_ وظایف و ساختار سازمان جهانی مالکیت آثار فکری

ماده ۴ کنوانسیون استکهلم وظایفی را بر عهده این سازمان قرار داده است که مهم ترین آن ها عبارتند از: (۲)

۱. توسعه معیارهای طرح شده برای حمایت و توسعه این حمایت ها؛

۲. تشویق دولت ها به امضای معاهده هایی در زمینه مالکیت معنوی؛

۳. هماهنگ کردن قوانین ملی کشورها در این زمینه؛

۴. پیشنهاد همکاری در زمینه حمایت از مالکیت های معنوی به کشورها؛

۵. جمع آوری و نشر اطلاعات در این زمینه؛

۶. کمک به حفظ حقوق این مالکیت ها.

با توجه به وظایف و ارکان این سازمان که شامل: مجمع عمومی، کنفرانس، کمیته هماهنگی و دفتر بین المللی است، در سال های اخیر با عنایت

ص: ۲۲۰

-
- ۱- [۱]. نشریه دیدگاه ها و تحلیل ها، ش ۴۵، شهناز نیک انجام، همایش سازمان مالکیت معنوی، اداره کل امور حقوقی.
- ۲- [۲]. برگرفته از: جزوه درسی «مالکیت معنوی»، محسن اسماعیلی، جزوه دانشکده حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام.

به روند توسعه جهانی شدن، اهمیت این سازمان به خوبی ملموس و محسوس است. می دانید که رعایت نشدن این حقوق، پایمال شدن حقوق مؤلفان و مصنفان و خیانت به میراث فکری و هنری بشریت به شمار می رود. آشکار است که این سازمان با برگزاری کنفرانس ها، همایش ها و نشست ها، در تشویق کشورها برای پیوستن به این سازمان و تقویت این حمایت ها، نقش اساسی دارد.

دو_ ایران و سازمان جهانی مالکیت آثار فکری

دولت ایران عضو_وای پو_ نیست و تنها در_اتحادیه پاریس_عضویت دارد. البته از نظر نوع رابطه ای که میان اتحادیه های برن و پاریس و وای پو وجود دارد، وای پو بر چگونگی اجرای مقررات کنوانسیون پاریس نظارت دارد و اعضای اتحادیه ها، عضو ارکان وای پو به جز کنفرانس هستند.^(۱)

رعایت نکردن حقوق مالکیت آثار فکری در ایران به ویژه در مورد آثار خارجی شاید در بحث های فقهی این مسئله ریشه داشته باشد. امام خمینی رحمه الله، در مورد حق التألیف در تحریر الوسیله می فرماید:

آن چه نزد برخی، «حق طبع» نامیده می شود، حق شرعی نیست. پس سلب تسلط مردم بر اموالشان بدون معاهده و اشتراط جایز نیست. بنابراین، مجرد طبع کتاب و نوشتن در آن به این که حق طبع و تقلید برای صاحب آن محفوظ است، چیزی را موجب نمی شود و این قرار با غیر او شمرده

ص: ۲۲۱

۱- [۱]. راهنمای سازمان ملل متحد ۲، ص ۳۴۱.

نمی شود. پس برای غیر او، طبع و تقلید جایز است و برای کسی جایز نیست که او را از آن منع نمایند.^(۱)

هرچند، امام در این جا نفس این حق را قابل دفاع نمی داند، ولی در ادامه بیان می دارد که امام و حاکم اسلامی حق دارد به آن چه صلاح مسلمانان است؛ از تثبیت قیمت یا صنعت یا حصر تجارت یا غیر آن ها از آن چه در نظام و صلاح جامعه دخالت دارد، عمل کند.^(۲)

حضرت آیت الله خامنه ای نیز در مورد کتاب هایی که در داخل چاپ می شوند، فرموده است:

احوط این است که حق ناشر با کسب اجازه از او نسبت به تکرار و تجدید چاپ کتاب رعایت شود.

در مورد کتاب های خارجی نیز این مسئله را تابع قراردادهایی می داند که میان جمهوری اسلامی ایران و آن کشورها بسته شده است.^(۳)

با عنایت به این موارد و بر اساس قوانین تصویب شده در این زمینه مانند: قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان (۱۳۴۸)، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات (۱۳۵۲) و قانون حمایت از نرم افزارهای رایانه ای (۱۳۷۹ - ۱۳۸۰)، رعایت و حفظ حقوق این مالکیت ها برای پدید آورندگان آن ها از نظر شرعی و حقوقی، واجب و ضروری است. بدین ترتیب، رعایت

ص: ۲۲۲

۱- [۱]. ترجمه فارسی تحریر الوسیله، امام خمینی رحمه الله، دفتر انتشارات اسلامی، وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵، ص ۴۷۴.

۲- [۲]. ترجمه فارسی رساله اجوبه الاستفتائات، حضرت آیت الله خامنه ای، شرکت چاپ و نشر بین الملل، وابسته به مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۱، ص ۲۹۷، مسئله ۱۳۳۵ و ۱۳۴۰.

۳- [۳]. همان، مسئله ش ۱۳۳۵ و ۱۳۴۲.

نکردن آن حتی در مورد آثار خارجی که ایران با آن ها قرارداد دارد، موجب ضمان و مسئولیت شرعی است.

در زمینه تبیین این حقوق در ایران، همایش هایی برگزار شده است که از آن جمله می توان به همایش منطقه ای و ملی مالکیت معنوی اشاره کرد که از ۲۱ تا ۲۵ آذر ماه ۱۳۷۷ از سوی سازمان جهانی مالکیت معنوی (وامی پو) با همکاری اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و به کوشش سازمان ثبت اسناد و املاک کشور با هدف آشنایی و بررسی حقوق مالکیت آثار فکری در جمهوری اسلامی ایران، در تهران برگزار شد. این همایش، به بررسی مسایل منطقه ای آسیا و اقیانوسیه با عنوان «اهمیت و حمایت و مدیریت در حال توسعه» اختصاص داشت که موضوع های ملی با عنوان «مدیریت و استفاده از حقوق مالکیت صنعتی در صنعت و تجارت» نیز بررسی شد.

برای گشایش همایش، دکتر _کمال ادریس_، مدیر کل سازمان جهانی مالکیت آثار فکری به همراه هیأتی متشکل از رؤیسان و مشاوران سازمان وارد تهران شدند.

هم زمان با گشایش این همایش، مرکز اطلاع رسانی ثبت علایم صنعتی در محل سازمان ثبت اسناد و املاک کشور افتتاح شد که مخترعان و صاحبان حرفه و فن و دیگر علاقه مندان به حقوق ثبت می توانند به آن مراجعه کنند.

اهمیت و نقش موضوع های مطرح شده در این همایش از دو جنبه قابل بررسی است:

۱. گسترش نقش کشورهای در حال توسعه

ص: ۲۲۳

با توجه به اهمیت روز افزون ثبت اختراع ها، نشان های تجاری و طرح های صنعتی، اجرای کنوانسیون پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی، نقش بسزایی یافته است. در چارچوب مقررات کنوانسیون، کشورهای پیشرفته صنعتی با استفاده از رایانه و ابزارهای جدید فنی توانسته اند از حقوق مخترعان و اندیشمندان در کشورشان حمایت کنند و منافع اقتصادی ناشی از این حمایت را به آن ها بسپارند. در مقابل این توسعه، کشورهای جهان سوم به دلیل دسترسی نداشتن به امکانات فنی و منابع اطلاع رسانی و نیز حجم کم اختراع ها، به آموزش و فعالیت در این زمینه ها نیاز بیش تری دارند و مطالعه و بررسی مقاله ها و گزارش های ارایه شده از سوی کارشناسان سازمان، در افزایش سطح آگاهی آن ها مؤثر خواهد بود.

۲. آگاهی از چگونگی روش کار سازمان جهانی مالکیت آثار فکری

برای مقام های دولتی، حقوق دانان و کسانی که با حقوق مخترعان و اندیشمندان سروکار دارند، شیوه فعالیت سازمان و چگونگی حمایت از حقوق صاحب نظران و اهل فن در این همایش مشخص شده است. حفظ حقوق مالکیت صنعتی در توسعه صنعت و تجارت، نقش مؤثری دارد و در نهایت، موجب انتقال فن آوری و بهبود وضعیت اقتصادی خواهد شد. امروزه در ساختار جمهوری اسلامی ایران، این حقوق و مزایا مورد حمایت قوانین و مقررات بوده و بدون آشنایی از فعالیت یک سازمان بین المللی در این موضوع ها نمی توان از برنامه ها و فعالیت دیگر کشورها بهره گیری کرد.

اشاره

با عنایت به تفاوت های موجود میان آژانس بین المللی انرژی اتمی و سازمان تجارت جهانی نمی توانیم آن ها را در شمار کارگزاری ها یا نهادهای تخصصی سازمان ملل بررسی کنیم؛ زیرا موافقت نامه منعقد شده این سازمان ها با سازمان ملل و شیوه کار و گستردگی فعالیت شان، این دو مؤسسه را از دیگر سازمان های تخصصی متمایز ساخته است.

اکنون ساختار این دو سازمان را به عنوان مؤسسه های مستقل و مرتبط با سازمان ملل متحد بررسی می کنیم.

۱. سازمان تجارت جهانی

(۱)(WTO)

در ادامه مذاکره های هاوانا در سال ۱۹۸۴، اندیشه تشکیل یک نهاد بازرگانی جهانی برای از میان بردن محدودیت ها و امتیازهای تبعیض آمیز و نظم بخشیدن به تجارت برون مرزی کشورها مطرح گردید. بر این اساس، طرح تأسیس سازمان تجارت بین المللی (۲)(ITO) پیش بینی شد که هیچ گاه به اجرا درنیامد. در این مورد، تنها به تشکیل موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) بسنده شد که در واقع، یکی از فصل های مطرح شده در منشور هاوانا است. در سال ۱۹۸۵ کوشش دیگری برای تأسیس نهادی به نام سازمان همکاری های تجاری (۳)(OTO) آغاز شد. این طرح نیز که هدف اصلی آن، کنترل و

ص: ۲۲۵

۱- [۱] . World Trade Organization .

۲- [۲] .International Trade Organization .

۳- [۳] .Organization for Trade Couperation .

نظارت بر فعالیت های موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) بود، به دلیل مخالفت ایالات متحده امریکا تحقق نیافت.

سرانجام در سال ۱۹۸۶، با آغاز مذاکره های دور اوروگوئه، دیدگاه های مبتنی بر تأسیس تجارت جهانی دوباره مطرح گردید تا این که در سال ۱۹۹۱ پیشنهاد تشکیل نهادی به نام سازمان تجارت چند جانبه جهانی (۱) (WTO) از سوی کشورهای کانادا، اتحادیه اروپا و مکزیک به دور اوروگوئه ارایه شد. این طرح با مخالفت شدید کشور امریکا روبه رو شد، ولی به دلیل پافشاری دیگر اعضای گات، در روزهای پایانی مذاکره های دور اوروگوئه، تأسیس سازمان تجارت جهانی مورد توافق اکثریت اعضا قرار گرفت و کشور امریکا نیز تشکیل این نهاد را پذیرفت. در همان اجلاس مقرر شد سازمان تجارت جهانی (WTO) در اول ژانویه ۱۹۹۵ کار خود را آغاز کند. هم چنین گفته شد همه کشورهای عضو گات که سند نهایی دور اوروگوئه را امضا کرده اند، باید تا ۲ سال، زمینه پیوستن خود را به سازمان تجارت جهانی (WTO) فراهم آورند. (۲)

الف) وظایف و اهداف سازمان تجارت جهانی

این سازمان، پنج وظیفه مهم را بر عهده دارد:

۱. مدیریت و تسهیل عملیات اجرایی و توسعه اهداف موافقت نامه سازمان تجارت جهانی. سازمان هم چنین چارچوب لازم را برای اجرای مدیریت موافقت نامه های چند جانبه فراهم خواهد کرد.

ص: ۲۲۶

۱- [۱]. World Trade Organization.

۲- [۲]. تحلیلی پیرامون تجارت، تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی و آثار اقتصادی الحاق ایران به آن، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی ۱۳۷۴، ص ۱۵۹.

۲. فراهم کردن امکانات گردهم آیی اعضا برای مذاکره و مشورت درباره روابط چند جانبه تجاری.

۳. اجرای تفاهم ها و مقررات مربوط به روش های حل اختلاف.

۴. فراهم آوردن مکانیسم بررسی و تجدید نظر در سیاست های تجاری.

۵. همکاری با صندوق بین المللی پول، بانک بین المللی ترمیم و توسعه (بانک جهانی) و سازمان های وابسته به آن. (۱)

در مقدمه موافقت نامه تأسیس سازمان، اهداف اساسی گات این گونه تشریح شده است:

۱. ارتقای سطح زندگی و درآمد.

۲. تأمین اشتغال کامل.

۳. توسعه تولید و تجارت و بهره برداری بهینه از منابع جهانی.

۴. ضرورت دست یابی به «توسعه پایدار» با توجه به بهره برداری بهینه از منابع جهان و لزوم حفظ محیط زیست به گونه ای که با سطوح گوناگون توسعه اقتصادی سازگار باشد.

۵. تأکید بر لزوم تصمیم گیری برای افزایش سهم کشورهای در حال توسعه و کم تر توسعه یافته از رشد تجارت بین المللی. (۲)

ب) اصول سازمان تجارت جهانی

شیوه و فعالیت های این سازمان بر ۴ اصل اساسی و مهم استوار است:

— اصل اول: — تعمیم بی قید و شرط اصل معروف «دولت کامله الوداد» (۳) و جلوگیری از

ص: ۲۲۷

۱- [۱]. همان، ص ۱۶۰ _ ۱۶۱.

۲- [۲]. همان، ص ۱۶۰.

۳- [۳]. دو دولت و کشوری که در سطح بالایی از دوستی و روابط دیپلماتیک قرار دارند، به گونه ای که هر کدام از این ها با کشور ثالثی قرارداد یا معاهده ای منعقد سازد، کشور و دولت مقابلی که با آن رابطه «کامله الودادی» دارد، در آن معاهده بدون قرارداد و معاهده حضور دارد.

اعمال تبعیض میان کشورهای متعاقد در تجارت بین الملل.

اصل دوم: منع اعمال محدودیت های کمی در واردات و صادرات.

اصل سوم: کاهش تعرفه های گمرکی به وسیله مذاکره و تضمین رعایت توافق هایی که از این راه به دست می آید.

اصل چهارم: انجام مشورت در مورد سیاست های بازرگانی با دیگر اعضا و حل و فصل اختلاف ناشی از روابط تجاری به وسیله مذاکره.

۲. آژانس بین المللی انرژی اتمی

(۱)

رییس جمهور امریکا در دهه ۵۰ میلادی به مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد کرد سازمانی جهانی به وجود آید که خود را تنها وقف مصارف مسالمت آمیز انرژی اتمی کند. بدین گونه بود که آژانس بین المللی انرژی اتمی (IAEA) در ۸ دسامبر ۱۹۵۳ پدید آمد. اصول کلی این پیشنهاد به اتفاق آرا در قطع نامه ای که در ۴ دسامبر ۱۹۵۴ از سوی مجمع عمومی صادر شده مورد تأیید مجمع قرار گرفت.

اساس نامه (IAEA) به اتفاق آرا در تاریخ ۲۶ اکتبر ۱۹۵۶ در کنفرانسی که در مقر سازمان ملل متحد تشکیل شده بود، تصویب شد و در عرض سه ماه، به امضای هشتاد کشور رسید. این کارگزاری در تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۵۷ که

ص: ۲۲۸

حد نصابی از اسناد تصویب اساس نامه آن به مجمع عمومی تسلیم شد، به وجود آمد.

کنفرانس تنظیم کننده اساس نامه IAEA یک کمیسیون تدارکاتی متشکل از ۱۸ کشور به وجود آورد که اولین بار در مقر سازمان ملل متحد تشکیل جلسه داد و سپس ترتیب تشکیل اولین جلسه کنفرانس عمومی را فراهم ساخت که از ۱ تا ۲۳ اکتبر ۱۹۵۷ در وین برگزار شد. (۱)

الف) اهداف و وظایف آژانس بین المللی انرژی اتمی

مهم ترین اهداف آژانس عبارت است:

۱. تشویق و یاری رساندن به تحقیق و گسترش مطالعات علمی در مورد انرژی اتمی برای استفاده صلح آمیز در سراسر جهان.
۲. ارایه پیشنهاد و تسهیلات لازم برای تحقیق و پیشنهادهای ضروری در کاربرد انرژی اتمی در راه صلح و رفاه بشر در جهان.
۳. فراهم کردن اطلاعات مربوط به دگرگونی های علمی و فنی مورد استفاده صلح آمیز از اتم و انرژی هسته ای. (۲)

وظایف آژانس عبارت است از:

۱. کمک به پژوهش درباره انرژی اتمی و استفاده از آن برای مقاصد صلح جویانه مانند: تولید برق به ویژه برای مناطق کم تر توسعه یافته جهان.
۲. واسطه گری میان اعضای آژانس در مورد تهیه مواد یا تجهیزات.

ص: ۲۲۹

۱- [۱]. راهنمای سازمان ملل متحد فراسیون، ص ۸۶۱.

۲- [۲]. سازمان های بین المللی موسی زاده، ص ۲۴۰.

۳. مبادله اطلاعات علمی و فنی و تشویق آن‌ها در زمینه مبادله اطلاعات در این زمینه.

۴. مبادله دانشمندان و ارایه آموزش‌های لازم در زمینه استفاده صلح‌جویانه از انرژی اتمی.

۵. به وجود آوردن تضمین‌هایی برای به کار نبردن تجهیزات، امکانات و اطلاعات این آژانس برای اهداف نظامی.

۶. مشورت و همکاری با سازمان ملل و دیگر ارگان‌های تخصصی و ایجاد ضوابطی برای ایمنی و کاستن از خطاهای مالی و جانی این انرژی در سطح جهان.

«تدابیر حفاظتی موضوع پیمان عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، پیمان منع سلاح‌های هسته‌ای_ در امریکای لاتین (معاهده تلاتولکو) و پیمان راروتونگا_ کشورهای بدون سلاح هسته‌ای را مکلف می‌کند تا مجموعه فعالیت‌های مبتنی بر سوخت هسته‌ای خود را زیر نظر تدبیر حفاظتی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دهند»^(۱) در سال ۱۹۹۴، زمینه‌سازی‌های حفاظتی در ۴۹ کشور بر اساس توافق‌های به عمل آمده در پیمان عدم گسترش و معاهده تلاتولکو، در یک کشور بر اساس توافق معاهده تلاتولکو و در ۸ کشور بر اساس موافقت‌نامه‌های دیگر صورت گرفت. در مورد عراق، فعالیت‌ها به اجرای این تدبیرها بر مبنای پیمان عدم گسترش در چارچوب فعالیت‌های موضوع قطع‌نامه ۶۸۷ شورای امنیت معطوف شد.^(۲) فشار سیاسی امریکا بر

ص: ۲۳۰

۱- [۱]. واقعیت‌های اساسی درباره سازمان ملل متحد، ص ۳۷۲.

۲- [۲]. همان، ص ۳۷۳.

شورای امنیت و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای خلع سلاح فوری عراق یکی از این موارد بود.

ب) ارجاع موضوع حمله عراق به تأسیسات هسته‌ای بوشهر به آژانس انرژی اتمی

به دنبال تجاوز عراق به ایران و حمله به تأسیسات هسته‌ای بوشهر، دولت ایران این موضوع را در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مطرح کرد. حکومت عراق برای اولین بار در ۲۴ مارس ۱۹۸۴ به تأسیسات هسته‌ای غیر نظامی بوشهر یورش برد و پس از آن نیز ۴ بار دیگر (۱۲ فوریه و ۵ مارس ۱۹۸۵، ۱۲ ژوئن ۱۹۸۶ و ۱۷ نوامبر ۱۹۷۸) به نیروگاه اتمی بوشهر حمله هوایی کرد. در آخرین حمله، گروهی از کارشناسان ایرانی، جان خود را از دست دادند و این مرکز به شدت آسیب دید.

سازمان انرژی اتمی ایران پس از نخستین حمله عراق به تأسیسات هسته‌ای بوشهر، با فرستادن تلکسی به دبیر کل آژانس موضوع را در ۱۹ آوریل ۱۹۸۴ به آگاهی آژانس رساند. ایران با تأکید بر قطع نامه GC (XXVII) Res/۴۰۷_ که در اکتبر ۱۹۸۳ در بیست و هفتمین اجلاس کنفرانس عمومی درباره حفاظت از تأسیسات هسته‌ای غیر نظامی در مقابل تهاجم نظامی تصویب شده بود _ و قطع نامه‌های آژانس در این زمینه، از هیأت حکام خواست در اولین فرصت ممکن برای تصمیم‌گیری جهت محکوم کردن عراق، تشکیل جلسه دهد. سازمان انرژی اتمی در ۲۷ مه ۱۹۸۴، عکس‌هایی از تهاجم عراق را برای دبیر کل آژانس فرستاد.

ص: ۲۳۱

سرانجام آژانس بین المللی انرژی اتمی پس از تشکیل جلسه هایی با شرکت نمایندگان ایران و عراق، با وجود مخالفت امریکا، در ۲۶ سپتامبر ۱۹۸۴ هرگونه حمله به تأسیسات هسته ای غیر نظامی را تخلف از اساس نامه آژانس، منشور سازمان ملل متحد و قوانین بین المللی دانست و از دولت عراق خواست به این موارد توجه کند.

ایران در پی حمله های ۱۲ فوریه و ۴ مارس ۱۹۸۵ عراق، در تلکس هایی به دبیر کل آژانس، نقض قطع نامه های آژانس از سوی دولت عراق را یادآوری کرد و خواستار محکوم کردن عراق شد. ایران در نامه ۱۷ مارس ۱۹۸۵ خود خواهان اخراج عراق از آژانس گردید. دبیر کل آژانس در ۲۶ مارس ۱۹۸۵ در پاسخ به درخواست ایران اعلام کرد که در اساس نامه هیچ ماده ای برای اخراج یک عضو وجود ندارد. ماده (XLX.B) اساس نامه نیز به تعلیق یک عضو مربوط می شود که بر اساس آن، موضوع تعلیق اعضا باید در کنفرانس عمومی و بر مبنای توصیه های هیأت حکام بررسی شود. گفتنی است بر اساس ماده VII اساس نامه، دبیر کل سازمان، نفر اول اداری و اجرایی آژانس به شمار می رود که زیر نظر هیأت حکام انجام وظیفه می کند.

به دنبال حمله های پی در پی عراق به تأسیسات هسته ای بوشهر، سازمان انرژی اتمی ایران در تلکس ۲۶ نوامبر ۱۹۸۷ خود به آژانس، با توجه به زیر پا گذاشتن اساس نامه و قطع نامه های آژانس از سوی عراق و حمله نظامی این کشور به تأسیسات هسته ای غیر نظامی ایران، به عنوان عضو آژانس خواستار بررسی موارد زیر شد:

۱. صدور قطع نامه ای مبنی بر محکوم کردن حمله های نظامی عراق (بر اساس قطع نامه های تصویبی آژانس).

۲. تشکیل اجلاس ویژه مشورتی.

۳. فرستادن گروهی از کارشناسان برای بازرسی محل و راهنمایی.

دبیر کل آژانس در تلکس ۲۷ نوامبر ۱۹۸۷ خود به سازمان انرژی اتمی ایران خاطر نشان کرد هرگاه خطر پرتوافشانی اتمی وجود داشته باشد، آژانس موظف است با فرستادن گروه های کارشناسی برای مقابله با عوارض آن به دولت های عضو کمک کند. بنابراین، آژانس آماده است یک گروه کارشناسی را برای ایمنی اتمی و حفاظت از پرتوهای اتمی، به نیروگاه بوشهر گسیل دارد. وی افزود: آژانس آمادگی دارد مانند سال ۱۹۸۵ برای تعیین این که آیا خسارات وارد شده به ساختمان های نیروگاه آن ها را از کار انداخته است یا نه، کمک های کارشناسی ارائه کند.

هرچند آژانس از نظر اجرایی، برای پیش گیری از حمله های عراق قدرت کافی نداشت، ولی توصیه های آن در مورد محکوم کردن عراق در خور توجه است. (۱)

این نکته کلی در مورد نهادهای تخصصی سازمان ملل نیز صادق است که این کارگزاری ها هر چه تخصصی تر و فنی تر باشند، در برابر چالش ها و نفوذهای سیاسی حساسیت کم تری دارند. البته در بیش تر سازمان های بین المللی شاهد چالش ها و نفوذهای سیاسی، تا حد سیاست زدگی این

ص: ۲۳۳

سازمان‌ها هستیم که نشانه عملی آن را در رفتار این نهادها می‌توان دید. بنابراین، از بسیاری موارد ملموس و عینی چشم می‌پوشند و بنا بر ملاحظه‌های سیاسی خاص و نفوذ قدرت‌های بزرگ و اعمال فشار آن‌ها به راحتی از کنار مسایل مهم می‌گذرند.

در پایان گفتنی است ایران افزون بر مورد یاد شده، در طرح‌هایی مانند: راکتور هسته‌ای، پیشنهاد برای انتخاب انرژی _سیکلوترن_، کاربرد تکنولوژی هسته‌ای در تولید غلات و استفاده از امکانات علمی و فنی آژانس برای ساخت و بازبینی نیروگاه اتمی بوشهر، همکاری داشته است.

سخن پایانی

امریکا، مسبب بی‌اعتباری سازمان ملل متحد

بدهی سنگین امریکا به سازمان ملل و بی‌اعتنایی مسئولان کاخ سفید نسبت به این امر از جمله عوامل اصلی پیدایش بحران‌های مالی در این سازمان و نشانه مهمی از بی‌اعتنایی امریکا نسبت به بزرگ‌ترین مرجع شناخته شده بین‌المللی است. رقم بدهی امریکا به سازمان ملل که این سازمان را در آستانه ورشکستگی قرار داده است، اکنون از ۸/۱ میلیارد دلار _ دو سوم مجموع بدهی‌های کشورهای جهان _ فراتر رفته است. با وجود ادعای دولت امریکا در مورد تمایل برای پرداخت این بدهی، مخالفت کنگره امریکا سبب شده تا این مشکل هم‌چنان پابرجا بماند.

ص: ۲۳۴

در میان بنیان گذاران سازمان ملل، هیچ دولتی به اندازه دولت امریکا در مبارزه با اعتبار سازمان ملل، سرمایه گذاری سیاسی و تبلیغی نکرده است. باید این واقعیت را پذیرفت که امریکایی ها همواره سازمان ملل و اعتبار آن را پوششی برای توجیه سیاست های مداخله گرایانه و توسعه طلبانه خود در برخورد با بحران های بین المللی قرار داده اند؛ زیرا خود بسیاری از مصوبه های این سازمان را به راحتی زیر پا گذاشته اند و کاخ سفید در قبال قطع نامه های سازمان ملل همواره برخورد گزینشی داشته است. اصولاً بی اعتنائی امریکا نسبت به بدهی های عقب افتاده اش به سازمان ملل، یکی از جلوه های بی حرمتی این دولت به بزرگ ترین مجمع جهانی است.

وقتی دولت امریکا در پاییز سال ۱۳۷۵ و در جریان پنجاه و یکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل، پطروس گالی، دبیر کل پیشین سازمان را به بی کفایتی در حل بحران مالی متهم کرده بود و با این بهانه می کوشید کوفی عنان را جایگزین وی سازد، همه تحلیلگران سیاسی می دانستند سیاست سلطه جویانه امریکا از عوامل ضعف سازمان ملل و قرار گرفتن آن در آستانه ورشکستگی است.

کوفی عنان پس از انتخاب شدن به عنوان دبیر کل جدید سازمان ملل در نخستین سخنرانی خود تصریح کرد که هیچ اصلاحاتی در این سازمان بدون برخورداری از منابع مالی و بدون پرداخت حق عضویت اعضا، امکان پذیر نخواهد بود. دولت امریکا که با توجه به اساس نامه مالی سازمان ملل موظف به تأمین ۲۵ درصد بودجه این سازمان است، در دو دهه اخیر همواره از این اهرم برای پیشبرد سیاست خود در سازمان ملل سود جسته است. امریکاییان

بدین وسیله کوشیده اند برنامه ها، تصمیم ها و ارکان سازمان ملل را زیر نفوذ و سیطره سیاسی خود درآوردند و متأسفانه تا کنون در این سیاست موفق بوده اند. مقام های بلندپایه امریکایی بارها با گستاخی تصریح کرده اند که بدهی های مالی خود را به سازمان ملل، بدون تأمین دیدگاه های سیاسی شان در این سازمان پرداخت نخواهند کرد.

همان گونه که گفته شد امریکا در حال حاضر حدود ۸/۱ میلیارد دلار به سازمان ملل بدهکار است و این در حالی است که مجموع طلب های سازمان ملل از کشورهای عضو، از ۳ میلیارد دلار تجاوز نمی کند. دولت امریکا هیچ گاه این حجم سنگین بدهی را انکار نکرده، ولی بارها بر لزوم تأمین دیدگاه های کاخ سفید در ساختار و عملکرد این سازمان پای فشرده است.

به این ترتیب، امریکا به مبارزه ای اعلام نشده با سازمان ملل پرداخته است. امریکاییان می خواهند توان این سازمان را در حل و فصل معضل ها و بحران های جهان تحت تأثیر نقشه های استراتژیک خود قرار دهند. این زشت ترین رفتار سیاسی از سوی یک دولت مدعی دموکراسی در قبال سازمان ملل است. (۱) با توجه به این مطالب و رفتار اخیر امریکا با سازمان ملل در جنگ با عراق، باید آینده مبهم و تاریکی را برای این بزرگ ترین مرجع دیپلماسی و بین المللی پیش بینی کرد؛ آینده ای که در آن، امریکا و انگلیس، اعتباری برای این سازمان قایل نیستند و به راحتی به خود اجازه می دهند هرگونه که منافع کوتاه مدت یا دراز مدت شان اقتضا کند، عمل کنند و در این

ص: ۲۳۶

۱- [۱]. امریکا مسبب بی اعتباری سازمان ملل، جمهوری اسلامی، ۱/۴/۷۹.

راستا از هیچ اقدام حتی تهدید شورای امنیت، دبیرکل و... دریغ نوزند. حمله امریکا به عراق نکته های جدیدی را در روابط بین المللی و دیپلماسی پیش روی جهانیان قرار داد که در این روابط جدید بین المللی، سهم سازمان ملل کم رنگ تر شده است.

ص: ۲۳۷

بررسی و نقد عملکرد رسانه در مورد مسایل سیاسی _ بین المللی

با نگاه فشرده به نمودار بزرگ سازمانی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران می توانیم جایگاه دو معاونت سیاسی و برون مرزی و بخش های وابسته به آن را در مورد بررسی مسایل سیاسی و بین المللی تعیین کنیم.

عملکرد معاونت سیاسی و بخش های وابسته مانند: بخش های خبری، برنامه های سیاسی، تحقیق و تفسیر خبر اگرچه قابل تقدیر است، ولی انتقادهایی چون: پراکندگی، روزمرگی، نداشتن برنامه منسجم و درازمدت، تجربی بودن برخی دست اندرکاران، ضعیف عمل کردن در مسایل بین المللی را می توان بر عملکرد بخش های یاد شده وارد دانست. البته نمی توان منکر شد که در سال های اخیر، دگرگونی هایی در این ساختار به وجود آمده است که آثار آن در شبکه خبر، اخبار و برنامه های تحلیلی _ تفسیری و مسایل بین المللی در دیگر شبکه ها مشهود است.

در مورد معاونت برون مرزی نیز باید از فعالیت های این معاونت در ایجاد شبکه های «سحر» و «العالم» تقدیر کرد. هرچند هنوز تا ایده آل برنامه های

سیاسی و تفسیری در سطح برون مرزی فاصله داریم، ولی می توان امید داشت که روزی با شبکه های موفق خارجی، رقابت داشته باشیم.

در زمینه بهبود فعالیت بخش های مربوط با مسایل سیاسی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تخصصی کردن بخش ها. هرچند نمونه آن در بحث اخبار پزشکی شبکه خبر دیده می شود، ولی این رویکرد باید به همه بخش ها به ویژه بخش های گزینش، تحلیل و تحریر خبر، برنامه های سیاسی و تحلیل های سیاسی گسترش یابد که شامل استفاده از استادان رشته های حقوق بین الملل، علوم سیاسی و روابط بین الملل و استفاده از گزارشگران حرفه ای و کارشناس در مسایل سیاسی است.

۲. بهره گیری از پایگاه های اینترنتی برای دریافت متون خبری و استادان علوم سیاسی برای ارائه تحلیل های سیاسی جدید.

۳. تلاش برای درآوردن شبکه های استانی از خمودی و روزمرگی و کشاندن آن به سمت تولید و پخش برنامه ها و اخبار سیاسی روزآمد.

۴. فعال کردن باشگاه خبرنگاران جوان، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران و استفاده از ایسنا و دیگر خبرگزاری ها.

۵. دعوت از استادان رشته های علوم سیاسی، روابط بین الملل و حقوق بین الملل در تحلیل های خبری، تحلیل مسایل نوین سیاسی و بیان اهمیت، نقش و جایگاه موضوع یاد شده برای ایران.

۶. بیان اخبار با رهیافت ملی، تکرار صحیح، شدت و ضعف منطقی و ایجاد حساسیت با در نظر گرفتن نیازها و مسایل بین المللی.

۷. برخورد منطقی با منتقدان مسایل سیاسی کشور و استفاده بهینه از صاحب نظران با گرایش های گوناگون.

۸. برقراری ارتباط فعال با خبرگزاری های خارج از کشور و استفاده از کارشناسان مسلط بر مسایل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای خارجی.

موضوع های مناسب برای برنامه سازی

۱. ساخت برنامه ای تحلیلی برای مقایسه «حقیقت» و «واقعیت» حقوق بشر در عرصه بین الملل.

۲. ساخت برنامه هایی برای مقایسه سیاست خارجی کشورهای در حال توسعه در قبال دخالت های امریکا در مسایل داخلی این کشورها.

۳. ساخت برنامه های آموزشی برای آشنایی افکار عمومی با ساختار و شیوه کار سازمان های بین المللی در عرصه بین الملل با محوریت سازمان ملل متحد.

۴. ساخت فیلم های سینمایی یا سریال های تلویزیونی داستانی یا مستند در مورد فعالیت های سیاسی دبیر کل سازمان ملل متحد (فعالیت های مثبت و منفی آن ها).

۵. تهیه برنامه های ترکیبی در مورد فلسفه وجودی مسئله _حق و تو_، روند استفاده از آن تا کنون، و ارایه راه حل برای تعدیل آن.

پرسش های مردمی

۱. کشورهای دارای حق و تو را نام ببرید؟

۲. دبیر کل کنونی سازمان ملل کیست و آیا در رهبری بحران های بین المللی از طرف سازمان ملل موفق بوده است؟

ص: ۲۴۰

۳. چند کشور عضو سازمان ملل هستند؟
۴. مدت دبیر کلی سازمان ملل چند سال است؟
۵. دیوان بین المللی دادگستری در چه سالی به طور رسمی آغاز به کار کرد؟
۶. دیوان بین المللی دادگستری مرکب از چند قاضی است؟
۷. جامعه ملل چیست؟ چرا سازمان ملل ایجاد شد؟
۸. ۵ مورد از آژانس های تخصصی سازمان ملل را نام ببرید؟
۹. یونسکو با سازمان ملل چه رابطه ای دارد و دارای چه وظایفی است؟
۱۰. سازمان ملل دارای چند رکن اصلی است؟
۱۱. چه رکن هایی از این ارکان اصلی دارای ارکان فرعی هستند؟
۱۲. سازمان ملل تا کنون چند عملیات صلح انجام داده است؟
۱۳. هدف اصلی سازمان ملل چیست؟
۱۴. نخستین دبیرکل سازمان ملل که بود؟
۱۵. سازمان ملل تا به حال چند دبیر کل داشته است؟
۱۶. گروه بانک جهانی از چند مؤسسه تشکیل شده است؟
۱۷. دو نوع صلاحیت دیوان بین المللی دادگستری را نام ببرید؟
۱۸. مهم ترین رکن فرعی شورای امنیت چیست؟
۱۹. روز ملل متحد چه روزی است؟
۲۰. سازمان ملل در چه سالی تأسیس شد؟
۲۱. منشور ملل متحد چند فصل و چند ماده دارد؟
۲۲. زبان های رسمی سازمان ملل کدامند؟

۲۳. کار اصلی شورای امنیت چیست و چند عضو دارد؟

۲۴. سازمان ملل متحد چند آژانس تخصصی دارد؟

۲۵. عملکرد دوگانه شورای امنیت را در قبال جنگ تحمیلی عراق و ایران و جنگ عراق و کویت چگونه تحلیل می کنید؟

۲۶. نفوذ امریکا را در سازمان ملل تا چه اندازه در اقدامات این سازمان مؤثر می دانید؟

۲۷. سازمان ملل در زمینه ارتقای حقوق بشر چه کارهای مهمی انجام داده است؟

۲۸. یونیسف در چه حیطه ای کار می کند؟

۲۹. دادگاه لاهه چیست و مقر آن کجاست؟

پرسش های کارشناسی

۱. نقش و جایگاه سازمان های بین المللی را در قرن بیستم و بیست و یکم چگونه ارزیابی می کنید؟

۲. رابطه ایران با سازمان های بین المللی به ویژه سازمان ملل در پیش و پس از انقلاب چگونه بوده است؟

۳. آیا برای سازمان ملل می توانیم قدرتی فراتر از قدرت اعضای آن تصور کنیم؟

۴. آیا عملکرد شورای امنیت در برابر ایران پس از انقلاب به ویژه در زمان جنگ تحمیلی، با منشور و وظایف تصریح شده در

منشور برای این رکن، همسان و منطبق بوده است؟ اگر این گونه نبوده، دلیل آن چیست؟

۵. حق وتو را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا در قرن جاری، اصلاح یا تعدیل آن با توجه به واقعیت های عینی ضرورت دارد؟ راهکار شما برای تعدیل یا اصلاح آن چیست؟

۶. سازمان کنفرانس سران کشورهای اسلامی چگونه می تواند در عرصه بین المللی از حقوق مسلمانان دفاع کند؟

۷. عملکرد سازمان ملل را از زمان تأسیس تا کنون چگونه تحلیل می کنید؟

۸. آینده سازمان ملل را با توجه به رویدادهای بین المللی چگونه می بینید؟

۹. آژانس های تخصصی سازمان ملل چگونه فعالیت می کنند؟ رابطه دولت ایران پس از انقلاب با این آژانس ها چگونه است؟

۱۰. می دانید که دبیر کل سازمان ملل با توصیه شورای امنیت از سوی مجمع عمومی انتخاب می شود و در معرض وتوی هر یک از ۵ عضو دائم شورا قرار دارد که همین مسئله سبب فشار بر این سازمان می شود. برای رهایی از این گرفتاری، چه راه حلی پیشنهاد می کنید؟

۱۱. دلایل مدافعان و مخالفان حق وتو چیست؟

۱۲. در اقدامات شورای امنیت بر اساس ماده ۴۱ و ۴۲ منشور ملل متحد چه تفاوتی وجود دارد؟

۱۳. آثار حقوقی حق وتو چیست؟

۱۴. بودجه سازمان ملل چگونه تنظیم و تصویب می شود؟

۱۵. دیوان بین المللی دادگستری در مورد کدام موضوع های حقوقی صلاحیت ندارد؟

۱۶. وظایف کمیساریای عالی پناهندگان چیست و از چه ارکانی تشکیل شده است؟
۱۷. رابطه ایران و بانک جهانی را پس از انقلاب به ویژه در سال های اخیر چگونه ارزیابی می کنید؟
۱۸. نظر شما در مورد پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی چیست؟
۱۹. وظایف و ارکان آژانس انرژی اتمی IAEA کدامند؟
۲۰. برای اصلاح ضعف های سازمان ملل متحد در عمل و در عرصه بین الملل چه پیشنهادهای کاربردی دارید؟
- معرفی مراکز مرتبط با مسایل سیاسی _ بین المللی
- از میان مراکزی که می توانند با موضوع این نوشتار ارتباط داشته باشند، به برخی اشاره می شود:
۱. دفتر سازمان ملل در تهران
 ۲. دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت خارجه
 ۳. دفتر وام های بین المللی در سازمان سرمایه گذاری و کمک های اقتصادی و فنی
 ۴. کمیسیون ملی یونسکو در ایران
 ۵. نمایندگی سازمان بهداشت جهانی در تهران
 ۶. وزارت کار و امور اجتماعی
 ۷. وزارت جهاد کشاورزی
 ۸. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران
 ۹. معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصاد و دارایی

۱۰. خانه کارگر در تهران

۱۱. مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد

۱۲. کمیساریای سازمان ملل متحد در امور پناهندگان

۱۳. صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)

۱۴. صندوق جمعیت سازمان ملل متحد

۱۵. برنامه های جهانی غذا (سازمان ملل متحد)

۱۶. برنامه عمران سازمان ملل متحد

ص: ۲۴۵

معرفی پایگاه های اینترنتی

نام سازمان بین المللی

نام پایگاه اینترنتی

WWW.un.org

united Natio

WWW.un syst.org ۱

united Nations system

WWW.undp.org ۲

UNDP) united Nations Development Progrmme)

WWW.unv.org ۳

united Nations Volunteers

WDevelopment (UNCTAD) WW.unctad.org ۴

united Nations Conference on Trade and

WWW.unep.org ۵

(united Nations Environment Programme (UNEP

WWW.unhcs.org ۶

(united Nations Center for Human Settlements. (Habitat

WWW.unfpa.org ۷

united Nations Population Fund (UNFP

WWW.wfp.org ۸

(World Food Programme (WFP

WWW.unu.edu ٩

(united Nations university (UNU

WWW.unaids.org

Joint united Nations Programme on HIV/AIDS

WWW.ilo.org ١١

ص: ٢٤٤

(International Labour organization (ILO

WWW.fao.org ١٢

(Food and Agriculture Organization of the united Nations (FAO

WWW.unesco.org ١٣

(united Nations Edncational,Scientific and Cultural Organization. (UNESCO

WWW.who.org ١٤

(World Health Organization (WHO

WWW.worldbank.org ١٥

World Bank

WWW.imf.org ١٦

International Monetary Fund

WWW.icao.int ١٧

(International Civil Aviation organization (ICAO

WWW.upu.int ١٨

(Universal Postal Union (UPU

WWW.itu.int ١٩

(International Telecommvnication Union (ITU

WWW.wmo.ch ٢٠

(World Meteorological Organization (WMO

WWW.imo.org ٢١

(International Maritime Organization (IMO

WWW.wipo.int ٢٢

(World Intellectual Property Organization (WIPO)

WWW.ifad.org ٢٣

(International Fund for Agricultural Development (IFAD

WWW.unido.org ٢٤

(United Nations Industrial Development Organization. (UNIDO

WWW.iaea.org ٢٥

(International Atomic Energy Agency (IAEA

۱. آقابخشی، مینو و علی افشاری، فرهنگ علوم سیاسی، نشر چاپار، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۲. آقایی، سید داوود، نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، انتشارات پیک فرهنگ، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۳. آکهرست، مایکل، کلیات نوین حقوق بین الملل، مهراب داراب پور، انتشارت جهان معاصر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۴. آهنی، علی، فرانسه و مجامع بین المللی در برابر بحران خلیج فارس، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲.
۵. ابی صعب، ژرژ، مفهوم سازمان بین المللی، ایرج پاد، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۶. باوت، دی.و، حقوق بین المللی سلاح های کشتار جمعی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۷.
۷. باوت، ویلیام، درک تحولات نوین در شیوه های حل و فصل اختلافات، زهرا کسمتی و علی رضا طیب، نشر نی، تهران، ۱۳۷۹.
۸. توتونچیان، ایرج، اقتصاد پول و بانکداری، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۷۵.

۹. ثقفی عامری، ناصر، سازمان ملل متحد، مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۰.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، فلسفه حقوق بشر، نشر اسراء، ۱۳۷۷.
۱۱. خامنه ای، سید علی، رساله اجوبه الاستفتائات، ترجمه فارسی، شرکت چاپ و نشر بین الملل وابسته به مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۱۲. خمینی، سید روح الله، ترجمه تحریر الوسیله، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۷۵.
۱۳. دورموای، دانیل، حقوق سازمان های بین المللی، کمال الدین هریسی نژاد، نشر جامع پژوهش، تهران، دانیال، ۱۳۷۹.
۱۴. ذوالعین، پرویز، حقوق کنسولی، وزارت امور خارجه، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۷۴.
۱۵. شایگان، فریده، عملیات حفظ صلح سازمان ملل متحد، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۲.
۱۶. شریف، محمد، بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت، انتشارات اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳.
۱۷. شریفی طراز کوهی، حسین، حقوق بشر در پرتو تحولات بین المللی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۷.
۱۸. صفدری، محمد، حقوق بین الملل عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۴۰.

۱۹. عامری، هوشنگ، کارگزاری های تخصصی سازمان ملل متحد، فریدون مجلسی، وزارت امور خارجه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۲۰. عراقی، سید عزت الله، حقوق بین المللی کار، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۷.
۲۱. علی زاده موسوی، سیدمهدی، افغانستان، ریشه یابی و بازخوانی تحولات معاصر، کیش مهر، قم، ۱۳۸۰.
۲۲. فریدی عراقی، عبدالحمید، روش های مسالمت آمیز حل و فصل اختلافات بین المللی، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۶۹.
۲۳. قائم مقام فراهانی، سید عبدالمجید، حقوق بین الملل سازمان های بین المللی، نشر دادگستر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۲۴. کرمی، جهانگیر، شورای امنیت سازمان ملل متحد و مداخله بشر دوستانه، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۵.
۲۵. کلییار، کلود آلبر، سازمان های بین المللی از آغاز تا به امروز، هدایت الله فلسفی، نشر فاخته، تهران، ۱۳۷۲.
۲۶. کی نیا، جعفر، حقوق سازمان های بین المللی، انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران، ۱۳۵۴.
۲۷. گلریز، حسن، سازمان های پولی و مالی بین المللی، دانشکده علوم بانکی، تهران، ۱۳۶۹.
۲۸. گنجی، منوچهر، سازمان ملل متحد در عمل (جلد دوم)، شرکت سهامی کتاب های جیبی، تهران، ۱۳۵۲.

۲۹. محتشم دولتشاهی، تهماسب، سازمان های اقتصادی بین المللی، انتشارات ویستار، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۳۰. مستقیمی، بهرام و مسعود طاری سری، مسئولیت بین المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۳۱. مصفا نسرین (و دیگران)، راهنمای سازمان ملل متحد (مؤسسات تخصصی و وابسته و رابطه جمهوری اسلامی ایران با آن ها)، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۴.
۳۲. مصفا، نسرین (و دیگران)، راهنمای سازمان ملل متحد (ارکان فرعی و دیوان بین المللی دادگستری)، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۴.
۳۳. معیری، منوچهر، نقش دبیر کل سازمان ملل متحد در وقایع سیاسی جهان، تهران، انتشارات کتاب فروشی دهخدا، ۱۳۴۴.
۳۴. ممتاز، جمشید، حقوق بین المللی سلاح های کشتار جمعی، نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۷.
۳۵. منصفی، ابوالقاسم، سازمان های بین المللی، انتشارات دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی، تهران، ۱۳۵۸.
۳۶. موسی زاده، رضا، حقوق معاهدات بین المللی، نشر میزان و نشر دادگستر، تهران، ۱۳۷۷.
۳۷. موسی زاده، رضا، سازمان های بین المللی، نشر میزان و دادگستر، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۳۸. موسی زاده، رضا، کلیات حقوق بین الملل عمومی، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۶.
۳۹. میرزایی ینگجه، سعید، ایران و صلاحیت اجباری دیوان بین المللی دادگستری، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۴۰. میرزایی ینگجه، سعید، تحول مفهوم حاکمیت در سازمان ملل متحد، وزارت امور خارجه، مؤسسه چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۷۳.
۴۱. میرسعید قاضی، علی، زندگی نامه دبیر کل های سازمان ملل متحد و فعالیت های سیاسی آنها، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
۴۲. میرسعید قاضی، علی، نیروهای حافظ صلح سازمان ملل، کلاه آبی ها، نشر قومس، تهران، ۱۳۷۳.
۴۳. مؤمنی، فرشاد، آثار و پی آمدهای فرهنگی عضویت ایران در گات، انتشارات روش، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۹.
۴۴. نم، کلت و ژاک، تم، سازمان های اقتصادی بین المللی، تهران، ابراهیم مدرسی، انتشارات مرکز مطالعات عالی بین المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تهران، ۱۳۵۳.
۴۵. نواده توپچی، حسین، مقدمه ای بر حقوق بین الملل هوایی، نهاجا، ۱۳۷۷.
۴۶. وبر، البرشت، تاریخچه سازمان های بین المللی اقتصادی (جلد اول)، تهماسب محتشم دولتشاهی، انتشارات خوشه، ۱۳۶۶.

۴۷. وزارت امور اقتصادی و دارایی، تحلیل پیرامون تجارت (تجربه عملی پیوستن برخی از کشورها به سازمان تجارت جهانی و آثار اقتصادی الحاق ایران به آن)، معاونت اموراتصادی، تهران، ۱۳۷۴.

۴۸. وزارت امور خارجه، شناسنامه سازمان های بین المللی، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۶۲.

۴۹. هدایتی خمینی، عباس، شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران، ۱۳۷۰.

ب) نشریه ها

۱. پژوهش نامه اقتصادی، جهانی شدن و چالش های پیش رو، مهدی تقوی.

۲. پژوهش نامه علمی _ پژوهشی اندیشه صادق، مباحث فرهنگی جهانی شدن، گفت و گو با پرفسور حمید مولانا.

۳. پژوهش نامه علمی _ پژوهشی اندیشه صادق، جهانی شدن؛ خطر یا رؤیا، انتخاب یا الزام، غلام رضا گودرزی.

۴. ترجمان سیاسی، پنج فضیلت کوفی عنان، شماره ۴۰.

۵. روزنامه ابرار، ۲۶/۱۱/۱۳۷۸.

۶. روزنامه اطلاعات، ۲۸/۱۱/۱۳۷۰.

۷. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱/۴/۱۳۷۹.

۸. روزنامه رسالت، ۲۱/۷/۱۳۷۶ و ۶/۲/۱۳۷۹.

۹. روزنامه قدس، ۱۸/۴/۱۳۸۰.

۱۰. روزنامه کیهان، ۹/۴/۱۳۷۱.

ص: ۲۵۳

۱۱. فصل نامه دیدگاه های حقوقی، جانیان بشریت در افغانستان و کابوس محاکمه بین المللی، غلام حیدر علامه، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری.

۱۲. گزارش، تحلیل اعترافات یک دبیر کل ناکام سازمان ملل، امیر حسین فرزانه، شماره ۱۰۵، ۱۳۷۸.

۱۳. مجله تحقیقات حقوقی، بدیع بودن معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای در قلمرو حقوق بین الملل، شماره ۱۶ _ ۱۷.

۱۴. مجله تحقیقات حقوقی، شورای امنیت و صلح جهانی، هدایت الله فلسفی، شماره ۱۸ و ۱۹، ۱۳۶۹.

۱۵. مجله حقوق بشر، ایالات متحده و استعمال سلاح های هسته ای، ایرج صدیقی، شماره ۳۱.

۱۶. نشریه دیدگاه ها و تحلیل ها، اداره کل امور حقوقی، شماره ۱۲۵.

ج) پایان نامه ها

۱. بصیری، محمدعلی، کاربرد سلاح های شیمیایی از جنگ جهانی اول تا کنون؛ مسایل تاریخی، حقوقی، سیاسی و دیدگاه اسلام.

۲. کرمی، امیرسعید، نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد در بحران کویت.

۳. مرادی نسب، احمد، تحول نقش مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

د) جزوه های درسی

۱. اسماعیلی، محسن، جزوه درسی مالکیت معنوی.

۲. فناپیان، جزوه درسی سازمان های تخصصی سازمان ملل متحد.

ه) پایگاه های اینترنتی

۱. WWW.un.Org

ص: ۲۵۴

.WWW.unsyst.Org ٢

.WWW.unicef.Org ٣

.WWW.ilo.Org ٤

.WWW.fao.Org ٥

.WWW.unesco.Org ٦

.WWW.who.int ٧

.WWW.imf.int ٨

.WWW.icao.int ٩

.WWW.wipo.int ١٠

.WWW.iaea.Org ١١

.WWW.unsyst.Org ٢

.WWW.unicef.Org ٣

.WWW.ilo.Org ٤

.WWW.fao.Org ٥

.WWW.unesco.Org ٦

.WWW.who.int ٧

.WWW.imf.int ٨

.WWW.icao.int ٩

.WWW.wipo.int ١٠

.WWW.iaea.Org ١١

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌ات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

